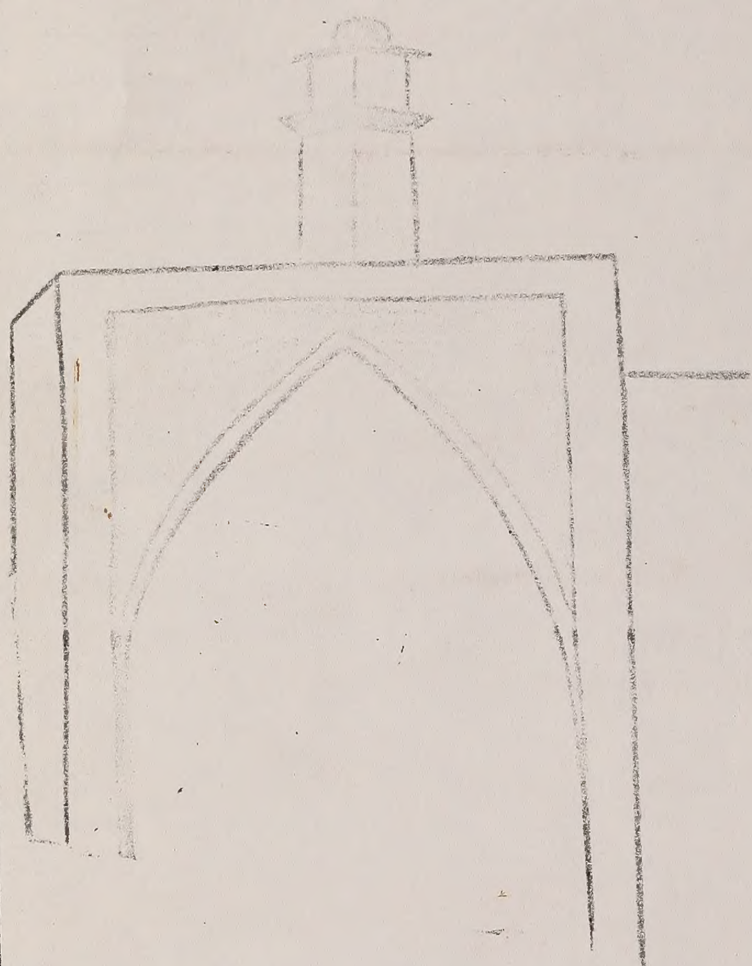
آگاهی از دردها و نیازهای مردم نباید طلبه و دانشجو را از کسب علم باز دارد

حجة الاسلام خامنه‌ای

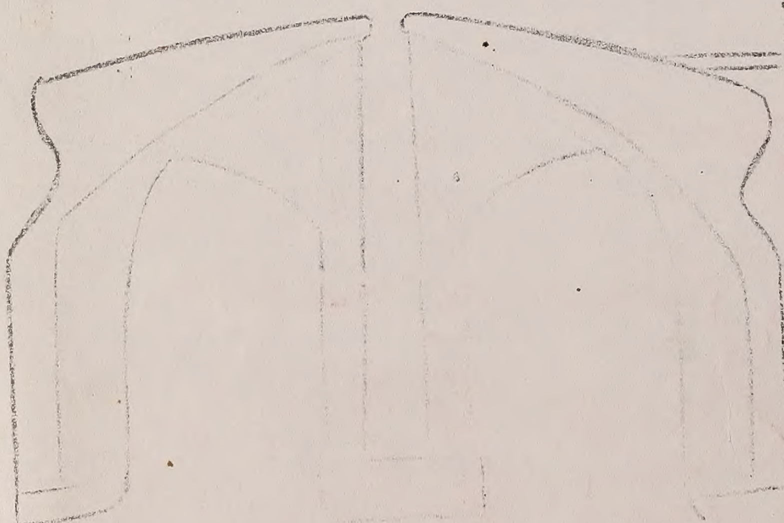


- ها وبا هنرها را نشانه روند. که اگر مطهری زنده باشد نمی گذارد افکار مادی و الحادی از طریق غرب زده‌ها و شرق زده‌ها به مغزهای فرزندان این جامعه تزریق شود. و تشنگان معرفت را با آب زلال معارف الهی سیراب میکند. اگر بهشتی زنده باشد با بیان رسا و قلم توانا و اندیشه ناب و تدبیر بی نظیرش و به کمک شناختی که از مکتب های فکری و فلسفی شرق و غرب آنهم با مطالعه متن اصلی آنها دارد به جنگ الحاد و مادیگری و انحراف و التقاط میرود. او با عمق اندیشه خود و با صبر و متانت و ژرف نگری مخصوص به خود و با صلابت کم نظیرش چنان به پیکار شرق مداران و غرب زدگان می رود که بوق و کرنا دستان از فرنگ آمده را وادار میکند به سوراخهای خود بخزند.

اگر مفتح و باهنر زنده باشند با رایحه دل انگیز معارف قرآنی که از سر و روی آنها استشمام میشود فضای دانشگاه را اسلامی و قرآنی می کنند. و دیگر مجالی برای ورود فرهنگ های بیگانه باقی نمیماند.

آنها تا بودند سمبل های درخشندگی "مداد العلما" بودند و اکنون که شهید شده اند سمبل های فضیلت "دماء الشهداء" هستند و آنها این هر دو را در خدمت فرهنگ اسلامی بکار گرفتند و به کمک مرکب قلم و خون خود به یاری رشد اندیشه اسلامی برخاستند.

اکنون با پیروزی انقلاب اسلامی و با گامهائی که در جهت انقلاب فرهنگی برداشته شده است مردم ما انتظار دارند در آینده دانشگاههای ما مکانهائی باشند که جسم و جان فرزندان این آب و خاک را می پرورند و تنها به جسم اکتفا نمی کنند. ملتی که برای حاکمیت فرهنگ اسلامی آنهمه شهید داده است دیگر نمی توانند نظاره گر فرهنگ وارداتی باشد و امید آن دارد که به همت والای همه کسانی که سالگرد وحدت حوزه و دانشگاه را گرامی داشته اند و به همت والای همه کسانی که قلبشان برای اسلام عزیز و برای انقلاب شکوهمند اسلامی میطپد در آینده دانشگاه اسلامی و آزاد از تسلط فرهنگهای شرقی و غربی داشته باشد.



"وحدت شکنان اسوه‌های وحدت را شکستند"

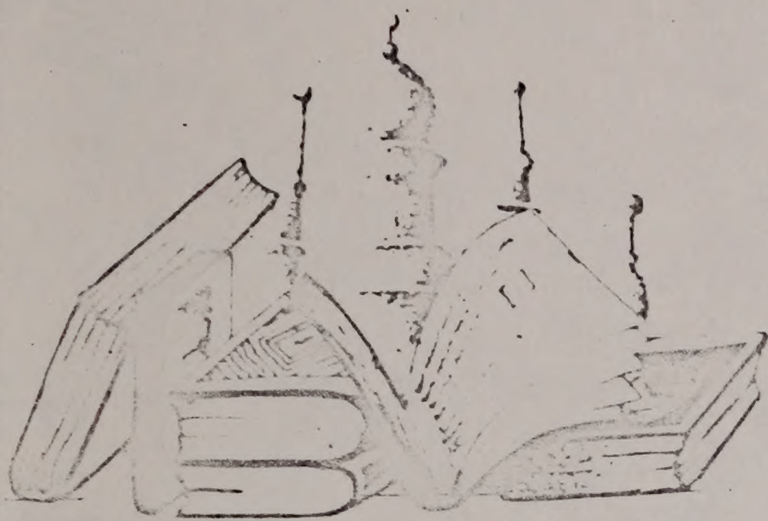
٧

پیوندحوزه‌ودانشگاه درطول تاریخ با مخالفت آنهاکه‌هم دشمن حوزه‌بودندوهم دشمن دانشگاه روبروبوده .سلاطین وزورمداران همواره درتلاش بودند ،ازیکسودین راوعلوم دینی رابه‌استخدام خودرآوردندواگردرقلمرووحکومت خودچشم دیدن حوزه‌ای رادارند ،حتما "حوزه‌ای باشد .که‌حوزه قدرت آنها رابخطرنیاندازدوازسوی دیگرکوشش میکردنددانشگاه راتحت سیطره‌خودداشته‌باشندو نگذارندهیچ علمی وهیچ تخصصی درخدمت کسی جز آنان وچیزی جزمنافع آنان باشد .اگرامام باقر وامام صادق علیهما السلام لازم می بینندحوزه‌ای ترتیب دهندکه‌هم زراره‌بعنوان یک فقیه‌بزرگ ویک راوی والامقام وهم جابربن حیان وابوریحان و رازی وبوعلی وخواجه‌نصیرطوسی و....بعنوان کسانی که‌فقه‌واصول وریاضیات وفلسفه‌وشیمی و فیزیک وعلوم دیگرراتواما "اندوخته‌اندشاگردان بی واسطه‌وبا واسطه‌آن باشنددقیقا "به‌این دلیل است که‌با توطئه‌جدا سازی قلمروعلوم حوزه‌ای از- قلمروعلوم دانشگاهی مبارزه‌کنند .

بی تردیدپهلوی ها با اشارات اربابان خود می دانستندکه‌اگردانشگاه سالم باشدجامعه‌سالم خواهدبودودریک جامعه‌سالم جائی برای آنها وجود نخواهدداشت وهمچنین بدون شک پی برده‌بودندکه اگرحوزه‌علمیه‌منزوی نباشد ،هم دانشگاه رااز‌خطر سقوط دردامن فرهنگ غرب نجات خواهدداد وهم جامعه‌را بسوی سلامت خواهدبردودراینصورت هم دینگرجائی برای پهلوی درایران وجودنخواهد داشت .این نکته‌ها راشهدای بزرگ ما مطهری ،بهشتی ،مفتح وباهنرنیک دریافته‌بودند .آنها علاوه‌براین دریافته‌بودندکه‌میتوانندازدیوارضخیم وبلندی که پهلویها بدستوراربابانشان میان حوزه‌ودانشگاه کشیده‌بودندعبورکنندو... دها رااز‌میان بردارند وباطل السحرجدائی حوزه‌ودانشگاه باشندآنها به دانستن این نکته‌اکتفانکردندوبرای رسیدن به آنچه‌به‌آن میاندیشیدندقیام کردندواین حرکت بیش ازبیست سال قبل ازپیروزی انقلاب اسلامی آغازشد .

حقیقت اینست که‌آمریکا ودیگرمستکبران ازطریق رخنه‌درفرهنگ جامعه‌های اسلامی وازجمله‌ایران بیش ازهرطریق دیگرتوانستندبه‌استعمارواستثمار مسلمانها بپردازند .

لذا این خودکافی است تاگلوله‌های آمریکائی گروهک فرقان وبمبهای آتشزای گروهک مجاهدین خلق مغزها وبدنهای مطهرمطهریها ومفتح ها وبهشتی



اگر بین این دو قشر (روحانی و دانشگاهی)
اختلاف پدید آید و شکاف قشر
برای همیشه پیشرفت قشر جامعه
راهی دیگر مطمئن باشید
اولین مرحله شکست و عقب
نشینی و پدید تحجر همین جاست

«شهید آیت الله مفتح»

وحدت حوزه و دانشگاه چگونه امکان پذیر است؟

پیشنهادات رئیس جمهور برای وحدت دانشجو و روحانی : ۱ـ اساتید و دانشجویان عزیز و ارجمند دانشگاهها علیرغم توطئه‌ها و تبلیغات دشمنان، شناخت محیط طلبگی را در سرنامه کار خود قرار دهند، متجاوز از هزار سال است که کار تعلیم و تعلم و تحقیق در حوزه‌های علمیه جریان دارد، شناخت واقعی این محیط از دور میسر نیست. این محیط قطعاً "نکات جالب و آموزنده‌ای بهمراه دارد که دریغ است دانشگاهیان از آن بی خبر بمانند و بدون مشاهده که نخستین مرحله تحقیق است در این باب نظر دهند.

۲ـ روحانیون با حضور در دانشگاهها عملی متقابل انجام دهند. در دانشگاهها نکات بسیاری برای آموختن وجود دارد و روحانیون با ذهنهای آماده‌شان، برای یاد گرفتن، میتوانند در دانشگاه بیاموزند و بیاموزانند و متقابلاً" از اساتید دانشگاهها برای تدریس در حوزه‌ها دعوت کنند،

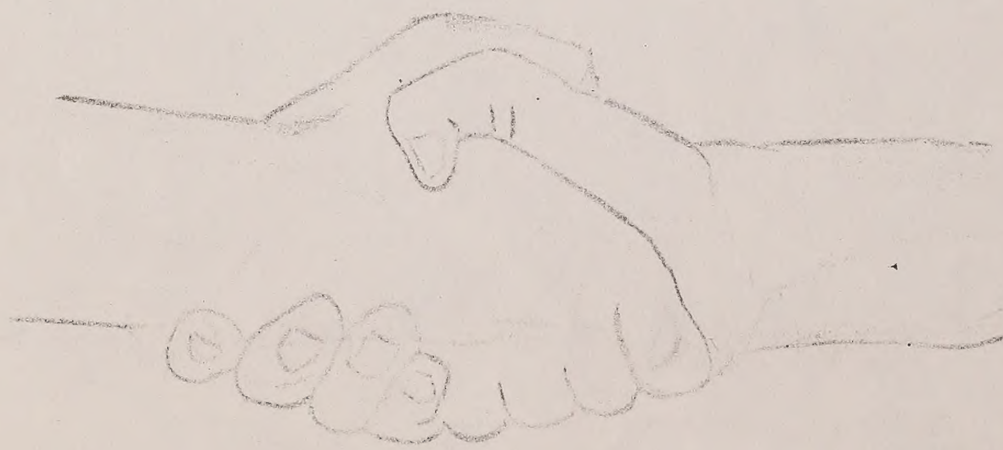
۳ـ نظام طلبگی نظام کشف نشده‌ای است، در رژیم گذشته از هر نظام موفق و ناموفق آموزشی جهانی در برنامه‌ریزی های دانشگاهی استفاده کرده‌اند. اما طراحان و برنامه‌ریزانی که از سنتهای آموزشی جامعه خویش کوچکترین اطلاعی نداشتند و یا داشتند و مامور اجرای برنامه‌های غربی بودند هیچگاه از خود نپرسیدند: بر حوزه‌های علمیه چه عواملی حاکم است که چراغ آموزش و تحقیق در آنها علیرغم توطئه
ـ های حکام و فرمانروایان و با همه کارشکنی های عوامل آنها سالهای سال روشن مانده است

۴ـ انقلاب اسلامی ایران قبل از هر چیز یک انقلاب معنوی است، اگر این انقلاب که خود حاصل فداکاری
ـ ها و ایثارهای همه مردم از جمله روحانیون و دانشگاهیان است توانسته با شد که مبشر و مبلغ معنویت و مروّج آن در جامعه شود به بخش عمده‌ای از اهداف خود دست یافته است. حضور و رسوخ معنویت در جامعه بوضوح دیده میشود و در همه ابعاد آن از جنگ که اولین مساله است تا کارخانه، خانه، مدرسه و حتی در نحوه مصرف و راه و روش زندگی روزمره مردم به چشم می خورد. بدیهی است که هم در دانشگاه و هم در حوزه‌های علمیه نباید جز این باشد. خلاء معنویت از آفات اجتماعی در رژیم گذشته بوده است دانشگاهها و حوزه‌ها برای دفع این آفت در خود و در جامعه نقش مهم و مسئولیت عمده بر عهده دارند.

۵ـ نظریه (علم برای علم) افسانه کهنه‌ای است که بخصوص در یک جامعه انقلابی پذیرفتنی نیست علم اگر برای انسان، برای آرمانهای انسانی، برای بشریت که غایت آن رسیدن به خداست، باشد معنی پیدا میکند. حوزه‌های علمیه و دانشگاهها را به تفکر در این باب دعوت میکنم .

۶ـ فلسفه ناهماهنگی و ناهمگونی دانشگاه و حوزه علمیه از القائات دشمنان خدا و خلق است (متصل جانهای مردان خداست) آنان که این فلسفه را تبلیغ و القاء میکنند البته در پی فراهم آوردن ـ وسایل و اسباب و علل آن نیز هستند دانشگاهیان و روحانیون برای ردّ این نظر و خنثی کردن نقشه دشمنان باید با هوشیاری عمل کنند و عملاً" نادرستی آن را به اثبات برسانند.

۷ـ تشکیل سمینارها و ایجاد گردهمایی ها در زمینه وحدت بین حوزه و دانشگاه تا روزی که وحدت عملاً" و بنحو گسترده حاصل شود ضروری است .

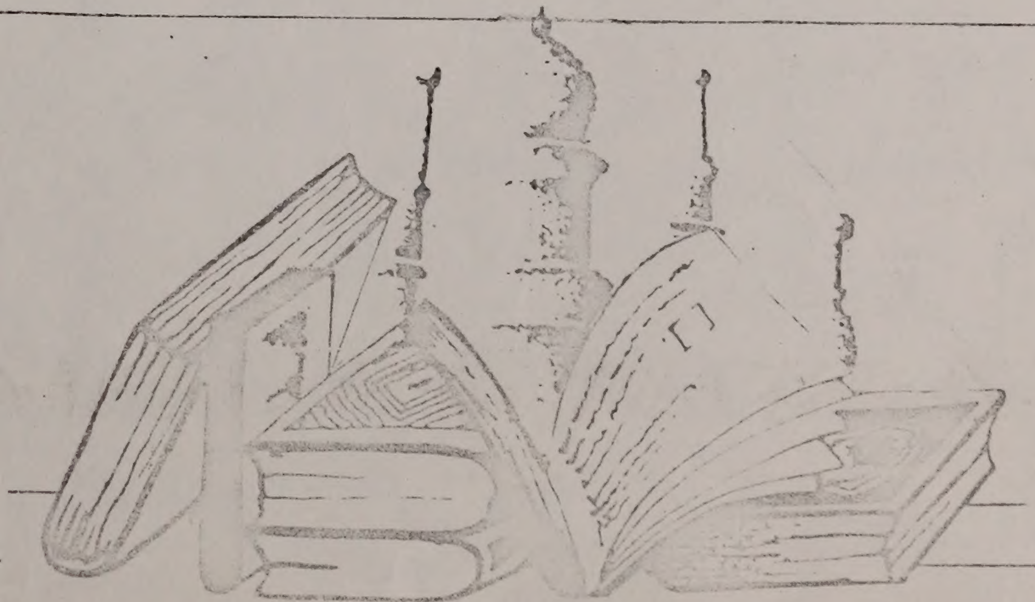


ودرحجره‌ای کوچک ومحقردرمدرسه "دارالشفاء" باجدیت فراوان به‌کسب معارف پرداخت. هنوزدیر زمانی ازهجرت استادشهیدبه‌قم نگذشته بودکه براثرذوق وشورفراوان باطی مراحل تحصیل، مدرسی بزرگ درحوزه‌گردید.

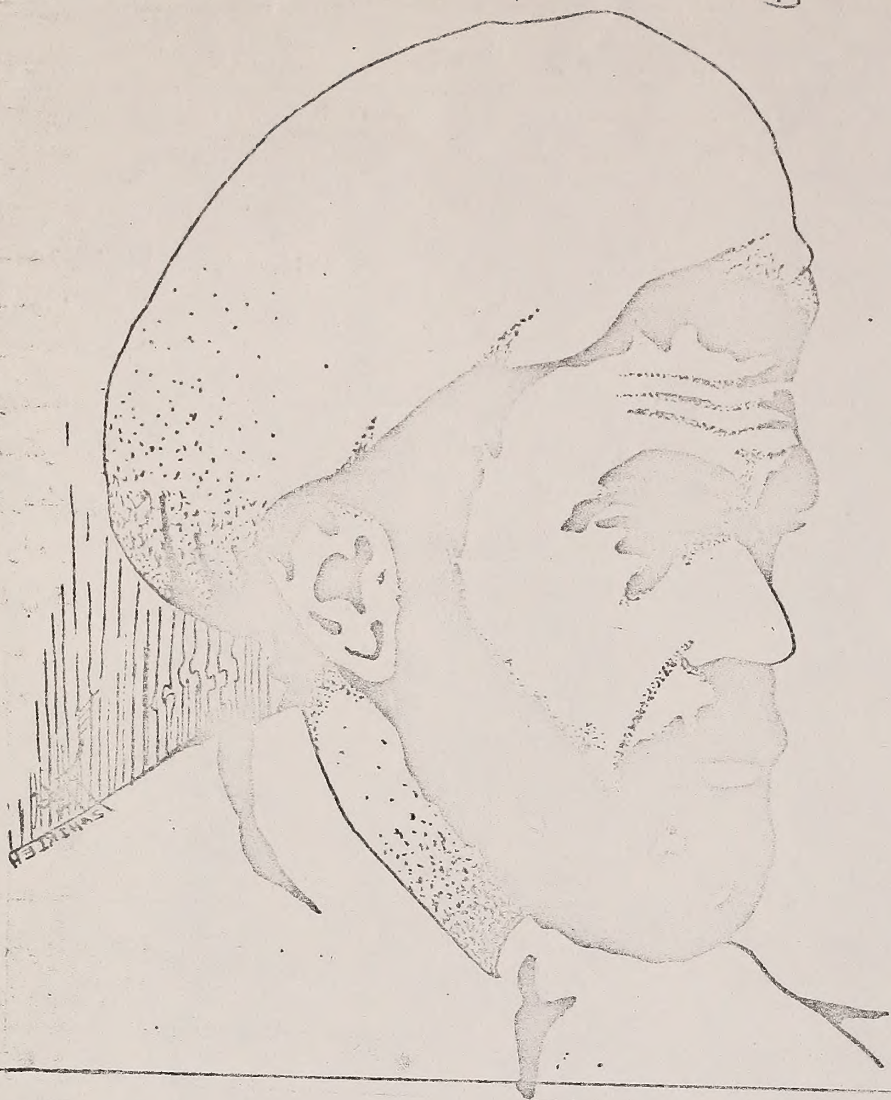
درزمانیکه تبلیغات استعمارگران، دانشگاه رادرنظرعلماکفرستان کرده بودوتحصیل علوم جدیده رااعراض ازدین ورفتن به‌دانشگاه رابرای عالم ننگی بزرگ مصورساخته بود، شهیددکترمفتح به‌همراه‌تنی چندازهم فکرانش، باکنارگذاردن افکارپوچ وموهوم استعماری، درحالیکه درقم استادی بزرگ بود، پابه‌دانشگاه گذاردکه‌این عمل، مشکلات زیادی رابرای وی بدنبال داشت. اوکه تربیت شده‌ٔ فقر، بزرگ شده‌ٔ حوزه وعاشق علم ودانش بودوبرای شکستن بتهای عظیم وفولادین فریب ومکراستعمارچیان دون تبرابراهیمی وزبان محمدی به‌خدمت گرفته بود، بدنبال ورودبه‌دانشگاه موردطعن قشریونی قرارگرفت که‌به‌خیال خام وپرحماقت خودبه‌اوپندهای ناصحانه‌می دادندواورا به‌راه‌راست بازمی گردانند. اما شهیددکترمفتح پایداروااستوار، باایمانی راسخ وفولادین درهمان زمان که‌درحوزه‌به‌درجه‌اجتها درسیددردانشگاه‌نزدکترای خودراکه‌تحقیقی عمیق وبنیادین درباره‌ٔ نهج البلاغه‌بودبه‌عالم علم وفرهنگ هدیه‌ودرجه‌دکترای خویش رادررشته‌ٔ الهیات دریافت نمود.

دکترمحمدمفتح پس ازگذراندن دوره‌ٔ دانشگاه، علاوه‌برتدریس درحوزه، به‌تدریس دردبیرستانهای قم پرداخت وشایددرآن هنگام درحوزه‌ٔ علمیه‌ٔ قم تنهاکسی بودکه‌درهردورشته‌ٔ علوم قدیم وعلوم جدیدبه‌بالاترین رتبه‌ٔ ممکن دست یافته‌بود، وبه‌همین لحاظ کلاسهای درسش دردبیرستان وحوزه از، پراستفاده‌ترین وپرشاگردترین کلاسهای قم‌بود. اوازهمان آغازباشناخت کامل استعماروهدفهای آن درجدانگه‌داری حوزه‌ازدانشگاه‌ودانشگاه‌ازحوزه‌باعمل خود، یعنی تحصیل دردانشگاه‌وحوزه به‌طورتوأم وسپس تدریس دردانشگاه‌وحوزه‌سعی درشکستن این تندیس اسارت ملت خویش بل تمامی ملل مسلمان نمود. بازسنگین مبارزه‌رابردوش کشیدوآوای فروزان سازبیداری وآگاهی رابرزبان توان مندخویش جاری ساخت وبرصخره‌های سخت وسنگین تعصبها وکوتاه‌نظری های دونهای پیرو مادیت به‌سرپنجه‌پرقدرت خویش شیارهلاکت کشید. و کلاسهای خودرا مرکزی برای تشکل نیروهای جوان درراه‌مبارزه‌باانحطاط ودروغ ودرنتیجه‌مبارزه‌بارژیم فاسدپهلوی نمودبه‌تاسیس انجمن اسلامی دانش‌آموزان پرداخت وجوانهای پاک باخته‌ٔ بازگشته‌به‌سوی اسلام رابرای حرکتی جدی وشگرف درجامعه‌آماده‌کرد. اوکه‌مبارزه‌باهیاکل کفروالحادوزنجیرهای دوری وتفرقه‌رابرخودواجب وحتمی می دیدهمچون رودخانه‌ٔ پرخروشی که‌پاکسازی مسیرراهش رابرای خودضروری می بیندبه پاکسازی افکارناروا وشتاب زده‌جوانهان پرداخت ونهالهای بازگشت به‌خویش ودین خویش رادرخاک بی حاصل وسست ازلجن قلب مردان وزنان ایرانی کاشتن گرفت وبوق وکرنای مکرپیشگان پرفریب رادرآوای سنگین خویش بی اثرکردوبرتصویرهای پرزرق وبرق تفرقه‌جویان آگاه‌یاناآگاه‌خطهای سیاه‌ونابودی کشید.

درپایان به‌عنوان حسن ختام ازآثارگرانبها وگوهربارآن شهیدهمیشه‌جاویدذکرمی کنیم.
ازآثارایشان می توان نوشته‌های: حاشیه‌ای براسفارملاصدرا، روش اندیشه‌درعلم، منطق (کتابی که‌هم اکنون دربالاترین سطح دانشگاه‌وهمچنین درحوزه‌تدریس میشود)، ضعف مسلمین دنیا، شیعه و زمامداران خودسروبسیاری کتابهای پرقدردیگررانام برد.
روحش شاد، نامش همیشه‌پرطنین وراهش پرره‌روباد.



گرمن شهید شهد لب تو شدم رواست
بس کس که کرد شهد لب نیکوان شهید
با بخت تو سعادت بربست از نخست
عیدی درست و گفت کفی ربنا شهید
هر که شد حک شهادت را مطیع
روز محشر خلق را باشد شفیع



ایشان هم مرد مبارزه و سخن بود و تدریس، و هم مرد قلم.

زندگینامهٔ شهید دیار وحدت و عشق

حجةالاسلام دکتر محمد مفتح

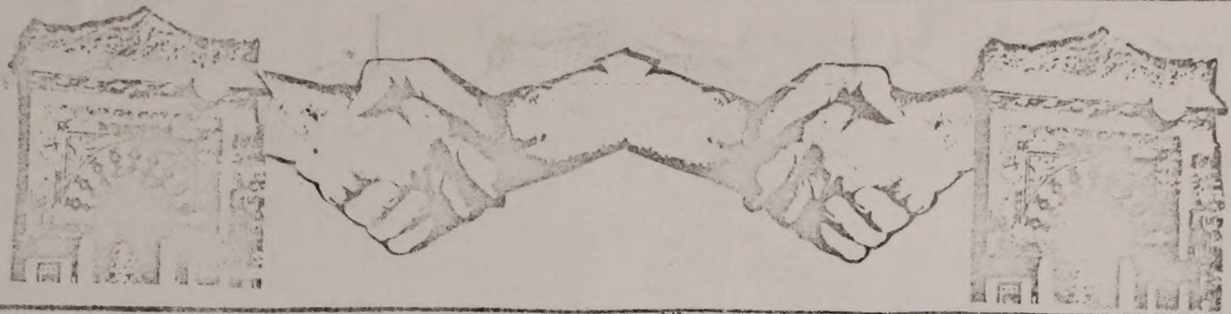
"و من المومنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه"

سخن گفتن از شهید این مرغ باغ ملکوت که در اسرائی خونین از این عالم خاک پرگشوده و دیوارهای این قفس خاکی را با شهادت خویش درهم شکسته و روبه "دوست" برده برای ما پیچیدگان در وثار زندگی و محبوس درچهار دیواری احتیاجات وغرائز بخصوص با این کلمات حقیر، برای این جویندگان لبخند دوست و این اشکریزان دیار هرمان ودوری که اشرف المخلوقاتشان دانند و انسانشان خوانند، کاری است بس مشکل وگاه غیرممکن، آنهم از شهیدی که همه عمر شهید زیست، وعاقبت نیز شهید مرد که بقول آن استاد، هرکس آنچنان می میرد که زندگی میکند وکاری بغایت مشکلتر آنگاه که بخواهی زندگیش را ونشیب وفراز صعودش به بارگاه اولیاء خاص خدا ....فتحه الله الخاصه اولیائه را به رشتهٔ تحریر درآوری وروی کاغذ ترسیم کنی. اگر نکته‌ای را فراموش کنی وحادثه‌ای رادقیق نیاوری خیانتی کرده‌ای درشناساندن این شهید شاهد و این اسوهٔ همیشه اسوهٔ وحدت وعشق.

شهید استاد دکتر مفتح درسال ۱۳۰۷ هجری شمسی درخانواده‌ای روحانی درهمدان بدنیا آمد ازهمان آغاز دست تقدیر خدائی مشغول ساختن افکار وروحیات وشخصیت معنوی این کودک گردید و او راکه باید سالها بعد حسین وار به کربلای خویش قدم گذارد، ازهمان آغاز در دامن پدری پرورد که اخلاص وصف ناپذیرش به خاندان رسالت وولایت زبان زدعام وخاص بود واشعار رسایش در رثای اشرف الخلق الاولین والاخرین، پیامبر اکرم (ص) وائمه اطهار (ع) برزبانهای عاشقان کوی ولایت جاری وساری.

ازآنجاکه میرزا محمود مفتح درحوزهٔ علمیه همدان مدرس ادبیات فارسی وعربی بود، شهید دکتر مفتح از ابتدای طفولیت درمحضر پدر به فراگیری ادبیات پرداخت. ۷ ساله بود که پا به دبستان گذاشت وهنوز کمتر از ۱۰ سال نداشت که همراه مرحوم پدرش به مجالس وعظ وسخنرانی پدر می رفت وپا منبری هائی بسبک قدیم درمجلس پدرش انجام می داد، پس از تمام دورهٔ دبستان جهت فراگیری علوم اسلامی به مدرسه مرحوم آیت ا... العظمی آخوند ملاعلی رفت. استعداد وذوق فراوان وکوشش وفعالیت شبانه روزی وی سبب شد که بزودی مراحل مقدماتی راطی کرده ودرحالیکه هنوز جوانی ۱۶-۱۵ ساله بود جهت تکمیل معلومات واستفاده از محضر اساتید بزرگ به حوزهٔ علمیه قم مهاجرت کند.

ویژه روز وحدت حوزه و دانشگاه



«من تنبه به شما بدهم که اینها مشغولند شما (روحانی و دانشگاهی) را از هم جدا کنند شما الآن یک نهال کوچکی هستید که ارتباطتان تازه رُسته است»

«امام خمینی»

"اگر خاصیت این نهضت را فقط در پیوند روحانیت و دانشجویان بدانیم این بزرگترین نعمت آن بوده اگر بگذارند که نتیجه آن باقی بماند".

از اهم وظایفی که باید حوزه و دانشگاه وحدت یافته انجام دهند، همکاری و مشارکت با یکدیگر در جهت انتقال تجربیات و باروری بیشتر آن می باشد. امری که خود بر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه می افزاید. نظام آموزشی دانشگاهها که ارمغان دانشگاههای شرق و غرب است، برمبنای مادی و روابط الحادی و مادیگرایانه شکل گرفته است. برستاد انقلاب فرهنگی است که با الهام از فرهنگ خداجویانه اسلام، محوزوایای آلوده به فرهنگ ماتریالیستی نظام آموزشی دانشگاهها را در رأس برنامه های خود قرار دهد. که این عمل، دوگانگی فرهنگ حاکم بر حوزه و دانشگاه که حاصل جدایی این دو مرکز در گذشته بوده را مرتفع می نماید. دانشگاهی که در آن علم محور هرچیزی قرار می گرفت، و از این علم نیز تنها به جنبه های مصرفی و رفاهی آن تکیه می شد، و در نهایت کارگزار قدرتهای علمی جهانی شده بود و بازار مصرف را برای تولیدکنندگان خارجی داغ نگه می داشت باید با این پیوند گذشته خود را کاملاً پاک کرده جبران مافات کند.

دانشگاه در یک ارتباط متقابل باید عناصر: اخلاص، صفا، ایثار، معنویت، زهد و احترام به سنتهای اصیل و ارزشمند را از حوزه بگیرد و متقابلاً به حوزه توجه به واقعیات، دید باز و گسترده، نوگرائی مفید، ونگرش سازنده و استفاده از روشهای جدید و کارساز را تاکید نماید. آن سخت کوشی در آموختن که از ممیزات حوزه های علمیه است باید در دانشگاه به عنوان سنت اصیل علم اندوزی بکار گرفته شود و با درنظرگرفتن حجم معقول، فرصت تدبر، تعقل و تعمق موشکافانه شاهکار علم را بوجود آورده با تقویت روح تتبع و ایجاد خصلت طلبگی دانشجویان و اساتید را به سوی فعالیت علمی وادارد. واین از اهم وظایف مسئولین آموزشی دانشگاهها و منجمله این دانشگاه است.

بدامید تقویت هرچه بیشتر رابطه بین حوزه و دانشگاه و وحدت همیشگی این دو سنگر علم و تهذیب.

والسلام

من بعنوان کسی که رشته کارش تاریخ و مسائل اجتماعی است ادعا می کنم که در تمام این دو قرن گذشته در زیر هیچ قرارداد استعماری ، امضای یک آخوند نجف رفته نیست . درحالیکه در زیر همه این قراردادهای استعماری امضای آقای دکتر و مهندس فرنگ رفته هست .

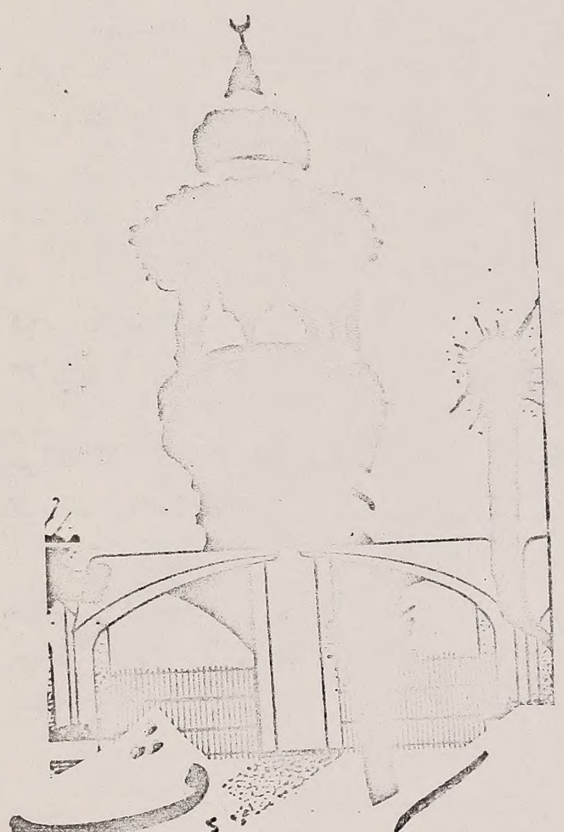
* * *

شهید دکتر مفتح ، درباره نقش افراد دانشگاهی وحوزه‌ای چنین می گوید :

پیشرفت جامعه (فقط) با کشاورز و کارگر بازاری نیست ، آنها اعضای فعال جامعه اند ، اما مسیر پیشرفت جامعه را مغزهای اندیشمند و متفکر تعیین می کنند .

در پیشاپیش کلیه اقشار ملت ، علما و اندیشمندان آن یعنی روحانیت و دانشگاهیان قرار دارند ولاجرم وحدت این دو حیاتی تر و تعیین کننده تر و ضرورتا" لازم تر از هرچیز است . وکلام امامان که در ابتدای مقال ذکر کردیم نیز مؤید همین حقیقت است که روحانی و دانشگاهی اگر با هم باشند ، این دو مغز اگر با هم جوش بخورند ، قهرا" سایر ملت هم با اینها جوش خواهند خورد . هشدار که غره شدن بر این پیشگامی و پیشاهنگی و بجای مسئولیت ارزش شمردن آن ، همان سبکسری است که بعد از انقلاب وقبل از انقلاب فرهنگی گریبان دانشگاه را گرفت ، غافل از آن که نزد حکما ارزش مطلق فقط از آن تقوای دلهاست .

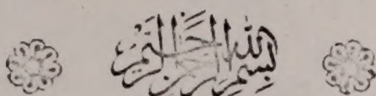
از سوی دیگر آنچه ما را راسخ می کند ، که هر ساله یادآور این وحدت بوده و آنرا پاس بداریم ، اندیشه خام دشمنان و نقشهٔ شیاطین دوران در نابودی این وحدت می باشد . شیاطین که همواره تز "تفرقه بینداز و حکومت کن "را یدک کشیده اند ، از صدر مشروطیت تا بحال در جای جای تاریخ این ملت در تقابل بین حوزه و دانشگاه کوشیده و طعم غارتگریها و چپاولهای حاصل از آنرا همچنان زیر دندان دارند . وحدت حوزه، ودانشگاه همچون خاری است در چشمان ناباور شرق وغرب ، که تصویر تاریخی مبارزات کلیساهای مذهبی وآکادمیهای علمی را در مخیله دارند . وهمین تصویر تاریخی که مبتنی برجهان بینی مادیگرایانه تقابل علم و مذهب است ، بیم دست اندازی این گرگ صفتان را به وحدتمان دوچندان می نماید . درمقابل این اندیشهٔ کور ، وحدت واقعی بین حوزه و دانشگاه ،، ناظر به این حقیقت مسلم است که نظام تشریع وشرع انور که همانا دین حنیف اسلام است ، مبتنی بر نظام تکوین ودقایق آن که مطلوب واقعی علم و مند میباشد این است که مقتدای عظیم الشاٴ نمان می فرمایند :



امیدوارم که با این اسلوب بتوانید دانشگاهها را مراکز علمی را بصورت اسلامی درآورید

«امام خمینی»

ویژه نامه روز وحدت حوزه و دانشگاه



اگر خاصیت این نهضت را فقط پیوند روحانیت و
دانشجویان بدانیم، این بزرگترین نعمت آن بوده
اگر بگذارند که نتیجهٔ آن باقی بماند.

امام خمینی

مقدمه:

صحیفهٔ حیات معاصر ما شاهد است برانبانی از مکر و حیله، تزویر و دروغ، که با دست خود بر پیشانی ما زدند و ما چه خواب و مست بودیم و به دیدار حقیقت چه ناتوان و نابینا.

و آنان از راه پیمائی شنیع و پرخجلت ما بر صخره‌ها و بلندگاههای حماقت چه میوه‌ها که نچیدند و چه گردنهای بلندی از حقیقت که قطع نکردند و چه گلهای پربوئی که به نکبت و لجن ننشاندند، و ما در حماقت خویش هم پرحماقت بودیم و نمی فهمیدیم.

از حماقت ما سرزمینمان بوی نفرت گرفت، خاکش از رویش گل ایستاد و به پرورش علفهای هرز ویرانساز پرداخت، آسمانش به هزاران آوای شرم انگیز در چشم دیگران سطوت خویش نهاد و تصویر خواری و ذلّت بر خویشتن ساخت.

آنان، آن نیرنگ بازان هوشیار، چه خوب دریافته بودند راز اسارتمان را، و چه زیرکانه ساخته بودند طوق فولادین بردگی مان را، که بر گلویمان بستند و ما گمان کردیم زیوری از طلای ناب بر گردنمان آویخته اند.

چه آنان بر پشت خویش سوزش زخم تازیانه‌ای را بیاد می آوردند که اکنون چرکین گردیده بود و همچنان که جسمشان را آزار می داد، روح پریشانشان را نیز در اضطرابی پرزجز و پر افسوس به طلابه می کشید، اما در عوض ما مست و لاابالی بدنبال آب شهوت و لذّت کاذب، یا بدنبال حقیقتی دروغین و خودساخته، چشم بسته بر سرچاه اسارت خویش فارغ البال قدم می زدیم و هیچ نمی فهمیدیم.

آنان بیاد داشتند آوای همیشه جاوید آن پیام آسمانی را، صدای دین و مذهبمان را، که هر زمان ندای حقی را برانگیخته، خیزشی زا باعث شده و سرانجام آنچه عایدآنان کرده بود خونی بود که از گلویشان چکانده و داد و فریادی بود که خمیرمایهٔ حیاتشان را به قهر بر باد داده بود، سطوت و قدرت این همیشه پرشور، همیشه فریاد، زنجیرهای مکرشان را بریده، شمشیرهای ظلمشان را از دسته افکنده، و راهگشای جاودانشان، پول را، بی اثر کرده بود و این گونه رویدادها در تاریخ ما بسیارند و روزگار گذشتگانمان انباشته از فریادهای پرخروششان است، رویدادهائی به پایمردی مردانی چون میرزای شیرازی، سیدجمال الدین اسدآبادی، میرزا محمدتقی شیرازی، آیت ا... مدرس، شیخ فضل الله نوری و .... و سرانجام حضرت آیت ا... العظمی امام خمینی.

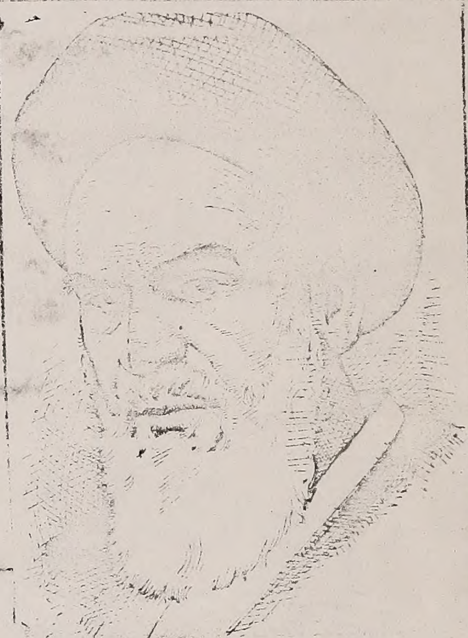
اما ما نگاهمان را به دهانشان دوخته بودیم، خویشتن در آتش حسرتشان سوخته بودیم و گمان والائی آنان و بزرگی مقامشان را و پستی خویشتن و خواری تاریخمان را بر انتهای افکارمان پرداخته بودیم، آنچنان که خود را وابسته به آنان می نامیدیم و از مسلمان بودن خویشتن اظهار شرمساری و نفرت می کردیم.

آنان بدنبال تسخیر دژهای عظیم افکارمان و روحهایمان و سپس جسمهایمان و سرمایه‌های وجودیمان با تمام قوای مادیشان به سویمان هجوم آورده بودند و ما در عوض پیشاپیش آوای اسارت خویش به درگاه اقتدارشان را سر داده و برای حصول به آن به هزاران دنائت و خیانت پرداخته، و در این روند ننگین جایگاهمان دانشگاه را در پیشگامی تمامی جریانات انداخته بودیم. با نظری کوتاه به آنان که از این دانشگاهها در آمدند حقیقت گفتار بالا به درستی و صراحت هویدا می گردد. افرادی همچون: شریف امامی، بختیار، و اخیراً بنی صدر، قطب زاده و ....

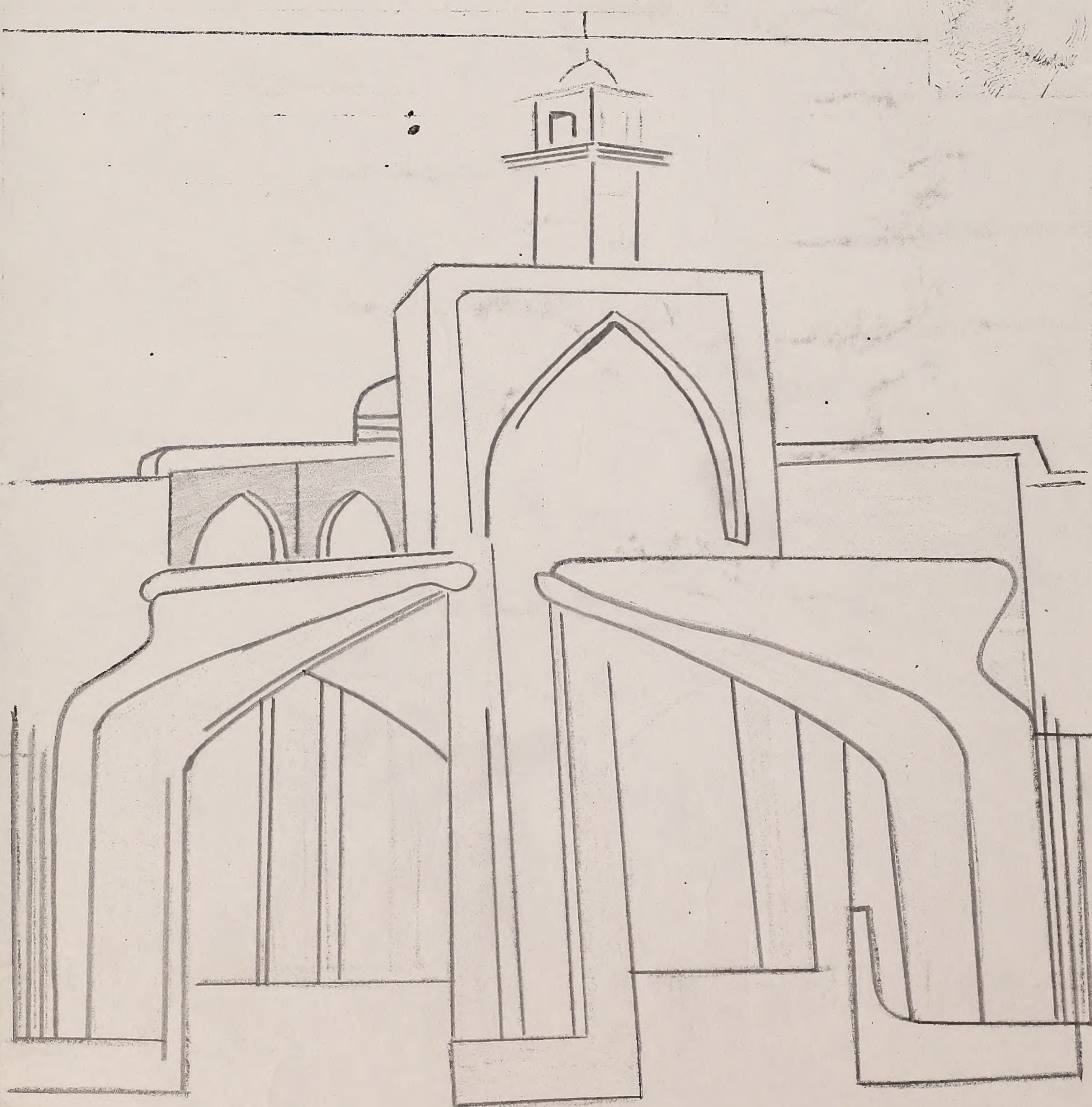
و چه زیبا معلّم شهید دکتر علی شریعتی این حقیقت را برفراز قلّهٔ سزاوار فتح دیده‌ها و شنیده‌ها عیان نموده است:

ویژه نامه وحدت
حوزه و دانشگاه





ائتلاف روحانی و دانشگاهی
یعنی ائتلاف همه ملت



جبهه ضدیت با.....

تربیت انسان دانشگاهی، محیطی بریده ازمتن مردم وبرکناراز جریانات موجود دراقشار مختلف جامعه بود. نمیگوئیم که دانشگاهیان بدون استثناء ازعامل اساسی تعهد بی بهره بودند که اتفاقاً برخی ازمتعهدترین‌فرزندان این امت دانشگاه رفته بودند، اما درکل‌دانشگاههای ماآنطوربنانگشته بودکه «پرورش نیروهای متعهد ومسئول» ازاهداف اساسی آن باشد.

عدم شناخت دانشجو نسبت به رشته تحصیلی وفقدان علاقه لازم برای فراگرفتن آن ازعلل افت کیفیت فارغ‌التحصیلان‌متخصص دانشگاهی بوده است. مهمتر ازاینها لزوماً میبایست دررشته‌هائی متخصص تربیت بشود که جامعه آنرا میطلبدونیاز واقعی وغیر کاذب بدان وجود دارد.

بنابراین ادامه سیستم سابق کلاً نفی میگردد اما درمورد نیروهائی که به هنگام توقف نظام آموزش عالی به تحصیل اشتغال داشته‌اند، علاوه برانیکه

• موسسات آموزش عالی بجای مراکز تربیت انسان دانشگاهی، محیطی بریده از متن مردم و برکنار از جریانات موجود در اقشار مختلف جامعه بود.

• مشکل دیپلمه‌های پشت کنکوری و تعداد انبوه متقاضیان ورود به دانشگاه، مسئله‌ای نیست که توقف نظام دانشگاهی بوجود آورده باشد، بلکه ناشی از سیستم آموزشی سابق و نیز در ارتباط با برخی عوامل غیر آموزشی میباشد.

بسیاری ازآنان درمراکز مختلف ازجمله درواحدهای جهاد دانشگاهی اشتغال بکاردرزمینه‌های گوناگون دارند، برنامه‌هائی‌دردست مطالعه است تابدون نیاز به بازگشائی دانشگاهها توسط یک سری دوره‌های برنامه‌ریزی شده گروهی ازدانشجویان فارغ‌التحصیل شوند.

سخن درمباحثی که تحت عنوان ضدیت باانقلاب فرهنگی جای میگیرد بسیار است وبیان یکایک آنها ازگنجایش این مقال خارج میباشد. باید توجه داشت که بسیاری ازاین مخالفتها نه ازسرعقیده، که تنها بعنوان حربه سیاسی درجو حاد کنونی بکارمیرود، بخصوص که میبینیم چگونه حرکتهای پراکنده ضدیت را ضدانقلابیونی سردمداری میکنند که سوابق سوءایشان چه درهمکاری بارژیم شاه، وچه درعناد باجمهوری اسلامی روشن است.

«والسلام»

---

(۱) در شماره قبل دو عنوان از ضدیت با انقلاب فرهنگی را نمودیم، لازم به تذکر است که شماره گذاری عناوین از قلم افتاده بود که بدینوسیله تصحیح میگردد.

۳- ضدیت با شیوه حرکت

٤- وابستگی گروهی حرکت

بخشهای اداری و خدماتی آن سوق داده سیستمی بیقواره، باانبوهی از مراکز غیرضروری و ناهماهنگ. حتی مضر بحال شئون مختلف جامعه ببار میآورد. این مسئله را درسالهای اخیر تامیزان بسیار زیادی عملاً مشاهده میکردیم.

چه فراوان بودند رشته‌هائی که به هیچ وجه نیازمند آنها نبودیم و حتی برخی از

شود، عملاً برمشکلات عمومی جامعه نظیر بیکاری افزوده میشد.

از مهمترین رابطه‌های اجتماعی دانشگاه (مسائل میان دانشگاه و جامعه) که باید.دربرنامه‌ریزی کنونی منظور گردد، ایجاد توازن پایدار میان سه عامل زیر میباشد.

۱- میزان نیاز جامعه به نیروهای

● دانشگاههای‌ما آنطور بنانگشته بود که پرورش نیروهای متعهد و مسئول از اهداف اساسی آن باشد.

آنها بردوش رژیم سابق نیز جزباری بیش نبود. طبعاً حذف آن رشته‌ها بدون ایجاد دگرگونی درکل نظام دانشگاهی، از این بعد، تنها، کاهش ظرفیت مراکز آموزش عالی و بالنتیجه طولانی‌تر شدن صف متقاضیان ورود به دانشگاه را درپی داشت، یعنی بدون آنکه قدمی درجهت حل اساسی مسئله دانشگاهها برداشته

دانشگاه دیده دررشته‌های مختلف

۲- گنجایش دانشگاهها

۳- تعداد داوطلبان ورود به دانشگاه

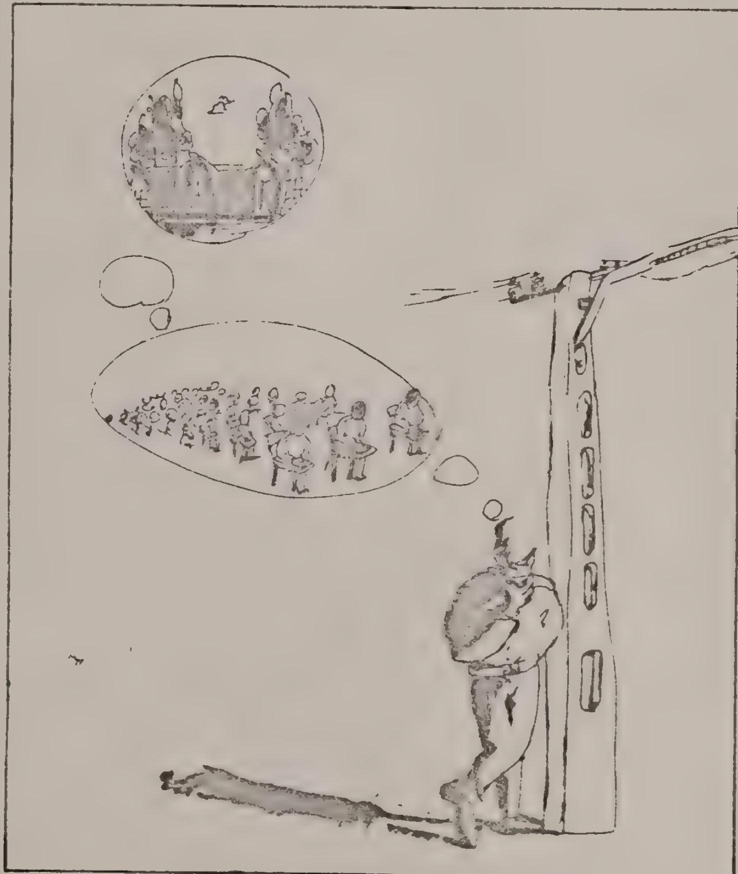
برای دست یافتن به این توازن درحد مطلوب علاوه برتحول سیستم دانشگاهها و کلا نظام آموزشی کشور، اقدامات دیگری نظیر تغییر ذهنیت پیش ساخته جامعه نسبت به مدرک و صاحبان مدرک

و نیز جایگزین ساختن توان کاربجای داشتن مدرک دربخشهای مختلف اداری، اقتصادی، سیاسی... باید انجام پذیرد. بنابراین مشکل دیپلمه‌های پشت کنکوری و تعداد انبوه متقاضیان ورود به دانشگاه مسئله‌ای نیست که توقف نظام دانشگاهی بوجود آورده باشد، بلکه ناشی از سیستم آموزشی سابق و نیز در ارتباط بابرخی عوامل غیرآموزشی میباشد، که باید با برنامه‌ریزی حساب شده علت و معلول را دگرگون ساخت.

فریاد کمبود متخصص «علم» برافراشته دیگری برعلیه انقلاب فرهنگی دردانشگاههاست. این درست که درشرایط پس از انقلاب، جامعه شدیداً نیازمند سازندگی و آفرینندگی دربخشهای فرهنگی، اقتصادی،

● بسیار ساده اندیشی است اگر تصور نمائیم با گسترش کمی دانشگاهها و افزایش گنجایش پذیرش آنها باهمان نظام ، محتوا، جهت و هدف سابق- میتوانستیم از پس مسئله پشت کنکوری‌ها برآئیم.

سیاسی واجتماعی است ودرنتیجه به نیروهای متعهد، کاردان وکارآمد که ازپس طرح واجرای برنامه‌های متناسب باانقلاب درجهت رشد وتحول همه جانبه ابعاد گوناگون برآیند شدیداً احتیاج است، لیکن باید دید آیا دانشگاه آنچنان کارخانه‌ای بوده است که چنین محصولات موردنیاز راتربیت کند اگر چنین میبود آنگاه تعطیل دانشگاهها ضرورتی نمی‌یافت. باتوجه به آنچه دربخشهای قبل آوردیم مشخص است که دانشگاه نه تنها ازمرتفع ساختن این ضرورت انقلاب عاجز بود، بلکه درست درمسیری خلاف این مقصود حرکت میکرد، دربعد فرهنگی واخلاقی، باتوجه به اهداف انحرافی سردمداران رضاخانی ومحمدرضاخانی ازتاسیس دانشگاهها، موسسات آموزش عالی بجای مراکز



جبهه ضدیت با انقلاب فرهنگی

قسمت آخر

بسم‌الله الرحمن الرحیم

۵- پیامدهای تعطیل دانشگاهها:

دانشگاههای با سیستم انحرافی تعطیل شد ونظام آموزش عالی که بر بنیادهای وابسته به شرق وغرب پی‌ریزی گشته بود از ادامه تخریب وهرز استعدادها باز ایستاد، تا با عوض کردن جهت حرکت آن که تنازع برای بقاء و بقاء برای تنازع بود، در مسیر اسلامی-انسانی جای گیرد و براین اساس برنامه‌ریزی جدید بطور بنیادین آغاز گردد. پیامدهای مثبت تعطیل دانشگاهها ودستاوردهای مفید آن چه در حوزه دانشگاه ودانشگاهیان وچه در اجزاء مختلف جامعه بسیار زیاد است. از آن جمله:

۱- آزاد شدن نیروهای بالقوه فعال وپرجوش وخروش ومتعهد از نظام دانشگاهها وسرازیر گشتن این نیروها در ارگانها ونهادهای انقلابی که همچون خونی در پیکر آنها در تقویت انقلاب وتثبیت جمهوری اسلامی، علیرغم همه سختیهای عظیم وکارشکنی‌ها وتوطئه‌های چپ وراست از داخل وخارج مؤثر افتاد.

۲- آغاز تلاشهای تحقیقاتی ومطالعاتی وطرح پروژه‌های ابتکاری در جهت استقلال اقتصادی وخود کفائی صنعتی ورشد علمی که در سیستم سابق با آنهمه ضوابط دست وپاگیر امکان آن وجود نداشت.

۳- تقویت رابطه جامعه ودانشگاهیان که بر اثر رفتن آنان به درون توده‌ها جهت انجام خدمات و فعالیتهای مردمی صورت گرفته ومیپذیرد وامید که روزافزون نیز بگردد.

٤- کاهش جو حاد وغیرسالم برخوردهای سیاسی، گروهی در جامعه که به میزان بسیار زیادی از دانشگاه سرچشمه میگرفت. درهمین قسمت، تعطیل اتاقهای جنگ ومراکز توطئه که نه محل فعالیت مفید در جهت پیشبرد انقلاب که مراکز سازماندهی ضد انقلاب بود.

اما علیرغم همه این دستاوردها که خود در برابر تدوین نظام آموزش عالی استقلالی بر پایه اسلامی اندکی بیش نیست. مشکلات وموانعی بر سر این حرکت عظیم واساسی وجود داشته ودارد که باید بر آنها غلبه کرد. اما مخالفین انقلاب فرهنگی با انگشت گذاردن بر روی برخی مسائل، تبلیغات شدیدی علیه تدوین نظام آینده وتوقف سیستم از کار افتاده سابق بعمل آورده واین تبلیغات سوء را همچنان ادامه میدهند.

● عدم تناسب تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه باگنجایش دانشگاهها و نیاز جامعه، از نقایص مهم سیستم آموزشی ما میباشد. این نسبت باید به نحو اساسی دگرگون شود.

از جمله این مسائل، تعداد زیاد متقاضیان ورود به دانشگاهها است که اکنون در جرگه بیکاران میباشند. مسئله چنین مطرح میشود که «در سال گذشته ونیز امسال، ازیکسو فارغ‌التحصیلان دبیرستانی وارد جامعه شده واز سوی دیگر، دانشگاهها نیروئی را جذب نکرده‌اند، بنابراین بر نگرانی خانواده‌ها ودر نتیجه جامعه افزوده گشته وغول بیکاری هرچه بزرگتر شده است».

اما با یک بررسی اجمالی در میابیم که بیکاری بطور کلی از پی آمدهای طبیعی وقابل انتظار هر انقلاب پس از پیروزی آن میباشد. جامعه ما نیز از این قاعده مستثنی نیست بخصوص که برخورد انقلابی با سیستم اداری حاکم بر بسیاری از سازمانها ونهادهای کشور که میراث رژیم طاغوت میباشد از ضرورتهای انقلاب میباشد.

در مورد تعداد عظیم دیپلمه‌های پشت کنکوری باید گفت این مشکلی بازمانده از سالهای دور، ومعلول نظام غلط آموزشی کشور بوده است. با مقایسه تعداد انبوه و روزافزون شرکت کنندگان در کنکور سراسری سال‌های اخیر، با آمار پذیرفته شدگان در دانشگاهها وتفاوت فاحش این دو با یکدیگر در میيابیم که خود همین مسئله (عدم تناسب تعداد متقاضیان ورود به دانشگاه باگنجایش دانشگاهها و نیاز جامعه) از نقایص مهم سیستم آموزشی ما میباشد. این نسبت باید به نحو اساسی دگرگون شود. حل این مسئله باروشهای سطحی از قبیل تغییرات ساده درشکل کنکور یا تعویض اسم آن به آزمون و از این قبیل امکان‌پذیر نیست، باید ارزشهای انحرافی گذشته و علت وجود این غده سرطانی را یافت و درمان کرد. عدم تطبیق نیازهای گوناگون جامعه بارشته‌های تحصیلی دانشگاه و مراحل، محتوا ومدت زمانی دوره‌های آموزشی و نیز تبدیل مراکز آموزش عالی به دفاتر صدور مدرکهای با اسم و عنوان، همه و همه درهجوم روزافزون و بی‌قاعده برای ورود به دانشگاه تاثیرات اساسی دارد.

بسیار ساده‌اندیشی است اگر تصور نمائیم با «گسترش کمی» دانشگاهها و افزایش گنجایش پذیرش آنها باهمان نظام، محتوا، جهت و هدف سابق، میتوانستیم از پس مسئله پشت کنکوری‌ها برآئیم. چه این امر خودبخود ما را به سوی هرچه بی‌محتواتر شدن مایه‌های علمی و آموزشی دانشگاه و رشد

جبهه ضدیت با انقلاب فرهنگی

این وجود چگونه امکان پذیر بود که عنان انقلاب فرهنگی را بدست آنان بسپاریم آیا با همان روابط وضوابط دست وپاگیر، با همان کاغذ بازیها وپشت همانمیزهای صاحب امضا و بی‌مسمی میخواستیم انقلاب کنیم. اصولاً سیستم اداره کننده یک ارگان بایستی که متناسب با بخش اداره شونده خود باشد وبالعکس. بنابراین تحولی که وزارت علوم میتوانست انجام دهد از حدیک سری اصلاحات قانونی در پیچ وخم آیین نامهها ومقررات معمول فراتر نمیرفت چرا که بهرحال نمیتوانست دانشگاههایی را بیافریند که خارج از تناسب لازم با راس آموزش عالی یعنی وزارت علوم باشد.

از طرف دیگر ما بیش ازیکسال در انتظار اقدامات مقامات مسئول نشستیم اما هیچ چیز حاصل نگشت وهیچ برنامه‌ای (بجز همان لایحه استقلال دانشگاهها که مبتکر آن رژیم سابق بود وذکر آن رفت) ارائه نشد. اینجا بود که مسئولیت را بر دوش خویش احساس کردیم وخود را مخاطب پیام امام یافتیم.

اصولاً در جامعه ماهر گاه که حرکتی ضرورت یافته است وتوان انجام آن از قدرت وامکانات موجود خارج بوده است، انقلاب راه خود را گشوده وبپیش تاخته است. مهمترین وعینی‌ترین نمونه آن تسخیر لانه جاسوسی شیطان بزرگ بود که نه توسط یک نهاد رسمی اما بوسیله نمایندگان واقعی ملت ایران یعنی همین دانشجویان رشد یافته در متن انقلاب شکل گرفت. (ازاین بگذریم که آنانکه انقلاب فرهنگی در دانشگاهها راخود کامگی نامیدند، فتح لانه جاسوسی وگروگان گیری جاسوسان رانیز تأیید نکردند.) ونه تنها خود کامگی نبود که در هم کوبنده خود کامگی آمریکای جنایتکار بود.

اصولاً درجامعه ما هر گاه که حرکتی ضرورت یافته است و توان انجام آن از قدرت و امکانات موجود خارج بوده است انقلاب راه خود را گشوده و به پیش تاخته است.

انقلاب فرهنگی همه جانبه در مراکز آموزش عالی نیازمسلم انقلاب وضرورت قطعی رشد کیفی انقلاب اسلامی بود که راه خود را گشود وبا حمایت امام امت وتوده‌های انبوه مردم بحرکتی مردمی، بدل شد.

(۱) مجاهد ٤٤

(۲) اینگونه رفتارها از شیوه‌های زورمدارانه گروهکها در دانشگاه بود اگر چنین شیوه‌هایی در نظام طاغوت بکار میرفت قابل توجیه بود اما عجیب آنکه این مسائل پس از پیروزی انقلاب و از سوی طرفداران فضای دمکراتیک و آزاد و آنهم در داخل سنگر آزادی سرمیزد.

(۳) شوراهایی که جزء ساعتها مباحثات سردرگم و بی‌نتیجه، حاصل دیگری نداشتند، شوراهائیکه اگر چه خود را عالیترین مرجع صلاحیتدار رسمی میدانستند در جهت قدرت تصمیم‌گیری مسائل پیش آمده عملاً خنثی بودند. که نمونه آن حدود ٤٠ ساعت بحث بر سراینکه آیا مجازات یک گروهک منحرف که علناً امام را ضدانقلاب خوانده بود برداشتن آن اعلامیه صحیح هست یا نه. شوراهای ناهمگن و بدون قاطعیتی که توان اظهار رأی بر روی چنین مسائل روشنی را فاقد بودند، چگونه میتوانستند بار عظیم دگرگونی ریشه‌ای نظام دانشگاههای استعماری را بردوش کشند؟

(۳) پیکار ۵۱ بتاریخ ۵۹/۲/۱ اعتراف میکند که حرکت دانشجویان مسلمان با الهام از رهنمودهای پیام نوروزی امام انجام گرفته است.

(٤) راه کارگر ۲٦ بتاریخ ۵۹/۳/۱۲
نبرد دانش‌آموز ۱۸
مجاهد ٤٤
و بقیه مطالب منتشره از سوی گروهها در آغاز انقلاب فرهنگی.

مسئله حاکی از سیاسی کاری و سطحی‌نگری آنهاست. این درست ست که گروهکهای سیاسی، دانشگاهها را به اتاق جنگ مبدل ساخته بودند و به انحاء گوناگون از آن پایگاه به انقلاب ضربه وارد میساختند، اما چنانکه امام نیز اشاره کردند، اینها خود معلول فرهنگ وابسته حاکم بر مراکز آموزشی ما بوده و هستند. هدف نهایی ما از میان برداشتن علت اصلی یعنی فرهنگ غربی- شرقی جای گرفته در دانشگاهها بود که تبعاً به اضمحلال طبیعی گروهکهای روئیده در دانشگاهها نیز خواهد انجامید. ما در حقیقت بسراغ باتلاق رفته‌ایم که گنداب آنرا بخشکانیم تا حشرات وابسته بدان نیز خودبخود از میان برود، اگرچه حشرات موجود از این اقدام زیربنایی احساس خطر کرده، با سنگربندی در دانشگاه عملاً توده‌ها را بمقابله با خویش سوق دادند و جوی مملو از تشنج و بحران آفریدند بطوریکه

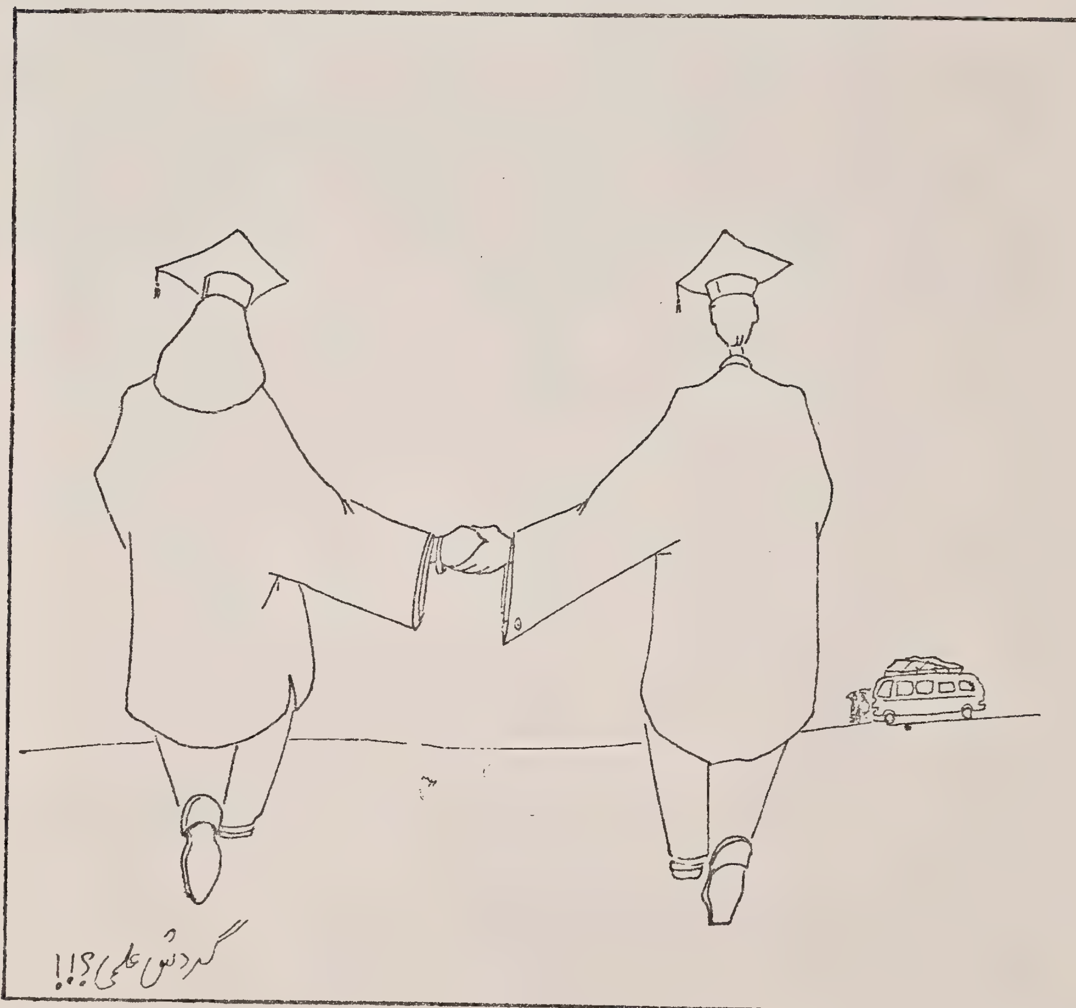
انقلاب فرهنگی در دانشگاهها حرکتی برخاسته از متن مردم بود که بدست فرزندان امت مسلمان در دانشگاهها انجام یافت.

زمینه لازم برای هجوم مفتضحانه شیطان بزرگ در طبس را فراهم آوردند.

انقلاب فرهنگی در دانشگاهها حرکتی برخاسته از متن مردم بود که بدست فرزندان امت مسلمان در دانشگاهها انجام یافت. این حرکت علاوه بر اینکه ازیک سو متهم به انحصارطلبی!! شد ازسوی دیگر عملی خودکامه و زورمدارانه نام گرفت زیرا که سررشته‌دار آن ارگانهای رسمی مملکتی نظیر وزارت علوم نبودند. افراد اخیر ادعا میکردند که اینحرکت خارج ازمجرای قانونی صورت گرفته ازاین رو بحاکمیت جمهوری اسلامی ضربه وارد ساخته است.

واقعیت اینست که این دسته نیز عمق ومفهوم انقلاب را در نیافته‌اند. اصولاً این حرکت از مجرای معمول قانونی امکان ناپذیر بود. وزارت علوم وسازمانهای تابعه، راس سیستم نامطلوب دانشگاهی ما بوده‌اند ومسلماً خود نیاز بیشتری به تحول اساسی در نظام اداری، افراد، اهداف و جهت حرکت خویش دارند. با

بقیه در صفحه ۳۹



دگرگونی سیستم اداری و آموزشی نبود، و بلکه تحول اساسی در زیر بنای علوم، فلسفه علوم و اهداف و جهتهای عام و کلی، و جزیی آن بود. برتر از اینها انقلاب در فرهنگ غرب گرا و شرقگرای دانشگاه مورد نظر بود. لازم بتذکر است که جو اخلاقی و فکری حاکم بر مراکز آموزشی ما در گذر سالیان دور و دراز، سد سکندری و بر سر راه پرورش انسانهای مستقل ایستاده بر پای خویش بوده است. چرا که ارزشهای پذیرفته شده و بکار رفته در سنجشها، ارزشهای وابسته و اقتباسی بوده است.

ملاک تقوا و عمل صالح از مسائل فراموش شده فرهنگ حاکم بود و نیات اعمال و غایات رفتارها هیچ بحساب نمیآمد. بر جای همه اینها دست یافتن بر نفع مادی با هر روش ممکن جایگزین گشته بود و بالطبع منافع مادی اعمال، مبانی صحت و معیار ارزش آنها محسوب میشد نه هدف و جهت کار و نیت فاعل آن.

وابستگی گروهی حرکت:

اتهام وابستگی سیاسی نیز از مواضع دیگر ضدیت است. این روش اساساً از بینش تضادی برمیخیزد چرا که صاحبان این بینش، یک جناح مشخص اجتماعی را از دیدگاه خود خطر اصلی شمرده میکوشند همه مسائل شرق و غرب عالم تا هر اشکال کوچکی را که پیش میآید بنحوی بپای جناح مزبور بنویسند تا تضاد مورد نیاز برای مبارزه را بوجود آورند. با چنین زمینه ذهنی که در هواداران خود فراهم میکنند میتوانند همه مخالفان را بکوبند چرا که انتساب آنان به جناح «منفور نموده شد» با مشکلات کمتری روبروست. از طرف دیگر از مقابله مستقیم با جریان و توجه عمیق به نقطه نظرهای اظهار شده آن نیز معذور گشته بنحو آبرومندانهای خود را برتر از آن میگیرند که در مقام پاسخ گویی به نقطه نظرهای اساسی برآیند. این دقیقاً همان شیوهای بود که در جریان انجام آن، توسط گروههای سیاسی موجود در دانشگاه بکار گرفته شد اگرچه خود نیز ناچار به حقیقت ماجرا اعتراف کردند و مآلاً بر اتهامات خویش مبنی بر وابستگی حرکت به گروهی خاص، خط بطلان کشیدند. آنها ابتدا بیان داشتند که این حرکت توطئه آمریکاست که از سوی جناحی از حاکمیت توسط ایادیش در دانشگاهها!! صورت گرفته و هدف آن صرفاً سرکوب سازمانهای مترقی!! و تثبیت خفقان بر دانشگاه است!! اما واقعیت غیر از این بود. در این زمینه برای روشن شدن مطلب یک مرور اجمالی بر سیر جریاناتی که به این حرکت منتهی شد لازم میباشد. پس از انقلاب بتناسب خرابیهای بازمانده از طاغوت در ابعاد مختلف جامعه، نارسائیهای اساسی در دانشگاه نیز احساس میشد، این نارسائیها بخصوص زمانی آشکارتر و دردناکتر میگشت که نیروهای صادق انقلاب در

ملاک تقوا و عمل صالح از مسائل فراموش شده فرهنگ حاکم بود.

درشرایطی که لزوم یک تحول انقلابی همه جانبه درنظام آموزش عالی کشور دراذهان دانشجویان مسلمان نقش میبست پیام نوروزی امام همچون آیتی الهی برجامعه پرتب و تاب ایران نور پاشیده و راه نمود. هدف نهایی ما از میان برداشتن علت اصلی یعنی فرهنگ غربی- شرقی جای گرفته دردانشگاهها بود

دانشگاهها پس از یک سال صبر و انتظار مشاهده میکردند که هیچگونه تلاش ریشهای در جهت برطرف ساختن این اشکالات از هیچ سو، صورت نمیپذیرد. این امر خود باعث پیدایش زمینه دگرگون ساختن دانشگاه در افکار آنان میگشت، اما اینکه چگونه باید این خواسته عملی گردد، سئوال کلی مبهمی بود که اندیشهها را انباشته بود. در چنین شرایطی راهحلهای متفاوتی بنظر میرسید که هریک شیوههای خاص خویش را طلب میکرد. در همین زمان بود که لایحه استقلال دانشگاهها از سوی وزارت علوم منتشر شد. باتوجه به اینکه اساس این لایحه در رژیم سابق پایهگذاری شده بود رژیم میکوشید تا بعنوان یک مسکن ازآن سود ببرد، اشکالات اساسی بر آن وارد بود. چرا که بطور کلی در جامعهای که نظامی برخاسته از مردم بر آن حاکم است، استقلال یک جزء از نظام، بمفهوم جدا گشتن آن بخش خاص از تمامیت جامعه، و بالطبع قطع رابطه هرچه وحشتناکتر میان تودههای امت و دانشگاهیان بود.

با طرح شدن این لایحه در سطح دانشگاهیان، انجمنهای اسلامی خود را موظف دیدند که به بررسی نقادانه آن دست بزنند تا بسهم خویش بطور فعال با مسائل دانشگاه برخورد کرده باشند. با مطالعاتی که در این زمینه انجام یافت نقایص کار هرچه بیشتر آشکار شد. عمق ویرانیها بسیار بسیار بیشتر از آن بود که با چنین لوایحی سامان پذیرد.

در چنین شرایطی که لزوم یک تحول انقلابی همه جانبه در نظام آموزشی عالی کشور، در اذهان دانشجویان مسلمان نقش میبست پیام نوروزی امام همچون آیتی الهی بر جامعه پرتب و تاب ایران نور پاشید و راه نمود. بند یازدهم پیام امام بدانشگاهها اختصاص یافته بود. امام عزیز، صریحاً خواستار انقلاب اساسی در تمام دانشگاههای سراسر ایران شده و رهنمودهای لازم در این جهت را بیان داشته بود. دیگر انگیزه حرکت نیز فراهم گشته بود. پیام شورآفرین امام اندیشه آغاز انقلاب فرهنگی را در اذهان دانشجویان ریخت و الهامبخش حرکت شد...

با مرور فشردهای که بر سیر تحولاتی که قبل از شروع انقلاب در دانشگاهها کردیم بخوبی روشن است که زمینه حرکت در دانشگاهیان متعهد بطور طبیعی وجود داشت و این پیام مشخص و قاطع امام بود که منجر به آغاز برنامهریزی جهت اجرای آن گشت. این واقعیتی بود که گروهکها، علیرغم همه برچسبها و اتهامات و ناسزاها، ناچار از اعتراف به آن گشتند. (۳)

تحریف دیگری که مخالفین انقلاب فرهنگی انجام دادند و ارائه نمودن هدف بود. آنها فغان برآوردند که هدف از انقلاب فرهنگی صرفاً تصفیه مخالفین و زیرآب کردن سرآنان است.(٤)

در صورتیکه چنین نحوه برخوردی با

بفعالیتهای فوق برنامه اختصاص داده بودند نصیبش گردد، بدین ترتیب خیلی راحت میتوانید وضعیت کارمندان کشور مغلوب را که هر روز از اینطرف به آنطرف دانشگاه و از این بخش به آنبخش، بمدیریت قسمت، بشورای دانشگاه و نزد این گروه و آن گروه پاس میشدند را دریابید (۲)

با آنچه در گذشته یادآور شدیم مشخص میگردد که در این میان دو بینش وجود دارد که عمدتاً بر ریشه ایدئولوژیک مبتنی است. بر اساس بینش ماتریالیستی (ابزاری) در شرایط کنونی تنها یک رفرم میتواند اتفاق بیفتد. از اینروست که با مطرح کردن لزوم پارهای تغییرات و پاکسازیها میکوشند مسئله را در همین حد خاتمه دهند در صورتی که ما آهنگ «انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر ایران» کردهایم و بر ضرورت تحول بنیادین فرهنگ و سیستم آموزشی- اداری دانشگاهها پای میورزیم با توجه به همین مسئله است که اقدام بر این عمل را از سوی شوراهای (۳) آنچنانی موجود در دانشگاهها عملی نمیدانستیم. این مسئله به ماهیت شوراها در کل نظام آموزش عالی و سنخیت آنها با دیگر بخشهای دانشگاه باز میگردد. شورا یک نهاد مترقی در جهت افزایش کیفیت رفتارهاست، شورا باید جمع کننده نقطه نظرهای

ما صرفاً انقلاب فرهنگی» را فریاد بر نیاوردیم- واژهای که بنخودی خود، جهتی را دربرندارد بلکه پسوند اسلامی را نیز برآن افزودیم.

مفید در یک راستای اصولی باشد، و مهم همان راستای شورا است، که بدان اصالت میبخشد، و هرگونه صرف تجمع تنها و یا حتی افکار، بدون مشخصات و ضوابط لازم مشروعیت و مقبولیتی بدنبال نخواهد داشت.

براستی شوراهای موجود در دانشگاهها چگونه بودند، هدف از تشکیل آنها چه بود و در چه جهتی پیش رفتند و سرانجام بکجا رسیدند؟ آیا از



مشخصات لازمه شورا برخوردار بودند و اصولا جو شورایی بر آنها حاکم بود؟ اینها همه سوالاتی است که پاسخ بدانها ماهیت شوراها و توان و صلاحیت آنها را مشخص میکند. فی الواقع شوراها عرصه تاخت و تاز دسته بندیهای موجود در دانشگاهها شدند و اعتبار ظاهری خویش را نیز از دست دادند. از طرف دیگر شوراها وصلهای بر پیکر نظام بوروکراتیک و پوسیده اداری دانشگاهها بودند. وصلهای از جنس و محتوای خود نظام.

با تشکیل شوراها در دمکراتیکترین صورتها، این تنها شکل و یا حتی اسم بود که تغییر یافت اما محتوا هیچ تغییری پیدا نکرد و نمیتوانست تغییر بکند. با این حساب چگونه این پدیدههایی که از متن نظام دانشگاه استعماری بعنوان مسکنی بر مصائب دانشگاهها بیرون آمده و روابط تنگاتنگ با نظام اداری پیشین داشتند که اصلا از خود آن نظام بودند، میتوانستند نه تنها تمامی نظام را بطور بنیادین منقلب کنند بلکه اصول و ارزشهای حاکم بر فرهنگ مراکز آموزشی را نیز دستخوش تحول نمایند. نه این ممکن نبود. تا هنگامی که در محدود تنگ شوراها باقی میماندیم بناچار میبایست در محدوده اقتدار و منافع گروههای موجود عمل میکردیم و این نهایت تنزل در اهداف متعالی انقلاب فرهنگی بود.

در صورتیکه شوراها میخواستند ابتکار عمل تغییرات دانشگاه را برعهده گیرند در اولین قدم اصولی که در جهت اصلاح نظام اداره و مدیریت دانشگاه بر میداشتند ناچار از حذف خود بعنوان راس هرم نظام بوروکراتیک دانشگاهها میشدند و مسلما این امری بود که از شوراهایی با آن اهداف و عملکردها انتظارش نمیرفت. شوراها هرگز نمیتوانستند موجودیت خود را در پی سودای انقلاب در دانشگاه، در طبق اخلاص نهند. آنها توان ایثاری بدین حد را نداشتند چرا که اصولا شناخت وجودیشان با منافع محدود گروهی عجین گشته بود بطوریکه همه مسائل محوله بر آنها میبایست در چهار چوب معادلات قوای سیاسی موجود در دانشگاهها حل میشد، یا در دست انداز کشمکشهای متداول محتوای دیگری مییافت.

گذشته از اینها، ما صرفا انقلاب فرهنگی را فریاد بر نیاوردیم- واژهای که بخودی خود، جهتی را در بر ندارد- بلکه پسوند اسلامی را نیز بر آن افزودیم و انقلاب، فرهنگ و اسلام را در یک ارتباط غیر قابل انفکاک بیان داشتیم. از اینرو شوراهایی که بر سرنوشتن نام خدا در ابتدای اطلاعیههایشان ساعتها با هم سروکله میزدند نمیتوانستند ثقل چنین رسالتی را بر شانههای ضعیف و ناسالم خویش حمل کنند. هدف از حرکت، فقط

جبهه ضدیت با انقلاب فرهنگی (۲)

در شماره قبل دونمود از ضدیت با انقلاب فرهنگی را بیان کردیم اگرچه در همان دوبخش سخن ناگفته بسیار است بخصوص در بعد فکری و ایدئولوژیک. ضدیت، فرصت بحث مشروح پیرامون همه موضوعات موجود نیست. ازجمله مهمترین مسائل این بعد مسئله تقوا و تخصص یا مکتب و علم است که خود، ریشه‌ای عمیق و سری دراز دارد که نیازمند بحث مفصل و جداگانه ایست.

ضدیت با شیوه حرکت:

از مواضع دیگر ضدیت با انقلاب فرهنگی در دانشگاه مخالفتهایی است که با شیوه حرکت صورت میپذیرد و بدنبال آن هدف و جهت حرکت را نفی میکنند و کلیت حرکت را مورد تهاجم قرار میدهند. اگرچه ابتدا تأکید میکنند که بضرورت انقلاب فرهنگی واقفیم اما بدلیل همان مخالفت فکری و تضاد ایدئولوژیکی موجود، لاجرم بنفی محتوای حرکت اقدام مینمایند.

درحقیقت جهت حرکت این دسته از مخالفین از شکل به محتواست، یعنی ابتدا شیوه انجام کار، جزئیات اجرایی حرکت و احتمالاً اشکالات کوچک آنرا زیر ذره‌بین گذاشته سپس با داد و فریاد حول آنها، میکوشند ماهیت حرکت را قلب کنند و اهداف نهایی و مرحله‌ای آنرا در ابعاد گوناگون «اخلاقی»، «علمی و آموزشی» و «اداری»، وازگونه نشان دهند این از زشت‌ترین شیوه‌های موجود انتقاد و اعتراض و حتی شورش و عصیان علیه یک فکر، یک عمل یا یک حرکت است که متأسفانه امروز از رایجترین روشهای متداول در جو حاد سیاسی جامعه ما گشته است، و اصولاً در یک جو شدیداً سیاسی و ناسالم است که میتوان اینگونه عمل نمود و به موفقیت کوتاه مدت نیز دست یافت اگرچه با تعمیق آگاهی عمومی از نفوذ و کاربرد کوتاه مدت اینگونه رفتارها نیز کاسته خواهد شد و ریشه‌یابی هوشمندانه موضوعات و توجه به غایات حوادث و مسائل از جانب مردم، جایگزین آن خواهد گشت.

باری از عمده‌ترین مسائلی که در اطراف شیوه حرکت انقلاب فرهنگی در مؤسسات آموزش عالی مطرح شده و هنوز نیز پس از گذشت نزدیک به یک سال از آن کماکان عنوان میگردد مسئله شوراهاست. منصفانه است ابتدا اصل اشکال وارده را همانگونه که مدعیان آن مطرح کرده و میکنند بیان کنیم. (البته با حذف زواید و تبلیغات به شیوه غربی آن).

میگویند «درست است که دانشگاهها نیاز به پاکسازی و نیز تغییراتی در امور آموزشی و اداری دارند اما «تنها مجرایی که برای حل این مسائل صلاحیت دارد شوراها میباشند که میبایستی مجدانه این امر را پیگیری کنند» (۱) زیرا این خود دانشگاهیان هستند که بیش از همه با اشکالات کار آشنایند وبه لحاظ همین نزدیکی و سنخیت کاری لزوماً هرگونه تغییر و تحول در دانشگاه یا تصفیه و پاکسازی باید زیر نظر مستقیم آنان صورت پذیرد.

با این مقدمات مسلم است که آغاز حرکت از سوی انجمنهای اسلامی و سازمانهای دانشجویان مسلمان بدون اطلاع قبلی مدیریت دانشگاهها و افرادی که بنحوی در دانشگاه هستند غیرقابل قبول مینماید. بدنبال همین مسئله بود که انقلاب فرهنگی را یک حرکت انحصارطلبانه نامیدند و کوشیدند تا اهداف متعالی آنرا تا حد کشمکشهای متداول روز مره در دانشگاهها، نازل جلوه دهند و آنرا یک بازی سیاسی نظیر آنچه که در گروکشی‌های معمول در دانشگاهها بکار میرفت قلمداد کنند که اینبار از سوی انجمنهای اسلامی برای بیرون کردن رقبا از میدان بکار رفته است. مثل تقسیم اتاقهای متعلق به هر گروه برای باز کردن دکان سیاسی که خود داستانش شنیدنی و درعین حال بس تأسف‌آور دارد. در این مواقع معمولاً کار بطور ضربتی و بقول آقایان انقلابی!! از طریق اشغال بخشی از ساختمانهای اداری دانشگاه انجام میپذیرفت که در اینصورت یک مرتبه در دانشگاه هو میپیچید که بله فلان گروه شیرین کاشته و یک قسمت از ساختمانهای مثلاً مکانیک یا... را به تصرف انقلابی درآورده است و با نصب تابلو مالکیت!! و گذاشتن چند میز و صندلی مصادره شده و تعدادی کتاب و تعداد زیادتر خواننده که از صبح تا شب در محل حاضر بودند و با کتابها ور میرفتند و البته تنها کاری که نمیکردند مطالعه بود میکوشیدند تا حاکمیت خود را در متصرفات جدید تثبیت کنند و آنگاه از موضع قدرت همچون یک کشور فاتح که سرزمینهای کشور مغلوب را اشغال نظامی کرده و در ید اختیار خود گرفته بر سر میز مذاکره با دیگر گروهها نشیند تا سهم بیشتری (برحسب مترمربع و گاهی خیلی دقیقتر) از اطاقهایی که مسئولین دانشجویی

جبهه ضدیت با...

می‌زدند و امید به فریب حقوق بشر و سیاست اعطای آزادی شه داده به امر کارتر، بسته بودند.

مخالفت این دسته با انقلاب فرهنگی به وابستگی فکری آنان بازمیگردد چرا که وقتی تحول همه جانبه فرهنگ و زدودن خطوط و رگه‌های غربزدگی و شرقزدگی عنوان میشود، دقیقاً ثبات یافته‌ترین ذهنیت‌های خود را در خطر می‌یابند و طبعاً به مقابله با کل حرکت برمیخیزند و بخش بالفعل کنونی آن یعنی انقلاب فرهنگی در دانشگاه را محکوم می‌سازند. در اینجا از یک سو فرصت آن نیست که یکایک نظرات موجود در این خط را بشکافیم و به انتقاد هر یک از آنها بنشینیم و از سوی دیگر در این باره سخن بسیار گفته شده است و امام عزیزمان خود بیش از همه و عمیق‌تر از همه ریشه‌های وابستگی فرهنگی و نقش روشنفکران غربزده و برنامه‌های درازمدت استعمارگران را در تحقق این امر مخرب، باز گفته است.

بنابر این ما فقط رئوس این تفکر را باز و از تحلیل مشروح آنها در بررسی سنگرهای دیگری که در جبههٔ ضدیت با انقلاب فرهنگی قرار گرفته‌اند گذشتیم.

در شماره آینده بازخواهیم گفت، انشاءالله.

«ادامه دارد»

پاورقی:

(۱) مبارزات دانشگاه عمدتاً در مبارزات دانشجویی خلاصه میشود چرا که بجز برخی حرکتها از ناحیه بعضی اساتید قبل از ۱۵ خرداد ۴۲ و نیز سخنرانیها و تحصنهای استادان در آخرین ماههای رژیم شاهنشاهی، که در جای خود قابل تقدیر است تقریباً شاهد حرکت مبارزاتی اجتماعی دیگر، از این ناحیه نبوده‌ایم.

(۲) نشریه دانشجویان پیشگام ۱٦ آذر ۵۹ مقالهٔ «ما و انقلاب فرهنگی» ص ۳.

(۳) نقل به معنی از منبع فوق‌الذکر.

(٤) منبع فوق. تاکید از ماست.

(۵) از سخنان امام امت. خطاب به فرهنگیان رفسنجان. ۵۸/۱/۲۰

(٦) به جزوهٔ «امام و انقلاب فرهنگی» از انتشارات دفتر تحکیم وحدت مراجعه کنید.

جبهه‌ضدیت......

بر سر ما آمده از دست خودمان بوده است!! چرا می‌خواهید همه چیز را به پای دیگران (غرب) بیاندازید. مگر این خود ما نبودیم که به دلخواه خود از تمدن و تجدد غربی‌ها تقلید کردیم، مگر آن سیاستمداری!! که گفت باید از مغز سر تا ناخن پا فرنگی شویم تا نجات یابیم از خود ما نبود!! مگر ایرانی نبود؟ مگر او غربی بود؟ نه آقا، از ماست که بر ماست بیخود خودمان را بی‌تقصیر ندانیم!! بیجهت اینها را به گردن غربی‌ها نیاندازیم...» و تا بخواهی برایشان بگویی که منظور این بود که... مهلت نمی‌دهند و پشت سر هم پیشرفتهای علمی و ترقیات هنری و ادبی و فنی و آثار معروف فرهنگی و حقوقی غرب را به همراه لیست بلند بالائی از نویسندگان و شعرا و قانوندانهای غرب جلو رویت قطار میکنند و شکسپیر و ویکتور هوگو و بالزاس و مونتسکیو و دانته و... را به تناوب و با تسلسل زمانی نام می‌برند و ادعا می‌کنند که: «فرهنگ را اینها شکوفا کرده‌اند!! این غربی‌ها بر گردن دنیا و از جمله بر گردن خود ما حق بزرگی دارند!! اما مسئله بر سر نفی آثار بزرگ هنری و فرهنگی و علمی غرب و مولفین و مخترعین و مکتشفین آنها نیست، مسئله بر سر نظام حاکم برغرب وشیوه‌های استحمار فرهنگی آن است واین‌ها دو مسئله‌اند در دو مقوله با اهداف، عملکردها وآثار ونتایج متفاوت. اما این آقایان با خلط مبحث، کوششهای نویسندگان ودانشمندان ساکن غرب را به حساب نظام استحمارگر و ضد فرهنگ حاکم برغرب گذارده سپس آنرا از جنایت نابخشودنی تحمیل فرهنگی برجوامع عقب نگاه داشته شده تبرئه می کنند وهمهٔ تقصیرها وکمبودها وضعفها را از خودمان می‌بینند. البته این درست است که در جریان فرهنگ زدائی وتحمیل فرهنگی که از دویست- سیصد سال گذشته، غرب استعمارگر بصورت خیلی حسابشده به مرحلهٔ اجرا گذارده است، کوتاهی‌ها و بی‌توجهی‌هایی نیز از ما سرزده است وعدم شناخت دقیق اوضاع واحوال وفقدان درک عمیق از جریانات سیاسی- اجتماعی وزد وبندهای استعماری همه وهمه در سرنوشت ما موثر بوده است، اما اینها هیچکدام باعث نمیشود که دامن آلودهٔ استحمارگران غرب را از لوث جنایات فرهنگی‌شان که بسیار عظیم‌تر از غارتگریهای اقتصادی وحتی راه گشای آنها بوده است، پاک سازیم وآنرا به عنوان مهمترین عامل که نقش اساسی در سلطهٔ سیاسی- اقتصادی استعمار نو داشته است به حساب نیاوریم.

این دسته روشنفکران غربزدهٔ فرنگی مآب، مرزبندی اصولی نیز میان نیروهای خودی وارباب‌ان مسلط خارجی وعوامل ایادی آنان ندارند. از اینرو مسائل را باهم مخلوط می‌کنند وسرانجام نیز نتیجه دلخواه را مبنی بر واقعیت نداشتن تحمیل فرهنگی از سوی غرب می‌گیرند. به عنوان مثال به آن مفلوک خود باخته‌ای که با افتخار اعلام میدارد. تنها راه ترقی‌مان این است که از فرق سر تا ناخن پا فرنگی شویم. بیشتر از دید یک خودی می‌نگرند تا یک عامل مستقیم اشاعهٔ غربزدگی که مزدور بی‌جیره ومواجیب (یا شاید هم با جیره ومواجیب) استحمارگران غرب بوده است. با چنین دیدی است که غرب زدگان خود باخته می گویند: این خود ما بودیم که به استقبال آنها (غرب) رفتیم وخواستیم که برگونه آنان در آئیم.

مسئله دیگری که این گروه تحت تاثیر آن قرار گرفته‌اند، تزمعروف ونژاد پرستانهٔ غرب است مبنی بر اینکه اصولاً زادگاه فرهنگ غرب است. واصلاً این نژاد ژرمینسم شمال ونژاد غرب است که می‌تواند فرهنگ بسازد وسایر جوامع از ساختن فرهنگ عاجزند، فرهنگ را باید غرب بسازد وهمچون یک کالای پیش ساخته، به دیگران عرضه کند وآنها تنها می‌توانند مصرف کنندهٔ فرآورده‌های فرهنگی غرب باشند.

این عقیدهٔ بسیاری از چهره‌های با نام ونشان ولقب وعنوان غربی نیز هست. تبلیغات وتوجهاتی که پیرامون یکه تازی غرب در فرهنگ سازی وعجز نژادهای دیگر درزایندگی فرهنگ صورت گرفته است، در افکار غربزدگان ما نیز موثر واقع شده است.

نمودهای این تفکر را در موضع‌گیریهای سیاسی محافظه کارانه و سازش کارانهٔ آنان نیز می‌یابیم. که از مشخص‌ترین آنها ضداستبدادی بودن وضداستعماری نبودن است. یعنی همچنانکه در مورد انحطاط فرهنگی، سلطه‌گران غربی را از گناه معذور می‌دارند در بعد سیاست نیز سرمنشاء همهٔ بدبختی‌ها ونابسامانیها و وابستگی را در وجود استبداد خلاصه می‌کنند واظهار می‌دارند اگر استبداد در جامعه نباشد، جامعه مبدل به بهشت برینی می‌شود که استعمار نیز توان تسلط برآن را نخواهد یافت ودر یک جامعهٔ استعمار زده نیز ابتدا باید استبداد را از میان برداشت وآزادی را جایگزین آن نمود. تا استعمار خود از میان برود اما آنها دقیقاً استقلال و آزادی را از یکدیگر تفکیک کرده تقدم را به آزادی می‌دهند. از همین رو بود که در تمام دوران تسلط رژیم طاغوت از کودتای آمریکایی ۳۲ تا اوج گرفتن. انقلاب اسلامی و حتی در جریان انقلاب که امت قهرمان ما به رهبری امام، یکصدا خواستار واژگونی شاهنشاهی ۲۵۰۰ سالهٔ وابسته به استعمار خارجی بود، اینان دم از سلطنت شاه و نه حکومت او

تا اینجا یک روی سکه را بیان داشتیم و آن غلو و بزرگنمایی در مبارزات دانشگاه است که عمدتاً از سوی گروه‌های سیاسی رنگارنگ دامن زده میشود. آنچه روی دیگر سکه تطهیر سیاسی دانشگاه را تشکیل میدهد، تلاش چهره‌های غربزده، محافظه‌کار و پیر و سیاست گام به گام در جهت توجیه وابستگی‌های سیاسی دانشگاه است.

است.»(۵) ویک انقلاب اساسی آنگاهی استمرار خواهد یافت وبه دستاوردهای مستحکم وبنیادین خواهد رسید که فرهنگ بطور اساسی متحول گردد وبرمبنای مکتب شکل گیرد بارور شود، مسئله این نیست که اقتصاد در جامعه هیچ نقشی به عهده ندارد، مسئله این نیست که در یک انقلاب، اقتصاد بازمانده از حاکمیت پیشن نبایستی بصورت بنیادی متحول شود که برعکس اقتصاد در جامعه یک اصل است اما زیربنای همهٔ اصول نیست،زیربنا دانستن اقتصاد یک غلو انفعالی در قبال رهبانیت کلیسا بیش نیست مالزوم تغییرات اساسی در اقتصاد کشور، پس از پیروزی انقلاب را نفی نمی‌کنیم. این مسئله را پیشاپیش، فقیه مجاهد عالیقدر، امید امام وامت، حضرت آیت الله منتظری در، پیام به سمینار بررسی مسائل اقتصادی بیان داشتند که:

– جامعه ما نیازمند به یک انقلاب اقتصادی است.

– تمامی نهادها وضوابط و روابط فاسد سرمایه‌داری و شبه سرمایه‌داری و استثماری باید ازبین برود وکلیه ضوابط وروابط اسلامی برتولید ومبادله وبازار وتوزیع ومصرف حاکم گردد.

– دسترنج هرکس ازآن اوبوده، وحاصل کار هرکس باید به خودش بازگردد.

– براساس اقتصاد اسلامی، زمین دراختیار کسانی قرار میگیرد که برروی آن کار میکنند .

– سیستم مبادله ونظام بازار غیر اسلامی است، باید سیستم توزیع کالا ونظام بازار تغییر یابد وبازار اسلامی شود.

آری همهٔ این فرازهای ارزشمند که دقیقاً از متن مکتب برخاسته باید اجراشود. باید انقلاب اقتصادی درجهت اسلامی شدن اقتصاد مملکت اجرا شود. اما با اذعان به همهٔ اینها، اقتصاد سررشته دار وپایهٔ همهٔ ابعاد جامعه نیست وتنها یک بعدازآن میباشد واین فرهنگ برخاسته از مکتب (فرهنگی که ارزشهای مکتب برهمهٔ وجود آن حاکم است) میباشد که پایه واساس را تشکیل میدهد، وتا این اساس در انسان ودر جامعه متحول نگردد، انقلاب در سایر شئون از جمله در اقتصاد وسیاست نمیتواند پاسدار وثمربخش باشد وهر آن امکان درهم ریختن نظم انقلابی اقتصاد یاسیاست جامعه‌ای که فرهنگ مکتبی انقلاب در آن جا نیفتاده است میرود.

ان ا.... لا یغیر مابقوم حتی یغیر ما بانفسهم چرا که فرهنگ باتفکر انسانی رابطه مستقیم دارد، تفکری که نقش اساسی در عملکردهای او دارد ازاینروست که میگوئیم باید در اسرع وقت درجهت تحول فرهنگ جامعه در ابعاد ونهادهای متشکلهٔ آن اقدام کرد، ضمن اینکه تلاش برای ساختن ابعاد دیگر جامعه را نیز مد نظر قرار داد. همچنانکه امام عزیزمان گفته است:

– انشاء ا.... بعدازاینکه حکومت اسلامی استقرار پیدا کند. نقیصه‌ها را باید رفع بکنیم که در راس آنها فرهنگ است.

سخنان امام خطاب به فرهنگیان رفسنجان ۵۸/۱/۲۰

– فرهنگ ما خراب است باید تجدید شود. فرهنگ استعماری است، باید زیر ورو بشود.

سخنرانی امام در فیضیه ۵۷/۱۲/۱۲

– شرق فرهنگ اصیل خود را گم کرده است، وشما که میخواهید مستقل وآزاد باشید باید مقاومت کنید وباید همهٔ قشرها، مبنای این بگذارند که خودشان باشند.

سخنان امام دردیدار با دانشجویان مسلمان وپاسداران
۵۸/۲/۱۲

– این وابستگی فکری، عقلی و مغزی غربی، منشاء اکثر بدبختی‌های ملتها و ملت ما نیز هست.

سخنان امام خطاب به دانشجویان، معلمان و پاسداران ۵۹/۱۰/۱۲

آنچه در رابطه با توجیهات ایدئولوژیک ضدیت با انقلاب فرهنگی آمد تنها یک دیدگاه از کل این مسئله بود.

دیدگاه دیگر که نه از سوی ماتریالیستها که از جانب غربزدگان محافظه کار و سازشکار مطرح میشد، مسئله را از نقطهٔ دیگری آغاز میکند.

غربزدگان داخلی اصلاً تحمیل فرهنگ سلطه‌گر غرب را برجوامع ازجمله برملتهای اسلامی قبول ندارند.

این دسته اصلاً تحمیل فرهنگ سلطه‌گر غرب را بر جوامع شرق، از جمله بر ملتهای اسلامی قبول ندارند، و یا آنرا عاملی مهم و اصلی نمی‌شمارند. هنگامیکه ما از استحمار مخرب و بنیان برانداز فرهنگی غرب سخن می‌گوئیم شیوه‌های مسخ فرهنگ شرق را از سوی قدرتهای حاکم برغرب باز می‌گوئیم و از بی‌محتوا ساختن و وارونه کردن ارزشهای اصیل موجود در فرهنگ جوامع عقب نگهداشته شده سخن می‌گوئیم و بیان می‌داریم که غرب جنایتکار یک مسئله را بخوبی دریافت و آن اینکه تا تفکر استقلالی و فرهنگ پیوسته بافرهنگ مردم بومی که ریشه در مذهب، مکتب، تاریخ و اصالتهای ارزشمند آنها دارد، موجود است نمی‌تواند سلطه اقتصادی و سیاسی خویش را در جهت استثمارتوده‌های محروم تثبیت نماید، از اینرو کمر به نفوذ در جو فرهنگی ملتها بست و آن را از درون بی‌محتوا ساخت و محتوای بی‌مایهٔ خویش را بر آن غالب کرد تا راه غارت و چپاول مخازن عظیم ملتها را پیشاپیش باز گشاید و نیاز خود به نیروهای سرکوبگر نظامی از نوع کشتیهای جنگی اسپانیائی و پرتقالی را که در زمان صفویه هر از چند گاهی بر سواحل جنوب ایران هجوم می‌آوردند مرتفع سازد. غرب در پی دست یافتن بر استحمار فرهنگ توده‌ها، نیاز به ابزار کار و آلت دست داشت و چه کسانی بهتر از بومیان غربزدهٔ در حال و هوای فرنگ می‌توانستند این وظیفه را بعهده بگیرند. از اینرو سلطه‌گران غدار با انواع روشهای تبلیغی و تخریبی، قشر روشنفکر نمای غربزدهٔ وابسته‌ای بوجود آوردند که همچون بوقی پر سر و صدا و پر کر و فر باشد که حضرات در غرب در آن بدمند و آن دمیده‌ها توسط همین آقایان، با زرورق تمدن و تجدد و ترقی در جامعه منعکس و تحت عنوان راه و رسوم پیشرفت ممالک راقیه به مردم غالب شود. وقتی ما این واقعیات را بیان می‌کنیم که امام خود افشا کنندهٔ همهٔ این شیوه و روشهای مزورانه و هدفهای مورد نظر قدرتهاست. ... داد فغان حضرات روشنفکر فرنگی مآب غربزدهٔ ظاهراً اصلاح ملی یا بعضاً متدین به آسمان بلند می‌شود که:

«نه آقا شما کجای کار هستید، هرچه

مسئله عمومی است که درهرصنفی چندنفر ناباب وجود دارد.

۲- ضدیت باانقلاب فرهنگی از دیدگاه فکری و ایدئولوژیک: اگرچه برداشتهای ایدئولوژیک هم اکنون آنقدر وسیع و بی‌حساب گشته است که یکجا، گروهک ضدانقلابی- آمریکایی پیکار همراه باحزب تودهٔ درخط امام!! بعلاوه عاشقان سینه چاک کشور زردهای سرخ تنگاتنگ بااکثریت واقلیت وجناح چپ فدائیان و... همه وهمه درظرف یک ایدئولوژی می گنجد ونیز توجیحات ایدئولوژیک حاکمیت منافع سیاسی رابرخود پذیرفته وبه تناسب اوضاع واحوال، وبه اقتضای موضوع، به عنوان ابزار کاروسیلهٔ مشروعیت بکار میرود اماهستند نظرگاههای ایدئولوژیک و برداشتهای اساسی‌ترین که میتوان به بحث درریشهٔ آنها نشست.

ازمهمترین آنها که توسط گروههای مارکسیست، ومارکسیست زدهها در رابطه باحرکت انقلاب فرهنگی مطرح شد مسئله شرایط بروز انقلاب درفرهنگ و دورهٔ خاص آن در مراحل تحولات اجتماعی واقتصادی بود که ازبینش ماتریالیستی برمی‌خاست.

جهان بینی ماتریالیستی، ازآنجا که هستی را صرفاً ماده و انعکاس ماده می‌پندارد. همهٔ پدیدهاحتی همه واقعیتها وحقایق ذهنی و عینی را بر محور ماده می‌سنجد و برمدارمادی می‌بیند، از اینرو نقش اساسی در تحولات رابه «اقتصاد» یعنی بعدی از جامعه که در رابطه مستقیم باماده و دستاورد و نیازها و ابزارهای مادی است می‌دهد و آنرا زیر بنا و عامل اساسی درابعاد گو ناگون جامعه و حتی فرد می‌شمارد.

زیربنایی که روبنای آن: افکار، عقاید، ذوقها، میل‌ها، کشش‌ها، آداب و رسوم و سنتهای اجتماعی، اخلاق، سیاست، حاکمیت سیاسی، روابط اجتماعی و درنهایت شکل مدون و تبیین شدهٔ آنها، «ایدئولوژی» است. از دیدگاه مارکسیسم، این ایدئولوژی نیست که جامعه برمبنای آن ساخته میشود بلکه این نحوه مالکیت برابزار تولید است که ایدئولوژی را میسازد همچنین فرهنگ، برخاسته از مکتب نیست بلکه مالکیت ابزار تولید است که خاستگاه فرهنگی جامعه را مشخص می‌نماید. باآین تعریف به نظر مارکسیستها فرهنگ روبناست، روبنائی که زیربنای آن تکامل ابزار تولید است. واین زیربناست که مناسبات تولید و روابط اجتماعی و اخلاقی و سیاسی و فرهنگی و حتی ایدئولوژی را می‌سازد از زیربنا و روبنا، فرهنگ محتوای طبقاتی می‌یابد، همچنانکه ایدئولوژی تیز شامل چنین محتوایی پنداشته میگردد، هم از اینروست که مارکسیستها برفرهنگ بورژوازی یا ایدئولوژی طبقه کارگر تأکید میکنند. دراینجا ایدئولوژی، ارزشها، احکام و اصول روشن، استوار و عامی

> **از همان ابتدا پاپای تلاش در راستای انقلاب فرهنگی در دانشگاه، جبهه ضدیت با آن نیز شکل گرفت و به انحاء گوناگون به مخالفت برخاست.**

نیست که از موضعی برتر، برهمهٔ ابعاد اقتصادی- سیاسی- فرهنگی.... و همهٔ وجوه نظامی- آموزشی و.... اشراف داشته باشد. به عبارت دیگر، از این دیدگاه، اصالت از «مکتب» بازپس گرفته شده و به «نحوهٔ مالکیت برابزار تولید» داده شده است. دیگر این مکتب نیست که هدف‌نهایی، خطسیر (استراتژی) اهداف مرحله‌ای، تاکتیکها، شعارها... را درابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی.... تبیین میکند تا جامعه‌ای که آن را پذیرفته است درجهت تحقق باورهای خویش فعال گردد و درنتیجه ارزشهای مکتب را درعینیت جامعه محقق سازد. بلکه این جبر تاریخ است که همچون غولی خدای گونه با بیرحمی و قساوت... پیش میآید، مراحل تاریخی جبراً بر اساس رشد ابزار تولید و نحوهٔ تملک آنها مشخص میشود و سرانجام روبنا یعنی فرهنگ و ایدئولوژی جبراً، باماهیت‌طبقاتی رخ می‌نماید.

توضیحاتی که از دیدگاه ماتریالیستی ذکر شد نتیجه میدهد که «عرصه عمل انقلاب فرهنگی روبنای سیاسی ایدئولوژیک جامعه است»(۲) و از طرف دیگر دگرگون کردن نظام فرهنگی بدون دگرگون شدن نظام اقتصادی جامعه ناممکن است. (۳) خوب حالا با یک استنتاج منطقی ساده چنین نتیجه خواهیم گرفت که: «تغییر فرهنگ (روبنا) پس از انقلاب دراقتصاد (زیربنا) خودبخود حادث خواهد شد.» یعنی شما فقط باید سعی کنید زیربنای اقتصادی جامعه متحول شود، که تازه آنهم از دسترس خواست ما خارج است، چرا که جبراً صورت خواهد پذیرفت و بشر تنها میتواند به عنوان یک عامل دست دوم این حرکت جبری را کند یا تند کند و هیچگونه نقش نفی و اثباتی درآن ندارد.

خود مارکسیستها بطور مشخص براین نکته اذعان دارند که: «تنها پس از انقلاب سوسیالیستی است که فرهنگ رسالت واقعی خود را باز می‌یابد و درجهت خلق انسان طراز نوین بکار گرفته میشود.»(۴)

یعنی دراین مرحله فرهنگ رسالتی برعهده ندارد. بدون رسالت است، می گویند: درست است که فرهنگ طبقاتی است، منحط است.... اما رسالتی درجهت تحول آن نداریم چرا که فرهنگ روبناست و تاهنگامیکه زیربنا تغییر نکرده درمورد روبنا (فرهنگ) نمی‌توان کاری کرد.

اینجاست که از دید ماتریالیستها انقلاب فرهنگی کلاً نفی میشود و همهٔ تغییرات و حرکتها هرچند هم بنیادی، اصولی و ریشه‌ای باشد، به چیزی گرفته نمیشود. با این برداشت علیرغم ادعای هوادارن نقش زیربنایی اقتصاد، مبنی برتداوم و استمرار تحول و پیشرفت فرهنگ جامعه، انقلاب فرهنگی به یک موعد نامشخص درآینده‌ای موکول میگردد که معلوم نیست اصلاً فرا می‌رسد یا نه؟ نتیجتاً انقلاب فرهنگی از ویژگی همیشگی وپیوسته بودن تهی میشود وبدین ترتیب از صحنهٔ حوادث حذف میگردد وفکر آن نیز به فراموشی سپرده میشود.

در حالیکه از دیدگاه ما: «فرهنگ اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت

طرف گروههای سیاسی اگر از روی غرض و تنها بعنوان یک مستمسک نباشد به علت عدم برخورد پویا و واقع‌بینانه با مسئله است. چرا که در سالهای اوج خفقان حاکم بر کشور حرکتهای سکوت‌شکن در دانشگاه هر چقدر هم که محدود و ساده و گذرا بود، بزرگ می‌نمود: چرا که همچون نوری در تاریکی می‌درخشید و بعد خاموش میشد.

اما همان لحظه‌های درخشندهٔ شهاب‌گونه در افکار اینان با همان قوت و بلکه فروزنه‌تر باقی مانده است یا منافعشان چنین اقتضا میکند بدون اینکه دریابند انقلاب اسلامی و نقش سترگ توده‌های میلیونی امت اسلام ورود همیشه خروشان و جوشنده‌ای که آفریدند در مقایسه با جنبش دانشجوئی، به مثابهٔ آتش‌نشانی گدازنده همراه با انفجارهای پیاپی دهشتناک و تکان‌دهنده‌ایست که جهان را به لرزه در آورده و تاریکی مطلق را برای همیشه نابود ساخته، میرود تا هرچه بیشتر و در گستره‌ای گسترده‌تر نورانیت را تحقق بخشد.

از نظر کمی نیز دانشجویانی که خود نقش فعال در مبارزات‌های اختناق داشته‌اند بهتر از هرکس میدانند که درصد بسیار کمی از دانشجویان بدین امور می‌پرداختند و همیشه اکثریت با آنانی بود که در سرگرمی‌های رژیم ساخته و حداکثر در بحر درس فرو رفته، دنبال حرکات آنارشیستی!! و بچه‌گانه!! و دور عقل و ادب!! نمی‌رفتند. آن اقلیتی هم که با تلاش سخت و تحمل انواع محرومیتها، حرکات اعتراض در دانشگاه را بوجود می‌آوردند دقیقاً همانها بودند که تا حدود زیادی بندهای اسارت نظام منحط دانشگاهی در ابعاد فکری و اخلاقی و آموزشی را از خود گسسته بودند، چه با غرقه بودن در نظامی که ارزشهای فرهنگی غربی، در جهت توجیه حاکمیت نظام شاهنشاهی وابسته، پایه و زیربنای محتوا و شکل را تشکیل میداد، عصیان بر علیه رأس منحط حاکمیت امکان‌ناپذیر بود و این طبیعی نیز هست. باید به این نکته نیز توجه داشت که دانشجویان، انقلابی‌ترین قشر دانشگاه بودند.

و آنگاه که انقلاب شکوفا شد و تا دورترین زوایای جامعه ریشه دواند، دانشجویان انقلابی در خروش پرصلابت سیل پرتوان و درهم کوبنده امت گم شدند و حداکثر در حد یک فرد از امت نقش‌آفرین گشتند.

تا این جا یک روی سکه را بیان داشتیم و آن غلو و بزرگنمایی در مبارزات دانشگاه است که عمدتاً از سوی گروههای سیاسی رنگارنگ دامن زده میشود.

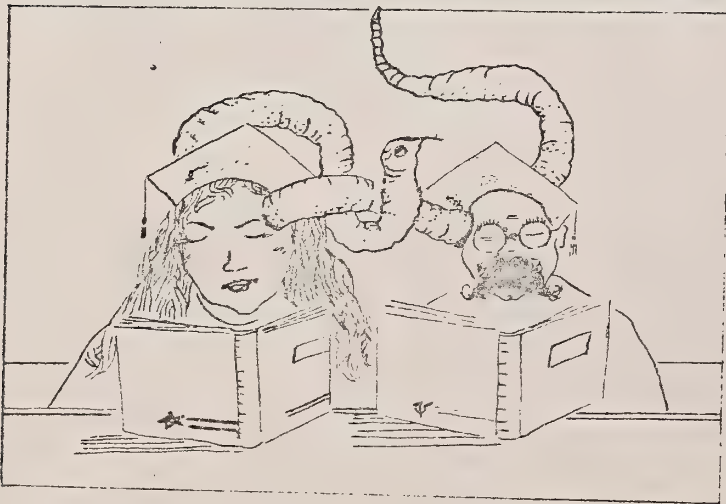
آنچه روی دیگر سکهٔ تطهیر سیاسی دانشگاه را تشکیل میدهد، تلاش فطرتی

چهره‌های غربزده، محافظه کار و پیرو سیاست گام به گام در جهت توجیه وابستگی‌های سیاسی دانشگاه، ونه‌تنها تمکین بسیاری از دانشگاهیان در مقابل رژیم شاه بلکه استحکام سلطهٔ غاصبانه طاغوت برارکان مملکت است.

این گروه خود جزء آن دسته ازدانشگاهیان اندکی در دوران حاکمیت خفقان سیاه طاغوت برجامعه وطبعاً بردانشگاه باحرکتهای تند و انقلابی دانشجویان ازجمله اعتصابات خشونت آمیز مخالفت می‌ورزیدند درپاسخ این آقایان باید سخنان گهربار امام راتذکر دهیم که هرکارخانه‌ای رااز کیفیت و کمیت محصولات آن می‌شناسیم، شما محصولات دانشگاهها رابرماعرضه کنید، آیاجزاین بود که دانشگاهها تامین کنندهٔ نیروی انسانی لازم برای سیستم بوروکراتیک وفاسد اداری وصنایع مونتاژ وابسته بودند.

آیاجزاین بود که همه توجیه کنندگان رژیم طاغوت و مغزهای طراح و خیانتکار وابسته به شرق و غرب ازهمین دانشگاهها بیرون آمدند، مگر جعفریانها، نهاوندها، ریاضی‌ها، شریف امامی‌ها، احمدی ها.... اسلام زاده‌ها، فرخرو پارساها.... ازهمین دانشگاهها بیرون نیامدند براستی که امام چه زیبا گفت دانشگاهی که شریف امامی ازآن بیرون بیاید بهتر که بسته باشد واصلاً نباشد.

مشاهده می کنیم که درمورد تطهیر دانشگاه که یکی از مواضع ضدیت باانقلاب فرهنگی است گروههای چپ وغربزدگان فرنگی مآب چگونه درراستای یک مسیر عمل می کنند، آنها مبارزات سیاسی دانشگاه راباآب و تاب شرح و بسط می‌دهند وصدها مرتبه پراهمیت جلوه می‌دهند واینها خیانتهای سیاسی و فسادهای موجود در دانشگاه و دانشگاه رفته‌ها راپرده پوشی میکنند و بی‌اهمیت وانمود می‌نمایند. نتیجه اینکه باتوصیفات و توجیحات اثباتی و نفی‌ای که دوجناح فوق بکار می‌بندند دانشگاه مهدفضائل ومکارم وجایگاه شریفترین انسانها!! قلمداد میشود که درسراسر عمر خود بااستبداد و استعمار واستثمار وامپریالیسم و.... مبارزه کرده!! والبته آقایان ازانصاف نگذشته گاه، گاهی اعتراف میکنند که بله، چند نفری هم بوده‌اند که صادق نبوده و برخی انتقادات برآنها وارد است، اماخود براین اشکال نیز توجیه عرفی آورده که این یک



۱

جبهه ضدیت با انقلاب فرهنگی (۱)

لزوم بازشناسی هر حرکت در مسیر تحولات آن و اشکال مختلف و متنوعی که به خود میگیرد، در مقاطع پیاپی امری غیرقابل انکار است. انقلاب فرهنگی اسلامی بعنوان حرکتی که سنگینی بار انقلاب اسلامی در کلیت آنرا بر دوش میکشد مستثنی از این قاعده نیست. تحول فرهنگی از رسوبات نظام جاهلیت شاهنشاهی بسوی ارزشهای مترقی مبتنی بر مکتب (اسلام)، یک جریان عمیق و گسترده به عمق نهایی‌ترین ریشه‌های تفکر اسلامی و به گستردگی تمام جامعه اسلامی با همه نهادها و اقشار و افراد و ابعاد آن است.

حرکت انقلابی برپایی نظام آموزش عالی اسلامی در دانشگاهها به عنوان بعدی از انقلاب فرهنگی در یک نهاد جامعه که تأثیر اساسی و سرنوشتساز در آنیده انقلاب دارد مدت زمانی است که آغاز گشته است و باید تا مرحلهٔ نهایی که حذف کامل نظام دانشگاهی پیشین و استوار ساختن نظامی مبتنی بر ارزشهای متعالی مکتب در آموزش، اخلاق، مدیریت... است ادامه یابد. اما در عمل از همان ابتدا، پابپای تلاش در این راستا، جبههٔ ضدیت با انقلاب فرهنگی دانشگاهی نیز شکل گرفت و به اتحاد گوناگون و تحت عناوین مختلف با آن مخالفت کرد که به بررسی همه جانبهٔ آن خواهیم پرداخت. چرا که شناخت واقع‌بینانه از ماهیت تفکر و عملکرد همین ضدیتهاست که ما را بر نقایص کارمان آگاه میگرداند و در صورت وجود مقاصدی بجز برطرف ساختن نقص‌ها، اصالت هرچه بیشتر حرکت را برای خود ما آشکار میکند. قبل از ورود در مبحث اصلی دو مسئله را باید بگوئیم اول اینکه، دراینجا صرفاً ضدیت با تغییر بنیادی دانشگاه مطرح نیست، بلکه ریشه‌های این مسئله بیشتر در اهداف و افکار این جریانات نهفته است هم از اینروست که ضدیت با انقلاب فرهنگی بصورت عام، ریشهٔ تقابلی است که نمود آنرا در ضدیت با انقلاب فرهنگی در دانشگاه می‌یابیم. مسئله دوم اینکه هنگامیکه «جبههٔ ضدیت» را مطرح میکنیم نه به این مفهوم است که همه فی نقشها و ضدیتها از یک جایگاه فکری و در راستای دست‌یابی بر یک هدف صورت می‌پذیرد، بلکه وجه مشترک همهٔ این جریانات همان ضدیت آنها با حرکت انقلابی تغییر نظام آموزش عالی و بصورت عام با انقلاب فرهنگی اسلامی است.

۱- تطهیر دانشگاهها:

اینان به طرق مختلف تلاش و تقلا میکنند تا دانشگاهها را در طول نیم قرنی که از عمرشان می‌گذرد تطهیر نمایند و علیرغم واقعیاتی که ما خود نیز در آخرین سالهای نظام دانشگاهی شاهنشاهی وابسته شاهد آن بودیم دانشگاه را مظهر همه مقاومتها و مبارزهها و پیشرفتها و... قلمداد کنند. اما این تطهیر از دو دیدگاه متفاوت صورت می‌پذیرد اگرچه نتیجه هر دو یکسان است و آنهم اینکه سرانجام باین میرسند که دانشگاه اشکال اساسی نداشته، انقلاب در آن مفهومی ندارد.

۲- تطهیر سیاسی دانشگاه: این مسئله اکثراً از دیدگاه گروهکهای سیاسی موجود در دانشگاه و نیروهایی که ضدیت اساسی با انقلاب اسلامی دارند مطرح میشود. اینان با عمده کردن نقش دانشگاهها و جنبش دانشجویی (اصطلاحی که در این دو سه سالهٔ انقلاب رنگ بویی ندارد). در پی آنند که رهبری خود را در بارور کردن انقلاب تصریح کنند. از اینرو در مبارزات دانشگاهیان علیه رژیم واژگونه شاهنشاهی به نحو اغراق‌آمیزی غلو می‌نمایند و کوچکترین حرکتهای دانشجویی بر ضد رژیم شاه معدوم را زیر ذره‌بین تحلیل‌هائی بی‌محتوا با آب و رنگ واژه‌های حماسی سارها مرتبه بزرگتر می‌نمایانند

ما به هیچوجه منکر حرکتهای اعتراض دانشگاهیان و مبارزات دانشجوئی بر علیه رژیم شاه معدوم نیستیم. چرا که خود در متن آن بوده‌ایم و از جزئیات آن آگاهیم. در جریان اعتصابها، درگیریها با گارد دانشگاه، بهم‌ریختن سلفسرویس، تعطیل کلاس‌ها، پخش اعلامیه و... و انواع دیگر فعالیتهای از اینگونه بوده‌ایم و در همین رابطه، فعالیتهای صنفی‌مان در دانشگاه که اغلب از آنها بعنوان سرپوشی بر روی مقاصد سیاسی استفاده می‌کردیم، گروه‌های فیلم تئاتهی کوهنوردی، کتابخانه، تعاونی و.... همه مراکزی از این قبیل بودماند. اما باید واقع‌بینانه بر قضاوت نشست و مخالفتهای دانشگاه را در رژیم سابق از نظر کیفی و کمی ارزیابی کرد و بخصوص آنرا با حرکت تودههای میلیونی که عاشقانه به استقبال شهادت می‌رفتند و می‌روند مقایسه نمود و آنوقت بهای مناسب را بدان پرداخت. بزرگنمایی مبارزات دانشجویی (۱) از

بسمه تعالی

تحلیلی بر:

جبهه ضدیت با انقلاب فرهنگی

مشتمل بر:

۱- بررسی انقلاب فرهنگی از دیدگاههای متفاوت

۲- بررسی علل مخالفت افراد و گروهها با بسته ماندن مراکز فعالیت و جار و جنجالهای تبلیغاتی خود یعنی دانشگاهها

۳- پیامدهای تعطیلی دانشگاهها

تکثیر از:

واحد فرهنگی

جهاد دانشگاهی گروه فنی و مهندسی

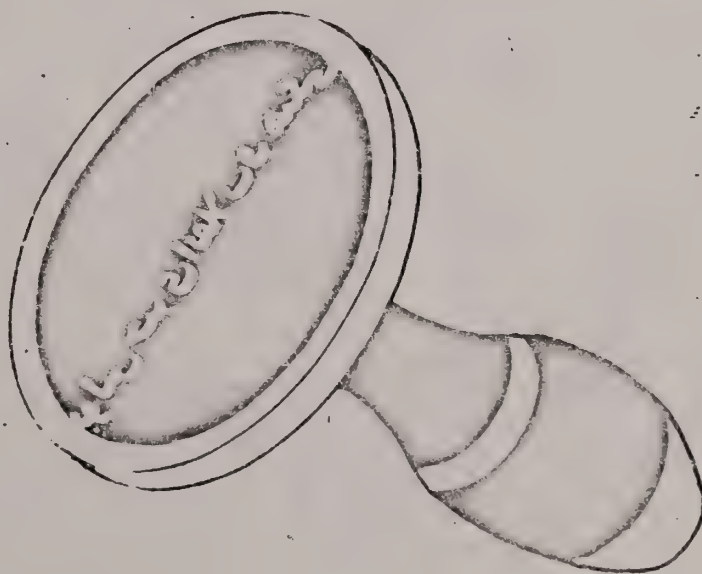


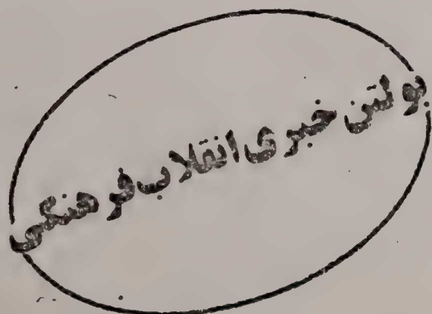
دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

چکیده‌ای از نشریات
کیهان
اطلاعات
جمهوری اسلامی
صبح آزادگان

واحد تبلیغات

(۱۱۵)





۱۳۶۳/۱۰/۳۰

روزنامه جمهوری اسلامی
شماره ۱۱۲۴

اظهارات رئیس دانشگاه تهران پیرامون مسائل این دانشگاه

رئیس دانشگاه تهران در یک مصاحبه اختصاصی با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفت: سوء مدیریت و عدم تامین امکانات رفاهی از عمده‌ترین مسائلی است که در حال حاضر بطور جدی هیاتهای علمی را تهدید کرده و از آنجا که جاذبه مالی خارج از دانشگاه بسیار افزونتر از داخل دانشگاه میباشد عده‌ای از اساتید اقدام به ترک دانشگاه کرده‌اند.

دکتر بهمن یزدی صمدی در این مصاحبه در رابطه با سیستم مدیریت و اداره دانشگاهها با اشاره به سخنان رئیس جمهوری مبنی بر اینکه در دانشگاه باید مدیریت علمی برقرار شود گفت: هنوز مسئله مدیریت در این مراکز علمی لاینحل مانده و وجود دوگانگی در این امر و قطبهای مختلفی که بنوعی دخالت در اداره دانشگاه دارند مانع از آن شده است که کار دانشگاهها از کیفیت بهتری برخوردار شود.

وی در این مورد تأکید کرد- باید در دانشگاهها مدیریت متمرکز وجود داشته و افراد متعهد- دلسوز- آگاه با تجربه ومدیر اداره این مراکز را برعهده گیرند.

وی در رابطه با نحوه فعالیت هیأت علمی در دانشگاه ضمن اظهار این مطلب که پس از انقلاب فرهنگی براثر سوء مدیریتها ۷۵۰ نفر از اعضاء این هیاتها کنار گذارده شده و یا خود بدلایلی کناره گیری کردند افزود: سوء مدیریت و عدم تامین امکانات رفاهی از عمده‌ترین مسائلی هستند که درحال حاضر بطور جدی هیاتهای علمی را تهدید کرده و از آنجا که جاذبه مالی خارج از دانشگاه بسیار افزونتر از داخل دانشگاه میباشد، عده‌ای از اساتید دانشگاه را ترک کرده و یا آنکه به لحاظ تعداد مشاغل دیگر حتی بهترین استادان نیز کمتر به کارهای تحقیقی و پژوهشی رغبت به خرج میدهند.

وی ضمن تاکید بر این نکته که کنترل ورود و خروج اعضاء هیاتهای علمی نمیتواند کار مفیدی باشد اظهار امیدواری کرد با رفع دوگانگی در مدیریت ها و تعمیم قانون تمام وقتی که درحال حاضر صرفا شامل گروههای پزشکی میباشد بتوان ازجذب آنان به دیگر مراکز جلوگیری نموده و نیز کیفیت کار هیات علمی بنحو شایسته‌تری بالا برده شود.

در پاسخ به این سئوال که برخورد مدیریت دانشگاه تهران با اساتیدی که احتمالا درحاشیه تدریس به بحث پیرامون مسائل انحرافی میپردازند چگونه است، دکتر یزدی صمدی ضمن تاکید بر این مطلب که با اینگونه موارد قاطعانه برخورد خواهد شد افزود: خوشبختانه در دانشگاه تهران جز یک نمونه جزئی موارد دیگری از اینگونه مسائل دیده نشده است.

و از انجا که اساسا دانشگاه جایگاهیست برای فراگیری علم و دانش اصولا طرح مستقیم سایر مطالب حتی مطالب سیاسی در این مراکز نمیتواند چندان صحیح باشد، گرچه بر این اعتقادیم که دانشجو نباید با مسائل سیاسی بیگانه باشد.

وی در ادامه این گفتگو با اشاره به امکانات رفاهی دانشجویان گفت: در حال حاضر نزدیک به بیست و پنج هزار دانشجو در این دانشگاه مشغول تحصیل هستند این در حالیست که خوابگاههای دانشگاه تهران گنجایش بیش از سه هزار نفر را ندارند.

و به همین دلیل دانشجویان این دانشگاه از نظر خوابگاه بشدت در مضیقه‌اند.

وی سپس اقداماتی که در جهت حل این مسئله انجام گرفته است را مورد بحث قرار داد و افزود: اخیرا بدستور نخست وزیر از سوی بنیاد مستضعفان ساختمانی بمنظور اسکان خواهران دانشجو به دانشگاه تهران داده شده است که آنهم به لحاظ در برداشتن هزینه‌ای معادل ده میلیون تومان جهت تعمیرات مورد لزوم بلاتکلیف مانده است.

دکتر یزدی صمدی سپس مساله ساختمانهای این دانشگاه را که طی تعطیلی این مراکز به دیگر ارگانها و نهادها واگذار شده است مورد اشاره قرار داد و گفت: در حال حاضر این دانشگاه از نظر فضای آموزشی با مشکلات فراوانی روبروست که باز گرداندن ساختمانهای مذکور خود تا حد زیادی جهت رفع اینگونه مشکلات میتواند مثمر ثمر واقع گردد.

وی در بخش دیگری از این مصاحبه آثار ارزنده فعالیت انجمنهای اسلامی دانشگاه تهران را در امور مذهبی و فرهنگی تشریح کرد و گفت: همانگونه که مسئولین کشورمان نیز تاکید کرده‌اند این انجمنها نباید در امور مدیریت دخالتی داشته باشند و مدیریتها نیز باید متقابلا همکاری لازم را جهت هرچه بهتر انجام وظیفه کردن انجمنهای اسلامی در چارچوب وظایف محوله داشته باشند.

وی سپس اختصاص بودجه‌ای معادل پنج میلیون تومان در سالجاری بمنظور انجام برنامه پژوهشی در دانشگاه تهران را مورد اشاره قرار داد و گفت: به آنچه که در این موارد باید توجه بیشتری شود حذف ضوابط مالی و معاملاتی حاکم بر نحوه استفاده از بودجه دانشگاه میباشد که با تحقق بخشیدن به این امر میتوان از بروز محدودیتهای احتمالی جلوگیری نمود.

رئیس دانشگاه تهران در این رابطه افزود از سال ۵۸ که بودجه دانشگاهها تابع دیوان محاسبات عمومی گردید موجباتی فراهم شد تا دانشگاهها در هزینه کردن بودجه خود برای امور آموزش و پژوهش دچار مشکلاتی شوند و از درآمد اختصاصی خود نتوانند بطور کامل استفاده کنند، در حالیکه تحمیل این موضوع آثار بسیار منفی را در پی داشته و ضروریست که هزینه دانشگاهها از محاسبات عمومی خارج شود تا بتوان به راحتی برنامه‌های تحقیقاتی و پژوهشی را بسط داده و از رکود فعلی بیرون آورد.

*جمهوری اسلامی: مصاحبه رئیس دانشگاه تهران از دیدگاهی منفی صورت گرفته و به همین دلیل در خور تامل است. بر همین اساس، لازم میدانیم نکاتی را با ایشان و خوانندگان گرامی روزنامه در میان بگذاریم:

نکته اول آنکه آقای رئیس دانشگاه میدانند که مسائل اقتصادی و فشار تورم مخصوص یک قشر خاص نیست و شامل حال همه مردم میباشد. با اینحال چگونه است که ایشان وقتی مصاحبه می‌کنند بجای آنکه از پیشرفتهائی که در دوران ریاستشان بر دانشگاه تهران در زمینه‌های فرهنگی و علمی و معنوی و بخصوص پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی حاصل شده سخن بگویند مسائل رفاهی اساتید دانشگاه را مطرح و آنرا عمده می‌کنند؟

بنظر میرسد اینگونه عمده کردن مسائل رفاهی اساتید دانشگاه بیش از آنکه دلسوزی برای آنها باشد رفاه طلب جلوه دادن آنهاست. قطعا همه مردم و بخصوص اساتید دانشگاه میدانند که فشار تورم در کشوری که از سوی دشمنان جهانی و قدرتهای شیطانی مورد هجوم و در حال جنگ با آنهاست چیزی است که باید آنرا تحمل کرد و تلاش و پشت و پشت کار و مقاومت به مقابله با آن پرداخت. آقای رئیس دانشگاه میدانند که اساتید دانشگاه هر قدرهم که مشکل داشته باشند مشکلاتشان با مشکلات اقشار محروم جامعه که بار سنگین جنگ را چه از نظر نیروی انسانی و چه از نظر مالی و تحمل محرومیت‌ها بر دوش میکشند قابل مقایسه نیست. با اینهمه منکر ضرورت حل مشکلات اساتید دانشگاه نیستیم ولی آیا بهتر نیست این مشکلات با مسئولین در میان گذاشته شود و به مصاحبه کشانده نشود؟ از طرح این مشکلات آنهم فقط مشکلات در مصاحبه چه هدفی میتواند دنبال شود؟

... قرار است بسازهم ... محل رفاه طلبی و ... گرائی و امتیاز دادن‌ها ... مگر اساتید دانشگاه از ... مردم نیستند و با ...ات همین مردم به تحصیل نپرداخته‌اند؟ آیا صحیح است که اینگونه آنها را جدا از مردم قلمداد کنیم؟ قطعا اساتید متعهد خودشان راضی نیستند اینگونه رفاه طلب و مادیگرا جلوه داده شوند.

نکته دیگر آنکه وظیفه رئیس دانشگاه اینست که تلاش خود را تا آنجا که ممکن است در راه نزدیکتر کردن نقطه نظرهای دانشجویان و اساتید بکار گیرد و یکی از راههای این کار حمایت از انجمن‌های اسلامی دانشجوئی و تقویت دانشجویان است. انتظار میرود آقای رئیس دانشگاه در مصاحبه هایشان - اگر مصاحبه کردن ضرورتی داشته باشد- در این راستا تلاش بیشتری بعمل آورند و از همه امکانات و توان خود در جهت هرچه بیشتر حاکم شدن فضای صمیمیت میان دانشجو و استاد بهره‌برداری نمایند و یادشان باشد که محیط آرام و جو مطمئن دانشگاه فعلی مرهون تلاشها و پایمردیهای دانشجویان مسلمانی است که دانشگاه را از لوث وجود عوامل شرق و غرب پاک کردند و هم اکنون نیز تمام هم خود را مصروف هرچه بیشتر اسلامی کردن و اسلامی ماندن این محیط فرهنگی مینمایند.

روزنامه اطلاعات

شماره ۱۷۴ ۱۳۶۲/۱۰/۲۲

رئیس دانشکده علوم قضایی طی گفتگویی گفت:

سهمیه پذیرش دانشجو برای دانشکده علوم قضایی افزایش می‌یابد

دکتر نجفقلی حبیبی رئیس دانشکده علوم قضایی در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی، ضمن تشریح فعالیت های این دانشکده اعلام کرد: کار گزینش دویست دانشجوی جدید دانشکده علوم قضایی پایان یافته است و این عده دربهمن‌ماه سالجاری در کلاس های درس حاضر خواهند شد.

دکتر حبیبی در این مصاحبه در رابطه با نحوه شکل گیری دانشکده علوم قضایی گفت. به دلیل‌نیاز مبرم قوه قضائیه به نیروهای متعهد و متخصص‌دراواخر سال ۱۳۶۰ از سوی شورای عالی قضایی، مقدمات تاسیس این دانشکده تهیه ودر نیمه دوم سال ۱۳۶۱ اولین گروه داوطلب تحصیل در دانشکده علوم قضایی پذیرفته شدند.

وی با اشاره به این مطلب که این دانشکده‌زیر نظر هیات عالی نظارت مرکب از یکی از اعضای شورای عالی قضایی ووزرای فرهنگ و آموزش عالی ودادگستری قرار دارد، پیرامون چگونگی آموزش در دانشکده مذکور افزود: نحوه آموزش در این دانشکده دقیقادر چارچوب آئین‌نامه های شورای عالی انقلاب فرهنگی است و دانشجویان با گذراندن یکصدو هشتاد واحد درسی طی چهار سال ونیم فارغ‌التحصیل خواهند شد. وی در مورد کیفیت تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم قضایی تاکید کرد. با توجه‌به استقلال کامل قوه‌قضائیه وحیثیت تصدی امر قضا، مسئولین این دانشکده برآنند تافارغ‌التحصیلانی را تحویل این قوه دهند که ازنظر روحی انسانهایی قوی واستوار واز نظرعلمی‌آشنا به‌قوانین حقوقی اسلام وحقوق بین‌المللی بوده ونیز براین اعتقاد باشند که تصدی قضا در جمهوری‌اسلامی ایران خودنوعی عبادت می‌باشد.

دکتر حبیبی در ادامه این گفتگو ضمن بیان این مطلب که‌در حال حاضر ششصددانشجوی علوم قضایی‌و یکصد دانشجوی پلیس قضایی در این دانشکده‌مشغول به‌تحصیل می‌باشند، خاطرنشان ساخت: درنظراست‌با کسب امکانات بیشتر سهمیه پذیرش دانشجو برای دانشکده علوم قضایی افزایش یابد.

وی ضمن آنکه یادآور شد بخشی از وظایف این دانشکده تربیت نیروهای کارآمد جهت انجام خدمات اداری دستگاه قضایی می‌باشد اظهار امیدواری کرد با رفع پاره‌ای از نارسایی‌ها درآتیه نزدیك دراین‌رابطه نیز اقدام به‌پذیرش دانشجو نمائیم.

رئیس دانشکده علوم قضایی سپس به نیازمبرم‌این دانشکده به استاد های مجرب وآشنا به حقوق اسلامی وبین‌المللی اشاره کرد وضمن دعوت از کلیه صاحب‌نظران، علما و حقوقدانان جهت همکاری با این‌دانشکده اعلام کرد: به‌منظور تالیف وتهیه مقالات‌حقوقی، دانشکده علوم قضایی آماده است تا امکانات کافی را در اختیار صاحب‌نظران وحقوقدانان قرار بدهد.

دومین آزمون دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان با شرکت ۴۵۶ داوطلب برگزار شد

زاهدان - همزمان با برگزاری کنکور سراسری دانشگاه آزاد اسلامی درشهر های تبریز، کاشان و کرج دومین آزمون دانشگاه آزاد اسلامی زاهدان بعد از ظهر دیروز در سه رشته راه و ساختمان، برق و شیمی با شرکت ۴۵۶ نفر شرکت‌کننده دختر و پسر در استادیوم ۱۷ شهریور زاهدان برگزار شد.

از این تعداد ۱۱۶ نفر خواهر در رشته‌شیمی و ۳۴۰ نفر از برادران در رشته های راه و ساختمان، برق وشیمی شرکت کرده‌اند.

براساس این گزارش ۹۸ درصد از شرکت کنندگان در این آزمون را افراد بومی منطقه تشکیل می دهند.

روزنامه کیهان
شماره ۱۲۳۵۵ ۱۳۶۳/۱۰/۲۴

گفتگوی کیهان با دکتر رضا ملک‌زاده رئیس دانشگاه شیراز:

مسائل و مشکلات ۱۰ هزار دانشجوی دانشگاه شیراز

وی در مورد برنامه‌های آینده دانشگاه شیراز بخصوص در رابطه با افزایش رشته‌ها، ارتقاء کیفیت آموزشی و جذب اساتید داخل و خارج کشور اظهار داشت:

با توجه به افزایش چشمگیر تعداد دانشجو در دانشگاه شیراز که در حال حاضر به ده هزار دانشجو بالغ میگردد و تقریباً دو برابر تعداد دانشجویان این دانشگاه در سال ۱۳۵۷ است (که بالاترین رقم دانشجو در رژیم گذشته برای این دانشگاه ۵۵۰۰ نفر بوده است) امیدوار هستیم که در آینده بتوانیم کیفیت آموزشی را در دانشگاه بنحو مطلوبی بهبود بخشیم که این کار با استخدام اساتید متعهد به اسلام و متخصص و فراهم آوردن امکانات آموزشی از جمله تجهیز آزمایشگاهها و توسعه و تکمیل کتابخانه‌ها و همچنین امکانات رفاهی برای دانشجویان و اساتید میسر میگردد.

-مشکلات عمده شما در شرایط فعلی کدامست؟ آیا با کمبود استاد، کتابهای درسی، امکانات و تجهیزات آزمایشگاهی مواجه هستید؟ برای حل این مشکلات چه برنامه‌ای دارید؟

دکتر ملک‌زاده: با وجود افزایش تعداد دانشجویان با تلاش [illegible] اساتید این دانشگاه کیفیت آموزشی در سطح خوبی حفظ گردیده که امیدوار هستیم در آینده، بهبود روزافزون داشته باشد. مشکلات عمده ما در شرایط فعلی کمبود کادر آموزشی بخصوص در رشته‌های علوم پایه پزشکی، علوم پایه (ریاضی فیزیک) رشته‌های مهندسی محسوس است. برای حل این مشکل ضمن بازگشائی و نوگشائی دوره‌های فوق لیسانس، اعزام مربیان و کارشناسان و دانشجویان ممتاز فارغ‌التحصیل بخارج از کشور جهت تحصیل در رشته‌های موردنیاز و انشاءالله تأمین کادر آموزشی در دراز مدت با اجرای برنامه‌هائی از قبیل جذب متخصصین داخل کشور که در سایر سازمانهای دولتی مشغول بوده و توانائی تدریس داشته باشند و همچنین دعوت از اساتید خارجی بصورت محدود در کوتاه مدت تلاش نموده‌ایم.

ضمناً در زمینه تجهیز آزمایشگاهها و کارگاهها با وجودیکه کلیه بودجه اختصاص یافته را جذب نموده و تعداد قابل توجهی از آزمایشگاهها را پس از بازگشائی، تجهیز و یا تأسیس کرده‌ایم ولی بعلت افزایش دانشجو، کمبود فضای آموزشی بخصوص آموزش عملی در برخی از رشته‌ها محسوس است. و بیاری خدا در آینده درمورد توسعه فضای آموزشی برنامه‌هائی داریم که با تأمین اعتبار اقدام مینمائیم. در اینمورد مشکل سفارشات خارج از کشور بدلیل پیچیدگی خاصی که بخود گرفته مانع اصلی ما است که امیدواریم با [illegible] وزارت بازرگانی این مشکل بطورکلی حل شود.

از نظر کتاب، خوشبختانه مشکلات کمتری داریم و مرکز چاپ و تهیه و فروش کتاب دانشگاه تا حدود زیادی موفق بوده است و امیدواریم که در آینده از این نظر هیچ مشکلی نداشته باشیم.

-لطفاً سیاست کلی دانشگاه را در رابطه با انقلاب فرهنگی بیان کنید.

دکتر ملک‌زاده: دانشگاهیان شیراز تمام تلاش خود را درجهت اعتلای انقلاب فرهنگی و حاکمیت فرهنگ اسلامی بر دانشگاه مبذول داشته است و بخصوص با تشکیل شورایعالی انقلاب فرهنگی از طرف حضرت امام، آمادگی کامل خود را جهت هر نوع همفکری و همکاری در این جهت اعلام می‌کند.

بهره‌برداری از خوابگاههای جدید

از رئیس دانشگاه شیراز سئوال شد در زمینه رفاه دانشجویان و تامین خوابگاه چه اقداماتی را بعمل آورده اید و برای حل این مشکلات چه برنامه‌ای دارید؟ وی در پاسخ گفت:

امکانات رفاهی دانشجویان از قبیل سلف سرویس، وسائل ایاب و ذهاب ویژه، امکانات وسیع و مجهز ورزشی وام اضطراری و فروش کتابهای درسی با تخفیف دانشجوئی برای کلیه دانشجویان در حدود امکانات برقرار است و از نظر خوابگاه نیز نزدیک به ۲۸۲۰ نفر دانشجوی مجرد و ۳۲۰ دانشجوی متاهل خوابگاه واگذار گردیده است، البته ذکر این نکته ضروری است که خوابگاه مجردین بعلت شلوغی، وضعیت مطلوبی ندارد. برای آینده نیز دو خوابگاه بزرگ مجموعا با ظرفیت ۲۶۰۰ نفر دانشجوی مجرد و ۲۱۰ دستگاه واحد مسکونی جهت دانشجویان متاهل در دست ساختمان و تکمیل داریم که امیدواریم در سالجاری یکی از خوابگاههای مجردین با ظرفیت ۱۲۰۰ نفر مورد بهره‌برداری قرار گیرد و بقیه نیز در ابتدای سال تحصیلی اینده اماده شود که در این صورت مشکل کمبود خوابگاه تا حد زیادی حل میشود.

دانشگاه شیراز تا چه حد در امور اجتماعی و سیاسی که مورد تاکید مقامات جمهوری اسلامی است دخالت و فعالیت داشته است.

دکتر ملک‌زاده: در اینمورد خوشبختانه دانشگاه بسیار فعال بوده بنحوی که در کلیه انتخابات مجلس شورای اسلامی کاندیدا داشته و بصورت خیلی جدی حرکت داشته است و در این دوره نیز نمایندگانی از دانشگاه شیراز به مجلس شورای اسلامی راه یافته‌اند.

وی در مورد عملکرد دانشگاه شیراز در رابطه با جنگ تحمیلی، ارائه خدمات اجتماعی و تحقیقات زیربنائی اظهار داشت:

این دانشگاه در رابطه با جنگ تحمیلی اقدام به اعزام نیروهای رزمی و تخصصی کرده است و هم چنین با اعزام تیمهای مجهز پزشکی همواره پزشکان دانشگاه

در خط مقدم جبهه افتخار خدمتگذاری و رسیدگی به رزمندگان اسلام را داشته اند و کلیه مجروحین اعزامی به بیمارستانهای دانشگاه را به بهترین نحو ممکن و در حدود امکانات خود معالجه نموده‌اند.

در رابطه با صنایع نظامی نیز همواره همفکری و همکاری برقرار بوده و اساتید و دانشجویان این دانشگاه جنگ را اولویت اول دانسته و با تمام توان خود در خدمت رزمندگان اسلام هستند.

تحقیقات جدی بخصوص در رابطه با نیازهای جبهه‌های جنگ تحمیلی و همچنین مشکلات اجتماعی در دانشگاه شیراز هم اکنون جریان دارد.

دکتر ملک زاده سپس وضعیت موجود بیمارستانهای وابسته به دانشگاه شیراز و همچنین برنامه‌های خود را برای توسعه آنها چنین شرح داد:

دانشکده پزشکی دانشگاه شیراز با نزدیک به ۱۱۵۰ تخت خواب بیمارستانی که در ۵ بیمارستان آموزشی قرار دارد در کلیه رشته‌های پزشکی بصورت شبانه‌روزی در خدمت اهالی محترم استان فارس میباشد و در برخی از رشته‌ها چون جراحی اعصاب، جراحی اطفال، بخش مراقبتهای ویژه و غدد داخلی به استانهای مجاور نیز سرویس میدهد. حدود ۸۵ درصد کار ساختمانی بیمارستان عظیم و بسیار مجهز پانصد تختخوابی الحاقی نمازی نیز تکمیل گردیده که امیدوار هستیم با تجهیز و تکمیل این بیمارستان و بهره‌برداری از آن در سالهای آینده تحولی در رابطه با درمان و آموزش پزشکی در منطقه جنوب کشور بوجود آید.

تاریخ شروع ترم دوم

برای وحدت حوزه ودانشگاه تاکنون چه اقداماتی صورت گرفته وچه طرحهائی، برای آینده دارید؟

دکتر ملکزاده: دراین رابطه سعی گردیده که همواره از اساتید محترم جامعه مدرسین حوزه علمیه جهت سخنرانی وهمچنین شرکت در جلسات شورای دانشگاه دعوت بعمل آید که برخی ازآن بزرگواران پذیرفته ومارا مستفیض فرموده‌اند از روحانیون محترم فارس وشیراز نیز بخصوص در تدریس دروس معارف اسلامی وعلوم انسانی بهره مند هستیم بعلاوه گروهی از اساتید دانشگاه در تماس نزدیک با حوزه بخصوص دررابطه با علوم انسانی وجامعه شناسی هستند ومراودات علمی برقرار است. امیدواریم درآینده ارتباط بین حوزه ودانشگاه هرچه وسیعتر وبخصوص درزمینه پایه ریزی علوم انسانی اسلامی دردانشگاه‌ها بصورت جدی وموثر درآید.

وی آنگاه ضمن بیان تاریخ شروع ترم دوم دانشگاه در اینمورد که چه تعداد دانشجو ودرچه سطوحی در دانشگاه شیراز تحصیل میکنند گفت:

ترم دوم سالجاری از ۲۷ بهمن ماه شروع میشود وتعداد کل دانشجویان دانشگاه نزدیک به ده هزار نفر است. که از این تعداد ۱۵۰ نفر در ۱۴ رشته تخصصی پزشکی و ۱۸۰۰ نفر دررشته‌های دکترای عمومی پزشکی، دامپزشکی ودندانپزشکی و ۲۰۰ نفر در ۲۷ رشته کارشناسی ارشد (فوق لیسانس) رشته‌های علوم، مهندسی وکشاورزی و ۶۱۲۰ نفر در ۳۴ رشته کارشناسی (لیسانس) و ۱۳۲۰ نفر در ۱۳ رشته کاردانی بتحصیل اشتغال خواهند داشت.

کیهان: جابجائی دانشجویان بچه ترتیبی صورت میگیرد وآیا امکان انتقال دانشجویان بدون جابجائی دراین دانشگاه وجود دارد؟

دکتر ملک زاده: جابجائی دانشجویان براساس ضوابط مصوب وزارت فرهنگ وآموزش عالی از طریق اداره خدمات آموزشی دانشگاه صورت میگیرد وبعلت تکمیل ظرفیت وتعداد بسیار اندک دانشجوی انصرافی دردانشگاه شیراز امکان انتقال دراکثر قریب باتفاق رشته‌ها دراین دانشگاه بدون جابجائی غیر ممکن است.

روزنامه جمهوری اسلامی

شماره ۱۶۳۲ ۱۳۶۳/۱۰/۲۲

دکتر حبیبی:

دانشکده علوم قضایی نیاز مبرم به استادان مجرب حقوق دارد

دکتر نجفقلی حبیبی رئیس دانشکده علوم قضایی در گفتگویی با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی ضمن تشریح فعالیتهای این دانشکده اعلام کرد کار گزینش دویست دانشجوی جدید دانشکده علوم قضایی پایان یافته و این عده در بهمن ماه سالجاری در کلاسهای درس حاضر خواهند شد.

دکتر حبیبی در این مصاحبه در رابطه با نحوه شکل گیری دانشکده علوم قضایی گفت بدلیل نیاز مبرم قوه قضائیه به نیروهای متعهد و متخصص در اواخر سال ۱۳۶۰ از سوی شورای عالی قضایی مقدمات تاسیس این دانشکده تهیه و در نیمه دوم سال ۱۳۶۱ اولین گروه داوطلب تحصیل در دانشکده علوم قضایی پذیرفته شدند. وی با اشاره به این مطلب که این دانشکده زیر نظر هیات عالی نظارت مرکب از یکی از اعضای شورای عالی قضایی و وزرای فرهنگ و آموزش عالی و دادگستری قرار دارد پیرامون چگونگی آموزش در دانشکده مذکور افزود نحوه آموزش در این دانشکده دقیقا در چارچوب آئین نامه‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی بوده و دانشجویان با گذراندن یکصدوهشتاد واحد درسی طی چهار سال و نیم فارغ‌التحصیل خواهند شد. وی در مورد کیفیت تحصیلی دانشجویان دانشکده علوم قضایی تاکید کرد با توجه به استقلال کامل قوه قضائیه و حساسیت تصدی امر قضا مسؤلین این دانشکده برآنند تا فارغ التحصیلاتی را تحویل این قوه دهند که از نظر روحی انسانهایی قوی و استوار و از نظر علمی آشنا به قوانین حقوقی اسلام و حقوق بین‌المللی بوده و نیز براین اعتقاد باشند که تصدی قضا در جمهوری اسلامی ایران خود نوعی عبادت میباشد.

دکتر حبیبی در ادامه این گفتگو ضمن بیان این مطلب که در حال حاضر ششصد دانشجوی علوم قضایی و یکصد دانشجو پلیس قضایی در این دانشکده مشغول به تحصیل میباشند خاطرنشان ساخت در نظراست با کسب امکانات بیشتر سهمیه پذیرش دانشجو برای دانشکده علوم قضایی افزایش یابد. وی ضمن آنکه یادآور شد بخشی از وظایف این دانشکده تربیت نیروهای کارآمد جهت انجام خدمات اداری دستگاه قضایی میباشد. اظهار امیدواری کرد با رفع پاره‌ای از نارسائیها در آتیه نزدیک در این رابطه نیز اقدام به پذیرش دانشجو نمائیم. رئیس دانشکده علوم قضایی سپس به نیاز مبرم این دانشکده به استادهای مجرب و آشنا به حقوق اسلامی و بین‌المللی اشاره کرد و ضمن دعوت از کلیه صاحب نظران، علما و حقوقدانان جهت همکاری با این دانشکده اعلام کرد بمنظور تالیف و تهیه مقالات حقوقی دانشکده علوم قضایی آماده است تا امکانات کافی را در اختیار صاحب نظران و حقوقدانان قرار بدهد.

روزنامه اطلاعات

شماره ۱۲۴۹۹ ۱۳۶۳/۱۰/۲۵

چگونگی وظرفیت پذیرش دانشجوی جدید فوق لیسانس در دانشگاههای کشور اعلام شد

دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور برای نیم سال دوم سال تحصیلی جاری (۶۴-۶۳) در ۴۱ رشته کارشناسی ارشد حدود پانصد دانشجو میپذیرند.

براساس این گزارش گزینش دانشجو در گروه‌های پزشکی، فنی و مهندسی، کشاورزی، علوم‌پایه وعلوم انسانی صورت می‌گیرد و داوطلبان تا پایان‌وقت اداری چهارم بهمن ماه فرصت خواهند داشت‌فرم‌ثبت‌نام ومدارك درخواستی‌رابه امور آموزش دانشکده‌ها و موسسات آموزش عالی مورد تقاضا ارسال نمایند.

ضمنا دانشگاهها وموسسات آموزش عالی که دانشجوی فوق لیسانس خواهند پذیرفت ظرفیت پذیرش دانشجو در برخی از رشته های تحصیلی خودرا بدین شرح اعلام کرده‌اند:

دانشگاه تهران:

هریك از رشته های مهندسی برق، مهندسی مكانیك، مهندسی معدن و مهندسی عمران ده نفر.

دانشگاه شهید بهشتی:

علوم اقتصادی ۱۵نفر

دانشگاه فردوسی (مشهد):

فقه و مبانی حقوق اسلامی ده نفر، فیزیك ۹نفر، كالبد شناسی (تشریح) ده‌نفر، مهندسی مكانیك ده نفر

دانشگاه شهید باهنر (کرمان):

ریاضی ده نفر.

دانشگاه تبریز:

ریاضی ۵نفر، شیمی ۸نفر، ابیاری ۵نفر.

دانشگاه صنعتی شریف

ریاضی، مهندسی برق و كامپیوتر سخت‌افزارهر كدام ده نفر.

دانشگاه شیراز:

فیزیك ده نفر، انگل‌شناسی ۳نفر، علوم تغذیه۳ نفر، مهندسی عمران ۶ نفر، مهندسی مواد ۲نفر

دانشگاه تربیت معلم

ریاضی، شیمی وزمین‌شناسی هر كدام ده‌نفر

دانشگاه اصفهان:

شیمی وفیزیك هریك ۵نفر.

انستیتو روانپزشكی تهران:

پرستاری روانی ۲۰ نفر

انستیتو عالی پرستاری فیروزگر:

آموزش پرستاری و مدیریت خدمات‌پرستاری‌جمعا ۳۰ نفر.

دانشگاه صنعتی اصفهان:

مهندسی برق ده نفر.

دانشگاه صنعتی امیركبیر (پلی‌تكنیك تهران)

مهندسی مكانیك۱۵ نفر، مهندسی صنایع‌ده‌نفر.

● یادآور میشود جزئیات و عناوین رشته‌ها و دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که‌اقدام به‌گزینش دانشجوی فوق لیسانس کرده‌اند در اطلاعات دیروز به چاپ...

روزنامه اطلاعات

شماره ۱۲۴۹۹ ۱۳۶۳/۱۰/۲۴

اسامی حدود ۴۸۰ نفر ازقبولشدگان کنکور امسال وسالهای گذشته بزودی اعلام می‌شود

فهرست اسامی ۱۳۲ نفر از پذیرفته‌شدگان مرحله گزینش كنكور سالجاری ظرف یكی دو روز آینده اعلام خواهد شد.

به گزارش خبرنگار ما حدود ۴۸۰ نفر از مردودین گزینش كنكور امسال و سالهای ۶۱ و ۶۲ كه به نتایج بررسیهای انجام شده اعتراض كرده بودند پس‌ازتقاضای رسیدگی مجدد به صلاحیتهای عمومی خود،قبول‌شده‌اند كه از این تعداد ۱۳۲ نفر قبولشدگان‌كنكور ۶۳ می‌باشند و اسامی آنها طی یک دو روز آینده از طریق جراید اعلام میشود. همچنین دکتر توکلی معاون گزینش دانشجوی وزارت فرهنگ و آموزش عالی گفت اسامی قبولشدگان كنكورهای ۶۱ و ۶۲ درجراید اعلام‌نمی‌شود و رشته قبولی این دسته از داوطلبان از طریق مكاتبه به آنها اطلاع داده خواهد شد.

روزنامه اطلاعات

شماره ۱۲۴۹۷ ۱۳۶۳/۱۰/۲۲

دوره فوق لیسانس تحقیقاتی در دانشگاهها تأسیس می‌شود

طرح ایجاد دوره فوق لیسانس تحقیقاتی به‌تصویب شورای بازگشائی و نوگشائی وزارت فرهنك و آموزش عالی رسید. براساس این طرح دانشگاهها با همكاری موسسات تحقیقاتی و صنعتی دوره فوق لیسانس تحقیقاتی دائر خواهند نمود. كلیه امور آموزشی مربوط به این طرح زیر نظر دانشگاه وامور تحقیقاتی آن با همكاری موسسه پژوهشی تعیین شده خواهد بود و دانشجویان پروژه‌های خود را در مراكز تحقیقاتی به اتمام خواهند رسانید. لازم به‌تذكر است‌كه دوره فوق لیسانس‌تحقیقاتی در برنامه كارشناسی ارشد دانشكده ها (كه قبلا ابلاغ شده بود) پیش‌بینی گردیده و مواد آن برنامه ریزی شده است. براساس این برنامه دانشجویان دوره فوق لیسانس تحقیقاتی در حدود ۲۲ واحد درسی خود را به [illegible]

روزنامه کیهان

شماره ۱۲۲۵۷ ۱۳۶۲/۱۰/۲۶

رئیس دانشگاه آزاد اسلامی خواستار ارزشیابی مدرک این دانشگاه توسط وزارت فرهنگ و آموزش عالی شد

وزارت فرهنگ وآموزش عالی همانگونه که بهارزیابی مدارك تحصیلی فارغ‌التحصیلان خارج از کشور میپردازد، انتظار اینست درمورد فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاداسلامی نیزاین روش اجرا گردد.

این مطلب رادکتر عبدالله جاسبی رئیس دانشگاه آزاد اسلامی در گفتگوئی باخبرگزاری جمهوری اسلامی بیان کرد. وی درمورد ظرفیت پذیرش دانشجوی این دانشگاه درسال آینده گفت: سال آینده ۱۵ هزار دانشجو جذب واحد های این دانشگاه درسراسر کشور خواهند شد. همچنین بااجرای سیستم دوره‌ای هرسال تعداد دانشجویانی که جذب دانشگاه آزاداسلامی میشوند افزایش یافته‌ونیز باانجام سیستم تك درس برآنیم تاهمه خانواده‌های ایرانی را تحت پوشش آموزشی قراردهیم. وی بااشاره به انعقاد قراردادهای مختلف باچندین وزارتخانه جهت تامین کادرهای این مراکز درمورد ایجاد دوره دکتر یا تحقیقات عالی دراین دانشگاه گفت: آزمون این‌دوره در دوازده رشته مختلف در نیمه‌اول اسفند ماه سالجاری برگزار میشود.

جاسبی افزود: تمامی دست اندرکاران این دانشگاه بدانند تا با بالابردن کیفیت آموزشی، فارغ‌التحصیلان واحدهای این‌دانشگاه نسبت به‌دانشجویان دانشگاههای همان منطقه از کیفیت بهتری برخوردار باشند.

دکتر جاسبی سپس درمورد تاسیس واحد جدید دانشگاه آزاد اسلامی درشهرهای مختلف گفت: درآینده نزدیک درچند شهردیگر از جمله اراك و ... نیز دانشگاه آزاداسلامی ایجاد خواهند شد.

همچنین با ارگانها ونهادهای مختلف جهت تسریع در اجرای تحصیلی ... مذاکراتی بعمل آمده‌است که درصورت ... این طرح، حرکت وسیع و سازنده‌ای در جامعه ... خواهد شد.

وی ... از کمکهای مالی حضرت امام ... بدانشگاه آزاداسلامی ... کرد ... سال آینده ازنظر مالی این دانشگاه خودکفا خواهد شد.

دکتر جاسبی درپایان این گفتگو ... این مطلب که فلسفه وجودی این دانشگاه مبارزه با ... گفت: ما انتظار داریم فارغ‌التحصیلان ... استغال در ارگانها ونهادها ... برخورد نکرده و وزارت فرهنگ وآموزش عالی همانگونه که بهارزیابی مدارك تحصیلی فارغ‌التحصیلان خارج از کشور میپردازد در رابطه با فارغ‌التحصیلان دانشگاه آزاداسلامی نیز این روش را اجرا کند.

روزنامه اطلاعات

شماره ۱۷۵۰۰ ۱۳۶۲/۱۰/۲۵

از ابتدای سال ۶۴ کارنامه‌های ارزی دانشجویان بصورت یکساله صادر خواهد شد

کارنامه ارزی نیمسال‌دوم ۶۳ دانشجویان خارج از کشور فقط برای سه ماه زمستان صادر شده است

براساس این گزارش چون از ابتدای سال ٦٤ جهت رفاه دانشجویان شاغل به‌تحصیل در خارج از کشور و والدین آنها کارنامه‌های ارزی بصورت یکساله صادر خواهد شد لذا کارنامه نیمسال دوم ٦٣، سه ماه برای زمستان صادر شده است. بنابراین والدین دانشجویانی‌که جهت‌دریافت کارنامه ارزی‌سری اول زمستان ٦٣ باآنان مکاتبه شده است وبانک فرستنده ارز آنها در استانهای تهران، مرکزی و سمنان میباشد میتوانند از فردا (بیست وششم دی ماه) به حوزه معاونت دانشجوئی وزارت فرهنگ و آموزش‌عالی مراجعه نمایند وکارنامه سری فوق را دریافت دارند اضافه می‌شود تاریخ و محل‌توزیع کارنامه های ارزی‌شهرستانها از طریق روابط عمومی دانشگاههای مربوطه متعاقبا اعلام خواهد شد.

روزنامه کیهان

شماره ۱۲۲۵۵ ۱۳۶۲/۱۰/۲۴

برای ترم آینده

مدارس عالی بهداشت ۷۰۰ دانشجو می‌پذیرد

سمینار سراسری سرپرستان مدارس عالی بهداشت که به مدت یك هفته جریان داشت بکار خود پایان داد.

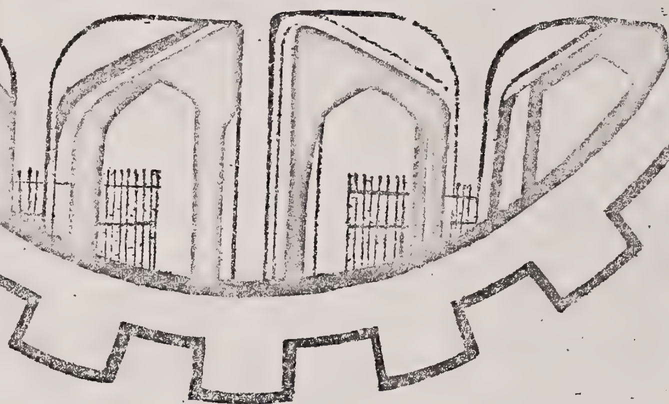
در قطعنامه پایانی این سمینار باتاکید برلزوم تقدم بهداشت بر درمان آمده است: مدارس عالی بهداشت برای ترم آینده (بهمن ماه سال جاری) ۷۰۰ دانشجو ازمیان شرکت کنندگان روستائی (متولدین روستاها) در آزمون سراسری سالجاری برای دو رشته بهداشت خانواده ومبارزه با بیماریها خواهند پذیرفت.



ويزكيهم ويعلمهم الكتاب والحكمة

جهاد

دانشگاهی



۱۳۵۹

انبیاء الهی اضافه بر ارشاد و راهنمای مردم بحقائق و قوانین کامل و سوق انسانها بسوی توحید و نهی آنها از بت پرستی و انسان پرستی و از مفاسد و گناهان بسوی خدا پرستی و مصالح و فضائل و کمالات انسانی همواره حکومت عادلانه را تشکیل داده جامعه را بسوی مدینه فاضله رهنمون میشدند و از ظلم و ستم و نفاق و عداوت و اختلاف طبقاتی مردمرا برحذرمیداشتند . و دین را توام با علم و سیاست بر انسانها تعلیم میکردند .

آخرین پیامبر خداوند حضرت محمد (ص) اضافه بر قوانین جامع الاطراف جهانی علم را به اندازه‌ای تکثیر و تنظیم نمود و مردم را بسوی آن بسیج و تشویق کرد که مطالعه احادیث های هیچگونه شک و ریبی برای خوانندگان باقی نمیگذارد ، حتی خود آنحضرت بر طب و سایر علوم زبان گشود که طب النبی از آن آثار است ، آنحضرت علومی را نزد وصی خود حضرت علی و یازده فرزندش بودیعه گذاشت که بعدها بصورتهای مختلفی از آن امامان معصوم علی رغم آنهمه خفقانهای شدید بظهور پیوست ، علی (ع) در ریاضیات مانند ۷ اشتر و ۸ نان و نذر وزن فیل و پاسخ آنحضرت بر جوان یهودی در مورد اصحاب کهف ۳۰۰/ سال در تورات و ۳۰۹ سال در قرآن و پاسخ قابل تقسیم بودن مضروب ایام اسبوع در ایام سنه و ... همچنین بیان آنحضرت در مورد قوس قزح که یک مسئله فیزیکی است و در مورد مسئله کهکشان که یک مسئله نجومی است و نظایر آن مسائل علمی و طبیعی از آنحضرت و امامان بعدی بود مثلاً بیان امام چهارم در مورد بین آسمانها و زمین و مورد پرورش عقرب یا در آب و ...... بالاخره ، امامان دوازده گانه ما در علوم و فنون متعدد مطالبی بر اصحاب و یاران خود فرموده‌اند از جمله امام محمد باقر (ع) حوزه علمیه در مدینه تاسیس نمود و امام ششم پس از او آن حوزه را توسعه داده شاگردانی زیاد در آنجا پرورش داد و علوم و فنون متنوعی بر آنان تعلیم فرموده مانند هشام بن حکم در فلسفه و کلام و مفضل بن عمر در طب و تشریح و جابربن حیان در ریاضی و شیمی و سایر بزرگان علم ، جابربن حیان که بنیان گذارونخستین شیمی دان جهان معرفی شده که بنوشته اسدحیدر در کتاب الامام الصادق (ع) سه هزار رساله و بقول حاج آقا بزرگ تهرانی در کتاب الذریعه چهارهزاررساله داشته که طبق نوشته ها به زبانهای زنده جهان آن رساله ها ترجمه شده و استفاده‌های مهمی از آنها برده‌اند ، جابربن حیان در مورد نسبت قطر و محیط گوید : اگر محیط را بر $۳\frac{۱}{۷}$ ، $\frac{۲۲}{۷}$ (که همان عدد پی میباشد) تقسیم کنیم قطر و اگر قطر را در $۳\frac{۱}{۷}$ ضرب کنیم محیط بدست میاید و هزاران نکات علمی در کتابهای جابر و همین طور در کتابهای متعدد ابو یوسف یعقوب کندی مصاحب حضرت امام حسن عسکری و کتابهای ابن هیثم نخستین فیزیک دان جهان و کتابهای خوارزمی

و فارابی و بیرونی – رازی – ابن‌سینا– خواجه نصیرالدین‌طوسی ، غیاث‌الدین ، جمشیدکاشانی عمرخیام ، شیخ‌بهائی‌و صدهافلاسفه و دانشمندان صدر اسلام و قرنهای پیشین که کتابهای آنانرا از ما بیغما برده و بزبانهای خود ترجمه کرده و بر ما کبر و نخوت میفروشند بنابراین اگر یک گروه تحقیق سیار در این حکومت اسلامی فراهم آید و آنها بکتابخانه‌های جهان رفته از آن ذخائر عظیم ما فتوکپی و پلی‌کپی و میکروفیلم تهیه کنند و آنرا بیاورند در اختیار گروه تحقیق ثابت قرار دهند وآنان با استفاده از نتایج و دست آوردهای دانشمندان شرق و غرب آنرا چاپ کرده در اختیار دانشجویان بلکه همه دانش پژوهان قرار دهند دراین صورت دنیای اسلام و در ابتداء ایران چهرهٔ دیگر بخود خواهد گرفت و با این انقلاب فرهنگی کامل ایران یک الگوئی برعالم خواهد شد زیرا نکاتی در کتابهای زیربحث علم‌النفس که همان روانشناسی است و زیر بحث علم‌الفراست که همان جامعه شناسی وجود دارد باضافه علوم دیگر اسلامی در جهان پیدا نمی‌شود نکات و اسراری در روایات طب اسلامی کهاینجانب تجربه و مشاهده کرده‌ام و تازگی سه جلد کتاب طب اسلامی از لابلای کتابهای دینی از روایات پیشوایان دینی بدست می‌آید حیرت انگیز است که تجربهٔ کامل آنها در لابراتوارها و دارالتجزیه ها راهی نو بر روی طب جهان باز خواهد شد و دیگر کشور ما دست نیاز باین سو وآن سو باز نمی‌کند وحیرت زده بعلوم جهان محتاج نمی‌شوند و شرق و غرب را کعبه علوم نمی‌دانند و حس حقارت در خود نمی‌بینند و البته معلوم است این روش که ذکر شد کار دراز مدت است اما می‌توان در کوتاه مدت بطور ضربتی از این حقائق و ذخائر ناشناخته وفراموش شده استفاده بطور مجملی کرد و از تجربه دیگران بهره برداشت خداوند ما را برای شناخت دین حقیقی یاری فرماید و بجای انتقاد بیجا بر دقت و تحقیق در دین موفق کند . آمین

قم – مصطفی نورانی

خودشان نیز مورد تبلیغ‌را دین اسلام معرفی کرده‌اند و لذا یهودیان میگفتند حضرت‌ابراهیم ازماست و نصرانیان میگفتند ازماست خداوند در قرآن میفرماید :

ما کان ابراهیم یهودیا " ولا نصرانیا " بل کان حنیفا " مسلما "

"ابراهیم نه یهودی ونه‌نصرانی‌است بلکه مسلمان مستقیم‌است (تحقیق‌بحث :)

سر این مطلب اینست که خداوند از ابتداء وجوب تبلیغ ، امر بمعروف و نهی از منکرمصالح و مفاسد و بعبارت دیگر خوبیها و بدیها را بوسیلهٔ انبیاء بر جامعهٔ بشری معرفی کرده است ، بلکه خداوند بر هر فرد فرد انسانها از راه غریزی و طبیعی این حقائق را الهام کرده .

(و نفس و ما سواها فالهمها فجورها و تقویها) ، *(و هدیناه النجدین)یعنی طریق الخیروالشر* .

سنن و قوانین الهی که ابدا " کهنگی ندارند و تعبیر و تبدیل بر آنها راه نمی‌یابد .

(لن تجد لسنة . . . تبدیلا) حیرات مطلق و واقعیتهای ثابت هستند و بقول‌افلاطون (مثل) میباشند که همه انبیاء آنها را تبلیغ وعقول انسانها و غرائز آنها باید آن حقائق رابپذیرند ، آری هر پیامبر مطابق شرائط و مقتضیات زمان خود مامور تبلیغ هستند و پیامبر ما خاتم پیامبران و مکمل آنان و قوانینش متمم قوانین و جامع همه است .

(بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) مبعوث شدم مکارم اخلاقرا تکمیل کنم .

" ابتداء تکامل و تمدن انسان از راه وحی بوده است

پس از اینکه ثابت شد دین از ابتداء یکی و همهٔ پیامبران الهی جهت تبلیغ همین دین‌اسلام مامور بوده‌اند اکنون باید معترف شد باینکه اساس و شالودهٔ تمدنهای عالم از همین دین اسلام بوده است ما گرچه فرصت کافی در ذکر مدارک در این رساله (مقاله) نداریم و سندها و مدارک زنده را در کتابهای خود بخصوص در کتاب (چهره‌های فراموش شده) ذکر کرده‌ایم اما هر چه مشروحتر رئوس مطالبرا در اینجا یادآور میشویم و افکار را بآغاز تاریخ‌آدم‌اخیر سوق میدهیم حضرت آدم که باز مامور تشکیل جامعهٔ بشریت در این کرهٔ خاک شد خداوند او را از هر علم برخوردار نمود *(و علم آدم الاسماء کلها)* سپس فرزندان و نواده هایش پس از خودش مامور این کار شدند و یکی از نواده‌های حضرت آدم که طبق تواریخ دوسال‌خود حضرت آدمرا دیده حضرت ادریس پیغمبر و بقول یونانیان هرمس بود و از جانب خداوند به علم مسلح بود *(وعلمناه صنعه لبوس)* حضرت ادریس (هرمس) اضافه بر اینکه در صنایع استاد بود علم نجوم و ستارگان آسمانرا میدانست بطوریکه داستان طوفانرا که حدود هزار سال بعد از خود در زمان نواهٔش حضرت نوح (ص) واقع شده پیش بینی نمود و بهمین جهت

اهرام مصر را بنا نهاد و درآن اهرام اصول و قوانین علوم ریاضی و طبی و طبیعی را ثبت نمود که باعتراف دانشمندان از جمله جورج سارتون قواعد طبی در اهرام است که از طب بقراط کلی‌تر و جامعتر میباشد . حضرت ادریس(ص) در اهرام فورمولهای ریاضی بیشتر از دویست فورمول ثبت کرده که اکنون نیز مورد استفاده قرار میگیرد و از آنهاست $X^2+Y^2=100$ و همچنین $N^2+N^3=36$ و همین طور درآنجاست صد نانرا بر پنج نفر بطور تصاعد عددی تقسیم نمائید بهر نفر چقدر میرسد ؟ و ....

و درآثار کلدانی است عددی پیدا کنید اگرآنرا با مربع خودش جمع کنیم مساوی $\frac{3}{4}$ شود مثل $\frac{3}{4} = X + X^2$ جوابی $X = \frac{1}{2}$ در علت بنای اهرام از حضرت ادریس(ص) نقل شده چون پس از من عالم طوفانی خواهد شد لذا این اهرامرا ساختم وعلومرا درآنجاثبت نمودم تا آنکه این علوم از طوفان مصون بماند .

خوانندگان عزیز اطلاع دارند که اخیرا" امریکائیان صندوقی را که ۵ هزار سال دوام داشته باشد پر از فرمولهای علمی عصر کرده در زیر خاک دفن نموده‌اند تا از جنگ بین‌الملل سوم آنها مصون بمانند و پس از جنگ نسل آینده‌ٔ آنان از آنها استفاده نموده باز بر دیگران مسلط شوند حضرت ادریس(ص) حکماء و شاگردانی مستقیم و یا غیر مستقیم تربیت نمود و بدان وسیله تمدن قوی در عالم بنا نهاد لذا ملاصدرا ، صدرالمتالهین در اسفار گوید : (کان ادریس ابوالحکماء ....)

انبیاء و حکماء و فلاسفه که پس از آنحضرت آمدند مانند اسقلیبوس ها و فیثاغورس و بقراط و سقراط و افلاطون و ارسطو و همچنین حضرت داود و سلیمان و لقمان که پیامبرانی حکیم بودند و از علوم و عجائب صنایع برخوردار بودند مثلا" در مورد حضرت داود(ص) خدا میفرماید : (والناله الحدید) آهن را برداود نرم کردیم و همین طور حضرت سلیمان که در روی ابرها راه میرفت و حضرت لقمان علم طب را تشقیق نمود و همین طور حضرت عیسی که مافوق طب را آورد و حضرت موسی ما فوق علم سحرو جادو را و همچنین عاموس ـ هوشع ـ میکاء ـ اشعیاء ـ حزقیال ـ ارمیاء ـ دانیال ـ یوشع ـ حیقوق ـ ناحوم که برخی با وسائل عادی و برخی با غیر عادی بر هواء و برآسمانها میرفتند و بالاترین فرد انبیاء و بشرحضرت خاتم النبیین بوسیله‌ٔ براق (برق ؟ اشعه‌ٔ لیزر ؟ میزر ؟ و ......) بر کرات بالا سیر می‌نماید .

(سبحان الذی اسری بعبده لیلا من المسجدالحرام فی المسجدالاقصی الذی بارکنا حوله لنریه من آیاتنا ....)

بسم ا . . . الرحمن الرحیم

اکنون که بیاری خدای توانا حکومت جمهوری اسلامی پس از انقلاب کبیر ایران برهبری رهبر بزرگ انقلاب حضرت مستطاب آیة ا . . . العظمی امام خمینی مدظله‌العالی برقرار گردید و مطابق ۹۸٪ آراء مردم ایران پیاده شدن برنامه‌ها و دستورات اسلام معین‌گشت لازم است فرهنگ اسلام در ابتداء بطور کامل در کشور ما پیاده شود زیرا اساس و شالوده مکتب هر کشور فرهنگ آنست و خوشبختانه فرهنگ اسلام از نظر سیاسی، اقتصادی، علمی، عبادی، طبیعی، طبی، کیفری، جزائی، مدنی، اجتماعی و بالاخره از تمام ابعاد، غنی‌ترین وکاملترین فرهنگهای عالم است .

باین حقیقت بیشتر دانشمندان جهان اعتراف کرده‌اند که نیازی بذکر آنها نیست ، بعلاوه تواریخ عالم بطور صریح باین مطلب دلالت میکند ، کتابها و کتیبه ها و بوابی و اهرام و آثار گذشتگان شاهد آنست . البته باید متذکر شد براینکه مراد ما تنها آئینی را که پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبداله (ص) آورد و تکمیل کرد نیست بلکه باید اذعان داشت باینکه تمام پیامبران الهی در تکامل و تمدن انسانها در اعصار و امکنه سهم بسزائی داشته اند و دین اسلام آئین همگان و مورد تبلیغ همه پیامبران بوده است زیرا چنانکه درکتاب بررسی عقاید و ادیان ص۲۰۰ ثابت کرده‌ایم دین نزد خدا از ابتداء یکی بوده است (ان الدین عنداله اسلام) ، خداوند دینی بنام یهودیت و نصرانیت و یا غیر انیها نفرستاده است ، بلکه حضرت موسی و حضرت عیسی ، و سایر پیامبران الهی مامور تبلیغ همین دین اسلام بوده‌اند چنانکه



کمیته فرهنگی جهاددانشگاهی
مجتمع فنی ومهندسی

پیرامون

انقلاب فرهنگی

در دانشگاه

پای صحبت یکی از اساتید حوزه
علمیه قم ''مصطفی نورانی''

امیدوارم که با چنین امیدی و با چنان ایمانی و چنین و چنان عمل صالحی موفق باشید که پایه های اداره قاطع نظام اسلامی را برفراز اسلام محکمتر کنید شما برادران و خواهران گرامی ما در این عبادت بزرگ و خدمت بزرگ سهم فعال و خلاق و سازنده داشته باشید.

در پایان دوست داشتم اگر سئوالاتی دارید جواب بدهم اما متاسفم و خوشحال هستم اگر امروز عصر نتوانستم درجمع شما بیایم ولی حالا قضای ملاقات میکنم که این خود مایه خوشحالی من است با درود و سلام بر همه برادران وخواهرانیکه بوظایف خود عمل میکنند. خداوندا ما را در راه خدمت موفق بدار.

شیوه های برخورد باید صحیح باشد باید در باره این شیوه های برخورد بنشینند و تبادل نظر بکنید بطوریکه با شیوه های غلط برخورد نکنید.

۹ـ انتقاد از خویشتن است من نمیدانم آیا هیچ وقت دور هم جمع میشوید که هرکس بنشیند و بگوید این یک هفته نقائص و عیب کار من این بود اینکار را میکنید یا خیر کرده اید؟ (پاسخ حاضران: خیر) خوب شروع کنید، هیچ اشکال ندارد چهارتا خواهر و ۵ تا برادر دورهم بنشینند بگویند آقا من این هفته این کار کردم و می بینم این گوشه ازکارم عیب دارد خودش بوید بعدا" هم از دیگران با روی باز و گشاده روئی بخواهد که اگر عیب دیگر همداشتم که من نگفتم بگوئید بگذارید ما عیب هایمان راخودمان بدانیم.

المومن مرآت المومن یعنی چه؟ همین فقط میگوئیم برادر و خواهر مسلمان باید آئینه یکدیگر باشند آئینه یکی از کارهایش این است که عیب های آدم را میگوید شما چرا صبح میروید جلوی آئینه میایید بیرون؟ برای اینکه بما بگوید موهایت مرتب نیست، شانه بزن و مرتبکن، لباست مرتب نیست آنرا مرتبکن، مگر برای همین نمیروید پیش آئینه. قاعدتا" انسان برای همین میرود پیش آئینه. بنابراین ما باید کوشش کنیم هرهفته ای دوهفته ای یکساعت

دورهم بنشینیم با روی باز و گشاده روئی هر کسی اول عیبهای خودش را بگوید بعد آنهائیکه جا میماند دیگران بگویند بعد هم عیب جمعمان را بگوئیم از انجمن انتقاد کنیم ، انتقاد سازنده .

۱۰- مسئله امید کامل به آینده است . هیچ مسلمانی حق یاس و ناامیدی را ندارد مسلمان سراپا امید است انه لاییاٴس من روح الله الاالقوم کافرون آیه ۸۷ سوره یوسف آدمهائیکه ایمان بخدا ندارند آنهائی هستند که از گشایش آفرینش خدا در تنگناها مایوس میشوند انسانهای مومن همیشه باید امیدوار باشند . هیچوقت نباید چهره هیچ برادر و خواهر انجمن اسلامی متعهد پژمردگی و افسردگی و آثار یاس و ناامیدی داشته باشد ، آنقدر قرآن و اسلام بما تعلیم میدهد که نه با یک غوره سردیمان بشود و نه با یک مویز گرمیمان بشود .

لکیلا" تاسوا علی مافاتکم و لاتفرحوا بما آتیکم .آیه ۲۳ سوره الحدید این حوادث پیش میاید .

و تلک الایام نداولها بین الناس آیه ۱۴۰ سوره آل عمران

یکروز بالا و یکروز پائین و یکروز جلو و یکروز عقب تا شما یکدفعه فاجعه اگر برایتان پیش آمد زود دچار یاس نشوید و اگر هم یک نعمت خدا بشما داد و یک پیروزی، زود از شادی خودتان را نبازید در هردوحالت باید صبور باشید ،

هستید و در اثر ارشاد و معاشرت خوب میشوید. مگر شما ندیدید که تا حالا آدمهائی بد باشند و خوب شده باشند؟ ندیدید شما؟ اگر دیدید دنبالش را بگیرید تعلیم اسلام یادتان نرود، اسلام میگوید تا آخرین لحظات حیات در توبه باز است. یعنی آدم میشود برگردد و عوض بشود این هم مسئله تلاش برای جذب افراد جدید با سخن خوب با عمل خوب با جاذبه اخلاقی.

۵ـ مسئله انضباط است. یکمقدار هم باید روی انضباط تکیه کنید هر کار دسته جمعی انجام میدهد همراه باشد با انضباط تشکیلاتی، بچه مسلمانها به انضباط یک مقدار کم بها میدهند حالا کی میاید؟ حالا فلان کس فلان خلاف را کرده باید با او خوش رفتاری کنیم رودربایستی کنیم اینها گاهی ناجور از آب در میاید باید یکمقدار به انضباط و نظم بیشتر بها بدهیم، اما نظم فرعونی نه زیرا نظم هم گاهی فرعونی و طاغوتی است. هیتلر خیلی کارش منظم بود ولی نظمش طاغوتی بود نه الهی. همینطور استالین. نظم ما باید نظم الهی باشد، نظم سازنده، نظم نورانی ولی به نظم و انضباط بها دهید بحمدالله حالا دارد شروع میشود که کلیه انجمنهای اسلامی در همه سازمانها با همدیگر پیوند داشته باشند و مربوط بشوند یک نیروی بزرگ تشکیل بدهند.

۶ـ شناسائی و کشف استعدادها و عناصر مدیر و بـدرد بخور که بتوانند پستهای کلیدی موثر را با لیاقت اداره کنند این خیلی مهم است. گاهی ما یک فرد متدین و خوبی را میگذاریم راس کاری، ولی چون توانائی اش ضعیف است اثر بدی میگذارد میگوئید آدم کم توانی آدم ضعیفی اسـت. مدیریتش ضعیف است. میتوانند از برادرها خواهرها درکارها مدیر باشند و مسئولیت یکجای ۵ نفری، ۱۰ نفری، ۵۰ نفری را بعهده بگیرند. شما باید مدیرهای مومن و متعهد مسائل آینده را کشف کنید و بسازید، هم کشف کنید و هم بسازید باین اهمیت بدهید.

۷ـ معلوماتتان را ببرید بالا، مطالعاتتان باید مطالعات اسلامی باشد مطالعات فنی هم باید باشد. هر کدام از شما وظیفه شرعیتان هست که درهفته یکمقدار روی رشته خـاص خودتان مطالعه فنی بکنید وظیفه دینی شما هست بطوریکه کاردانی و کارآئی فنی شما رو به افزایش پیگیر و مستمر باشد.

شیوه های صحیح برخورد با دشمن

۸ـ شیوه های صحیح برخورد با دشمن و مخالف را یـاد بگیرید گاهی برادرها و خواهرها با جریانهای مخالـف میخواهند برخورد کوبنده داشته باشند اما طرز برخـورد آنها طوریست که در جامعه اینها محکوم میشوند. آنها حاکم

موسساتی که از پیش بوده ، یک وزارت بتمام معنی تازه تاسیس نیست اگر بشود مثل نهادهای انقلاب اقلا" اکثریت افرادش را از افرادیکه بهتر درک کردند انقلاب را ، و مومن هستند ، حالا شما اقلیت مومن میخواهید چکار کنید؟ میخواهید بر ستون قدرت دولت پیروز انقلاب تکیه کنید و کارهایتان را پیش ببرید یعنی بگوئید بلد امروز دیگر دولت ، دولت ماست تا حدی این کار را بکنید ، ولی زیاد نه اگر زیادی کردید اثر عکس دارد تا یک حدودی

تکیه گاه اقلیت در خط انقلاب اسلامی

در ادارات و سازمانها

پس بر چه میخواهید تکیه کنید نظر ما ها این است که شما ها یک اقلیتی باشید که تکیه کنید بر :

۱- ایمان هر چه قویتر به آرمانتان و بکارتتان ، نگذارید این ایمان در شماها خدای نکرده پژمرده وضعیف بشود باید روز بروز تقویت گردد .

۲- برنامه های عملی که در آن تفوق ساختار اسلامی بچشم بخورد ، معلوم باشد این خواهر مسلمان ما از یک هم سن و سال و همکلاسی و هم رتبه غیر مسلمانش درمقام عمل صالح تر است و این برادر مسلمان ما در مقایسه با همطراز غیر مسلمان و غیر متعهدش در عمل سودمندتر است و اما ماینفع الناس : فیمکث فی الارض . . . (آیه ۱۷

سوره رعد) اگر شما بحال مردم سودمند واقع شوید ماندنی خواهید بود این بیان قرآن است. سودمندی بیشتر شما عامل پیروزی شماست بهمین جهت درخودسازی فردی و جمعی انجمنها باید با برنامه ریزی طوری عمل بکنید که در بعد خدمت بمردم بدرخشید برای خداوند نه برای اینکه مردم تعریف کنند.

۳ـ ارتباطاتتان را قوی کنید وقتی یکعده دراقلیت هستند اینها باید به کمک ارتباطات گسترده یک جمع بزرگتر بشوند. حالا ببینید اینجا جمع هستید یک احساس دلگرمی و قدرت بیشتر میکنید توی هر شهری چهارتا ،پنج تا یا ده تا هستید اینجا اکنون پنجاه تا یا شصت،هفتاد تا هستید احساس دلگرمی بیشتر میکنید، بنابراین مسئله ارتباطات را بیشتر کردن نشان دهنده جمع وسیعتر است.

۴ـ جذب عناصر جدید در نیروهای اسلامی ، گاهی دافعه خیلی قویست اما جاذبه چندان قوی نیست مسلمان هم دافعه دارد و هم جاذبه زیاد باشد باید کلامتان، رفتارتان چنان باشد که میان همکارهائی که دارید یکی یکی آنها را جذب کنید اصلا" باید برنامه داشته باشید برای جذب آنها ، مبادا فکر کنید باینکه اینهائی که با ما مخالف هستند دیگر کارشان خراب است نه انسان تغییر میکند آدم عوض میشود خیلی ها آدمهای بدی

بسم ا...الرحمن الرحیم

شما برادرها و خواهرها خوش آمدید

برادرها و خواهرهائیکه بار سنگین مسئولیتها را بر دوش دارید و چشمها در انتظار نتایج تلاشهای بهم پیوسته شماست همینکه در این شب جمعه اجتماع شب سالگرد طلیعه شهادتهای حسینی در مقطع اصیل انقلاب ۱۵ خرداد چهل و دو در این مدرسه که امیدوارم اسس علی التقوی باشد از روز اول پایگاهی بود برای انواع فعالیتهای مبارزاتی که شکل ظاهری آن مدرسه بود و در کنار مدرسه فعالیتهای دیگر که اینجا هست برپا بود این تجمع انشاءا...تجمعی باشد ما را بهم نزدیکتر که هیچ ، نیروها را بهم پیوسته تر گرداند .

برادرها و خواهرها از بهزیستی هستند؟

خوب ، همانطوریکه نگاه میکنید اسلام و انقلاب اسلامی و نیروهای انقلاب در جامعه بحمدا... در یک اکثریت نیرومندی است اکثریت این جامعه یا با درک و آگاهی و ایمان قلبی راسخ در خط انقلاب اسلامی هستند و یا هوادار و علاقمندند و دنبال میایند اما در سازمانهای دولتی شماها در اقلیت هستید و دیگر تعارف هم نمیخواهیم بکنیم در سازمانهای اداره کننده دولت در اقلیت هستید این وزارت بهزیستی هم بالاخره ترکیبی است از یک مشت



کمیته فرهنگی جهاددانشگاهی
مجتمع فنی ومهندسی

رهنمودهای شهید مظلوم آیة ا... بهشتی به انجمن های اسلامی

(در تاریخ ۶۰/۳/۱۵)

انتشارات دانشکده برق

بسمه تعالی

شماره ....

تاریخ ....

پیوست..........



جمهوری اسلامی ایران

دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

یک یا دو نفر کادر اداری برای هر گروه کفایت میکند که از کادر موجود دانشگاهها قابل تاءمین است.

زمان لازم :

معمولاً برای دروس دوره فوق لیسانس این رشتهها ۲ سال تحصیلی در نظر گرفته میشود که با ضافه آن از یک دوره تابستانی هم میتوان سود جست، اما چون ساعات و نحوه درس و بحث کاملاً منطبق با دوره های معمول فوق لیسانس خواهد بود تصور میرود مدت لازم کمتر از یکسال و نیم باشد و با این احتساب حدوداً هنگام بازگشائی دانشگاهها حاصل کار این گروهها بثمر خواهند نشست و اولین گروه از کسانی که این دوره ها را با موفقیت طی کرده اند، ضمن ادامه کارشان در سطوح بالاتر، بتدریس در دروس پایه در دانشگاهها خواهند پرداخت و بدینگونه گامی بلند در تحقق شعار "ایجاد دانشگاه اسلامی" برداشته خواهد شد. انشاء الله

آدرس: خیابان حافظ - خیابان فرانسه - خیابان مرجانت - پلاک ۵ تلفن ۷ - ۶۷۰۱۱۶



بسمه تعالی

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

جمهوری اسلامی ایران

مرکزی جهاد دانشگاهی

صاحبان مدرک و ....، مورد نظر قرار نخواهد گرفت ، در عوض سعی میشود که به تصریح قرآن معیار فضیلت و تعالی انسان ، تقوا ، دانش و ایمانش باشد ، انشاء الله

این گروهها میتوانند ضمن کار خود ارتباطی میان خود و حوزه های علوم اسلامی ایجاد کنند و از راه تبادل استاد و دانشجو برای برقراری دوره هایی که حوزه ها با بعضی علوم نظری جدید آشنا شوند و همینطور مفاهیم بنیانی علوم اسلامی در دانشگاهها عنوان و تدریس شود ، بکوشند که این تأثیر بسیار مفیدی بر روی جو دانشگاهها و اسلامی شدن آنها خواهد داشت.

امکانات مورد نیاز :

بلحاظ وجود دانشگاهها و آزمایشگاهها و کتابخانه های آنها ، تقریبا" تمام وسایل مورد نیاز آماده است و نیاز زیادی برای تهیه وسایل متصور نیست ، برای علوم نظری حداکثر احتیاج به تهیه مقداری کتاب خواهد بود و البته شاید بخاطر بسته بودن دانشگاهها لازم باشد از یک ساختمان مجزا برای اینکار استفاده شود که در این صورت یک ساختمان چند اتاقه برای اینکار کفایت میکند.

در مورد رشته های فنی هم باضافه آزمایشگاهها و کارگاهها موجود در دانشگاهها میتوان از زمینه های تکنیکی در واحدهای صنفی نظیر صنایع نظامی ، ذوب آهن ، ماشین سازی های تبریز و اراک و .... استفاده نمود که البته در این دوره های فنی تلفیق تئوری و عمل از مهمترین عامل های آموزشی است.

اساتید این گروهها عموما" از کادر هیات علمی دانشگاهها هستند و هزینه اضافی از جهت مدرسین وجود نخواهد داشت مگر در مورد اساتید مدعوو احتمالا" افراد برجسته‌ٔ ایرانی که فعلا" در ایران نیستند ولی تمایل شرکت در اینچنین مجامعی را دارند و البته شرایطشان هم با مکمل معیارها این گروهها مطابقت دارد.

برای دانشجویان این دوره ها کمک هزینه‌ای بسته به وضع زندگی (افرادی که در کفایت ایشان هستند) حداکثر رقمی بین ۲/۵ تا ۳ هزار تومان در نظر گرفته خواهد شد که البته میتوانند معادل این کمک هزینه با توجه به نیازی که در مدارس کشور در مورد تدریس در درس علوم نظری موجود است ، بکار تدریس در دبیرستانها مشغول شوند.

آدرس : خیابان حافظ ـ خیابان فرانسه ـ خیابان مرجان ـ پلاک ۵ تلفن ۷ ـ ۶۷۰۱۱۶



جمهوری اسلامی ایران

دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

بسمه تعالی

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

-۵-

تربیت یافته گان این مکتب ، بزیور علم و عمل و ایمان و تعهد آراسته بوده‌اند و اینچنین بوده است که از بوته دشوارترین آزمایشات سربلند و استوار بیرون آمده‌اند .

خصوصا " در جنبه های نظری ، در رشته های فیزیک ، ریاضی و شیمی و همینطور علوم انسانی ،میترا و باید امتزاجی از علوم جدید ، بهمراهی گنجینه بی انتها وگرانبار اندیشه اسلامی که بدلیل محتوی مترقی و انسانساز و تحرک آفرینش که طی قرون و اعصار توسط فرعونان زمان همیشه پوشیده نگاهداشته شده و از گسترش جلوگیری گردیده و عموما " در تحریف و تضییعش کوشیده میشده است فراهم آورد ، تا اینبار با این چراغ فروزان که فراروی دانش پژوهان قرار میگیرد ، منظری جدید در دیده‌شان جلوه گر شود و فکر و روحشان جلا یابد ، اینچنین تعلیم یافتگان ، مطمئنا وقتی خود جامه معلمی بتن کردند ، در تربیت شاگردان خود از توشه و اندوخته دانش و علم وایمان و تعهد ، بهره خواهند جست .

اینچنین است که انشاء الله پایه های تغییر و تحول بنیادی در نظام آموزش و پرورش اسلامی ریخته خواهد شد .

برای هر رشته باضافه اساتیدی که تدریس دروس علمی را عهده دار خواهند بود از یک یا چندنفر از اساتید علوم اسلامی (در رشته های فلسفه ، کلام ، اصول ، حدیث) بقدر امکان با توجه به اشتغالات این گروه دعوت بعمل خواهد آمد که مباحثی هر یک در زمینه خود ارائه کنند، ولی در نظر است لااقل یک نفر استاد علوم اسلامی بطور قطعی و دائم جزو هیات علمی هر رشته باشد .

چگونگی کار گروه :

آنچه در نظر است این است که در هر رشته هسته هایی حدود بیست نفر استاد و دانشجو،حلقه های بحث و درس تشکیل دهند و خارج از ضوابط اداری و رسمی همانند حوزه ها در اختیار یکدیگر باشند ، وجود یک استاد علوم اسلامی در این حلقه و نیز جو اسلامی موجود در این حلقه ها شرایط بسیار مطلوبی را برای فراگیری تعالیم اسلامی در میان دانشگاه فراهم میآورد و همچنین از سوی دیگر روش مطالعه جمعی و تحقیق و تجربه گروهی جهشی بلند بسوی ترفیع سطوح علمی و تجربی دانشگاهی کشور خواهد بود . همینطور در این دوره ها بهیچوجه ارزشهای متعارف مضبوط از غرب و فضای آکادمیک غربی اعتباری نداشته و معیارهایی نظیر مدرک و بینش توفیق جویی

آدرس : خیابان حافظ ـ خیابان فرانسه ـ خیابان مرجان ـ پلاک ۵ تلفن ۷ ـ ۶۷۰۱۱۶



جمهوری اسلامی ایران

دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

بسمه تعالی

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

برای مطالعه و تحقیق در پیاده شدن طرحی نمونه برای ایجاد دانشگاه اسلامی و عیب یابی وتصحیح و تکمیل آن بشمار میآید.

منضمات طرح :

این طرح فعلا" برای رشته های فنی و علوم نظری در نظر گرفته شده و خصوصا" در رشته های نظری علوم فورا" قابل اجراست.

با مطالعه و مشورت با تنی چند از اساتید متعهد فعلا" در مورد رشته فیزیک بررسی همـــا ابتدائی روی جنبه های مختلف طرح صورت گرفته است و در صورت تصویب شروع فعالیت خواهدشد.

در نظر است این گروهها هر یک در رشته های خود اولا" از نظر مدرسین،از متعهدترین و بـــ کیفیت ترین افرادموجود در دانشگاهها استفاده کنند وبا تحقیقی که شده از لحاظ کیفیـــت توانائی کار در علوم نظری بیشتر ازتعداد مورد لزوم ، مدرسین موجود هستند که از نظر علمی در سطح جهانی‌اندو از بین اینان مناسبترین ، بلحاظ اسلامیت ، ایمان ، وتعـــهد انتخـــاب خواهند شد و باز چون تعداد مورد نیاز محدود است.(برای هر رشته حداکثر ۷ نفر کفایت میکند- کمبود نخواهیم داشت.

• در مورد انتخاب دانشجویان ضوابطی در نظر است که از هر جهت بتوان برای محصول این دوره هـ بلحاظ تعهد و ایمان و توانایی و کیفیت در کار آموزش نسل آتی دانشگاهی حساب نمود.

این افراد از بین دانشجویان فارغ التحصیل دانشگاهها ، با معیار اسلامیت و تعهد به انقلاب اسلامی و تبرا از هر گونه انحراف در مکتب و همچنین قابلیت گذراندن دوره عالی دانشگاهـــ و نیز علاقه به کار تعلیم و تعلم انتخاب خواهند شد.

نحوه آموزش :

در این دوره ها ، سعی در این است که دانشجویانی تربیت شوند که بهمراه مطالب علمی کــــ در سطح قابل قبول و منطبق با شرایط فعلی جامعه انقلابی اسلامی مملکت کسب میکنند ، سعـــ در تقرب ونزدیکی " علم و دانش " با " تعهد و ایمان " و " دانشمند و عالم " با " متعهـــ و مؤمن " صورت پذیرد و گامی در تربیت و تعلیم دانشگاهی برداشته شود که در عصر اخیر تقریبا نایاب بوده است و از جمله تعالیم عالیه مکاتب اهل بیت عصمت و طهارت است و آنچنانکه میدان

آدرس : خیابان حافظ ـ خیابان فرانسه ـ خیابان مرجان ـ پلاک ۵ تلفن ۷ ـ ۶۷۰۱۱۶



جمهوری اسلامی ایران

دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

بسمه تعالی

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

حل آن مطرح گردیده، است و نوعا " بلحاظ حیطه فراگیری خود اهداف دیگری را نیز تعقیب میکند که هر یک بجای خود و در زمان خود یکی از حوائج جامعه را مرتفع ساخته و دردی را درمان میکند.

طرح اولیه یک هسته الگو جهت پرورش دانشجو در رشته های فنی و علوم نظری برای دوره سطح (فوق لیسانس) و اجتهاد (دکتری ، برای رشته های که امکان آن باشد)

- این طرح بطور همزمان دو هدف کوتاه و بلند مدت را تعقیب میکند.

الف : تربیت علمی و ایدئولوژیکی گروهی مسلمان متعهد به انقلاب که ضمنا " توانائی و کشش لازم را جهت ادامه کار داشته باشد ، برای تدریس در دروس پایه در نظام جدید اسلامی دانشگاهی و بر حسب احتیاج جایگزینی ایشان با گروهی که با اشتغال کرسی تدریس در دانشگاه بدلیل کمبود مدرس مسلم ، با خیال راحت به توطئه و ضدیت با انقلاب می پردازند و یا حداقل مروج فرهنگ منحط غرب که تعلیم گرفته در آن و تجسم و الگو آکادمیسین های غربی هستند که این گروه اخیر اکثریت قریب به اتفاق اعضاء هیات علمی دانشگاهها را تشکیل میدهند. چرا ما باید برای بازگشائی دانشگاهها بازمحتاج به این گروهها باشیم ، و اگر تمهیدی در این مورد بکار نبندیم عنقریب است که به این بلا مبتلا گردیم.

ب - تداوم و پیگیری در امر پیشگیری از ازدیاد فاصله علمی و بدنبال آن تکنیکی که فعلا با مراکز طراز اول دنیا داریم که این فاصله خود بمقدار فعلیش وحشتناک و بسیار زیاد است و هر لحظه غفلت در این امر بمنزله فرورفته و غرق شدن هر چه بیشتر در ورطه احتیاج و وابستگی علمی ، تکنیکی ، اقتصادی ، به غرب و شرق است و بسیار روشن است که این وابستگی چه بدنبال دارد .. این طرح میتواند در دراز مدت ایمان و تقوا و ایثار را با علم و تکنیک و تخصص یکجا جمع آورد و عجین سازد (دو عاملی که تا کنون غالبا " از هم فرسنگها فاصله داشته اند) که نتیجه آن انشاء الله تعالی و اقتدار و عظمت اسلام است.

این طرح در مرحله اجرا میتواند خود تجربه ای برای سنجش یک الگو و نمونه برای ساخت دانشگاه اسلامی باشد ، زیرا که بعلت محدودیت نیروهای درگیر (جمعا " حدود ۲۰۰ نفر برای ۱۵ رشته) اولا " کیفیت آموزش میتواند بسیار بالا باشد و ثانیا " کنترل خط کلی حرکت بسیار آسانتر از کنترل دانشگاهها است مضافا " باینکه فعلا " دانشگاهها نیز تعطیل است و این خود فرصتی

آدرس : خیابان حافظ - خیابان فرانسه - خیابان مرجان - پلاک ۵ تلفن ۷ - ۶۷۰۱۱۶



جمهوری اسلامی ایران

دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

بسمه تعالی

شماره ....

تاریخ ....

پیوست ....

و متاسفانه این حقیقت استکه ما در این دوگروه و خصوص در گروه اول آنچه فعلاً داریم ...
کل بهیچوجه و با هیچ معیار اسلامی و حتی انسانی کسانی نیستند که جامعه اسلامی ایران بتواند ...
با خیال راحت عنان ساخت تفکر نسل نوینش را بدست اینان بسپارد و این حقیقت آنقدر عریان ...
هولناک استکه نه در تصدیق آن ابهامی است ونه درلزوم ایجاد دگرگونی در اجزاء آن یعنی ...
" معلمین " و " متعلمین ".

گر چه در اینجا قصد بررسی و تحلیل شرایط نیروهای آموزشی موجود در دانشگاهها و جرائی ...
موجود نمیباشد، اما شاید عنوان این بدیهه بمنظور تاکید جائز باشد که در نیم قرن اخیر ...
یعنی بحبوحه ترقی و تعالی علم و تکنیک در این مرزوبوم بخاطر استیلای سفاکان رژیم استبداد ...
در بین گروهها و صاحبان مکاتب فکری کمترین بذل توجه به اکتساب علم و دانش روز و ...
در همطرازی با اربابان معارف نوین را گرویدگان اصیل به شریعت مقدس اسلام نموده‌اند و این ...
مسئله که معلول آن کمبود فاحش نیروهای دانشمند و ورزیده علمی و تکنیکی در بین مسلمین ...
واقعی است خود بسبب تفاوت دربینش و مواضع سیاسی - ایدئولوژیکی این گروهها بوده ...
که بجای خود در شناخت نیروهای درگیر در تاریخ مبارزات اخیر ملت ایران و روشن ...
اهداف این مبارزه در بین هر یک از این اقشار چراغی است فرا راه راه جویان.

خلاصه اکنون اکثریت قریب به اتفاق کادر علمی دانشگاهها بلحاظ اخلاق و ضوابط شرع مقدس اسلام ...
صالح و جامع شرایط نیستند که مغزهای جوانان مملکت بدستشان سپرده شود تا هر دسته بنا بر ...
ذوق وسلیقه خود گروهی را به مسیر خود بکشانند و آن شود که امام فرمود " دانشگاهها ...
محای سازندگی و تهذیب افکار در تخریب آن کوشیده‌اند ".

اکنون که تصور میرود در باب مورد نظر، مسائل ابتدائی عنوان گردیده، شاید بتوان ضرورت ...
حرکتی، در جهت جمع آوری و تعلیم و تربیت گروهی مسلمان متعهد را بمنظور ایجاد و بسیج ...
کادرهائی که هم بحاظ علمی توانائی تدریس علومی را که رشد و باروری فردای مملکت ...
دارا باشند
و در گرو تسلط متعهدین این انقلاب و مکتب بر آنهاست و هم بحاظ تقوا و ایمان و عشق ...
اسلام و انسان و باتعهد و ایمان بارآوردن نسل نوین این امت افراد مبرز و توانائی باشند ...
برای آنچنین مشاهده نمود ، طرحی که در ذیل خواهد آمد در رابطه با این نیاز وبمنظور ...

آدرس: خیابان حافظ - خیابان فرانسه - خیابان مرجانیه - پلاک ۸ تلفن ۷ - ۶۷۰۱۱۶



جمهوری اسلامی ایران

دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی

بسمه تعالی

تاریخ ....

پیوست ....

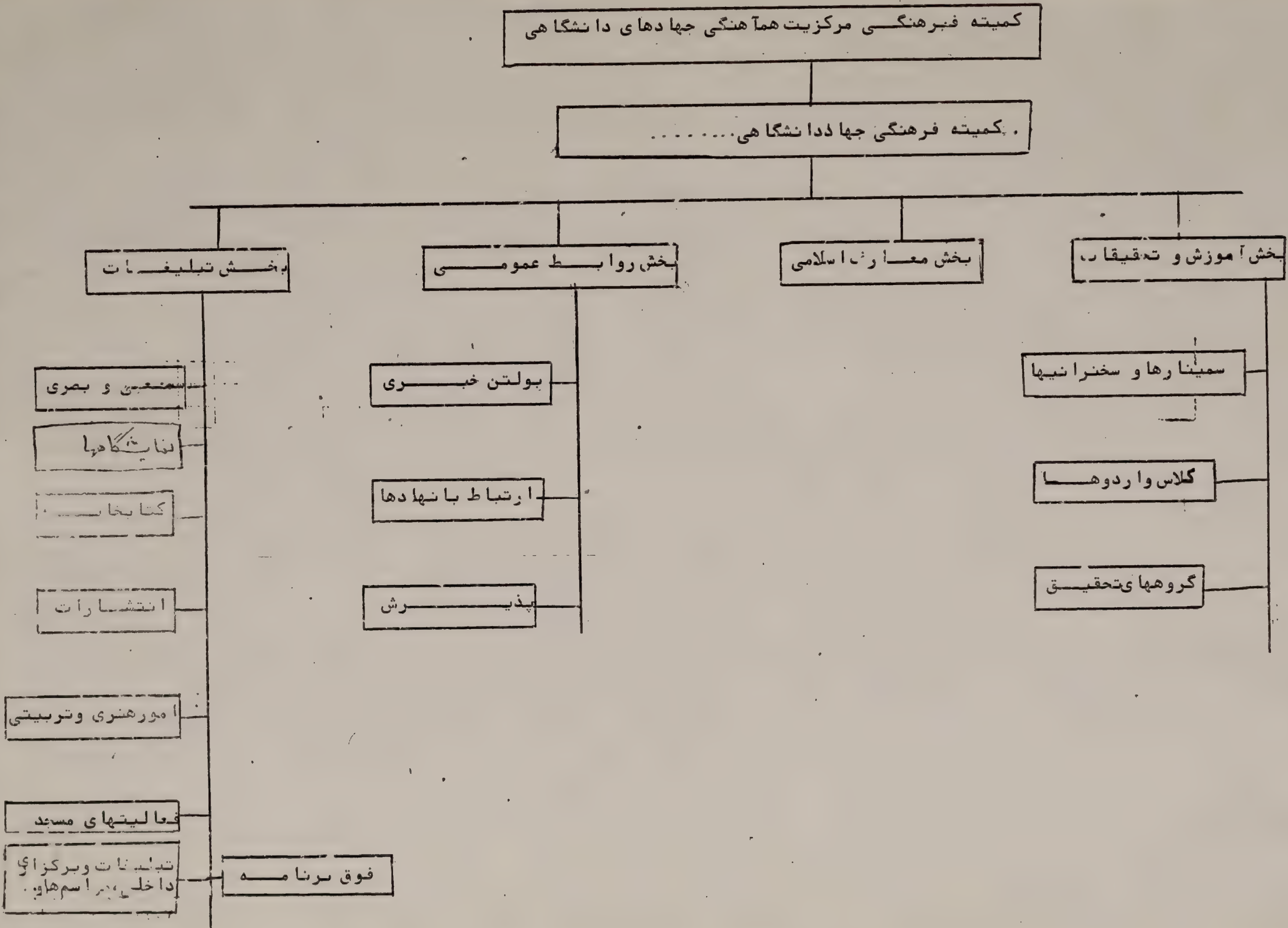
طرح تربیت مدرسین متعهد و معتقد به انقلاب اسلامی برای دانشگاهها و مراکز آموزش عالی

مقدمه :

حرکتی که بدنبال پیام نوروزی امام خمینی در میان گروهی از دانشگاهیان ایجاد شد و راهیان این حرکت که از زدن کاستی ها و نارسائیها نظام دانشگاهی موجود (که بگمان ما جز عبور جهت گیری اساسی برای واژگونی و دگردیسی آن صورت نگرفته است) سالها زیسته و از نزدیک اهداف استیلا طلبانه و مخرب این نظام را با تمام وجود دریافته بودند ، همانطور که ابوای توقف این نظام کوشش میکردند ، همگام با آن در صدد ترمیم خطوط و روشهائی جهت پیگیری و پیشروی بسوی هدف " استقرار دانشگاه اسلامی" بوده و هستند هر چند که این خطوط بلحاظ پیچیدگی و چند گونگی ابعاد فراگیرنده ای که بایستی نظام جدید دانشگاهی دارا باشد کاملاً و بطرزی روشن نقش نپذیرفته است . اما سوز و دردی که جان این گروه را بخاطر ترس از استقرار مجدد نظام گذشته و بی محتوی بودن شعار " انقلاب آموزشی " و ایجاد تغییرات سطحی و غیر بنیادی در دانشگاه و بالاخره افتتاح مجدد دانشگاه بدون تحقق آرمانهای اسلام و امام در حساس ترین مقطع از تعلیم و تعلم جوانان مملکت میآزارد ، سبب آن شده که لحظه را هم در این فرصتی که برای خلق معیارها و ارزشها نظام جدید در اختیار است ، از دست ندهند و از تمام امکان و قوا برای ایجاد هسته ها و مراجعی که هر کدام بتوانند در حیطه دانش خود و حسب وظیفه ای که بر ایشان در نظر گرفته میشود ، بتلاش پرداخته شود که تا بحال نیز چنین بوده است (حال اگر آثار این حرکت بسیار ضعیف بوده است این ناشی از موانع متعددی است که در مراکز مختلف ، ستاد انقلاب فرهنگی ، جهاد دانشگاهی ، در بین مسئولین دانشگاهها و .... ریشه دارد و تحلیل آنها نه در این مقال میگنجند و نه هدف آنست) .

در اینجا بررسی دقیق یکی از نیازها و مسائلی است که فراروی نظام دانشگاهی اسلامی قرار دارد و از اهم معضلات هم بشمار میآید ، چرا که شاید مهمترین مسئله در یک نظام آموزشی " کیفیت معلم و متعلم باشد .

آدرس : خیابان حافظ ـ خیابان فرانسه ـ خیابان مرجانی ـ پلاک ۵ تلفن ۷ ـ ۶۷۰۱۱۹


کمیته فرهنگی مرکزیت هماهنگی جهادهای دانشگاهی
کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی........
بخش آموزش و تحقیقات
بخش معارف اسلامی
بخش روابط عمومی
بخش تبلیغات
سمینارها و سخنرانیها
کلاس واردوها
گروههای تحقیق
بولتن خبری
ارتباط با نهادها
پذیرش
سمعی و بصری
نمایشگاهها
کتابخانه
انتشارات
امور هنری و تربیتی
فعالیتهای مسجد
تبلیغات و برگزاری داخلی مراسمها
فوق برنامه

۷ - اجرای برنامه‌های تکمیلی (فوق برنامه) از قبیل کوهنوردی ، آمـــوزش نظامی ، دیدارها و بازدیدها ، برنامه‌های ورزشی و ....

۸ - راه اندازی و فعال نمودن برنامه های مسجد دانشگاه باهمکاری سایــــر واحدهـــا .

ج : وظایف بخش روابط عمومی

۱ - کسب اطلاعات عمومی از عملکرد بخش های مختلف جهاد دانشگاهی و گزارش سیاسی، فرهنگی دانشگاه و جامعه وارائه آن از طریق بولتن خبری

۲ - ارسال اطلاعیه واخبار و تشکیل مصاحبه ها درمورد فعالیتهای بخشهای مختلف جهاد دانشگاهی از طریق رسانه‌های گروهی با همکاری واحد تبلیغات .

۳ - شناسائی و پذیرش نیروهای متعهد دانشگاهی دربخشها وکمیته‌های مختلف جهاد دانشگاهی دانشگاه

۴ - پیگیری ارتباط با روحانیون متعهد به ولایت فقیه جهت همکاری وحضوردر دانشگاه به منظور تحقق وحدت هرچه بیشتر دانشگاه و حوزه .

۵ - همکاری درشناسایی ومعرفی مدرسین صاحب صلاحیت برای تدریس دروس معارف اسلامی از حوزه و دانشگاه با بخش معارف اسلامی .

۶ - ارتباط با نهادهای انقلابی درجهت هماهنگی بیشتر (خبری ، تبلیغاتی ، سیاسی ، اطلاعاتی ......)

د : وظایف بخش تبلیغات

۱ - عرضه نمودن پژوهشها ، طرحها وفعالیتهای جهاد دانشگاهی از طریق ایجاد نمایشگاهها ، نشریه ، فیلم ، عکس ، پوستر و اسلاید و ...

۲ - ایجاد قسمت انتشارات وفراهم آوردن امکانات چاپ دست آوردهای فکری وهنری و پژوهشی دانشگاهیان سایر متفکران مسلمان ومتعهد جامعه

۳ - برعهده داشتن تبلیغات داخلی دانشگاه وبرگزاری مراسم و بزرگداشت و ایام سوگواری به مناسبت های مختلف با همکاری روابط عمومی .

۴ - همکاری ومشارکت با نهادها وارگانها دربرنامه‌ریزی تبلیغاتی از طریق روابط عمومی .

۵ - همکاری موثر با مجله دانشگاه انقلاب درارائه مطالب وطرحها و ...

۶ - تشکیل قسمت های سمعی وبصری (نوارخانه وویدئوو ...) وکتابخانه‌وگروه - فعالیتهای هنری و تربیتی (فیلم ، اسلاید ، خطاطی ، نقاشی ، گرافیک، تئآتر و کوهنوردی و ... جهت فعالیتهای تربیتی و هنری نیروهای دانشگاهی.

وظایف شورای کمیته فرهنگـــی

۱ - تشکیل بخش ها وقسمت های مشخص شده ، درطرح تشکیلاتی
۲ - تعیین خط مشی بخش های مربوطه و رسیدگی ونظارت و هماهنگی آنها
۳ - تصویب طرحهای پیشنهادی بخش های ذیربط وارائه این طرحها جهت تصویـــب بهکمیته فرهنگی مرکزیت هماهنگی جهادهای دانشگاهی
۴ - اجرای مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی و کمیته فرهنگی مرکزیت هماهنگـــی جهادهای دانشگاهی .
۵ - تعیین صلاحیت مدرسین معارف اسلامی و اساتید دیگری که دراین کمیته بـــه فعالیت مشغولنـــد .

تبصـــره : آئین نامه داخلی این شورا از جانب ستاد انقلاب فرهنگی ارائهخواهـد شد .

الف : وظایف بخش معارف اسلامی

۱ - ارائه دروس معارف اسلامی دانشگاه و نظارت براجرای آن
۲ - معرفی روحانیون واساتید متعهد برای تدریس معارف اسلامی جهت تصویـــب و پذیرش بهمسئول کمیته فرهنگی که برای تصویب نهائی باید ستاد انقـــلاب فرهنگی نظر بدهـــد .

ب : وظایف بخش آموزش و تحقیـق

۱ - تشکیل کلاسهای اخلاقی عقیدتی ، سیاسی ، درجهت رشد فرهنگی نیروهـــــای دانشگاهی .
۲ - تشکیل اردوهائی جهت دانشجویان مسلمان وتربیت کادربخش فرهنگی
۳ - ایجاد گروههای تحقیقاتی عقیدتی ، سیاسی
۴ - برگزاری سمینارها و سخنرانیها و کنفرانس های تبلیغاتی و تحقیقاتـــی عقیدتی ، سیاسی و ...
۵ - آموزش و آماده سازی نیروهای جذب شده از طریق روابط عمومی

۳ - ارتباط با نهادهای انقلابی ، اسلامی درجهت هماهنگی بیشتر فعالیتهای فرهنگی .

۴ - شناسائی ، پذیرش و آموزش نیروهای مومن ومتعهد برای تامین نیروی انسانی جهاد دانشگاهی

۵ - تعیین خط مشی وبرنامه ریزی فعالیتهای فوق برنامه دانشگاه

۶ - ارائه دروس معارف اسلامی مصوبه ستاد انقلاب فرهنگی دانشگاه بابکارگیری اساتید و فضلا وروحانیون متعهد

۷ - بررسی مسائل سیاسی ، فرهنگی دانشگاه و جامعه وارائه آن از طریق نشریه یا بولتن خبری و یانشریه دانشگاه انقلاب

۸ - کوشش درجهت وحدت بین روحانی و دانشگاهی از طریق سمینارها ، کنفرانسها ومجامع تحقیقاتی و تبلیغاتی واستفاده ازروحانیت و سایر نیروهای متعهد و معتقد به ولایت فقیه درقسمت های مختلف دانشگاه .

۹ - همکاری وهماهنگی باانجمن های اسلامی دانشجویان و اساتید وکارکنان دانشگاه .

شورای کمیته فرهنگی

۱ - مسئول کمیته فرهنگی یک روحانی به انتخاب حضرت آیه الله العظمی آقای منتظری دام ظله است که این فرد علاوه برعضویت درشورای مدیریت دانشگاه درراس شورای کمیته فرهنگی نیز خواهد بود .

۲ - مسئول بخش آموزش وتحقیق

۳ - مسئول بخش روابط عمومی

۴ - مسئول بخش معارف اسلامی

۵ - مسئول بخش تبلیغات

تبصره ۱ : افراد این شورا مرکب از استادان و دانشجویان می باشند که مسئول کمیته آنها را انتخاب می کند .

تبصره ۲ : درزمان بازگشائی دانشگاهها ، درصورت مشخص نبودن مسئول کمیته فرهنگی این مسئولیت بطور موقت با تصویب شورای مدیریت بعهده یکی از اعضاء شورای مدیریت می باشد .

اساسنامه پیشنهادی کمیته فرهنگی
جهادهای دانشگاهی دانشگاهها

مقدمه : از آنجاکه تحقق حاکمیت فرهنگ اسلامی جز از طریق آموزش این فرهنگ به صورتی جهادگونه همراه با ارزش های والای آن ممکن نیست لذا جهت حاکمیت نظام آموزشی متناسب انقلاب فرهنگی عمده ترین وظیفه درتزکیه وتهذیب وتعلیم نیروهای دانشگاهی است که بتوانیم با وحدتی بین دانشگاه وحوزه ووحدت بین این دوقشر به یک نظام تعلیم و تربیتی منسجم وواحد اسلامی دست یابیم . لذا وظیفه کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی بعنوان تنها مجری امورفرهنگی دانشگاه که درتاریخ............. به تصویب ستاد انقلاب فرهنگی رسید ایجاب می نماید با توانی بیش از پیش وایمانی هرچه استوارتر با تهیه به نیروهای متعهد ومعتقد به انقلاب فرهنگی درارائه فرهنگ درارائه فرهنگ اسلام تلاش وکوشش نماید ودربه اجرادرآمدن این فرهنگ از طریق آموزش وایجاد زمینه های تهذیب وتزکیه فعالیتهای تربیتی ، سیاسی عقیدتی وبابکارگیری نیروهای متعهد نهایت سعی خویش رابکار گیرد .مسئولیت طرح وبرنامه ریزی وتصمیم گیری کمیته های فرهنگی جهادهای دانشگاهی برعهده کمیته فرهنگ اسلامی ستاد انقلاب فرهنگی و مرکزیت اجرائی طرحها و برنامه ها و نظارت بربخش های فرهنگی دانشگاهها برعهده بخش فرهنگی مرکزیت هماهنگی جهادهای دانشگاهی میباشد .

اهداف کمیته فرهنگی جهاددانشگاهی

۱ ـ ارائه فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی دردانشگاه وجامعه باهمکاری ومشارکت روحانیت متعهد به ولایت فقیه به منظور استقرا روحفظ فرهنگ و اخلاق اسلامی بجای فرهنگ و روابط ونظام گذشته وتحقق هرچه بیشتر آرمانهای انقلاب فرهنگی

۲ ـ ایجاد زمینه های تزکیه برای کلیه نیروهای مربوط به دانشگاه درجهت فراهم آوردن محیط سالم ومکتبی دردانشگاه

۳ ـ ایجاد رابطه متقابل بین مردم ودانشگاه درجهت تبادل فرهنگ و ارزشهای اسلامی وپیوند هرچه بیشتر دانشگاه ومردم.

۴ ـ وحدت روحانیت ودانشگاه

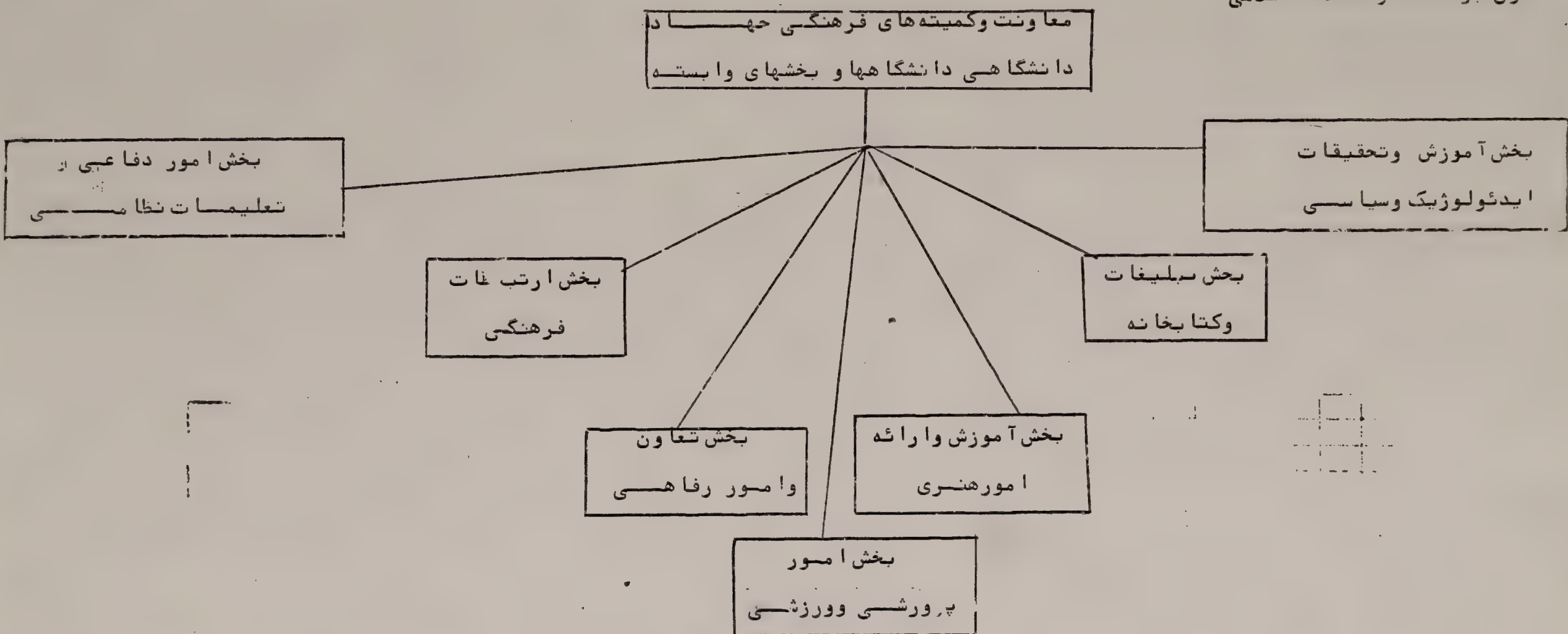
وظایف کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی

۱ ـ رشد تعالی ابعاد اخلاقی عقیدتی ، سیاسی، دانشجویان، استادان ،وکارکنان دانشگاه ازطریق:
الف ـ برگزاری کلاسها واردوها وتشکیل گروههای تحقیقاتی
ب ـ فعالیتهای تربیتی وفوق برنامه (هنری وپرورشی و.........)
ج ـ تبلیغات
د ـ برگزاری سمینارها و سخنرانی ها

۲ ـ کوشش درجهت ارائه فعالیتهای انقلاب فرهنگی دردانشگاه وتهیه بولتن خبری

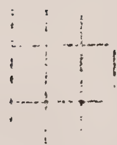
بسمه تعالی

فعالیتهای ،،
فوق برنامه در دانشگاه اسلامی



نقاشی وادبیات و......برای بالابردن محتوای فرهنگی دانشگاهیان.

تبصره : توضیحات مفصل درمورد نحوه انجام این امور وهمچنین مسئولین اجرای
آنها دربخش (اجرائیات) خواهد آمد.



معایب دانشگاههای گذشته دربعدهنری :

۱- فرهنگ وهنر موجوددردانشگاهها کلیهٔ خصلتهای فرهنگ تحمیلی شاهنشاهی رادارا بوده

- قدرت خلاقهٔ دانشجویان را درخدمت ترویج مسائل مبتذل وخلاف اخلاق تحت پوشش هنر، قرارمی داده

۳- زودباوری دانشجویان راجهت پذیرش هرنوع فرهنگ تحمیلی وتبلیغات سوء واعمال فرهنگ وهنرقدرتمندان ، وتثبیت ارزشهای ضدانسانی تقویت کرده ورشدمی داده

۴- عامل مستقیم فساداخلاقی دردانشگاهها بوده

۵- دانشگاهیان راازمسائل اساسی ودرک مشکلات جاری کشورمنحرف می کرده

فعالیتهای فرهنگی وهنری دردانشگاههای اسلامی :

۱- پرورش ذوق هنری وفرهنگی دانشجویان وشکوفاکردن آنان درجهت ادراک ارزشهای هنری وفرهنگی اسلامی وتقویت حس زیباشناسی درک زیبائیهای جهان آفرینش ه

۲- ایجادتوانائی برای خلق وابداع آثارارزنده هنری وتقویت روح تتبع وابتکاروارتقاء معلومات عمومی ه

۳- تربیت روحیه حفظ وتداوم فرهنگ وهنرشیوه های زندگی سنتی تاآنجاکه بارشدانسانی انسان هماهنگ باشد ه

۴- بررسی نیازهای جامعه (ازنظرفرهنگی وهنری) ویافتن راه حل متناسب برای برآورده ساختن آن نیازها واستفاده ازنیروها وامکانات دانشگاهی برای تحقق این مهم ه

۵- منعکس کردن چهرهٔ واقعی جهانخواران واستکبار جهانی وهمچنین منعکس کردن چهره مستضعفین جهان ازطریق هنر ه

راه وصول به اهداف فوق :

۱- برپا رکردن فعالیت های فوق برنامه هنری دردانشگاه وکنترل دائمی آن ازطریق بخش فرهنگی دانشگاهها ه

۲- فراهم ساختن موجبات اشاعه فرهنگ وهنراسلامی با استفاده ازامکانات دانشگاهها ،

۳- اجرای برنامه های هنری ومعرفی آثارومفاخرفرهنگی بمنظورجلب توجه دانشجویان وتشویق آنها به ابتکار ه

۴- ترتیب دادن برنامه های بازدیدازمظاهرتمدن وفرهنگ اسلامی

۵- اجرای مقررات رسمی برای کمک به تهیه وانتشارآثارارزندهٔ هنری وفرهنگی ه

۶- بکارگیری آموزشهای هنری(فوق برنامه) اعم ازتئاتر ، فیلم ، نشریه ، ویدئو ،

برای عملی شدن ارتباط دانشگاه با مردم موارد زیر پیشنهاد میشود :

الف : مردم برجریانات عمومی دانشگاه (سیاسی- اخلاقی- فرهنگی) به روشهای عملی زیرنظارت داشته باشند :

۱- نمایندگان مردم درمجلس شورای اسلامی دربعضی جلسات شورای مدیریت دانشگاه شرکت داشته باشند .

۲- دادن گزارش ازوضعیت عمومی دانشگاهها به مردم به طورمرتب ، ازطریق نماز جمعه ووسایل ارتباط جمعی ونظرخواهی ازآنها .

ب : ارتباط فیزیکی همهٔ مردم با دانشگاه ازطریق :

۱- ترتیب سمینارهای عمومی ، مراسم مذهبی ، نمایش فیلمهای آموزنده وغیره در دانشگاه .

۲- استفاده ازکتابخانه وامکانات عمومی دانشگاه تحت شرایط وقوانین موضوعه .

۳- ترتیب کلاسهای علمی وآموزشی درزمینه های مختلفی که میتواند درآگاهی وفرهنگ مردم تغییرات اساسی بدهد ، ازقبیل کلاسهای آموزش فنی جهت رفع نیازهای روزمره وکلاسهای آموزشی بهداشت وکمکهای اولیه وغیره .

۴- درمناسبتهای فوق العاده محیط دانشگاه به عنوان مرکز تجمع دراختیار مردم قرارگیرد .

<u>فعالیت های فرهنگی وهنری دردانشگاه (فعالیت های فوق برنامه)</u>

فعالیت های فرهنگی وهنری نیزدردانشگاههای قبل ، نمودعینی فرهنگ شاهنشاهی بوده واضح است که این فرهنگ برای بقاء ودوام خودچه عواملی را به خدمت می گیرد واز چه طرقی برای رسیدن به مقاصد خوداستفاده میکند .

لذا فعالیت های هنری دردانشگاههای گذشته مستقیماً درخدمت کفر واستکبار وفساد بوده ودرویاروئی مستقیم با مذهب قرارداشته فرهنگ وهنردرموسیقی های محرک درقصه های مبتذل واحیاناً " مسافرتهای دسته جمعی دانشجویان دختروپسر خلاصه میشد اما ما به هنر به عنوان یکی ازعوامل ترویج اسلام نگاه میکنیم . ازآنجائیکه این مسئله میتواند عاملی درخدمت اسلام باشد وازطرف دیگرروحیهٔ دانشجویان بخاطرشرایط سنی آمادهٔ پذیرش چنین اموری است ، وبمنظورتقویت وتحکیم روحیهٔ پذیرش فرهنگ اسلامی وآشنائی و آگاهی هرچه بیشتربه سوابق ومیراثهای فرهنگ اسلامی ، دردانشگاههای اسلامی آیندهٔ ما وجودبخش فرهنگی وهنری ها ثابت شده ودرمسیرانقلاب ضروری است . امیداست که این بخش بتوانندنقش بارزوچشمگیری راکه مسلمین درتعالی وپیشرفت فرهنگ وتمدن بشری داشته اند درخاطرهٔ دانشجویان زنده وآنها را به تداوم وتکمیل راهشان مصمم گرداند .

۲ـ کمیته فرهنگی دانشگاه میتواند با سپاه پاسداران درزمینه مسائل فرهنگی همکاری نزدیک داشته باشد .

۳ـ سپاه پاسداران میتوانند به صلاحدید مدیریت دانشگاه از بعضی امکانات دانشگاه استفاده کنند .

۴ـ بعضی از استادان وکارمندانی که سپاه به وجودشان نیاز مبرمی داشته باشد میتوانند برای مدتی محدود از دانشگاه ماٴموریت بگیرند .

۵ـ اختصاص سهمیه دانشجوئی برای این نهاد انقلابی (با گذراندن مراحل پذیرش دانشجو واحراز قبولی)

ارتباط دانشگاه با جهاد سازندگی:

جهاد سازندگی پس از پیروزی انقلاب ودقیقا " براساس ضرورتهای آن تشکیل شده روشن است که موقعیت ویژه وعملکرد مثبت وسازنده آن بقای این نهاد را درآینده اجتناب ناپذیرخواهد کرد ، لذا میتوان از امکانات وتوان آن درجنبه های مختلف زمینه های کار عملی مشترک با دانشگاه بویژه دررشته های خدماتی (پزشکی، کشاورزی وفنی ومهندسی) بهره جست ، ونیز میتوان بعدفرهنگی دانشگاهها را درارتباط با فرهنگ اسلامی موجوددراین نهاد قرار داد وتکامل بخشید .

برای حصول به این مقصود ازطریق زیرمیتوان عمل کرد:

۱ـ همکاری مستمرونزدیک جهاددانشگاهی با جهاد سازندگی

۲ـ دانشگاه میتواند برای اجرای دوره های کارآموزی وکارورزی دانشجویان درشهرستانها وروستاها از امکانات جهاد سازندگی استفاده کند .

۳ـ دانشگاهها (خصوصا " رشته های فنی ومهندسی وکشاورزی) میتوانند قسمتی از پروژه های تحقیقاتی خودرا با جهاد سازندگی هماهنگ کنند .

۴ـ همکاری نزدیک کمیته فرهنگی دانشگاه با جهاد سازندگی درزمینه مسائل فرهنگی .

۵ـ استفاده جهاد سازندگی از امکانات دانشگاه به صلاحدید مدیریت

۶ـ ماٴموریت بعضی استادان وکارمندان درجهاد سازندگی که به وجودآنها نیاز مبرم است، وادامه خدمت درروستاها به شکل دوره ای .

۷ـ تشکیل سمینارهای مشترک جهت ارائه فعالیت های انجام گرفته ، وتدوین برنامه های کوتاه مدت ودرازمدت جهاد سازندگی وهمچنین جهاددانشگاهی برای رسیدن به نظرات مشترک درجهت قرار دادن علم وصنعت درخدمت اقشار مستضعف ومحروم جامعه .

ارتباط دانشگاه با مردم

۵ـ از استادان دانشگاه میشود برای تدریس علوم جدید(علوم تجربی) درحوزه استفاده کرده

د: شرکت روحانیون درامورفوق برنامه وسمینارهای مشترک:

ـ کمیته فرهنگی هردانشگاه میتواندبااستفاده ازروحانیون ، کلاسهای آزاد ایدئولوژیک تشکیل دهدودانشجویان رابه شرکت درآنها ترغیب کنده

۲ـ گذاشتن سمینارهای مشترک با شرکت طلاب ودانشجویان واساتیدهردومرکزدردانشگاه ویا مراکزعلمی طلاب درمواقع مناسبه

۳ـ درارابطه با بعضی فعالیت های مذهبی ، سمینارها ، جلسات و۰۰۰۰۰لازم است ازاساتید وجامعه روحانیت شهردعوت رسمی بعمل آیدوقسمتی ازبرنامه ها به آنان اختصاص داده

ه : برقراری ارتباط مکانی بین حوزه ودانشگاه (تبادل روحانی ـ دانشجو):

۱ـ دانشگاهها بایدتسهیلاتی برای ورودطلاب حوزه بمنظورآموزش علوم جدیددرمجموعه ها واوقات فراخورموقعیت آنان دردانشگاهها فراهم آورنده

۲ـ میتوان بعضی ازکلاسهای علوم ومعارف اسلامی ودروس علوم انسانی راکه تدریس آنها را روحانیون برعهده دارندرمدارس علمیـــــــــه طلاب برگزارکردودانشجویان درآن کلاسها شرکت کننده بمنظورتحقق اهداف فوق حوزه علمیه نیزلازم است امکانات خودرادراختیار دانشگاه ودانشگاهیان قراردهد، ودربرنامه ریزیهای دانشگاهی وتدریس دروس آموزشی وانتقال فرهنگ غنی اسلامی ازحوزه به دانشگاه همکاری ومساعدت کنده

" تکلیف شما این قشرروحانیون وشما آقایان دانشگاهی این است نه دست ازهم برندارید، الان نقشه این است که شما راازهم جداکنند"ه

" امام خمینی"

ارتباط دانشگاه با نهادهای انقلاب اسلامی

ازآنجاکه نهادهای انقلابی جوشیده ازمتن جامعه انقلابی ما هستند، وطبعا "میتوانند درحال وآینده حامل ارزشهای حاصل ازانقلاب اسلامی باشند، لذا با برقراری پیونددانشگاه با این نهادهادرزمینه های مشترک ، ارزشهای انقلابی وفرهنگ اصیل اسلامی دربین آنها ردوبدل شده وبقای هردونهادرادرخط اصیل اسلام تضمین می کنده

الف: ارتباط باسپاه پاسداران

ارتباط دانشگاه با این ارگان اسلامی بارعایت موادزیرامکانپذیراست:

۱ـ سپاه دوره هائی ازآموزش رزمی ـ نظامی خودرا به دانشجویان(وحتی اساتیدوکارمندان) اختصاص دهد، ودانشگاهیان را جهت آموختن فنون وتعلیمات نظامی یاری کنند.

الف : شرکت روحانیون دربرنامه ریزی محتوای دروس دانشگاهی(درجلسات ستاد انقلاب فرهنگی ودیگرمراکز برنامه ریزی)ه

۱- استادان دانشگاه ومدرسین حوزه بایددرجلسات مشترک برروی مبانی علوم انسانی بحث وتبادل نظرکرده ومبانی اسلامی این علوم را با استفاده ازقرآن وروایات تدوین وتنظیم کننده

۲- جلسات برنامه ریزی ستادانقلاب فرهنگی درزمینه تهیه وتدوین محتوای دروس علوم انسانی ودروس عمومی (بویژه دروس مربوط به عقایدومعارف اسلامی)با شرکت روحانیون واساتیددانشگاه تشکیل شوده

۳- بوجودآوردن زمینه های بحث وتحلیل مسائل علمی وتحقیقاتی با شرکت حوزه ودانشگاه (وپس ازآن به یاری خداوندتشکیل آکادمی بزرگ علوم اسلامی که درآن طلاب ودانشجویان مشترکا" تحصیل وتحقیق کنند)ه

۴- درمرکزفرهنگ ومعارف اسلامی هردانشگاه (که دربخش اخلاقی وتربیتی شرح آن رفت)از طلاب ودانشجویان واساتیدحوزه ودانشگاه استفاده شودودانشجودرو‌سعمومی‌خودرادراین مراکزبانظارت این استادان بگذراننده

ب : شرکت روحانیون درمدیریت دانشگاهها :

۱- معاون فرهنگی هردانشگاه روحانی باشدوبه کمک استادان ودانشجویان برکلیه امور فرهنگی درون دانشگاهها نظارت کامل داشته باشده

تبصره : دردانشگاههائی که معاون فرهنگی آنها روحانی نیست ، بهتراست حتی‌المقدور برای امورفوق ازروحانیت واجدشرایط استفاده شوده

ج : تدریس روحانیون دردانشگاه (علوم انسانی ومعارف اسلامی)

۱- عقایدومعارف اسلامی که جزء مواددرسی دانشگاههااست بهتراست کلا" ویاقسمتهائی ازآنها بوسیله اساتیدحوزه تدریس شوده

۲- ازمدرسین حوزه برای بازآموزی ایدئولوژیک اساتیددانشگاه استفاده شوده

۳- برای تدریس بعضی دروس آموزشی ازجمله رشته های علوم انسانی ازاستادان حوزه به عنوان استادرسمی بمنظورآموزش دردانشگاهها استفاده شوده

۴-حوزه میتواندباداختیارقراردادن جزوات ، کتب ، منابع لازم ومفیداسلامی‌وحتی تدوین وتألیف کتب مورداحتیاج دانشگاهی دررشته‌های علوم انسانی درانجام این امر نقش خویش راایفا کنده

۱۳- همکاری با رسانه های گروهی تبلیغاتی ، روحانیت ، وزارت ارشاد و..... تغییر آثار فرهنگ استعماری وشاهنشاهی.

۱۴- تشکیل جلسات پرسش وپاسخ وانتقادات با حضور مسئولین کشور.

" هم روحانی باید با دانشگاهی وهم دانشگاهی با روحانی تا این دوقدرت متفکر بتوانند مملکت خودشان را حفظ کنند. همه اهل یک کشورهستید، این خانه خودتان را هردوگروه حفظ کنید".

(امام خمینی)

ارتباط دانشگاه با حوزه علمیه

شاید منظورامام از ارتباط روحانی - دانشجویکی اینها شدکه در: شراین ارتباطات ارزشهای اسلامی دردانشگاه جانشین ارزشهای غربی ویا شرقی گردندودانشجویان و روحانیون ضمن آموزش اصول اسلامی بر پیشرد مملکت وپیشرفت جامعه شان حول محور اسلام دست به دست هم داده ودرساختن فرهنگ مملکت کوشش نمایند.

وچون حوزه های علمیه مراکزی بودندوهستندکه تاکنون توانسته اندخلوط تعلیم و تربیت اسلامی را درخودحفظ کنند، جا دارد تا با برقطبهای علمی- فرهنگی بویژه دانشگاهها با این مراکز که حاوی منابع قوی فرهنگ اسلامی هستندهمکاری نزدیک ومستمربعمل آورندتا ابعادعلمی دردامن اخلاق وتهذیب نفس وایمان پرورده شود.

برای حصول به این نتیجه طبیعتا " باید از ارتباط واتحادبین روحانی ودانشجوشروع کنیم تا ضمن همفکری وهمکاری آنها درمسائل علمی ، فکری وعقیدتی بتدریج زمینه های وحدت این دوقشرفراهم گردد. اما نکته قابل توجه این است که تداوم این حرکت و جهت دادن به آن درکانال اصلی برعهده دانشجویان مسلمان وطلاب متعهدحوزه های علمیه است تا این وحدت درجهتی که خواست امام امت است قرارگیردوبه اهدافی که ایشان ازاین وحدت انتظار دارند نائل آییم.

بدیهی است برای پایه ریزی این وحدت باید ازروحانیونی استفاده کردکه دارای شرایط زیرباشند :

۱- آگاه وبا معلومات باشندوتوانائی تدریس مسائل اسلامی را داشته وهمچنین قادرباشند بخوبی ازعهده پاسخگوئی به سوءالاتی که مطرح می شودبرآیند.

۲- دارای حسن سابقهٔ سیاسی باشند.

۳-متخلق به اخلاق اسلامی باشندآنچنانکه اعمال ورفتارشان دردانشگاه اخلاق اسلامی راالقاء نماید.

راههای عملی ارتباط روحانی - دانشجورا می توان درامورزیرخلاصه کرد:

خدمت مستضعفین جامعه باشد،

راه وصول به اهداف اجتماعی دانشگاه - برای نیل به اهداف اجتماعی در دانشگاهها

می توان از طریق زیر استفاده کرد:

۱- آموزش مسائل اجتماعی به دانشجویان از طریق درس وکلاس،

۲- همکاری درتهیه برنامه ها، وفعالیت برای بالابردن سطح آگاهیهای علمی جامعه

ازطریق :

الف : تشکیل کلاسها وجلسات ومجمع مورداستفاده عموم درزمینه های علمی وآموزشی،

ب : ارائه برنامه ها ومسائلی که دانشگاه باآن درگیر است به جامعه ، ازطریق جرائد ووسائل ارتباط جمعی - گزارش کاردانشگاه به جامعه ،

ج: تشویق وایجادزمینه رشدافراد مبتکرجامعه وقراردادن امکانات دراختیار آنان ،

د: کتابهای دانشگاهی به زبان ساده دراختیارعموم علاقمندان قرارگیرد(این کتب می توانندبوسیله دانشجویان تهیه شوندکه این امردوحسن دربردارد، اول اینکه دانشجویان به افزایش سطح آگاهی واطلاعات خودشان ترغیب میشوند، ودیگرآنکه ازاین طریق اطلاعات علمی به زبان ساده دراختیارجامعه قرارمی گیردکه درضمن آن باجامعه تماس نیزبرقرارشده است).

۳- شناسائی نیازهای جامعه بوسیله تماس مستقیم با مردم ویاشوراهای محلی ویادیگر مراکز مردمی ،

۴- تعیین محتوای دروس وبرنامه های تحصیلی براساس شناخت ودرک نیازهای جامعه و تجدیدنظردائم ومستمر درآنها .

۵- پیش بینی نیازها ومسائل جامعه دردرازمدت وبرنامه ریزی برای رفع وحل به موقع آنها .

۶- انجام وهدایت تحقیقات درجهت رفع مسائل ومشکلات حاصل ازشناخت نیازها .

۷- ایجادارتباط وهمکاری نزدیک ومستمربین نهادهای آموزشی وواحدهای دولتی برای تبادل اطلاعات واستفاده ازامکانات ووسائل یکدیگرواحترازازهرنوع دوباره کاری و یا ناهماهنگی.

۸- جذب افرادمسلمان ومتعهدوتربیت آنها برای مدت کوتاه (۶ماه تا یکسال) برای تقبل مسئولیت درامورضروری کشور.

۹- گذاشتن دوره های کارآموزی وکارورزی درشهرها وروستاها تا برای آن دانشجویان از نزدیک با خواست مردم آشنا شونده،

۱۰- ایجاد زمینه مناسب برای مردم جهت استفاده ازامکانات دانشگاه درحدمجاز و کنترل شده ،

۱۱- شرکت دادن دانشجویان دراموراداره دانشگاهها ودانشکده ها بمنظورآموزش اراثه خدمت

۱۲- همکاری فرهنگی وتبلیغاتی باوزارتخانه ها ومؤسسات ذیربط درامرشناساندن و گسترش اسلام درسطح جهانی وصدورانقلاب

معایب دانشگاههای گذشته دربعداجتماعی :

۱- بیگانگی وجدائی دانشگاه ازجامعه که درنتیجه آن محصول دانشگاه دراختیارو خدمت استعمارگران قرارمی گرفت ،

۲- وارداتی بودن دانشگاه ودرنتیجه عدم ارتباط برخی ازعلوم بانیازهای جامعه ،

۳- عدم وجودارتباط فرهنگی بین دانشگاه وجامعه ،

۴- عدم استفاده ازاستعدادعلمی دانشگاهیان وامکانات دانشگاه برای بالابردن سطح معلومات وتعلیم وتربیت درجامعه ،

۵- نبودن ارتباط خدماتی بین دانشگاه وجامعه که درنتیجه آن دانشگاه قدرتشخیص نیازها واولویت ها رانداشت ، وطبیعتا " نمی توانست برای حل آنها چاره اندیشی کند ،

۶- شرکت نداشتن درحل مشکلات اقتصادی، سیاسی واجتماعی کشور ،

۷- بی توجهی به تربیت نیروهای خدماتی برای روستاها ونقاط محروم (ازقبیل معلم ، بهیار .... وبطورکلی افرادی که بتوانندنیازروستاها رابرآورده کنند ،

اهداف دانشگاه اسلامی درابعاداجتماعی:

۱- تربیت دانشگاهیان درجهت شناخت ارزشهای اجتماعی واحساس احترام وتعهدنسبت به موازین ومعیارهای مقبول جامعه ،

۲- تربیت نیروهای مدیرومدبرولایق ومؤمن برای تقبل مسئولیت های کشوروتربیت نیرو های خدماتی برای جامعه متناسب بااحتیاج آن،

۳- یاری کردن مسئولین درا جرا ده کردن واجرای برنامه هائی که درقانون اساسی جمهوری اسلامی پیش بینی شده وعرضه خدمات مشاوره ای به دولت وشرکت درحل مشکلات مختلف مملکتی ،

۴- استفاده ازامکانات علمی دانشگاه بمنظورارتقاء سطح معلومات وتعلیم وتربیت درجامعه ،

۵- ارشادجامعه درجهت حاکم شدن ارزشهای اسلامی برروابط اجتماعی ، وهمچنین شناساندن فرهنگ وتمدن اصیل اسلامی ونقدوبررسی سایرتمدنهای جهان برای اقشارمختلف مردم ،

۶- آماده کردن دانشجویان برای شرکت درزندگی اجتماعی وتربیت روحیه دعوت به خیرو احساس تعهدنسبت به مسلمانها ودیگرانسانها وپرورش قدرت شناخت معروف ومنکروپذیرش مسئولیت امربمعروف ونهی ازمنکربه عنوان یک وظیفه متقابل همگانی،

۷- آگاهی دانشگاه ازدردومحرومیتهای مردم وکوشش وتلاش درجهت درمان آنها ،

۸- جلوگیری ازتعلق دانشگاه به قشری خاص وآماده کردن زمینه [illegible] بمنظوربهره - دهی به تمامی افرادجامعه وخصوصا " مردم نقاط محروم [illegible]

" باید دانشگاه اسلامی بشود تا علومی که در آن تحصیل میشود در راه ملت ، ودر راه تقویت ملت وبا احتیاج ملت همراه باشند"

" امام خمینی"

دانشگاه در ابعاد اجتماعی :

دانشگاههای گذشته ما در ابعاد مختلف از جامعه جدا بودند ه مبان واقعیات زندگی دانشجویان آنچه که در دانشگاه درگیر آن بود ، نه تنها هیچ پیوندی موجود نبود که گسستگی عمیقی نیز به چشم می خورده این جدائی درفرهنگ وتفکر دانشجویان وعلمی که می آموختند[1] وحتی نگرش آنها به انقلاب[2] ومسائل مبتلا به جامعه بوضوح مشهود بوده

اما نظام اسلامی ، دانشگاهی می خواهد منطبق با خواست ملت ، وکوشا درحل مشکلات جامعه ه مکتب وامت ما ازما می خواهند که دانشگاه اسلامی درتمامی موارد فرهنگی ، علمی وسیاسی درخدمت جامعه باشد[3] وخواستار آن است که درد انشگاههای آینده عشق خدمت به جامعه ، ورفع نیازهای اجتماعی ، وهماهنگ بودن با خط اصیل انقلاب سرلوحه همه کوششها وتلاشهای دانشگاهیان قرار گیرده

۱ـ علومی که دردانشگاه آموزش داده میشد ـ چه رشته های علوم تجربی وچه علوم انسانی ـ متناسب با احتیاج ملت وخواست آنها نبوده به همین علت است که ما امروز با فارغ التحصیلانی مواجهیم که یا بیکارند ویا به کارهائی خویش اشتغال ندارند واز آموخته های خود سودی نمی برنده

۲ـ ما در انقلاب بوضوح ملاحظه کردیم که دانشجویان ازپیشگامی در انقلاب عقب افتادند و هردانشجو اگرخیلی مردمی بود می توانست کاری کند تا با ملت همگام باشد وازآنها عقب نماند .

۳ـ ما معتقدیم که " مردمی بودن " دانشگاه درپرتو " مکتبی بودن " آن تامیــــن وتضمین می شود و دانشگاه اسلامی حتی اگرهیچ ارتباط فیزیکی هم با مردم نداشته باشد خود ، مردمی ودرخدمت مردم است .

دانشگاهیان باید پیشنهادات و انتقادات خود را به این بخش ارائه دهند.

تبصره : کلیه اعتراضات و انتقاداتی که نسبت به مقامات، اعم از مقامات دانشگاهی یا غیر دانشگاهی صورت می گیرد بهتر است با حضور خودشان باشد و کمیته فرهنگی موظف است مراتب را به اطلاع آنان برساند تا در صورت تمایل، خود، و یا نمایندگانشان در بحث و مناظره شرکت کنند.

د : فعالیت های فوق برنامه :

از ضروری ترین موارد در دانشگاه فعالیتهای فوق برنامه است که نقش مهمی در تربیت سیاسی دانشجویان بازی می کند.

هـ : گروههای سیاسی :

مسئله گروههای سیاسی و حدود اختیار و آزادی آنها در فعالیت هایشان از جمله مسائل مهم و قابل توجه است اما نکته مهم اینکه این گروهها در عمل جو دانشگاهها را متشنج کرده و مانع از حرکت صحیح آن شدند. بنابراین به منظور جلوگیری از تشنجات مجدد و ایجاد مانع در حرکت تزکیه و تعلیم دانشگاهی غیر از فعالیت در چهارچوب برنامه های مدونی که تحت نظر کمیته فرهنگی هر دانشگاه صورت می گیرد." هیچ گروهی حق فعالیت سیاسی در دانشگاه را ندارد و تصمیمات بعدی از طرف ستاد انقلاب فرهنگی با توجه به شرایط حاکم بر مملکت به اطلاع دانشگاهها و عموم مردم خواهد رسید، و در صورت تخطّی دانشگاهیان طبق آئین نامه انضباطی با افراد خاطی برخورد خواهد شد."

در پایان به منظور تحقق شدن اقدامات و عملی شدن مصوبات و برنامه ها ذکر تذکرات زیر ضروری است :

۱ـ مدیریت دانشگاهها باید بدست افراد لایق و ذیصلاحیت سپرده شود تا اولاً" مقاوم باشند و ثانیاً " بر اوضاع دانشکده ها و دانشگاه مسلط بوده و با رفتار اسلامی مهمترین حافظ خط اصیل انقلاب باشند.

۲ـ نیروهای متعهد دانشگاهی بخصوص دانشجویان سعی بر آن داشته باشند که قسمت اعظم وقت خود را صرف اصلاح دانشگاهها نمایند.

۳ـ اتحاد نیروهای مسلمان معتقد به خط امام (اعم از استاد، دانشجو و کارمند) در کلیه دانشگاهها ضروری است.

بصورت فردی یا جمعی کارتحقیقاتی نموده ونتایج را یا بصورت کنفرانس ویا بصورت مقاله ارائه می دهند.

۲- کارآموزی سیاسی- این طریق که بیشتر مربوط به دانشجویان رشته های علوم اجتماعی وخصوصا " علوم سیاسی است به نحوی است که دانشجوقسمتی ازوقت خودرا روی یک پروژه ٔ تحقیقاتی دروزارتخانه ها ، استانداریها ، فرمانداریها و....وبا زیرنظرارگانهای انقلاب اسلامی صرف می کند ونتیجه را به اطلاع استاد مربوطه می رساند.

تبصره : تعیین عنوان ومکان تحقیق هم می تواند ازطرف دانشگاه وبا رضایت دانشجوباشدوهم می تواندازطرف دانشجووبا تصویب واحدفرهنگی دانشگاه باشد.

۳- مباحثات ومناظرات سیاسی- یکی دیگرازراههای تربیت سیاسی دانشجویان، مباحثه ومناظره سیاسی است که بمنظورروشن شدن حقایق ، بین افرادمختلفی که دارای نظریات گوناگون باشند انجام می گیرد. البته بمنظورحفظ نظم وآرامش وجلوگیری ازهرج ومرج وتبدیل بحث به کشمکش های گروهی ، دقت درموارد زیرضروری است :

الف : شرایط افراد شرکت کننده : علاوه براینکه کلیه دانشجویان پذیرفته شده دردانشگاه می توانندبربحث شرکت کنند دیگر افراد شرکت کننده دربحث باید:

۱- ازفرق ضاله نباشند،

۲- منع قانونی ازنظرقانون احزاب (مصوب مجلس شورای اسلامی) نداشته باشند،

۳- صلاحیت علمی واخلاقی بحث ومناظره راداشته باشند،

ب : محــــدوده ٔ بحث ها وموضوعات :

۱- بحث ها بایدبراساس پذیرش جمهوری اسلامی وقانون اساسی انجام بذیرد،

۲- ازبکاربردن تعبیرات اهانت آمیز نسبت به مقدسات دینی(چه صریح چه ضمنی) خودداری شود،

۳- نفی استقلال ، آزادی ، وحدت ملی وتمامیت ارضی کشورممنوع است ،

۴- هرگونه تبلیغات سیاسی دربحث ممنوع است،

۵- بحث باید ازهرگونه تهمت ، افتراء ، شایعه پراکنی ومسائل خلاف اخلاق اساسی مبری باشد،

ج :مدیریت ونحوه ٔ اداره بحث ها :

مسئول برگزاری وکنترل مباحث فوق کمیته ٔ فرهنگی هردانشگاه است که کلیه ٔ تصمیم گیریها درمورد افراد ، مطالب موردبحث ، کنترل جلسات و....بعهده ٔ این بخش است .

ب : پرورش استعدادهای آگاه ومدیرولایق ومؤمن برای تقبل مسئولیت های کشور،

ج: مشارکت درحل وفصل امورمبتلا به مردم ازطریق نهادهای مسئول، خصوصاً ارگانهای انقلاب اسلامی.

۵- موضع گیری صحیح درقبال مسائل جهانی وبین المللی وتلاش درصدور انقلاب :

الف : پرورش روحیه انقلابی دانشگاهیان برای سعی وکوشش هرچه بیشتردرتداوم گسترش انقلاب اسلامی درجهان وتلاش برای پیروزی نهائی حق برباطل،

ب : تربیت روحیهٔ یاری وتفاهم دربرخوردبا مستضعفین وروحیهٔ عصیان وستیز دربرخوردبا مستکبرین درحد عدل وقسط اسلامی،

ج : ترویج تاریخ وفرهنگ انقلاب دردانشگاهها ومراکز علمی خارج ازکشوراز راه ترجمه مفاهیم انقلاب به زبان علم وهنروصدورانقلاب ازطریق ارتباطات دانشجوئی ودانشگاهی،

<u>نحوه تربیت سیاسی دانشجویان :</u>

تربیت سیاسی دانشجویان درمسیرصحیح ومقبول اسلامی به طریق زیرامکان پذیراست:

۱- آموزش تئوریک سیاسی- ارائهٔ برنامه های آموزشی درمسائل اجتماعی وبین المللی و آشنا نمودن دانشجویان با اصول ومعیارهای سیاسی اسلام وقرار دادن آنها درجریان مسائل روز (اعم ازمسائل مربوط به ایران وامورجهانی) ازجمله مواردی است که نقش اساسی و مؤثری درتربیت سیاسی دانشجویان دارد. تدریس <u>آشنائی با نظام سیاسی اسلام</u>[1] می تواند دراین موردراهگشا باشد.

شیوهٔ ارائه دروس- به طریق زیرمی شوداین درس را ارائه داد:

الف : تشکیل کلاس درس با حضوراستادبصورت رسمی معمول

ب : ارائه کنفرانس- بدینصورت که ابتدا دانشجویان تیترها وعناوینی را انتخاب کرده وپس ازجلب موافقت استادمربوطه آنرا بصورت کنفرانس ارائه میدهند.

ج: کارتحقیقاتی زیرنظر استادبصورت فردی وجمعی - دراین رابطه نیزدانشجویان برروی مباحثی که یا خودبه استادپیشنهادمی کنندویا ازطرف استادارائه میشود

۱- مبانی فقهی قانون اساسی

- به کارعلمی وتعلیم وتحقیق که وظیفه اصلی دانشگاه است لطمه نزنند
- به حل مشکلات جامعه کمک کندوگره گشا باشدنه گره افزا ه

بنابراین : دردانشگاههای آینده ما آنچه که وجوددارد شعوروا طلاعات وآگاهیهای سیاسی است که فعالیت ها برا ساس آنها تنظیم می گرددوبرای رسیدن به چنین مطلوبی بیش ازهمه چیز آگاهی وبینش اعتقادی لازم است ه

اهداف دانشگاه دربعدسیاسی عبارتست از :

۱- رشدآگاهیهای سیاسی- اجتماعی دانشجویان نسبت به امورمردم ، جامعه ومسائل بین المللی ، که شامل امورزیراست :

الف : پرورش قدرت شناخت وتجزیه وتحلیل مسائل سیاسی وتمیز بیان های حق ازباطل ، .

: پرورش قدرت شناخت معروف ومنکروقدرت پذیرش مسئولیت " امربمعروف و نهی ازمنکر به عنوان یک وظیفه الهی ،

ج: آشنائی دانشجویان ودانشگاهیان به موازین وحقوق بین المللی(تا حدامکان) وایجادتوانائی درآنها برای درک صحیح ازمسائل بین المللی وشناخت مصالح مملکتی ه

۲- تلاش درایجاد اعتقادعمیق به خط امام درابعادسیاسی :

الف : اعتقاد به اصل اساسی (ولایت فقیه) به عنوان جانشین امام معصوم وبیان کنندهء حقایق اسلامی ،

ب : بی توجهی وعدم گرایش به شرق وغرب وحرکت در صراط مستقیم اسلامی واعتقادبه فرامین ورهنمودهای امام امت وسعی دراطاعت واجرای دقیق آنها ،

۳- به ثمررسانیدن آرمانهای اصیل انقلاب وشکل گرفتن دانشگاهیان در مسیراهداف آن ازطریق :

الف : تقویت همبستگی دین وسیاست ،

ب : پرورش روحیهء پذیرش واحترام به قانون اساسی واطاعت ازقوانین کشورجمهوری اسلامی ،

: پرورش روحیهء استقلال طلبی وآزادگی ازطریق اتکال به قدرت الهی و وعدم اتکاء به غیرا ودرزندگی فردی واجتماعی ه

۴- فعال ساختن استعدادهای ذاتی وتوان عملی دانشجویان درمسائل انقلاب واحساس مسئولیت نسبت به مسائل مبتلا به جامعه ازطریق زیر :

الف : ایجادتوانائی دردانشجویان برای شرکت مؤثردرزندگی سیاسی ،

موقعیت خویش ووضعیت جهان را بشناسد ونسبت به آن موضعگیری کنده جمله مشهوری که ازمرحوم شهید مدرس نقل می شودکه " سیاست ما عین دیانت ماست" خودمبین این مطلب است. اصولا" بعضی ازاحکام عملی ما دراسلام ازقبیل امربمعروف ونهی ازمنکر، وهمچنین تولی وتبری دستورالعملهای زیست اجتماعی دوبعدسیاسی دارند وخودیک سیستم نظارت وکنترل براجتماع وافراد را تشکیل می دهنده

بنابراین اگربخواهیم دانشگاه اسلامی را آنچنان بسازیم که خواست امام درآن محقق شود،[1] واگربخواهیم فکردانشجویان درجهت معیارهای ارزش اسلامی بارور شودوبتوانند اصول وآرمانهای انقلاب (نه شرقی ونه غربی بودن، آزادی واستقلال، مبارزه باستمگروحامی مستضعفین بودن و۰۰۰۰۰۰) رابه ثمربرسانند، ناچارازآن هستیم که کاری کنیم که دانشجویان آگاهانه نسبت به مسائل سیاسی وبین المللی موضع گیری نمایند. خصوصا" بایدتلاش شودتا قشردانشجوکه امورآینده مملکت بدست آنها است نسبت به مسائل سیاسی بی تفاوت نبوده ودرحدقدرت وکفایت خویش درامور اجتماعی دخالت کنند.

پس برخلاف آنچه که بعضی ها پنداشته اندنه تنها نمی توان سیاست را جدای ازدانشگاه دانست بلکه یکی ازابعاد اساسی رسالت دانشگاه برخورد فعال با امورسیاسی اجتماعی است وبخاطرشرایط ویژه وامکانات فراهمی که داردبایدبتدریج به سمتی پیش رودکه به مرکزی وسیع جهت تحقیقات سیاسی مبدل شوده

اما نکته مهم وقابل توجه اینکه برای دانشگاه اسلامی یعنی دانشگاهی که همه ء آموزش درمسیراسلام ومطابق دستورات آن تنظیم می گرددفعالیت سیاسی نیزبایستی در خدمت اسلام وانقلاب اسلامی تنظیم شده وبراساس اصول وضوابط مقبول آن، یعنی درمسیری باشدکه بتوانددانشگاه مطلوب اسلامی راواقعا" وجودخارجی ببخشد. باتوجه به این اصل فعالیت سیاسی بصورت لشکرکشی وگروه بازی و۰۰۰۰۰۰مطلقا" دردانشگاه ممنوع است وآنچنان بایدتنظیم گرددکه :

۱- ما می خواهیم که اگرملت ما چاوشرق ایستاده چاوغرب ایستاده دانشگاه ما هم بایستده
" امام خمینی"

از طرف دیگر باعث شد که دانشگاه دراین مدت کوتاه بعدازپیروزی انقلاب نه تنها بیش از اندازه به بازی سیاسی بپردازد بلکه بصورت مرکز توطئه و عناد علیه جمهوری اسلامی در آید. درگیری گروهها و تشنجات دانشگاهی بصورت امری تقریبا " روزمره درآمده و این مسائل درس و آموزش را شدیدا " تحت تاثیر قرار داده بود واگر به همت دانشجویان مسلمان و متعهد امر تعطیلی دانشگاهها محقق نشده بود جامعه میبایست درانتظار عواقبی و ندم بنشیند. نکتهء قابل توجه اینکه مطرح شدن مسئله انقلاب فرهنگی تمامی خشم آنها را برانگیخت وتلاش آنها را برای مبارزه چندین برابر کرد، چون از یکطرف جو حاکم بردانشگاه رااز نقطه نظر خودشان مساعد ومناسبمی‌دیدند و آنجا را مناسبترین محیطی می‌دیدند که می‌توانند درآن رشد کنند، و ازطرف دیگر شروع انقلاب فرهنگی درجامعه راسرآغاز مرگ خویش می‌دانستند و به همین خاطر هم ملاحظه کردیم که با تمام قوا و نیروی خودبرعلیه چنین اقدامی به مقابله برخاستند.

فعالیت‌های سیاسی دردانشگاه اسلامی:

دانشگاه جزئی از مملکت اسلامی وگوشه‌ای ازآن است وچون درکل مملکت دستورات و فرامین اسلامی حاکم است وسیاست کلی جامعه مابراساس اصول ورهنمودهای اسلام تعیین می‌شود، لذا سیاست دردانشگاه نیز محدود درچهارچوبی است که اسلام اجازه داده است سیاست دراسلام ، حرکت و فعالیتی که خارج ازمحدودهٔ دین و مغایر و بیگانه بااصول و فروع آن باشد نیست بلکه بصورت یک موضوع اعتقادی مطرح می‌شود وآنچنان باتعالیم مکتبی واصول اعتقادی گره می‌خورد که قابل تفکیک و جدائی نیست. تحصیل و کسب آگاهیهای سیاسی درهمهٔ سطوح حتی درمقیاسهای وسیع جهانی و موضعگیری صحیح اسلامی برای یک مسلمان چه دانشجو و چه غیردانشجو از ضروریات است. بریک مسلمان لازم است که سیاستمدار باشد و

مناسبترین کسانی هستند که هرگاه، استعمار طلب کنند می‌توانند از آنها برعلیه ملت و مملکت خودشان استفاده نماید.[۱] گروهکهایی که در دانشگاه جو تشنجات سیاسی را دامن زده بودند نوعا " از این قبیل بودند. سخنشان را جزخودشان هیچیک از افراد جامعه درک نمی‌کرد، چرا که هریک بلندی گوی بی‌اراده قطبی از قطبهای مسلط و مستکبر جهان بودند که با زبان بیگانه درپیله بحث های ذهنیت گرا ودوراز مردم‌فرو رفته بودند، و درحقیقت با روشهایی که اینان دربحث پیش می‌گرفتند و حربه‌هایی‌که به آن تمسک می‌جستند، هیچ مکانی جز دانشگاه که خودش زمینه‌هایی همساز با این مطالب داشت، نمی‌توانست مرکزی برای رشد و بروز فعالیت‌ها و ماموریت‌هایشان باشد. درحقیقت گروهکها دردانشگاه قبل از اینکه " پایگاه سیاسی" داشته باشند دارای " پایگاه عقیدتی " بودند.

مجموعه عوامل فوق ازیکطرف، وویژگی خاص اسلام دربرخورد با مخالفان خود[۲]

۱- اگر قدری به محصولات دانشگاههای قبل توجه کنیم متوجه می‌شویم که قصد آمریکا در مرحله اول این بود که فارغ التحصیلان ما غربزده وبی‌تفاوت و مصرفی و رفاه طلب باشند، و اگر هم عده‌ای ازوضعیت موجود آگاه شده وتفکری انقلابی پیدا کردند سعی امریکا براین بود که آنها روشنفکر چپ‌گرا باشند تا ریشه درفرهنگ جامعه توده‌های مردم نداشته باشند. زیرا این روشنفکران وانقلابیون کسانی هستند که هم بخاطر پایگاه نداشتنشان به راحتی می‌شود آنها راسرکوب کرد، و هم درمواقع مقتضی می‌توان نیروی آنها را برعلیه ملت بکار گرفت. ماگوشه‌هایی از اعمال این گروهکها را درطول انقلاب مشاهده کرده‌ایم که خود دلیل صدق مدعای ما است.

۲- ویژگی خاص انقلاب اسلامی این است که برخلاف انقلابات غیراسلامی وجود دیکتاتوری پس از پیروزی را نمی‌پذیرد، و بیان عقاید را درچهارچوبهٔ ضوابط مکتب و نظام کشور آزاد می‌داند اما عارضه‌ای که برانقلاب ما پدید آمد حاکمیت بینش - محافظه کارانه بردولت موقت بود که کشور را دربعد سیاسی دچار مشکلات عظیمی کرد که بیش ازهمهٔ دانشگاهها را به خود مشغول داشت.



۸- اعمال قدرت بیگانگان از [illegible] و تشدید تشنجات دانشگاهی - ابرقدرتها که از انقلاب اسلامی ایران شدیدترین ضربه‌ها را خورده بودند سعی برآن داشتند که به هرشکلی که شده مجددا" سلطه خویش را برمملکت ما تحمیل کنند. با توجه به مردمی بودن انقلاب ما و اینکه مردم خود حافظ ونگهبان انقلاب و دستاوردهای آن بودند می‌بایست به هرنحو که شده درصفوف متحد مردم شکاف ایجادنموده و بین آنها ایجاد تفرقه و چند دستگی کنند، و بمنظور انجام این طرح گروههای مختلف سیاسی که درمملکت ما بودند و بسیاری ازآنها قبلا" سرسپردگی مستقیم خودرا به ابرقدرتها اعلام کرده بودند، مناسبترین کاندیدا برای اعمال مقاصد بیگانگان شدند و بمنظور انجام عمل سوء خویش به تبلیغات و شایعه پراکنی و تهمت و افتراء و .... دست زدند.

این حرکت‌ها و جوسازیها در دانشگاهها بخاطرشرایط خاصی که ذکرشد) موثرتر واقع شدوطرفداران بیشتری پیداکرد. دانشجویان چندین دسته شده و هردسته به حمایت ازگروهی پرداخت. گروههایی که غالبا" اجرای مقاصد شوم بیگانه درمملکت ما بودند. حتی عده‌ای ازدانشجویان نیز درسراسر دانشگاهها درس و تحصیل و کلاس را رها کرده ومشغول فعالیت‌های باصطلاح سیاسی شدند. جالب این بود که گروهها درتمامی دانشگاهها سیاست یکسان اعمال نموده و ازاستراتژی واحدی تبعیت و پیروی می‌کردند (واین خود دلیل صحت مدعای ما در مورد وابستگی این گروهها است) این بود که دراندک مدتی پس از پیروزی انقلاب" فعالیت سیاسی" دردانشگاههای ما جای خودرا بقول مرحوم باهنر به"ماموریت سیاسی" سپرد.

۹- سنخیت فرهنگ گروهها با فرهنگ دانشگاهی - اساس حرکت امپریالیسم درجهان سوم بمنظور توفیق دراجرای طرحهای دراز مدت این بوده است که انسانها را ازخود بیگانه کند تا درآنها احساس حقارت شدید رشد کند، ووقتی اینچنین شد بناچار دستشان بطرف او دراز شود وازاواطاعت کنند (فاستخف قومه فاطاعوه) باتوجه به این مطلب دانشگاهها ماموریت داشتند که درمملکت ما قشری بسازند و فرهنگ سازانی تربیت کنند که ازجامعه خودبریده وازکل ملت و فرهنگ حاکم بر آنان جدا شده ونسبت به‌آن بیگانه باشند این قشر ازخود بیگانه درنهایت

۵- نبودن یک محور معتبر و ذیصلاحیت درون دانشگاهها - دانشگاهها فاقد افرادی بودند که از نظر علمی و سیاسی دارای اعتبار و اقتدار باشند تا بتوانند فکر و اعمال دانشجویان را راهنمائی کرده و به آن جهت بدهند و پاسخگوی مشکلات و ابهامات احتمالی آنها باشند. به همین جهت اشکالات و اتهاماتی که گروهکهای سیاسی به دستگاه حکومتی و حتی نظام اسلامی وارد می‌کردند، اغلب بلاجواب می ماند و شک و شبه‌ای را که ایجاد می‌کردند کسی پاسخگو نبود. این بود که بسیاری از این باصطلاح ایرادات چون درقالب الفاظ فریبنده مطرح می‌شد برای دانشجویان ناآشنا به حقایق جاذب بود وگروهکها از این وسیله توانستند تا حدود زیادی برای رشد کاذب خویش استفاده کنند.

۶- عدم وجود وحدت لازم بین استادان، کارکنان ودانشجویان مسلمان و معتقد به انقلاب در این گیرودار ی که دشمن مشغول توطئه و گسترش اعتراضات خود بود متاسفانه نیروهای مسلمان درون دانشگاهها از وحدت وانسجام لازمی که بتوانند جلوی حرکت باطل آنها را بگیرندو به شایعات و اکاذیب آنها پاسخ بدهند و از حقانیت انقلاب دفاع کنند برخوردار نبودندو دربعضی موارد سردی آنان و نگرانیشان از وضعیت موجود دانشگاهها آنها را به یک حالت بی‌تفاوتی، توام با عدم مداخله درامورجاری وادا شته بود، و بعضی نیز بدون هیچ تلاشی به نظاره و تماشای اوضاع پرداخته بودند. ولی بعضی ازاقشار خصوصا" دانشجویان تاجایی که درتوان داشتند خود را موظف به پاسخگویی به شبهات وارده از طرف آنها و اکاذیب و مجعولاتشان می‌دیدند و دراین راه نیز از انجام آنچه که می‌توانستند دریغ نداشتند، اما نیروی منسجم ووحدت لازم بمنظور دفاع از حقیقتی که دراثر شعارهای فریبنده وبی‌اساس موردحمله قرارمی‌گرفت درون دانشگاهها موجود نبود.

۷- جدایی دانشگاه ازجامعه پس از انقلاب - بعداز انقلاب دانشگاه از جامعه بشدت منزوی شد. جامعه با این تعبیر که دانشگاه درزمان شاه سنگر مبارزه بوده و اکنون نیز خود قادر به حل مشکلاتش می‌باشد آن را به حال خود واگذاشته و از آنچه که درون آن می‌گذشت اطلاع کافی نداشت و طبعا" عملی هم نمی‌توانست انجام دهد لذا دانشگاه فارغ ازجامعه ومسائل مبتلا به آن درخود فرورفت و مسیری برخلاف جریان حاکم برجامعه انتخاب کرد.

اختلاف دیدها و تفاوت برداشتها ازنظرگاههای مختلف باعث شد که رای و سلیقه‌ها و برداشتهای شخصی براصول مکتب پیشی‌گیرد و براساس نظریات فردی و شخصی به تجزیه و تحلیل قضایا پرداخته شود .

۳- عدم ثبات سیاسی و قاطعیت دولت درامور مملکتی(بطوراعم) - ناآشنایی با موازین مکتب ، بینش محافظه کارانه وعدم قاطعیت دولت موقت و بی‌تدبیرای و دراداره امورکشور باعث شد تا هم قدم موثری درراه رفاه حال مستضعفان برداشته نشود وهم ازاین بابت ضدانقلاب خوشحال شده وحربهء تبلیغاتی پیدا کندو ازاین حربه نه برای مبارزه بادولت موقت بلکه برای ضربه زدن به نظام جمهوری اسلامی و درنهایت ضربه زدن به اسلام ازآن استفاده کند. چون بسیاری ازاموری که بدست دولت موقت انجام می‌گرفت برای قشر دانشجوغیرقابل توجیه بود، با چاشنی تبلیغاتی وسیع و فراوان ضدانقلاب ممزوج شده واین گسستگی درامور مملکت شرایط رابرای رشد کاذب آنها آماده کرد. به عبارت واضحتر چون حکومت صالحی وجودنداشت تاچه ازنظراجرایی وچه از لحاظ نظری وارائه برنامه اصلاحی و حتی تبلیغات درجهت انقلاب امید و دلگرمی ایجادکند، گروهکهای ضدانقلاب چه درقالب چپ ووابستگان مستقیم به ابر قدرت شرق، چه گروههای بظاهر ملی ووابستگان مستقیم بهابرقدرت غرب و چه گروهکهای نیمه مسلمان که آنها نیز وابستگی خودرا به اجانب به اثبات رسانیدند، با استفاده از احساسات لطیف دانشجویان عده‌ای ازآنها را ، که دربعضی موارد نیز افرادصادقی بودند، باشعارهای فریبنده به خود جذب کردند و آتش تشنجات دانشگاهی رادامن زدند .

۴- ضعف مدیریت و عدم کنترل دانشگاهها (بطوراخص) - مدیریت دانشگاهها پس از انقلاب بواسطهء عدم هماهنگی میان نظام باقیمانده دانشگاهی و نیازهای جامعه انقلابی دچار هرج و مرج شده بود، و بین قوانین موجود و مدیریت وروش اعمال قدرت گسستگی مشهودبود . این عدم هماهنگی باعث می‌شد که ضدانقلاب برای خودبوسیلهء نیروی منسجمی که درست کرده بود، سیستم را تحت الشعاع قرار داده و خواسته‌های خودرا اعمال کند. بخاطر ضعفی که درقدرت اجرایی مشهود بود و نمی‌توانست درامور دانشگاهها دخالت مستقیم نموده و تعیین تکلیف کند مشاهده شده بود که دربسیاری موارد دستخوش افکار وبازیچهء گروهکهای سیاسی می‌شد .

فعالیت های سیاسی در دانشگاه بعد از انقلاب :

بعد از انقلاب فعالیت سیاسی در دانشگاه ها وضعیتی عام پیدا کرد و عامل اصلی آن رشد سیاسی جامعه و وقوع انقلاب عظیم اسلامی بود که طبعاً " فعالیتهای شدید و حاد سیاسی را بخصوص در دانشگاه بدنبال داشت . دانشگاهیان نیز در کوران انقلاب در سیل عظیم و خروشان ملت حل شدند و با بازگشت مجدد به دانشگاه (خصوصاً " دانشجویان) با توان هرچه تمامتر آماده شدند تا به بازسازی ویرانه ای که به آنها رسیده بود همت بگمارند و در ابتدای امر نیز چنین نیز کردند . اما پس از مدت کوتاهی (بفاصله ۵ - ۴ ماه) وضع دانشگاهها عوض شد و با تکیه برسابقه سیاسی که قبلاً داشتند و عوامل دیگری که به این امر کمک میکرد فعالیت سیاسی در دانشگاهها وضع بسیار اسف انگیزی به خود گرفت و در عمل به انحرافات و تشنجات نامعقول و زدوخوردهای گروهی تبدیل شد .

عواملی که باعث تغییر چهره سیاسی دانشگاه شد عبارتند از :

۱- خالی شدن دانشگاهها از عناصر معتقد و مومن به انقلاب - رفع مشکلات و نابسامانیهای زیادی که پس از انقراض رژیم پهلوی در مملکت بجا مانده بود ، به توانی زیاد ، و نیروئی عظیم احتیاج داشت . بخاطر مردمی بودن انقلاب ما و عدم اتکاء به غیر ، حل و فصل امور مملکت پس از پیروزی انقلاب باید بدست همین مردم و خصوصاً نسل جوان انجام میگرفت ، و تعهدی که نیروهای مومن به انقلاب خصوصاً " قشر دانشجو در جهت ساختن بنیادی جامعه احساس میکردند سبب شد تا دانشجویان معتقد دربسیاری موارد دانشگاهها را رها نموده و در مراکز مختلفی که با جامعه در تماس بود و به حل و فصل مسائل مردم میپرداخت (مانند کمیته ها و غیره) مشغول فعالیت شوند ، و در عمل بسیاری از نیروهای صادق و معتقد ما از دانشگاهها جدا شدند و بتدریج زمام امور دانشگاه از اختیار معتقدان واقعی انقلاب بیرون رفت و گروهکهای ضد انقلاب با استفاده از جو آماده دانشگاهها با تکیه برشعارهای مافوق انقلاب در دانشگاهها به تبلیغات پرداختند .

۲- جو روشنفکری وروح مادیت حاکم بر دانشگاهها - جو حاکم بر دانشگاهها (چنانکه گذشت) جو روشنفکری بود و دانشجویان میل داشتند که همواره تحلیل گرانه با قضایا برخورد نموده و درمقابل رخدادها و واقعیات موجود پس از تجزیه و تحلیل ، و پیدا کردن خط و ربط و منشاء و مقصد ، موضع گیری کنند ، و چون اکثریت دانشجویان با اصول اسلامی و معیارهای آن ناآشنا [illegible]

خفقان شدید شاهنشاهی حاکم بود، فعالیت سیاسی همواره محدود به افراد خاصی بود وگرچه در باطن اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان از وضع حکومت و اعمالش آگاهی داشتند لکن در ظاهر جرات مطرح کردن و بروز آنچه را که در درونشان میگذشت به خود راه نمی‌دادند، و اکثریت دانشجویان برای ورود به میدان مبارزه محیط و شرایط را مناسب و مساعد نمی‌دیدند و از عواقب شوم آن وحشت داشتند، لذا بطور مستقیم خود را درگیر جریانات سیاسی نمی‌کردند.

اما آنهایی هم که خودرا وارد مبارزه کرده بودند، با وجود ایدئولوژیها وگرایشات و مبانی اعتقادی متفاوتی که داشتند، اعتراض و مبارزه‌شان یک محور اساسی داشت و آن مبارزه با رژیم شاه بود (چون همه بوضوح می‌دانستند که شاه عامل بیگانه وسرمنشاء بیچارگی ملت است)... این بود که لبهء تیز مبارزات دانشگاهی متوجه رژیم شاه و خاندان سلطنت بود و اعتراضات و اعتصابات به صورتهای ساده ازجمله تعطیل کلاسها و به شکلهای تخریبی ابتدائی (ازقبیل شیشه شکستنها) و تظاهرات بسیار کوتاه تجلی میکرد. غالب این فعالیتها بوسیله نیروی شاه درهم کوبیده میشد وگارد شاه بوسیلهء ایادی ساواک اینگونه حرکتهای دانشجویان را تحت کنترل داشتند و غالبا" به سرکوبی وزندان دانشجویان می‌پرداختند و حتی از انعکاس خبر آن هم به خارج شدیدا" جلوگیری می‌کردند، دربسیاری مواردهم بوسیله دستگاه تبلیغاتی که درانحصار خود داشتند بگونه‌ای که خود می‌خواستند آنها را توجیه وتفسیر می‌کردند. اما بهرحال فعالیت های دانشجویی وجودداشت ودانشجویان ازخودگذشته‌ای بودند که تنفر خویش را به هرشکلی که می‌توانستند نسبت به رژیم شاه از خود بروز می‌دادند. گه گاه نیز استادانی پیدا می‌شدند که با دانشجویان هم نوا شده وبه اعتراض می‌پرداختند، اما باوجود قلت عددی که داشتند چون اعتراض آنها وهمکاریشان با دانشجویان بازتاب بسیار موثری برعلیه رژیم داشت وازطرفی چون تسلط رژیم براستادان بسیار بیشتر از دانشجویان بود این همکاریها غالبا" به شکست می‌انجامید، و عملا فعالیت های سیاسی دردانشگاه قبل ازانقلاب دراعتراضات و اعتصابات دانشجویی درجهت مخالفت با رژیم شاه خلاصه میشد.

۳- برخورداری از روحیهٔ لطیف توام با عدم وابستگی که قادر به تحمل ظلم و تجاوز نبودند.

۴- نداشتن وابستگی مادی از قبیل شغل، حقوق، منش اجتماعی و ....

۵- وجود جمع دانشجویان و گروههای دانشجویی که علایق مشترک و بینشها و گرایشات و طرز تفکر نزدیک به هم دارند. (درمحیط دانشگاه اصلا" وجود واعتبار دانشجو وابسته به جمع دانشجویان است ویک دانشجو بدون وجود جمع یاران وهمفکران احساس تنهایی و بی‌مقداری می‌کند).

۶- وجود محیط آماده که درآن آزادی نسبی درمقایسه با جامعه- که درحقیقت دانشجویان خوداین آزادی را گرفته بودندو بخاطر وجههٔ خاصش، سرکوب‌کردن آن بازتاب نامطلوبی برای رژیم داشت.

۷- دانشگاه مرکز اخبار واطلاعات گوناگون و تحلیلهای متفاوت بود، و چون سطح افکار نیز درآن نسبت به جامعه بالاتر بود، شرایط وانگیزه‌های مساعدی برای عصیان برعلیه رژیم ایجاد می‌کرد.

۸- از نظر مسائل سیاسی بین دانشگاه و دبیرستان فاصله زیاد است وورود به دانشگاه مانند ایجاد جهشی درزندگی دانشجو است، بعضی ازدانشجویان نمی‌توانستند دراین جهش خودرا کنترل نمایند.

فعالیت‌های سیاسی درددانشگاه قبل ازانقلاب:

مسائلی که درفوق ذکر شد همه ازعواملی هستند که باعث می‌شوند دانشجویان بی‌تفاوت از مسائل مبتلا به جامعه نگذرند و نسبت به آنها احساس تعهد کنند وبه فراخور قدرت و وسعت و موقعیت خود دست به عمل بزنند. اما قبل ازانقلاب که

دنباله زیرنویس صفحه قبل

و یک هدف را دنبال می‌کردند اما همین چندگانه شدنشان(صرفنظر از نقشه‌های امریکا برای ضربه زدن به انقلاب و ایجاد تفرق) دلیل براین است که آنها برای اثبات بودن و مطرح نمودن خود حتی درایدئولوژی واحد استراتژیهای مختلف اتخاذ می‌کردند یک دانشجو زمانی که مشاهده می‌کرد که درفلان‌گروه باید به عنوان یک عضو ساده‌عمل کند و نمی‌تواند خط مشی تعیین کند ازآن گروه بیرون می‌رفت ودرگروه دیگری قرار می‌گرفت.

علل علنی شدن فعالیت های سیاسی دردانشگاه:

علاوه بر موارد فوق که خود از بزرگترین علل بروز فعالیت های سیاسی بودند عوامل: شرایط ویژه دانشگاهها نیز به این امر کمک میکند و باعث تشدید این فعالیت ها به شکلی بسیار حادتر از جامعه (و حتی دیگر پایگاههای روشنفکریش) میشود. ازجملهٔ این عوامل میتوان اینها را نام برد:

۱- روح جستجوگری و کنکاش دردانشجویان:

روشنفکران دانشگاهیما، قبل ازاینکه آموزش رسمی دانشگاهی بتواند آنها را اقناع کند،خود را محتاج به یک شناسائی و آگاهی عمیق و بسیط از جامعه و آنچه که درون آن میگذردمیدانند و غالبا" انتظار دارند که مسائل اساسی عصرما بطور واقع برایشان تحلیل شود.

این عده دربرخورد با مسائل سیاسی ـ اجتماعی و همچنین دشواریهای زندگی بدنبال علل و راه حلهای مطلوب میگردند و چون فرهنگ حاکم برجامعه را کهنه و پوسیده میبینند، برای اثبات وجود خود متوسل به یک سیستم فکری و عقیدتی میشود که بتواند با آن موجودیت خود را درجامعه توجیه کند، و الگو و معیاری برای رفتار خویش بیابد. از این نظر است که جذب یک مکتب فکری و عقیدتی میشود و متناسب با خواست آن مکتب و راههایی که ارائه میکند دست به مبارزه میزند.

۲- مسئله روانی و شخصیتی،

دانشجویان غالبا" درسنی هستند که ازخانواده بریده (۱۸ تا ۲۴ سالگی) و احساس شخصیت اجتماعی و استقلال میکنند و میل دارند مستقل زندگی کنند، واز طرفی چون استعداد پذیرش شدید دارند واکثرا" تکیه گاه مستحکمی از نظرعقیدتی و فرهنگی ندارند تحت تاثیر مسائل احساسی بطرف این فعالیت ها کشیده میشوند. حال اگر آموزش فرهنگی و ایدئولوژیک خاصی موجود نباشد تا به این فعالیت ها جهت بدهد و آنها را درکانال صحیح بیندازد ممکن است منجر به عوارض نامطلوبی گردد.[1]

۱- این مسئله پس از انقلاب بوضوح دردانشگاهها مشهود بود، دانشجو که خود را از هرقید و بندی آزاد میدید برای اثبات شخصیت و منش اجتماعی خود درگروهها فعالیت میکرد ـ هرچند که درنهایت بسیاری ازاین گروهها یک راه را میرفتند

←

مخالفت‌ها و درگیریها درمرحله اول پایگاههای روشنفکری جوامع را فرا می گیرد ، خصوصا" اگر این پایگاهها بگونه‌ای باشند که دیگر پارامترهای موثربرفعالیت‌های سیاسی[1] نیزدرآنجا موجود باشند.

دانشگاهها درکشورهای مختلف مناسبترین ومهیاترین مراکزی هستندکه از آنها ندای مبارزه شنیده می شود و بخاطروضعیت خاصی که دارند (توضیح آن خواهد آمد) قبل از همه مراکز دست به مخالفت علنی با رژیم ودولت‌های خودمی زنند.

دانشگاههای ایران قبل از انقلاب نیز مشمول این وضع کلی بودند. درزمان خفقان رژیم آریامهری شاید تنها دانشگاه بودکه هراز چند گاه با اعتصابات و درگیریها ، به صورت علنی نسبت به رژیم ابراز تنفر می کرد. اعتصابات دانشجویی درمملکت ما مسئله‌ای بودکه توجه همگان را به خودجلب کرده بود ومی توان گفت عامل اصلی شهره‌شدن دانشگاهها درمملکت ما مسئله سیاست دردانشگاه و فعالیت‌های سیاسی دانشجویی بود.

دراین رابطه نکته‌ای که باید به آن توجه کرد نقش مذهب درسیاست کلی جامعه ما است. ما بوضوح شاهد این بودیم که مکتب واعتقادات مذهبی درجامعه‌ما اکثر حرکات را شکل داده وکنترل می کند ویا به نحوی برآنها موثرواقع شده و به آنها جهت و محتوی می بخشد. اصولا" مکتب اسلام چون رهایی آفرین وضد ستم پیشگی و استبداد است ، روشنفکران و آگاهان جامعه ما نمی توانستند به نحوی با مذهب آشنا شوند واصول آن رابیاموزند اما فریاد برنیاورندومبارزه‌ای علیه رژیم درپیش نگیرند. وبه همین دلیل مبارزات دانشگاهی ما نیز چون نشات گرفته از فرهنگ اصیل جامعه ما بود وفرهنگ ما نیز ریشه‌ای عمیق درمذهب اسلام داشت ، غالب مبارزات دانشجویی نیز ازشکل ومحتوای مذهبی برخوردار بودند.

---

۱ - به این پارامترها اشاره خواهد رفت.

استعمارگر هستند، دراینگونه جوامع شرکتها و کارتلها وگروههای ذینفوذی تعیین اصول وخط مشی کلی سیاست مملکت وتربیت سیاستمدار را برعهده دارند.

ج : کشورهای جهان سوم

مسئله مهم وقابل توجه دراین کشورها اصل وابستگی است، و بادرنظر گرفتن این مسئله که رهبران این کشورها غالبا" تعهد خدمت به یکی از دو ابرقدرت (بیشترغرب) سپرده‌اند، ناچارند به‌منظور بقای خویش، به‌کشوری که وابسته به‌آن هستند خوش‌خدمتی کنند ومجری خواست آنها باشند . این است که بین سران این کشورها ومردمشان غالبا" یکنوع درگیری مستمر وجود داردکه یابخاطر خفقان شدیدی که ایجاد می کنند، مردم این کشورها ناچاربه‌سکوت مرگبار می شوند و بااعتراضات خودرا به‌اشکال وصور گوناگون از خود بروزمی دهند. قشر تحصیلکرده و آگاه دراینگونه ممالک نیز یا تعهد سرسپردگی به‌رژیمهای وابسته و درنهایت به‌استعمارگران سپرده‌اند، ویادرگیرنزاعی مستمر (وغالبا" توام با سرکوبی وزندان وحتی اعدام) از جانب رژیمهای حاکم هستند.

تربیت سیاسی هم بدانگونه که درکشورهای استعمارگرو مقتدر مطرح است در اینگونه کشورها مطرح‌نیست، چون سیاست دراینگونه کشورها وارداتی واعمال شدنی است، وتنها همینقدر که بتوانند مجریان خوبی برای انجام فرامین صادره باشند کافی است. حال هراندازه که دراین خوش‌خدمتی موفق‌تر باشند بهمان اندازه از اعتبار بیشتری برخوردار خواهند بود.

بخاطر همین جدایی از جامعه وپشت‌پازدن به‌مصالح ومنافع ودربسیاری موارد بی اعتنایی به فرهنگ ومذهب واعتقادات مردم که همواره گرایشات مذهبی و اعتقادات دینی دارند- است‌که نهضتهای ضد رژیمی (مستقل ویاوابسته) رشد می کنند و مخالفت‌ها گاه بصورت علنی پدیدار می گردد. بروز اختلافات ووقوع خشونتها که غالبا" منجربه برخورد ومقابله ودرنهایت ایجاد بحرانهای مختلف درجامعه می شود، دراین کشورها یک امرکاملا" طبیعی است، چون اعمال قدرت وسیاست که توسط مجریان وابسته حکومتی صورت می گیرد هماهنگ وهم سنگ عرف اجتماع ومذهب واعتقادات وفرهنگ مردم نیست. قابل توجه این است‌که این

این امردر کشورهای مختلف به‌صورتهای گوناگون عملی می شود و ما به عنوان نمونه از واقعیت‌های موجود درجهان کنونی سه گونهٔ غربی و شرقی و کشورهای تحت سلطه را مورد بررسی قرارمی دهیم :

الف : کشورهای شرقی :

ارائه سیاست درکشورهای شرق عبارت از این است که فلسفه وایدئولوژی مارکسیسم را از ابتدای کودکی به فرد آموزش می دهند ووقتی که این فرد وارد اجتماع می شود ، برطبق آنچه که به او آموخته اند از او می خواهند که متناسب با آموزشها درجامعه نقش ایفاکند. به‌عبارت دیگر از او همان را می خواهند که به او آموزش داده‌اند .

دراینگونه ممالک نحوه اعمال سیاست نیز آنچنان است که افراد بدون مجوزحزب سوسیالیست حاکم نه تنها حق دخالت درامور کشوروتعیین سیاست کلی جامعه را ندارند بلکه سرفرود آوردن درمقابل حزب و تسلیم بودن درمقابل آن از مهمترین ضروریات یک زندگی عادی و معمولی است .

افراد دراینگونه کشورها مقید به قیود ومحصور درحصارهایی هستندکه برایشان ساخته‌اند ، و نه تنها عمل که فکرشان نیز تحت کنترل است وپذیرفتن نقش سیاسی برای افراد نیزدر چهارچوب ومقررات موضوعه توسط حزب است .
درچنین جوامعی از آزادی دم زدن وسخن از استقلال فکری گفتن حرفی عبث وکلامی بیهوده است .

ب : کشورهای غربی

درکشورهای بلوک غرب با سرگرم نمودن دانشگاهیان به‌مباحث علمی سیاست ، آنها را نه تنها از آنچه که بیخ گوششان به‌عنوان واقعیات سیاسی می گذرد که چیزی جزچپاول و دزدی وغارت ملل ضعیف نیست برحذر می دارند ، بلکه درنهایت آنان را به خدمت و همکاری با اعمال شوم خودشان فرا می خوانند .
هرچند آزادی درقانون اساسی آنها مطرح است ولی توده مردم عملاً فاقد حق

فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه



مقدمه:

فعالیت‌های سیاسی در دانشگاهها یکی از عمده‌ترین مسائلی است که باید به آن پرداخت و در رابطه با آن برنامه ریزی نمود و چاره جوئی کرد. در اهمیت این مسئله همین بس که عده‌ای آن را علت اصلی بسته شدن دانشگاهها می‌دانند و تصور می‌کنند که دانشگاهها بسته شد تا مسائل سیاسی درون آن حل شود.[1]

اما اگر هم این مسئله را اصلی ترین مشکل دانشگاهها ندانیم (که نمی‌دانیم) باز هم بخاطر حساس بودن مسئله بررسی ریشه‌ای، و ارائه راه حل اساسی برای آن مورد نیاز است ما در این مجموعه کوتاه ابتدا بصورتی کوتاه به بررسی اصل مطلب می‌پردازیم و پس از آن اهداف سیاسی دانشگاه اسلامی و نحوه فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه اسلامی، و وظایف ما در قبال این مسئله یعنی روش تربیت سیاسی دانشجویان و چگونگی هدایت فعالیت‌های سیاسی آنان را بیان می‌کنیم.

ارائه سیاست فعالیت‌های سیاسی در جوامع مختلف:

یکی از مهمترین آرزوهای نظامهای حکومتی و رژیمهای مختلف این است که از نظر قدرت سیاسی و تثبیت نظام به آن مرحله برسند که هر فردی از آحاد ملت خود را در سرنوشت جامعه سهیم و شریک کنند.

بمنظور رسیدن به چنین خواسته‌ای مهمترین مسئله‌ای که فرا راه آنان است تربیت انسانهایی است که معتقد به آن نظام بوده و خود در حفظ آن کوشا باشند.

۱- هرچند برآنانکه می‌دانند و از دانشگاهها اطلاع دارند واضح و روشن است که فعالیت‌های سیاسی در دانشگاه علیرغم ظاهر پرسروصدا و جنجالی‌اش خود یکی از فروع مسائل اصلی و فلسفه وجودی دانشگاهها در کشور ما بوده است.

۴ - درآموزش می توان سیستم مباحثه رابین دانشجویان متداول کرد تا باهم نزدیکی قلبی وصمیمیت بیشتری راحس کنند، و از آموختن آنچه که می دانند دریغ نکنند.

۵ - شرکت درگردشهای علمی و تحقیقات مشترک نیز به ایجاد ارتباط سالم بین دانشجویان کمک می نماید.



بسیار ساده می توانستند با وجود گرایشات متفاوت و نقطه نظرهای احیانا "متضاد" حول این محور (مبارزه با رژیم) باهم متحد شوند.

بیشتر ارتباطات بین دانشجویان را باید از این نقطه نظر مورد بررسی قرار داد و اگر با قبول این اصل بخواهیم به ارتباط دانشجویان نظر افکنیم می توان گفت قبل از انقلاب غیر از تیپ های خاص دانشجویی بقیه آنها بخاطر جو وحشت و خفقان حاکم از صمیمی شدن با یکدیگر پرهیز داشتند، اما بعد از انقلاب که محور واحد برای مبارزه از بین رفت، برخوردهای متقابل شروع شد و نزاع بین دانشجویان درگرفت و دربعضی موارد هم به برخوردهای خونین منجر می شد که نمونه اش کم نیست. به یک نگاه همه اینها دراثر ناآشنایی با ارزشهای اسلامی بود.[1]

ما برای اصلاح روابط بین دانشجویان راههای زیر را پیشنهاد می کنیم :

۱ - چون بین دانشجویان خطوط ایدئولوژیک حاکم است، بایستی مسئولین دانشگاهها و خصوصا" بخشهای فرهنگی جو را برای جذب افراد بسوی اسلام آماده کنند و بوسیله سمینارها، مراسم روزهای خاص، سخنرانی و تبلیغات درجهت مطلع کردن دانشجویانی که آگاهی از مبانی اسلام ندارند کوشش نموده و آنها را جذب نمایند.

۲ - انجمنهای اسلامی (کهدراین رابطه بسیار مسئولیت دارند) بایدرسالت خودرابخوبی ایفا کنند و بنابه فرموده امام " نقش ارشادی داشته باشند." (عمل انجمن اسلامی باید طوری باشد که همه دانشجویان مسلمان ومومن خود را عضو آن بدانند و درامور آن شرکت کنند. البته این بدان معنا نیست که هسته آن از بین برود، بلکه درعین ثبات آن می توان دیگران را نیز بطور فعال درکارها شرکت داد. اضافه براین بخش فرهنگی دانشگاه نیز می تواند برنامه های متعددو گوناگون ترتیب دهد و همه دانشجویان را در امور مختلف گردهم آورد تا از جبهه گیری و ایجاد اختلاف بین دانشجویان جلوگیری بعمل آید).

۳ - حتی المقدور باید سعی کرد که درمحیط دانشگاه از بحثها و کشمکشهای بیهوده جلوگیری شود.

---

۱ - " اگرما دانشگاههای اسلامی داشتیم بسیاری از این برخوردها که برای ملت ما گران تمام میشود پیش نمی آمد"

" امام خمینی"

و استاد باید انضباط وحس مسئولیت اخلاقی و دلبستگی نسبت به علم و دانش را دردانشجویان بوجود آورد.

۲ـ استاد باید از آموختن دانسته‌های خود به دانشجو دریغ نورزد و از روی مهر ورأفت آنچه راکه می داند به دانشجویان بیاموزد.

۳ـ استاد باید قدرت درک مسائل مبتلا به دانشجویان راداشته باشد و درجهت رفع نیاز های علمی آنان بکوشد،

۴ـ برخورد استاد با دانشجویان درتمامی موارد باید ارشادی ودرجهت جذب آنها باشد و همواره مصالح دانشجویان رادرنظر گرفته و از اغراض سوء خود را بری نماید،

۵ـ دانشجو باید نسبت به استاد نهایت احترام رابجا آورده و همواره مراقب شخصیت استاد باشد و حفظ شئون علمی ومعنوی اورا بنماید،

۶ـ تا زمانی که استادان علنا" مرتکب خلاف شرع نشوند باید احترام آنها حفظ شود وهیچ دانشجویی حق تعرض به آنها راندارد ، وپس از آن هم مراحل امربمعروف ونهی از منکر بایدرعایت شود. (دراین رابطه مدیریت صالحترین مقامی است که حق دخالت دارد) ،

۷ـ استاد و دانشجوباید باهم درجهت رفع و حل مشکلات دانشگاه تا نیل به دانشگاه مطلوب اسلامی کوشا باشند.

تذکرمهم : تشکیل اردوها و سمینارهای مشترک علمی ـ فرهنگی جهت برقراری روابط معنوی بین استاد و دانشجو ـ ترتیب گردشهای برنامه‌ریزی شده ـ ایجاد ارتباطات غیر آموزشی بین استاد و دانشجوو شرکت مشترک استاد و دانشجو درجهاد دانشگاهی و فعالیت های دیگر به برقراری روابط مطلوب بین استاد و دانشجو کمک می کند.

ج : ارتباط بین دانشجویان :

ارتباط بین دانشجویان قبل از انقلاب دارای نکات مثبتی بود و بیشتر ارتباطات حول محورهای سیاسی بودکه گاه به روابط اجتماعی گسترده منجر می شد.
آنچه که بیشتر دانشجویان را به هم نزدیک می کرد خطوط ایدئولوژیک بود و چون بقول خودشان درهرصورت تضاد اصلی خودرا درآن زمان بارژیم می دانستند

براساس شوراسالاری بوده وهرچه بیشتر از نظام دیوانسالاری قدیم پرهیز نمایند اما مدیر همواره باید براساس اصل " و شاورهم فی الامرفاذا عزمت فتوکل علی الله" حرکت کنند،

۴ - رابطه مدیریت با استادان باید رابطه‌ای براساس احترام متقابل باشد،

۵ - رابطه مدیریت با دانشجویان باید کاملا" دوستانه وبرادرانه باشدودانشجویان باید ضمن حفظ احترام مدیریت درحل مشکلات نیز اورایاری کنند. مدیریت نیز موظف است همواره سعی درجذب دانشجویان بطرف اسلام نموده و درمواقع مقتضی نیز برخوردارشادی توام با عمل قاطع داشته باشد.

رابطه استاد و دانشجو

الف - رابطه استاد و دانشجو دردانشگاههای گذشته :

۱ - بین استاد و دانشجو درنظام قبل غیراز رابطهٔ آموزشی صرف هیچ رابطه‌ای براساس تفاهم و همبستگی وجود نداشت، اغلب نسبت به هم بی توجه بوده و ارتباطشان جزرابطه خشک کلاسیک که گاهی تبدیل به روابط خصمانه می شد چیز دیگری نبود .

۲ - حتی دراین ارتباط علمی نیز استاد از ارائه آنچه که می دانست به دانشجو خودداری می کرد ، وغالبا" دانشجوهم نمی خواست بیشتر از این از استاد چیزی بیاموزد کلاسها اغلب دریک جوسرد ونامطلوب تشکیل می شدو دانشجویان دراولین فرصتهایی که دست می داد به تعطیل کلاسها مبادرت می کردند.

۳ - دانشجویان غالبا" استادان را به عنوان یک سد درجلوی خود احساس می کردند. قبل از انقلاب درکنار وحشت وخفقان حاکم، نمره وسرنوشت دانشجویان هم در دست اساتید بود- وچون استاد از دانشجو - جمع دانشجویان - تصورقدرت داشت، سعی می کرد که در حرکاتش تعدیلی به عمل آورد.

ب - رابطه استاد و دانشجو دردانشگاههای اسلامی

۱ - رابطه استاد و دانشجو دراین نظام براساس اخلاق اسلامی شکل می گیرد،

ارتباط مدیریت با سایر اقشار دانشگاهی

الف - ارتباط مدیریت با سایر اقشار در دانشگاههای گذشته

۱ - رابطه مدیریت با استادان رابطه دستورو اجرا بودکه تحت ضوابط خشک اداری صورت می گرفت (استاد هیچوقت خارج از چهارچوب رسمی وقانونی، خودش را مسئول حس نمی کرد وحاضربه گره‌گشایی نبود) .

۲ - احترام استادان به مدیریت نشأت گرفته از ترس واجبار بود و اگر خوش خدمتی هم به چشم می خورد به منظور ترفیع وکسب امتیاز بود .

۳ - دانشجویان،مدیریت دانشگاه راسمبل حاکمیت رژیم می دانستند، لذا مخالفت وایستادگی درمقابل او دربسیاری از دانشجویان مشهود بود .

۴ - مدیریت نیز به دانشجویان به چشم دشمنان خویش می نگریست وسعی دربکارگیری لطایف الحیل برای جلب توجه ویا انقیادآنها را داشت .

۵ - بین مدیریت وکادراداری وخدماتی نیز رابطه دستورو اجرا به‌شکلی حادتر حکمفرما بود .

ودراین قشر احترام آمیخته باترس نسبت به مدیریت شدت مشاهده می شد .

ب - ارتباط مدیریت با سایر اقشار دانشگاهی دردانشگاه اسلامی

۱ - مدیریت دانشگاه باید براساس اخلاق اسلامی ورعایت اصول وموازین آن عمل کند . مدیرمسئول اجرای ضوابط وقوانین اسلامی درمحل کارخویش است وبا رعایت موازین اخلاقی باید ناظر اجرای صحیح قوانین باشدوضمن آشنا نمودن دیگر اقشاربه وظائفشان اشتباهات احتمالی آنها را گوشزد نماید .

۲ - مدیرباید خودرا " مسئول " دانشگاه وموسسه آموزشی بداند نه " رئیس " آن ودررابطه باموری که درآنجا می گذرد " مسئولیت " حس کند . او باید فعالیت های کادر های دانشگاهی راهماهنگ نموده و دررفع مشکلات آنها بکوشد . مدیرباید از " ریاست " و مرئوسیت " شدیدا " اجتناب کند، چون درجمهوری اسلامی مقام ، عامل فخر و تکبر نیست ،

۳ - مدیریت ودیگر اقشار دانشگاهی باید به کمک و یاری هم و همکاری یکدیگر درجهت حل مشکلات ورفع نیازها بکوشند- رابطه مدیریت با دیگر اقشار باید

تبصره ۱ : ضمن اینکه بپاداشتن اخلاق اسلامی و رعایت ضوابط و معیارهای دینی وظیفه همگان است معذالک درمرحله اول مسئولین دانشگاه باید خودشان دربزرگ شمردن این شعائر وعمل به دستورات اسلامی جداکوشا باشند تا الگوی مناسبی برای دیگران شوند.

تبصره ۲ : مدیریت دانشگاه بایستی امکانات لازم رابه این امر اختصاص داده و برای پیشرفت این کارحمایت مادی واداری لازم راانجام دهد.

روابط بین اقشار مختلف دانشگاهی

روابط ، برخورد افراد درون یک تشکیلات است نه اگر براساس اصول اسلامی شکل گیرد بسیاری از مشکلات راحل کرده و دانشگاهیان رادرنیل به بسیاری از - موفقیت ها یاری می کند.

دوعامل برروابط بین افراد موثراست . ۱ - خود افراد ، ۲ - قوانین وشکل سازمانی حاکم برآنها ،

از نظرما عامل اول بسیار مهمتراست وزیاد مشاهده شده که افراد درمقابل قوانین یکسان ، موضع گیری متفاوت دارند.

برای اصلاح روابط بین اقشار مختلف دانشگاهی هرچندکه تغییر قوانین حاکم برآنها نقش حساس وتعیین کننده ای دارد ولی اصلاح افراد درون تشکیلات وایجاد آمادگی درآنها برای پذیرش قوانین جدید وشکل گیری درتشکیلاتی باضوابط اسلامی از اهمیت بیشتری برخورداراست . می توان گفت مهمترین عامل که می تواند روابط سالم واسلامی بین اقشار مختلف دانشگاهی ایجاد کند ، رشد وگسترش " اخلاق اسلامی " بین آنان است .

مادراینجا روابط بین دانشگاهیان رادرسه بخش ۱ . رابطه مدیریت با دیگران ۲ - رابطه استاد با دانشجو ۳ - رابطه دانشجوبادانشجو مورد بررسی قرار می دهیم .

الف : جنبه‌های الزامی - دراین مرحله که بیشتر نهی از منکرات مطرح است بایستی دانشگاهیان را از انجام اعمال خلاف اسلام که فرهنگ شاهنشاهی به آنها القاء کرده بود وبا آن خوگرفته بودند برحذر داشت . مسئولیت مستقیم انجام - این امربخاطرجلوگیری از تشنج وحاکم شدن سلیقه‌ها بجای معیارها و قوانین برعهده مسئولین دانشگاه است .

پاره‌ای از این امور عبارتنداز :

۱ - وضع مقررات لازم برای حفظ شئون اسلامی دانشگاه وارائه‌دستورالعملها بوسیله بخشنامه‌ها و ابلاغیه‌ها ،

۲ - حفظ حجاب ورعایت عفت عمومی درمحیط دانشگاه ،

۳ - جلوگیری از انجام اعمال خلاف اخلاق و توهین واهانت به مقدسات اسلامی،

تبصره : مسئولین دانشگاه موظفند که کادراداری وخدماتی دانشگاه راقبلا" در کلاسها و انجمن ها توجیه وارشاد کنند، وطرز برخورد باخاطیان را به آنان بیاموزند تااینکه بتوانند به‌عنوان بازوی اجرایی عمل کنند.

ب : جنبه‌های ارشادی - دراین مرحله علاوه برمدیریت ومسئولین ، کلیه نیروهای مسلمان دانشگاه از جمله بخش فرهنگی وانجمنهای اسلامی موظفند با توجه به رهنمود قرآن دراین رابطه که می فرماید" ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه وجادلهم بالّتی هی احسن " طوری عمل کنندکه چهره اسلامی دانشگاه حفظ شده وباعث افزایش اطلاعات وبینش اسلامی دانشگاهیان شود.

انجام این امربه طرق زیر امکانپذیراست :

- تلاش درهرچه غنی ترکردن بخش فرهنگی دانشگاه وپربارنمودن فعالیت های فوق برنامه ،

- اجرای برنامه‌های مستمر تبلیغی دردانشگاه - دعوت از علمای حوزه به‌این امرکمک می کند،

- ارائه اطلاعات ورهنمودهای سودمند اخلاقی درتمام اماکن آموزشی بصورت تراکت‌ها و پوسترها وترتیب جلسات سخنرانی وکلاسهای اخلاق اسلامی ،

شعائر اسلامی در دانشگاه

شعائراسلامی نمودهای ظاهری دین و مذهب وانجام معنی امور مذهبی - سیاسی است که نمونه‌هایش بعداز انقلاب درجامعه شکل گرفته است وباید دردانشگاه نیز عرضه شده ، وحتی باقاطعیت و صراحت پی گیری شود. با رعایت[1] موارد امربمعروف ونهی از منکر که از اساسی ترین روشهای تربیتی اسلامی است می توان از بروز اعمال ورفتار خلاف اخلاق اسلامی که دردانشگاههای گذشته متداول بود جلوگیری کردوحتی بافراهم آوردن زمینه‌های بازسازی فرهنگی دانشگاهیان به طرق مختلف به آنها غنای فرهنگی ودید اسلامی بخشید.

بدین منظور مجموعه عوامل دانشگاهی اعم از کلاسها ، آزمایشگاهها ، کتابخانه ، محیط دانشگاه ، وحتّی مسجد دانشگاه باید طوری عمل کنند که دانشگاه شکل وچهره مذهبی بخود بگیرد وبصورت یک مرکز واقعی فرهنگ اسلامی درآید.

نحوه ارائه شعائر اسلامی دردانشگاه

چنانچه گذشت برای ارائه شعائر اسلامی باید به موارد امربمعروف ونهی از منکر - جنبه‌های الزام و ارشاد - توجه کرد[2] و برای رسیدن به مقصود خط مشی‌های مناسب رااتخاذ کردتا موفقیت بیشتری حاصل شود.

---

۱ - اگرنه دانشگاهها و نه دانشسراها بیمان هیچکدام مسائل اسلامی درآنها رعایت نشود و دراین فکر نباشیم که جمهوری اسلامی باید همه چیزش اسلامی باشد آنوقت است که شکست خواهیم خورد (امام خمینی) .

۲ - درحقیقت مجموعه‌ای از امور الزامی وارشادی است که می تواند به دانشجویان جهت اسلامی بدهد.

باشد،

۳ ـ درآن محیط ظواهر شرعی وشعائر اسلامی به احسن وجه مراعات بشود،

۴ ـ محل برخورد آزاد اندیشه‌ها ، پرورش فکری دانشجویان و رشد خلاقیت وابتکار درآنها باشد.

<u>برای رسیدن به این محیط انجام اعمال زیر ضروری است</u>

- هردانشگاه حتما" دارای مسجد متناسب باشد.
- مراکز فرهنگی و تبلیغاتی متعدد وکتابخانه غنی که علاوه برکتابهای علمی حاوی منابع اسلامی وجدیدترین آثارا سلام شناسان باشد.
- دارای مراکز مناسب جهت تحقیق ، بخشهای گروهی وانجام فعالیت فوق برنامه‌و کارهای جمعی باشد.
- درساختن دانشکده‌های جدید حتی المقدور معماری سنتی واسلامی رعایت شود.
- پوسترها ، عکس ها ، تراکت‌ها و سرصبه‌های اخلاقی منظم به دیوارها نصب گرددو شعائر اسلامی بوضوح درآنها منعکس باشد.
- حتی المقدور مراکز مطالعه ، استراحت وسلف سرویس جداگانه برای دختران وپسران دانشجو ساخته شود.
- رئیس دانشگاه ومسئولین دانشکده‌ها سعی کنندکه دراطاقهای ساده و به دوراز تشریفات طاغوتی که موجب جدایی ودوری اعضای خانواده دانشگاهی از یکدیگر می شود اقامت کنند.



- تشکیل کتابخانه های مجهز درمجتمع های آموزشی که شامل متون اسلامی ، کتابهای عمومی و جزوات ونشریات متعدد وبولتنها ومقالات مختلف درمسائل فرهنگی، - اجتماعی وسیاسی باشد،

۳ - معیارهای ارزشی می تواند شامل :

امتحان ودرک مطلب ، شوق ورغبت ومیزان علاقمندی به تحقیقات ، ورعایت کامل اخلاق اسلامی درمحیط باشد .

محیط دانشگاه

محیط دانشگاهی مجموعه عواملی است که زیرنفوذ آنها فعالیتهای دانشگاهی شکل می گیرد .

این عوامل را به دودسته می توان تقسیم کرد:

۱ - محیط جغرافیایی (طبیعی)

۲ - محیط کار (مصنوعی)

محیط ، باانسانهایی که درون آن هستند درحال تاثیر وتاثرند- محیط بطورغیر مستقیم یکسری ارزشها رااعمال می کند، هرچند که این ارزشها و.... بوسیله افرادی- که درون آن هستند بسیار قابل تغییراست - ، وحیط باعث آموزش غیر مستقیم افراددرون تشکیلات می شود.مراد ما این است که محیط دانشگاه آنچنان متحول بشود و تغییرکندکه درکل ، آموزشی که اعمال می کند درجهت شکل گیری مکتبی ومذهبی باشد .

معایب محیط دانشگاهی گذشته

۱ - بیگانگی نسبت به فرهنگ اسلامی ، تجاهربه فسق ، پوشش زننده ، روابط ناسالم وخالی بردن دانشگاه از شعائر اسلامی ووجود علایم و آثار فرهنگ استعماری ،

۲ - آماده نبودن محیط برای انجام مبادلات سالم فکری وعقیدتی وسیاسی ،

۳ - عدم فعالیت های علمی آزاد وبحث وتحقیق .

۴ - عدم فعالیت های هنری سالم - ووجود فعالیت های مضروانحرافی ،

محیط دانشگاه اسلامی بایدداری ویژگیهای زیر باشد

۱ - محیط باید برخاسته از ارزشهای اصیل اسلامی که یادآور سنت های پاک اسلامی است باشد .

۲ - سادگی وتمیزی وزهد وبی آلایشی توام باروابط سالم واسلامی افراد دران مشهود

۳ - تدریس پیوسته یک مجموعه مباحث اسلامی شامل اصول عقاید ومبانی اعتقادی اسلام ، احکام اسلامی واخلاق اسلامی درحد مورد نیاز کادردانشگاهی عموما " و دانشجویان خصوصا " ،

۴ - آموزش فرهنگ و تمدن وتاریخ اسلامی همراه با تحقیق وبررسی سایرتمدنهای جهان ،

۵ - آموزش فلسفهٔ حکومت اسلامی (ولایت فقیه) ونظام سیاسی - مذهبی کشور وبررسی نظامهای سیاسی جهان از نقطه نظر تطبیقی ،

۶ - تدریس نظام اقتصادی واجتماعی اسلام و مقایسه آن باسایر نظامهای موجود ،

۷ - بررسی وتحلیل مسائل مبتلا" به عمومی وروزمرّه بابینشی نشأت گرفته از اسلام ومبتنی بر اصول آن ،

۸ - ....

<u>شیوه آموزش</u>

با استفاده ازروشهای زیراین مواد را می توان تدریس کرد :

- تشکیل کلاس به طریق معمول ،
- تشکیل سمینارها واردوهای آموزشی ،
- فراهم کردن امکانات سمعی وبصری مثل نوارضبط ، ویدئو ، تلویزیون آموزشی ،
- تشویق دانشجویان به مباحثه گروهی درطول آموزش ،
- وادار کردن دانشجویان به تحقیقات فردی وجمعی برروی منابع وکنترل تحقیقات آنها ،

<u>تبصره :</u>

اصولا" روش تدریس باید بصورت روش تحقیق درآید ودراین جریان دانشجویان می توانند نقشی فعال ایفاکنند .

رعایت موارد زیر به پیشرفت کاروبازدهی بیشتر کمک می نماید :

- محتوای کتب آموزشی مطابق نیاز و استعداد دانشجویان درهرسال موردبررسی وارزیابی قرارگرفته و تکمیل شود ،

۱ - آموزش علوم ومعارف اسلامی

برای رسیدن به دانشگاه مطلوب اسلامی ، تدریس ایدئولوژی اسلامی دردانشگاههای فعلی به منظور ارتقاء سطح آگاهی دانشگاهیان از محتوای اسلام ضروری به نظر می رسد . چون شناخت کافی وصحیح از محتوای مکتب ، نخستین مرحله مکتبی بودن واسلامی شدن است واگر دانشجو اسلام رانشناسد نمی تواند درمورد مسائل جاری درمملکت اظهار نظرکرده وشخصیت خود رادرون انقلاب وایران اسلامی بیابد وراه پیشرفت وکمال راطی کند ،زیرا اسلام مکتب ونظامی است که خود ضوابط واصول مربوط به رشد وتکامل شخصیت آدمی رادارا است .

باضافه اینکه آموزش این مبانی به تقویت روحیه تحقیق وتتبع درزمینه های فرهنگی ومعنوی اسلامی دانشگاهیان کمک می کند . بدیهی است که برای نیل به این مقصود (رسیدن به دانشگاه اسلامی مطلوب) دانشگاهیان بایستی به طرق مختلف بازآموزی شوندکه آموزش مستقیم نیزیکی از اساسی ترین روشهای آن است .

بدین منظور ضمن اصلاح وسامان دادن به سایر امور دانشگاهی که اثرغیر مستقیم آموزشی دارند باید به تدریس دروس معارف اسلامی دردانشگاهها نیز توجه شود . دستیابی به این کار از طریق آموزش رسمی (مواد درسی آموزشی) و آموزش غیررسمی (آموزش بطریق فوق برنامه و فارغ از وقت درس و کلاس) انجام پذیراست . بنابراین پیشنهادمی شودکه درهردانشگاه قسمتی بنام بخش علوم ومعارف اسلامی بوجود آید که روحانیون ، اسلام شناسان واساتید بطریق سازماندهی شده شرکت موثر داشته باشند ، وبا کمک آنها اصول ومعارف اسلامی تحقیق وتدریس شود ، و دانشجویان مجاز باشند که واحدهای اختیاری خودرا ازآن مرکز انتخاب نمایند . همچنین امکاناتی فراهم شودتا دانشجویان بتوانند یک رشته دروس اسلامی رابصورت درس آزاد در آنها تعقیب کنند .

مسئول تشکیل چنین بخشی معاون فرهنگی دانشگاه است . دراین بخش کلیه مباحث اسلامی خصوصا " مباحث زیر مورد مطالعه و تحقیق وتدریس قرارمی گیرند :

۱ - تدریس قرآن ، روش برداشت از قرآن ، تفسیر قرآن ومباحث قرآنی ،

۲ - آموزش زبان عربی برای آشنایی وارتباط با قرآن وتحقیق درمتون اسلام ،

۳- باید از ایجاد ورشد جریانات انحرافی دردانشگاه که دراشکال مختلف بروز می کندو جوانان دانشجورا بخود سرگرم نموده و آنها رااز تلاش وکوشش برای پی گیری اهدافی که نظام جمهوری اسلامی درراه خدمت به جامعه پیش پای آنها گذشته است بازمی دارد شدیداً " جلوگیری شود .

۴ - باید از اعمال خلاف عفت عمومی وحرکات مخالف اخلاق اسلامی که گاه از دانشگاهیان (اعم از استاد - دانشجو وکادراداری وخدماتی) سرمی زند وباعث آلودگی محیط دانشگاه می شود شدیداً " جلوگیری بعمل آید . [1]

۵ - باید از اعطای مسئولیت ها و محول کردن اموربه افراد غیرمسئول وآنهایی که فاقد صلاحیت علمی و اخلاقی هستند ممانعت بعمل آید .

ب : مرحلهٔ سازندگی

دراین مرحله غرض این است که کلیهٔ عواملی که دردانشگاهها موجوداست و پارامترهایی که درشکل وجهت دادن به دانشگاه موثرند وگاه نقش اساسی رابازی می کنند ، [2] بگونه‌ای تغییر یابند که منطبق براصول مکتب ومتناسب با معیارهای آن باشد . بعلاوه عواملی که لازمه تشکیل دانشگاه اسلامی است ولی دردانشگاههای گذشته موجودنبوده‌اند . [3] دردانشگاهها وارد شود تا درمجموع دانشگاه اسلامی را آنچنان که مطلوب است بسازند . این عوامل رابرحسب اهمیت می توان به دوبخش (آموزش مستقیم وعوامل تاثیر گذار غیرآموزشی) تقسیم کرد :

---

۱ - تعیین ضوابط واجرای اعمال فوق (بندهای ۲ و ۴ و ۵) طبق آئین نامه انضباطی خواهد بود .

۲ - مانند مدیریت ، گزینش ، محیط وروابط بین اقشار مختلف دانشگاهی که در مورد بعضی از آنها مثل مدیریت و گزینش ، کمیته‌های جداگانه‌ای درستاد تشکیل شده و برنامه‌ریزی کرده‌اند ، ولی بررسی بقیه موارد برعهده ما است .

۳ - مانند آموزش معارف اسلامی و همچنین ارائه شعائر اسلامی که درهمین مجمو بحث خواهدشد .



اقدامات واعمالی راکه درجهت تحقق این امر بکار گرفته می شوندمی توان به دومرحله تقسیم کردکه باید با برنامه ریزیهای مرتب درکنار یکدیگر مورد اجرا واقع شوند:

الف: مرحلهٔ رفع معایب

دراین مرحله لازم است باکلیهٔ معیارها، ارزشهایی که مخالف ارزشهای معنوی وانسانی اسلامی است مبارزه کرد، زیرا این ارزشها ورفتارها دانشگاهیان را در وضع گذشته نگه می دارد وآنها را از شناخت موقعیت وتکلیف اصلی خودشان غافل می کند. اگرما بتوانیم ارزشهای منفی دانشگاههای گذشته را از بین ببریم قسمت مهمی از انقلاب فرهنگی راانجام داده ایم. برای نیل به این مقصود توجه به موارد زیر ضروری بنظر می رسد:

۱ - دانشگاهها باید از عناصر وابسته که باگرایشهای خودبطرف شرق و غرب مانع از ایجاد یک دانشگاه مستقل اسلامی می شوند تصفیه شود. چنانکه امام فرموده اند: " از مسائل مهمی که مقدمه اصلاحات است پاکسازی همه مراکزخصوصاً مراکز فرهنگی وعلمی است و باید باشوراهایی مرکب از اشخاص دانشمند و متعهد ومومن به انقلاب وپشتیبانی رؤسا، استادان ومعلمان ودانشجویان مراکز علمی، تربیتی از عناصر فاسد وخدمتگزاران و سرسپردگان به رژیم سابق تصفیه شوند."[۱]

۲ - اعمال استادان دانشگاهها باید طبق ضوابط اخلاق اسلامی باشد و از بعد آموزشهای اجتماعی برخی از آنها درکلاس ممانعت شود. زیرا آنچه که بطور شفاهی دانشجواز استاد می گیرد از اخلاقیات ورفتار او است وهرچند هم که شخصیت دانشجوشکل گرفته باشد بازتحت تاثیر شخصیت استاد قرارمی گیرد وازحرکاتش درس می گیرد.

---

۱ - تصفیه وابقای دانشگاهیان کلاً باضوابط مندرج درقانون بازسازی صورت می گیرد.

نمی توان تدوین کردکه فارغ از عوامل بیرونی محیط واجتماع وفقط درچهارچوب دانشگاه ، دردانشگاهیان تغییر شخصیت ایجاد کند.[۱] امابناچار چنانچه خواسته باشیم که به دانشگاه ایده‌آل اسلامی برسیم وبه آن مرحله از پیشرفت فرهنگی نایل آئیم که دردانشگاههایمان "تزکیه مقدّم برتعلیم باشد"، ناچاریم که از یک نقطه شروع کنیم واحکام الهی را درجهت استقرارنظام اسلامی دردانشگاهها هراندازه‌که‌در توان وقدرت داریم باایجاد زمینه مناسب پیاده کنیم . گرچه ممکن است‌که دربدوامرحذف ناخالصیها وتصحیح گفتار و رفتار واعمال اشتباه ویا انحرافی دانشگاهیان براساس معیارهای اسلامی نوعی تحمیل‌عقیده وحذف‌آزادیهای فردی را دراذهان بعضی هاتداعی کند، ولی واقعیت امرگویای این است‌که ما مجبور به‌انجام چنین اعمالی هستیم ، واصل مسلم امربمعروف ونهی از منکرکه دراسلام شدیداً" روی‌آن تاکید شده بیانگر دخالت همگان درامور یکدیگرجهت اصلاح فردوجامعه است.

۱ - درمدت زمان کوتاه اخیرکه انقلاب درجهت تثبیت خود پیش رفته وتماس دانشگاهیان باجامعه زیادترشده است وقوع این امر مشهودتراست ، امابرای حصول تغییری اساسی ذکر موارد زیر ضروری بنظر می رسد:

الف : چون تربیت براساس اصول اسلامی باید از زمان کودکی ونوجوانی صورت بگیرد ، ماتغییرات اساسی درآموزش وپرورش راامری لازمی میدانیم ، تابرخلاف گذشته که پرورش وتربیت در آموزشگاههای مااسم بی مسمائی بود، تربیت اصیل اسلامی جای خودرادرآموزش وپرورش بازکند.تحول اساسی وواقعی درسازمان ووظایف آموزش وپرورش از شروط این امراست . ارزشهای مطلوب واسلامی می توانند بصورت داستانها ونوشته‌ها محتوای کتب و برنامه های آموزشی کودکستانها ، دبستانها ودبیرستانها راتشکیل دهند و درکنارآن صفات وفضائل انسانی درلباس هدفهای تربیتی عملی وموثر به‌دانش‌آموزان عرضه شود .

ب : چون امورجامعه دردانشگاه اثرات زیاد دارد وتوفیق دراهداف تربیتی تنها از طریق مراکز آموزشی امکانپذیرنیست لذاکلیه عوامل ارتباط جمعی مانند مساجد ، رادیو وتلویزیون ، جرائد وغیره باید بصورت هماهنگ درجهت تحقق اهداف تربیتی اسلام عمل کنند .

۴ ـ ایجاد روحیه دعوت به خیر و احساس تعهد و مسئولیت در برابر رنج و محرومیت جامعه ،

۵ ـ تلاش برای سود رسانیدن به جامعه وپرهیز از سودآوری و ثروت اندوزی شخصی ،

۶ ـ تلاش در دور نگهداشتن دانشگاه از اثرات شوم فرهنگهای بیگانه وایجاد ارتباط ـ بین آن و جامعه مستقل اسلامی ایران ،

د : شناخت طبیعت :

شناخت اجزای طبیعت به عنوان آیات الهی از طریق مشاهده وتعقّل وتفکر آنچنانکه قرآن کریم ما را به آن هدایت کرده و آن را یک فریضه دانسته است ـ صورت خواهد گرفت. این امر ما را به تشخیص ودرک قوانین حاکم برجهان ونهایتاً" به تعظیم در برابر خدای بزرگ که خالق وناظم امور است وادار می کند. تفکّر وتأمل در طبیعت باید علاوه برعلم آفرینی وایجاد قدرت دردست یابی ومسلط شدن برطبیعت به درک کمال و جمال طبیعت وشناختن وشناساندن آیات الهی منجر شود. مشاهده وتفکر وتعقل ، ایمان به قانونمندی وهدفداری جهان ودرنتیجه حصول این اعتقاد که هیچ چیز عبث نیست ، در این مسیر طبیعت شناسی نیز معبری برای خداشناسی خواهد بود.

راه وصول به اهداف تربیتی (طریقهٔ تزکیه)
دانشگاهها :

امر تزکیه در دانشگاهها وپیاده کردن نظام تربیتی درآنها از این نظر حائز اهمیت است و نیز تا حدودی امری بغرنج جلوه می کند که به اعتقادات فرد فرد دانشگاهیان بستگی دارد . دانشگاه زمانی تزکیه می شود که وجود اخلاق وشعائر اسلامی درآن محسوس بوده و نظام ارزشی وارزیابی براساس اصول اسلامی درآن ـ استقرار پیدا کند. وچون این اصول وضوابط مسائلی هستند که دانشگاههای ما نسبت به آنها بیگانه بوده و با کمال تاسف جهات انحرافی وخلاف اسلام نیز درآنها رشد کرده بود ، لذا تغییر منش و شکل گرفتن دانشگاهیان درجهت اسلام چیزی نیست که درمدّت زمانی کوتاه بتوان به آن رسید، همچنین برنامه‌ای را ـ

۱- تزکیهٔ دانشجویان از عادات و اعمال شیطانی وناپسند و مذموم و رشد فضائل ومکارم اخلاقی درسایهٔ ایمان به خدا وجهان آخرت و پاداش و کیفر الهی،

۲- هماهنگ کردن تخصص با فضیلت و اخلاق و آرمانخواهی،

۳- تربیت قدرت همفکری با همراهان مومن و عادت به مشورتهای مفید .

۴- فراهم ساختن موجبات شناخت ارزشهای مثبت اخلاقی و معنوی و ایجاد اعتقاد و ایمان نسبت به آنها ازقبیل:

- انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق

- شناخت مراحل ایمان وتقوی وسعی درایجاد ورشد صفات متقین درخودو دیگران

- شناخت مراتب اخلاص وایثار و ... ونقش آفرینی آنها درتنظیم زندگی فردی واجتماعی ،

تربیت روحیه نظم وانضباط ووقت شناسی وامانت وصداقت ودرستکاری ،

- پرورش روحیه صبرو شکیبائی درمقابل مصائب ومشکلات وتلاش برای حل آنها درراه وصول به اهداف عالیهٔ انسانی - اسلامی ،

- تربیت روحیهٔ قناعت وخوگرفتن به صرفه جوئی ونفی فرهنگ مصرف و امتناع از وابستگی ونفی اسراف وزیاده روی ،

- نیل به مقاصد فوق از طریق آشنایی با زندگی رسولان الهی وامامان ورهبران و صالحان ومشاهده جهات عینی درزندگی آنها .

ج - تربیت درجهت برقراری روابط اجتماعی مطلوب با افراد جامعه

یکی دیگر از اهداف تربیتی دانشگاه اسلامی رشد جنبه های اجتماعی دانشجویان است تا همگام با پیشرفت جنبه‌های فردی سعی دربروز ورشد استعدادهای اجتماعی دانشجویان نیز داشته باشد . دراین بعدشمه‌ای از اهداف ووظایف دانشگاهها را یادآورمی شویم . تربیت دانشجویان درجهت :

۱ - شناخت ارزشهای اجتماعی واحساس احترام نسبت به قوانین وموازین اجتماعی،

۲ - رشد اخلاق اجتماعی دانشجویان (پرورش حس همکاری واحترام به حقوق دیگران، وحس مسئولیت وتعهد اجتماعی دردانشگاهیان) ،

۳ - رشد روحیهٔ خدمت ومشارکت وتعاون درکارهای خیروتقوی دردانشجویان [1] ،

---

۱ - تعاونوا علی البروالتقوی .

باشد که روحیهٔ دانش‌طلبی و تلاشمندی و سخت‌کوشی و ابتکار دارند، می‌خواهند موجبات سعادت ورشد وتعالی خود و امت اسلامی را فراهم آورند. با فراهم بودن موقعیت و امکانات می‌بایست علاوه برشد و پیشرفت درعلوم دانشگاهی به بالابردن شناخت دانشگاهیان ازاسلام و تجسم بخشیدن به غنای فرهنگی مکتب اسلام وایجاد زمینهٔ مناسب جهت پرورش استعدادهای دانشجویان براساس رهنمودهای اسلامی همت گمارده شود.

این اهداف را درمسائل زیر می‌توان خلاصه کرد:

۱- پرورش روحیهٔ دانش‌طلبی ، تربیت و تقویت قدرت مشاهده و تفکر، و روح بررسی و تتبع وابتکار درتمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و هنری و افزایش قدرت جستجوگری برای رهیابی به حق .

۲- پرورش نیروی اندیشه و فهم ارزش براهین عقلی و تشویق به تجزیه و تحلیل و تفکر دربارهٔ مسائل فردی و اجتماعی ، درکنار آن ایجاد عادت به تعلیم وتعلم مداوم و پرورش احساس وظیفه در نشر علم و دانشهای مفید.

۳- ایجاد آمادگی برای پژوهش شخصی وخودیادگیری و خودآموزی و بازآموزی .

۲- ب : " اخلاق جوئی "

ازدیگر اهداف تربیتی دانشگاه اسلامی این است که به پیروی از فرمایش رسول اکرم(ص) به رشدو تکامل روحیهٔ اخلاقی دانشگاهیان برمبنای مکتب توحیدی اسلام همت گمارد. هرحرکتی که درجامعه اسلامی و درجمع مسلمانها اتفاق می‌افتدو هر امری که واقع میشود باید متوجه به این هدف باشدو دانشگاه هم ازاین اصل کلی مستثنی نیست .

ذکر این نکته لازم است که اخلاق رانباید بصورت مفاهیمی خشک و بی‌روح تلقی نمود. نمود عینی اخلاق اسلامی درحرکات فردی شخص (چون عشق به حق و عدالت و انجام احکام ووظایف فردی، احتراز از ذمائم و رذائلی چون دروغ و تقلّب و نفاق و ستمگری و بطور کلی اجتناب از محرمات) و همچنین درابعاد اجتماعی زندگی او (مانند خدمت به خلق ، توجه به مصالح و منافع مردم و کوشش مستمر و پیگیر جهت رفع نیازمندیهای فراوان جامعه اسلامی و بالابردن کیفیت زندگی همهٔ مسلمانان) متجلی میگردد. اهداف زیر را میتوان ازاین جمله برشمرد :

۱ ـ دانشگاه اسلامی باید دانشجویان را به حدی برساند که براساس آگاهی بندهٔ خدا باشند و زندگی خودرا مطابق آنچه که خدا بدان فرمان می دهد تنظیم کنند.

۲ ـ دانشجویان را درحرکت بسوی نظام الهی رشد دهد تا زمینه شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونه انسان فراهم گردد.

۳ ـ پرورش کرامت وشرف انسانی دراستاد و دانشجو، بطوری که جز دربرابر حق وجز دربرابر فرمان خداوند سرتسلیم فرود نیاورد وبه یک سخن اوراشایسته خلیفة اللهی بارآورد.

ب : شناسانیدن انسانیت و ارزش آن به دانشگاهیان از طریق پرورش روحیه " علم جوئی " و " اخلاق جوئی " درآنها

اهداف تربیتی دانشگاههای اسلامی آینده ما چنانکه گفته شد اهدافی متعالی است و دانشگاه درجمهوری اسلامی یک مرکز مهم علمی ـ تربیتی است که باید دانشجویان را یاری کند تا نقش اساسی خود را بشناسند وبرای به ثمررسیدن ابعاد شخصیت خود تلاش کنند؟ که اگر چنین نباشد هرچندهم که دانشجو از نظر آموخته های علمی رشد کند وذهنش انبان معلومات باشد بخاطر همین نشناختن قدرو منزلت خودمی توانیم ادعاکنیم که جهل ونادانی عظیمی براو غالب شده است (کفی بالمرء جهلا" ان لایعرف قدره) . بنابراین دانشگاه درنظام اسلامی باید محل تربیت افرادی باشدکه از خودبیگانه ، وبی اعتنا به هویت خویش نگردند و کرامت انسانی خود رابا تنگ بینی و کوته نظری و پذیرش خودفروختگی فکری و فرهنگی نکه دار نسازند، بلکه محیطی باشد که در آن دانشگاهیان ارزش و کرامت الهی انسانی خویش را درک کرده وبه خویشتن به جهت تزکیه و رشد معنوی توجه کنند. دانشگاه باید درپرورش دوعامل از عوامل اساسی ساخت شخصیت یعنی " علم " و " اخلاق " کوشش و تلاشی پیگیر کند:

۱ـ ب : " علم جوئی "

یکی دیگر از اهداف تربیتی دانشگاه اسلامی ارتقاء شناخت و دانش طلبی دانشجویان است تا ازین راه برای رشد واعتلای خویشتن و جامعه ، ابزاری دراختیار دانش پژوه قرار دهد، واضح است که پیشرفت علم علاوه بررشد فردی، بهبود اوضاع اجتماعی رانیز درپی خواهد داشت . بنابراین دانشگاه باید درجهت پرورش افراد

او " الیه ..." است[1] هدف انسان شناخت خالق وحرکت در این مسیر است[2]، وهم در این مسیراست که به خود آگاهی می رسد و هرحرکتی که از او سرمیزند اگر در این مسیر نباشد عقیم وبی‌بهره می ماند. او جز با یاد خدا با چیز دیگر آرام نمی گیرد، خواسته‌های او بینهایت است وبه هرچه برسد از آن سیر ودلزده می شود مگر آنکه به ذات بی حدونهایت خدا بپیوندد. براین اساس یکی از اهداف تربیتی اسلام که دردانشگاهها نیز بایستی به آن جامعه عمل پوشانید، پرورش انسان موحد ویکتا پرستی است که خدا را بشناسد، و همواره او را مدنظر داشته باشد[3]، درجهت کسب و جلب رضایتش بکوشد وهمواره خشنودی و رضوان الهی را برهمه چیز مقدم بدارد، - ساختن انسانهایی عالم که دربرابر خدا خاشع[4]، دربرابر فرامین او فرمانبردار، و نسبت به نعم او شکر گزار باشند.[5] لذا دانشگاه اسلامی بایستی به تربیت دانشگاهیان وخصوصاً " دانشجویان دراین ابعاد نیز همت بگمارد:

---

۱ - انالله و انا الیه راجعون . بقره ، ۱۵۶ .

۲ - وما خلقت الجن والانس الا لیعبدون . ذاریات ، ۵۶ .

۳ - الذین یذکرون الله قیاما و قعودا " وعلی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السماوات والارض ربنا ما خلقت هذا باطلا سبحانک فقنا عذاب النار . سوره آل عمران، - آیه ۱۸۸

۴ - .... انّما یخشی الله من عباده العلماء ... بخشی از آیه ۲۶ ، سوره فاطر

۵ - فاذکرونی اذکرکم و اشکروا لی ولاتکفرون . بقره ، ۱۴۷ .

حدود وامکانات آن درحل مسائل اساسی بشر .

ب : سوق بسوی فرهنگ ضد مذهبی چه دربعداخلاقی وچه دربعداعتقادی .

ج : مطرح نبودن ضوابط اخلاقی ومعیارهای اسلامی و ناآشنایی با اسلام اصیل ودرنتیجه سهل انگاری دانشگاهیان نسبت به تکالیف ووظایف شرعی واجتماعی .

اهداف دانشگاه اسلامی دربعدتربیتی واخلاقی

انسانسازی هدف متعالی دانشگاه اسلامی است و مهمترین مسئله‌ای است‌که دربعد تربیتی واخلاقی باید مدّنظر قرارگیرد وبه طرف آن جهت‌گیری شود. دانشگاه باید نمادی باشد انقلابی ومتکی برمبانی مکتب، برای کشف ورشد وجهت دادن به‌استعداد دانشجویان وساختن اندیشه‌های توانا وپرورش یافته ، وآماده سازی جوی سالم جهت تهذیب نفس وتخلق به صفات عالیه الهی ومکارم اخلاقی که غایت وهدف رسالت پیامبر بزرگوار اسلام است (بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) .

دانشگاه باید آنچنان باشدکه درآن دانشجوبه عنوان یک " انسان " تلقی شود وآنچنانکه خواست اسلام است رشد همه جانبه کند وزمینه‌تحول و تغییرش از مرحله جهل و سرکشی وتابعیت هوی وخلق وخوی حیوانی به‌مرحله آگاهی وایمان و تقوی فراهم گردد. آنچنانکه انسانیت‌خویش را بازیابد و دررابطه باخالق مسئولیت و دربرابر جامعه تعهد، و دررابطه باطبیعت تفکر و خلاقیت پیداکند .

براین اساس اهداف تربیتی دانشگاهها به صورت مجموعه‌های چهارگانه زیر :

(انسان دررابطه باخدا ، خود، جامعه وطبیعت) ارائه می گرددوامیدچنان است‌که باشکل گرفتن دانشگاههایمان دراین ابعاد تربیتی بتوانند دربه‌انجام رسانیدن مسئولیت‌خطیری که برعهده دارند کوشابوده ، پیام اسلام وانقلاب اسلامیمان رابگوش جهانیان برسانند .

الف : رشد وپرورش ایمان دانشگاهیان دررابطه باخدا

درجهان بینی اسلامی " انسان " دررابطه باخدا تعریف می شود ومبداء ومقصد



معایب دانشگاههای قبل ،درابعاد تربیتی واخلاقی

معایب تربیتی دانشگاههای گذشته فهرست وار عبارتند از :

۱ - برنامه‌های دانشگاهی آنچنان بودکه صرفا" جنبه‌های معینی ازمهارتهای ذهنی دانشجویان راپرورش می داد و درمجموع توجهی به رشد همه جانبه شخصیت آنان نداشت ،

۲ - راهیابی به دانشگاه غالبا" برای تشخص طبقاتی بود، نه برای خدمت به جامعه ،

۳ - جو حاکم طوری بودکه دانشجو از ابتدا بخاطر گرایش به مادیات بسوی مدرک گرایی سوق داده می شد وکاملا" مشهود بودکه دراین نظام دانشگاهی تخصص ومدرک برهرمعیار معنوی واخلاقی تقدم دارد.

۴ - ورود ارزشهای غربی وتربیت دانشجویان درجهت تثبیت فرهنگ استعماری ومصرفی وشاهنشاهی دردانشگاهها که بالمآل مسائلی از این قبیل رابه دنبال داشت .

الف - غفلت از خود و خودسازی ونفی ارزشهای معنوی وبی توجهی به تقوی وفضائل اخلاقی .

ب - فقدان حالت مقاومت درونی وروحی دربرابر کالاهای مصرفی وقبول حوائج ساختگی به جای حوائج طبیعی واساسی ووابسته بودن به تبلیغات وعدم مقاومت درونی دربرابر عرضه های متضادومتغیر دیگران .

۵ - دراثر بی توجهی به موازین شرعی واصول اسلامی دردانشگاهها نیزیک رشته ارزشهای منفی برافکار واعمال دانشگاهیان مسلط شده بودکه شمه‌ای ازآنها به قرارزیر است :

الف : علم زدگی وجانبداری ناآگاهانه‌ودربست از علوم جدیدبدون توجه به

یافته بود.

اما درجمهوری اسلامی دانشگاه ومراکز آموزشی وتربیتی بایداز مسئله تربیت بی تفاوت نگذرند.

ونسبت بهسرنوشت افرادی که بمنظور کسب علم وفضائل وارداین مراکزمی شوند- ودرنتیجه نسبت به سرنوشت کل جامعه- احساس تعهد همراه با تلاش پی گیرداشته باشد، ودرامرتربیت دانشجویان ودانش پژوهان ودرجهت رشدهمه جانبه ایشان ساعی وکوشا باشد. درحقیقت دانشگاه باید علاوه برتربیت دانشجویان درمراحل مختلف علمی - اجتماعی وسیاسی و... به "تربیت اخلاقی" دانشجویان که جنبه اصلی تربیت را شامل است و می توان گفت مشکلترین و دقیق ترین ومهمترین وموثرترین مرحله تربیت را تشکیل می دهد، وبیش از تمام جنبه‌های دیگر تربیت نقش تکامل بخشی دارد نیز توجه شدید مبذول دارد. زیرابدون توجه به این مرحله از تربیت بقیه مراحل ناقص است و با شکست[1] مواجه خواهد شد.

درصورت بی توجهی به این مرحله سایر مراحل تربیتی هرچند هم که با موفقیت کامل طی شوند نه تنها بحال بشر مفید ومثمرثمر نخواهند بود ونقشی درکمال وی بازی نخواهند کرد بلکه به علت ضعف اخلاقی موجود کلیه استعدادهای مثبت ومفید انسان دربست دراختیار جنبه‌های غریزی وکششهای نفسانی قرارخواهند گرفت و درچنین شرایطی است که علم وصنعت وهنر، خودبه عوامل فسادو تباهی انسانها وبلکه به موانع مهم تکامل آنها مبدل می شوند.

---

۱ - آنهائیکه انبارعلم درباطنشان هست وباطنشان تمام علوم را فرض کنید تمام صناعات را، تمام تخصصات را داشته باشد و لیکن تربیت وتزکیه نشده باشند، آن علوم برای آنها فایده ندارد.

"امام خمینی"



دانشگاه در تربیت تربیتی واخلاقی

دانشگاههای ما علاوه برتربیت متخصصین درجهت تامین نیازهای جامعه و پاسخگویی به نیازهای مادی وبارورکردن فکر و اندیشه دانشجویان بایدبگونه‌ای باشدکه درآنها " انسان " ساخته شود. آنچه‌راکه‌اسلام به عنوان معیارها وعوامل اصلی انسانیت می شناسد بایددر دانشگاهها وارد شودوراه رابرای تکامل وبال وپرزدن دانشگاهیان بسوی فضائل معنوی وکمالات لایتناهی هموار نماید.

بی شک رشد معنویات وتوجه به مبانی اخلاقی وعقیدتی اسلام یکی از شروط لازم برای مستقل شدن دانشگاههاست واستقلال دانشگاهها نیز تاحدود زیادی استقلال مملکت راتضمین می کند، ودراینصورت می شود امید داشت که ایران اسلامی با نیروو توان هرچه بیشتر مشکلات خویش را حل کرده وراه پیشرفت راطی کند.

اما متاسفانه درنظام گذشته مسئله تربیت واخلاق وانسان سازی به هیچوجه مورد توجه نبود، چون بیشتر علومی که (بطور ناقص) دردانشگاهها تدریس می شد، علومی برخاسته از فرهنگ ملت ومنطبق با نیازو احتیاج آنها نبود، وازطرف دیگر فقدان یک اندیشه منسجم و مستحکم اسلامی دردرون دانشگاهیان سبب می شد که این علوم همراه باخود فرهنگ و اخلاق خاصی رانیز منتقل کنند. این فرهنگ وارداتی دراثر تضاد وناهمخوانی بافرهنگی که برجامعه حکمفرما بود وارد نزاع مستمری می شد و تاآنجا پیش می رفت که یاما به علوم پشت پا بزنیم ویا با اصالت خودمان وداع کنیم ، که متاسفانه بیشترراه دوم رادرپیش می گرفتند، ضمن اینکه از علوم هم استفاده چندانی نبرده‌اند. بایک نگرش عمیق درمی یابیم که نقشه استعمارگران، بمنظور اینکه افراد رامطیع وفرمانبردارخود کنندانین است که آنها راپوچ وبی محتواودرعین حال پرمدعا بارآورند وطبعا " جامعه هم که مجموعه‌ای از چنین افرادی است براساس این ضوابط وقالبها به سمت هدفی که‌خواست استعمار است کشیده می شود. واین از مشخصات بارز نظام آموزشی استعماری است که استکبار جهانی برفرهنگ وجامعه‌مستضعفان تحمیل کرده است وبمنظور سردرگم نگهداشتن مردم وغفلتشان از جوهر وذات ارزشهای دروغینی که برجامعه حاکم می نمودندبه لفاظی درقالب واژه‌های زیبا امابی محتوی می پرداختند تاحدی که دانشجوحتی به عالیترین مدارج علمی هم که دست می یافت فاقد یک نگرش درست وصحیح ونظم

۶ – همچنین مرکزی برای حفظ انقلاب ، وپشتوانه‌ای برای رشد وگسترش فرهنگ اسلامی درمنطقه باشد .

جهات علمی وفرهنگی آگاهانه وباتعهد به نظام را باشند.

دانشگاه به عنوان یک مرکز علمی تربیتی درجمهوری اسلامی می بایست با تربیت انسانهایی مومن به اسلام وجمهوری اسلامی بهرفع نیازهای مبتلابه مملکت و پیشبردعلم و تکنیک درآن همت گمارد، وچون تحقق یافتن تمامی اهدافی که برای نظام جمهوری اسلامی مورد نظر وتوجه است مستلزم تربیت نیروهایی استکه دراین مسیر تربیت شده ورشد یافته باشند، بارعظیمی از این انقلاب بردوش دانشجویان وقشر تحصیلکردهدانشگاهی است. لذا باید عقل وفکر دانشگاهیان درمسیری قرار گیرد که به آنها رشد لازم جهت شکل گیری ونقش پذیری دراین نظام رااعطاکند. بطورکلی نسل جدید ما باید براساس معیارهای اسلامی شکل گیرد، ودانشگاهها باید درصدد تربیت افرادی باشند که علاوه برداشتن اندیشههای قوی ومهارتهای کافی برای خدمت بهجامعه ورفع نیازهای متنوع آن فکرشان نیز درجهت ارزشهای پاک و پرثمر اسلامی شکل گرفته ورشد کرده باشد.

امیدما این استکه بایاری خدای بزرگ بتوانیم دانشگاهی بسازیم که اهداف کلی زیررا پی گیری کند:

۱ - مرکزتربیت انسانهای مومن ومتعهد ومتخصص برای جامعه درکلیه شئون وهمچنین مرکز بسط علوم وفنون درکشور وعامل ارتقاء آگاهیهای عمومی درجامعه باشد،

۲ - مرکز تحقیقات علمی وابداع وابتکار واختراع واکتشاف باشد ودرجهت نجات کشور از وابستگی کوشش نماید.

۳ - مرکز ارائه طرح وبرنامههای مورد نیاز کشورجمهوری اسلامی باشدودولت رادربرنامه ریزیهای مقطعی ودرازمدت درابعاد مختلف یاری کند (با مراکزفرهنگی وخدماتی وموسسات اقتصادی وصنعتی وبرنامه ریزی ارتباط داشته باشد).

۴ - تکیهگاه مطمئنی برای آینده مملکت دراقتصاد وسیاست وفرهنگ، ومهیای مقاومت درمقابل حوادث ومشکلات احتمالی آیندهای باشدکه احیانا" پیش پای دولت جمهوری اسلامی قرارمی گیرد.

۵ - بین فرهنگ عمومی جامعه ما وتخصص ارتباط برقرارکندوبه تخصص کورونا هماهنگ با فرهنگ جامعه اکتفا وقناعت نکنند.

حالیکه دربسیاری از نقاط مملکت ، مردم آنچنان درفقر فرهنگی ومادی زندگی می کنندکه انگار بربشر امروزی هیچیک از مشکلات حل نشده است عده‌ای ازدانشگاهیان درگوشه‌های مراکز تحقیقی آنچنان درتحقیقات دقیق وباریک علمی! فرورونده‌گوئی تمامی مشکلات جامعه حل شده ونوبت آن رسیده است که مثلاً" درادبیات کهن مغرب زمین به تحقیق بپردازندویا فضای عالی علمی رادررابطه باشناخت سکه‌های باستانی طی کنند (!) .

البته تذکر یک نکته ضروری است که مطالعه وتحقیق ودقت درکشف مجهولات وپیشبردعلم و تربیت نیروی متخصص وکاردان از مهمترین وظایف دانشگاهها است ولی چنانچه تخصص و تحقیقات منطبق با نیاز جامعه وتوام با یک بینش ونگرش - فرهنگی آگاهانه و برخاسته از تعهد نباشد، سرانجام قشرمحقق و متخصص مارا به وادی های دیگر خواهد کشانیدوکار به جایی می رسیدکه دانشگاهی ما ،دردهموطن حتی شهروند خودرا حس نمی کند وزبان آنهارا نمی فهمد وبتدریج ازجامعه‌می برد وبه آن پشت پا میزند وحتی رودرروی جامعه نیز می ایستد، ویابارسفرمی بندد وبه دیاری می رودکه زندگی درآن خوشتر باشد. شاهداین مدعا انبوه پزشکان ایرانی دردیار فرنگ است که باوجود نیاز شدید جامعه‌ما به‌پزشک که‌گاه دریک شهر فقط یک پزشک وجود دارد وباآن که اینها از دسترنج همین مردم زحمتکش استفاده کرده‌وبه آن مرحله از دانش رسیده‌اند، اکنون بی هیچ دغدغه خاطر وبی هیچ احساس تعهدی رحل اقامت دردیار فرنگ انداخته‌اند ونتیجه‌کارشان نصیب دیگران می شود. بنابراین تخصص قبل از هرچیز باید دارای محتوای فرهنگی باشد . مقصود ما این است که دانشگاه علاوه برآموزش دقیق دروس علمی وظیفه تعلیم یک نظام فکری را - که مبتنی برفرهنگ اصیل اسلامی جامعه باشد- بردوش خود احساس کند. آنچنانکه دانشجو آن توانایی رابیابد که آموخته‌های خودرا با واقعیات زندگی تطبیق دهد و وضعیت مطلوب را از دریچه مکتب اعتقادی وبادرنظرگرفتن واقعیت ها قابل تحقق ببیند .

درحقیقت چون فارغ‌التحصیلان دانشگاهی می توانند نقش مهمی درتعالی و انحطاط جامعه داشته باشند باید به رسالت مهم دانشگاهها توجه کافی مبذول - نمود، تادانشگاهیان بتوانند درراه اعتلای جامعه مسئولیت خویش را درتمامی

بطورکلی با توجه به سیر فرهنگی در این مدت اخیر وحاکمیت بیگانگان واستعمارگران بر ممالک شرق وازجمله کشورما، هدف دانشگاههای ما وابسته کردن مملکت درتمام ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی واجتماعی به ممالک استعمارگربوده است. این فلسفه کلی وقتی که با فرهنگ عفن شاهنشاهی وخفقان حاکم توام باندانم کاریهای داخلی وبی توجهی به مصالح ملت آمیخته می شد درمجموع دانشگاهی رامی ساخت که دارای مشخصات زیر بود:

۱ - غربزدگی وتسلط فرهنگ استعماری غرب برنظام آموزشی وسایر شئون دانشگاهی،

۲ - پائین بودن سطح علمی دانشگاه درهمه‌زمینه‌ها وفقدان امکانات تحقیقاتی به‌اندازه کافی وعدم هماهنگی آموزشهای دانشگاهی بانیازهای جامعه،

۳ - عدم حاکمیت ارزشهای اسلامی از قبیل تزکیه، اخلاص وصداقت درکار،

۴ - حاکمیت ضد ارزشها نظیر بهادادن بیش از اندازه به‌مادیات وتجملات ومقام ومدرک ومانند اینها،

۵ - بیگانه بودن نسبت به‌مشکلات کشوراز جهت اقتصادی، اجتماعی وغیره واحساس تعهد نکردن درحل آن مشکلات،

۶ - ایجاد دانشگاهها براساس ملاحظات زودگذر سیاسی بدون درنظر گرفتن پارامترهایی از قبیل نیاز منطقه وامکانات وغیره،

۷ - توزیع غیرعادلانه مراکز آموزشی و گسترش بی برنامه دربسیاری ازموارد.

اما هدف وفلسفه وجودی دانشگاهها درجمهوری اسلامی رامی توان از این کلام امام استنباط کردکه می فرمایند: " دنیارادانشگاه به فساد کشانده ودنیارا هم دانشگاه می تواند بصلاح بکشد" . از این جمله برمی آیدکه دانشگاهها رسالتی بزرگ، ومسئولیتی خطیر وعمیق درامر ساختن جامعه ورفع نیازهای آن به عهده دارند. علم واخلاق به‌معنای واقعی آنها باید دردانشگاه راه پیداکندونتایج علمی وفرهنگی دانشگاه درخدمت مردم قرارگیرد. دانشگاهیان باید افراد متعهدی باشند که همواره خودراازجامعه وباجامعه بدانند وعلم و آگاهیشان رادرجهت حل مشکلات محرومان بکار گیرند. دانشگاه نباید نسبت به امور ومشکلاتی که‌گریبانگیر جامعه است (اعم از فرهنگی ومادی وغیره) درموضع بی تفاوتی قراربگیرد ودر -

دردانشگاهها منفذی برای ورود به جامعه پیداکردودانشگاهیان نقش اساسی را در اشاعه و ترویج این امربه عهده گرفتند. ما درصدد انکار اثرات مطلوب دانشگاهها، از قبیل آشنا شدن با پیشرفتهای علمی، تکنیکی، اقتصادی، فلسفی و... درگذشته نیستیم، وهم برسرآن نیستیم که ارزش وجودی دانشگاهها را درگذشته بکلی منکر شویم، اما جدائی فرهنگ غالب بردانشگاه از فرهنگ اسلامی مردم، وناهمخوانی اهداف ونتایج آن با معتقدات مردم - که از سرچشمه زلال اسلام سیراب می شود- نیز مطلبی نیست که به سادگی بتوان از آن گذشت. این فرهنگ حاکم گاه درپس نقابهای زیبایی از ایسمها تجلی می نمود وگاه درصورومظاهر دیگر. ارزش علمی دانشگاهها نیز آنچنان روشن است که احتیاج به توضیح ندارد. علم بدان معناکه منتج تخصص باشد وصاحب علم بتواند قدمی درراه استقلال وپیشرفت کشور بردارد درمراکز آموزش عالی ما وجود نداشت بلکه غرض اصلی ویا یکی از اغراض آن بود که پایگاهی برای ترویج افکار غرب ومسلخی برای تفکر دینی بوجود آورند.

ماهیت اصلی دانشگاهها بعداز پیروزی انقلاب اسلامی درایران روشن شدومغایرت اصول حاکم بردانشگاهها با حرکت اصیل جامعه ما پس از کوتاه شدن دست ابرقدرتها از حکومت وتعیین خط مشی سیاسی جامعه ما پدیدار گشت. چهره ای که دانشگاه درآین مدت کوتاه بعد از پیروزی انقلاب به خود گرفت نشان دهنده هویت واقعی آن بود وملت ما بخوبی دریافت که نظام حاکم بردانشگاهها عمدتا" مسیری خلاف جریان اصیل وعمیق اسلامی مردم را طی می کند ومعیارهای حاکم برآن ضد تعالی وکمال انسانی است نظام دانشگاهی هیچگونه تعهد انسانی، اخلاقی ودینی بردوش دانشجو نمی گذاشت ونه حتی نسبت به این مسائل بی طرف بود، بلکه بنا به ساختار وماهیتی که داشت سعی در احیاء ونابودی آنها داشت. دانشگاهها با واژه هایی همچون تزکیه، تهذیب، اخلاق و... بیگانه بودند ودانشجو با گذشتن از کانالهائی که برسرراه او ایجاد کرده بودند با این واژه ها ومسیری که ابتدائا" می بایست برای پرورش خود طی کند احساس بیگانگی، وغربت می کرد. تهذیب نفس که پایه و اساس اخلاق اسلامی را تشکیل میدهد کوچکترین نقشی - طبیعتا" - درآن نظام بازی نمی کرد. به همین دلیل دانشگاه دقیقا" به صورت یک دلال برای ایجاد وابستگی درهمه زمینه های اقتصادی، علمی و... حتی وابستگی در سلیقه وتفکر عمل می کرد.

این قاعده مستثنی نبوده ونظام سابق حاکم برآنها نمایانگراین مطلب است. بسیاری ازاعمال وتفکرات وحتی احساسات روشنفکران ما بابینش اسلامی وارزشهای معنوی آن مغایرت داشت ، ونه تنها ریشه درعوامل غیراز مکتب وفرهنگ خودی داشت بلکه بااصول وفروع آن نیز سخت بیگانه بود. درحقیقت اینان یامتاثر ازتمدن غرب وفرهنگ اخلاقی فاسد آن بودند ویاتحت تاثیر تمدن شرق وفرهنگ آن. این هردوفرهنگ که بنابه مدعای خودآنها ریشه دراومانیسم[1] دارد ، بانفوذ

---

۱ - اومانیسم یعنی اصل قرارگرفتن انسان . دراین طرز تفکر معیار هرچیزی انسان است وهمه راهها به او ختم می شوند. خوب وبدوباید ونباید معنی وهدف خود راازانسان کسب می کنندو انتفاع والتذاذانسان است که ارزشها را مشخص می کند. ما در این مقال برسرتبیین این مطلب نیستیم که آیاآنچه درغرب می گذرد وفرهنگی که بر آن حاکم است مبتنی براصالت انسان است ؟ و یامسیری راکه طی چند قرن پشت سر گذاشته واکنون نیز می رود منتهی به سعادت وکمال انسانیت می شود ؟ و یاآنچه که به عنوان ارزش به انسانیت ودمکراسی دربوق وکرنا کرده اند، درحقیقت چیزی جز آزادی شهوات واطفاء غرائز وپایمال کردن ابعاد انسانی انسان است؟ یا آنچه که قطب مخالف ادعا می کنداحترام به انسان وتعالی اواست؟ اصولا" جای این سئوال اساسی باقی است که باتوجه به تئوریهایی که هردوطرف درتوجیه وتفسیر هستی ومنجمله انسان وجامعه به کارمی برند جائی برای اومانیسم باقی می ماندیانه؟ و.... هدف ازاین چندجمله اشاره ای هرچند ناقص به پایه تفکر غرب وشرق درنظام فکری آنها است.

فلسفه وجودی دانشگاهها درنظام شاهنشاهی ودرنظام جمهوری اسلامی

حافظ ونگهدارنده هرنظامی عمدتا " نه افراد، بلکه جریانات فکری است که آن نظام دردرون خودمی پروراندوبه ایجاد ورشد آنها مبادرت می کند. کیفیت وحتی مکان تعلیم وتربیت نیروهای یک جامعه عمده ترین نقش رادر ساختن آن جامعه ایفا می کند، چراکه افراد هر گونه که تربیت شوند، جامعه رانیز همانگونه خواهند ساخت .

توجه اسلام به تعلیم وتربیت وتاکیدهای مکررقرآن وترغیب مردم به آموختن علم دلیل اهمیت آن دراسلام وتوجه جمهوری اسلامی ایران ، ودرراس آن امام امت به نقش دانشگاهها ، موید مدعای ماست . ماباالهام گیری ازآنچه که اسلام بما آموخته است برای محتوا و نوع بینش هر نظام اولویت خاص قائلیم وآنرا سنگ بنای اولیه وپایه اساسی آن نظام می دانیم . این مسئله واضح است که اصول و پایه های هرنظام ومکتب برتئوریهائی (تفسیرهای فکری) استوار است که منتج از سیستم فکری وجهان بینی آن مکتب است .

تعمیق وگسترش یک مکتب ودرجه حاکمش " یک نظام " درسطح جامعه بستگی به سیستم تربیتی وآموزشی آن نظام دارد، وبه جرات می توان گفت که تعلیم و تربیت دربقاء هرنظام بالاترین نقش رادارد ، زیرابقاء هرنظامی وابسته به تربیت افرادی است که باعزمی راسخ ، برای استمرارآن نظام تلاش کنند. بالعکس مؤثرترین وسیله برای تخریب یک فرهنگ وبه تباهی کشیدن یک جامعه نیزاز خود بیگانه کردن اقشارمختلف مردم خصوصا " اقشاری که نقش مهمتری دربقاء ودوام فرهنگ آن جامعه دارند. آن اجتماع خواهدبود. دقیقا " برهمین اساس است که استعمارگران وقتی درصدداستعمارملتی برمی آیند، اجرای طرحهای درازمدت و موفق خودرا به روشنفکران ازخودبیگانه ومغرورمی سپارند ومطمئن هستندکه اگر فرهنگ جوامع راازاصالت ومحتوای خودتهی کنندوبجای آن فرهنگ خودراازطریق افرادی که بهانحاء گوناگون تربیت کرده اند جانشین کنند، دیگرحضورعینی آنها درمیان کشورمستعمره لازم نیست وهمین فرهنگ استعماری ازهرارتش وقشونی فاتح ترپیش می رود. برای تحقق اینگونه وابستگی ، دانشگاه همواره سنگری پیروز برای این قبیل افراد واینگونه توطئه ها بوده است . دانشگاههای ایران نیزاز

" مقدرات هرکشور بدست دانشگاه و آنهائیکه از دانشگاه بیرون می آیند هست ، بنا براین دانشگاه بزرگترین موسسه درکشور بوده و بزرگترین مسئولیت ها راهم دانشگاه دارد . اجانب بوسیله عمالشان دانشگاههای ما را عقب نگه داشتند و به اصطلاح استعماری کردند، برنامه‌ها ، برنامه‌های استعماری بود.

"امام خمینی "

" بسم الله الرحمن الرحیم "

هوالذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته ویزکیهم ویعلمهم الکتاب والحکمه ...

" قرآن کریم "

تنها راه اصلاح یک جامعه ، اصلاح فرهنگ آن جامعه است .

" امام خمینی "

مقدمه :

اصلاح امور فرهنگی واسلامی کردن محیط دانشگاهها از عمده‌ترین مسائلی است که در انقلاب فرهنگی وتغییر نظام دانشگاهی باید مورد توجه قرار گیرد ودرباره آن چاره جویی شود . به همین منظور از طرف ستاد انقلاب فرهنگی کمیته‌ای تحت عنوان " کمیته اسلامی کردن دانشگاهها " متشکل از روحانیون ودانشگاهیان تشکیل گردید . این کمیته طی جلسات متوالی مجموعه نظریات مطرح شده را بصورت طرحی تنظیم کرده و بمنظور تصویب نهایی به ستاد انقلاب فرهنگی ارائه می کند .

در این مجموعه دانشگاه در ابعاد مختلف : تربیتی ، اخلاقی ، سیاسی ، اجتماعی ، فرهنگی وهنری مورد بررسی قرار گرفته است . روش کار ما بر این بوده است که ابتدا با درک مبانی ارزشی در دو نظام دانشگاهی گذشته وآینده وبا درک آنچه که به عنوان واقعیت پیش روی ما است (امکانات ، استاد ، شرایط موجود و ...) آنچه را که فکر می کنیم ما را در راه رسیدن به هدف یاری می کند در قالب این مجموعه ارائه می دهیم ، ودر نهایت راه حل اجرایی آنها را هرچند بصورت مرحله‌ای بمنظور رسیدن به دانشگاههای اسلامی بیان می کنیم وبا عنایت خداوند متعال وکوشش ویاری برادران دانشگاهی متعهدمان در دانشگاههای سراسر ایران خصوصا " انجمنهای اسلامی دانشجویان واستادان به پی گیری تحقق این ارزشها خواهیم پرداخت .

امیدواریم که با ارائه این مجموعه تا حدی وظیفه خویش را در راه به ثمر رسیدن انقلاب فرهنگی که آنرا عامل به نتیجه رسیدن انقلاب اسلامی می دانیم انجام داده ، ورضایت خداوند منان را موجب شده باشیم که "رضوان من الله اکبر" .

" وما توفیقنا الا بالله "

کمیته فرهنگ اسلامی ستاد انقلاب فرهنگی

نکاتی چند از قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران دررابطه باآموزش وفرهنگ :

١ - استفاده از علوم وفنون وتجارب پیشرفته بشری وتلاش درپیشبردآنها .

(اصل دوم بند ۶ ب)

٢ - ایجاد محیط مساعد برای رشد فضائل اخلاقی براساس ایمان وتقوی ومبارزه باکلیه مظاهر فساد وتباهی .

(اصل سوم بند ١)

٣ - آموزش وپرورش وتربیت بدنی رایگان برای همه ودرتمام سطوح وتسهیل وتعمیم آموزش عالی .

(اصل سوم بند ٣)

۴ - تقویت روح بررسی و تتبع وابتکار درتمام زمینه‌های علمی ، فنی، فرهنگی واسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق وتشویق محققان .

(اصل سوم بند ۴)

۵ - تامین خودکفایی درعلوم وفنون وصنعت وکشاورزی وامور نظامی ومانند اینها .

(اصل سوم بند ١٣)

۶ - دولت موظف است وسایل آموزش وپرورش رایگان رابرای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد ووسایل تحصیلات عالی را تاسرحد خودکفایی کشور بطوررایگان گسترش دهد .

(اصل سی ام)

٧ - استفاده ازعلوم وفنون وتربیت افراد ماهربه نسبت احتیاج برای توسعه پیشرفت اقتصاد کشور .

(اصل چهل وسوم بند ٧)

۶ ـفعالیت های فرهنگی وهنری دردانشگاه .

۱ - ۶ - معایب هنری دانشگاههای گذشته .

۲ - ۶ - فعالیت های فرهنگی وهنری .دردانشگاههای اسلامی .

۳ - ۶ - راه وصول به اهداف .

۷ - اجرائیات .

فهرست

اهداف و خط مشی کلی دانشگاه اسلامی

طرح پیشنهادی کمیته فرهنگ اسلامی

ستاد انقلاب فرهنگی

منابع:

۱ـ چگونه باید انقلابی اساسی در تمام دانشگاههای سراسر ایران بوجود آید. (دفتر اول) از نشریات دفتر تحکیم وحدت صفحه ۱۹

۲ـ منبع فوق المذکر. صفحه ۲۱

۳ـ روزنامه های همان زمان (۲۲ خرداد ۵۹)

۴ـ فرهنگ انقلاب ـ شماره ۱ صفحه ۸ ـ ۱۱

۵ـ نشریه شماره ۴ داخلی پلی تکنیک صفحات ۲۴ـ۲۶ (مقاله فرهنگ، انقلاب فرهنگی، دانشگاه)

۶ـ فرهنگ انقلاب شماره ۱ صفحه ۱۳

۷ـ فرهنگ انقلاب شماره ۱ صفحات ۱۵ الی ۲۱

۸ـ منبع فوق الذکر صفحات ۳۴ الی ۴۰

۹ـ منبع طرحهایی که به کمیته کشاورزی از سوی ستاد ارسال گردیده است.

۱۰ـ تحلیل شخصی

۱۱ـ طرح ارسالی از ستاد انقلاب فرهنگی به کمیته تخصصی فنی و مهندسی.

۱۲ـ نقل از دانشگاه انقلاب شماره ۶

هـ . لازم است که ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی چه برای عضویت افراد شورا و چه برای مسئولیت هـــای تشکیلاتی خود از افرادی که معتقد به برنامه های تدوین شده انقلاب فرهنگی نیستند استفاده ننمایند . چه در این بود فقط نیروهایی میتوانند انقلاب اسلامی را در مسیر خود راه برند که امتحان خود را درحرکت ــ های انقلابی این انقلاب اسلامی داده باشند و مسلم است که برادران شورای ستاد انقلاب فرهنگی و برادران اعضاء جهادهای دانشگاهی در نظارت بر این مهم کوتاهی نخواهند نمود .

و : بر ستاد اجرائی انقلاب فرهنگی است که در پیاده کردن اموری از قبیل طرح تربیت استاد ، پیگیـری برنامه انتقال ، فعال نمودن کمیته های فرهنگی ، تصفیه و باز سازی دانشگاه که اجرای آن یکسال و نیم عقـب افتاده تسریع نماید . و همچنین ایجاد تشکیلات ستاد اجرائی از اموری است که توجه سریع به آن لازم است.

باامیـــد پیـــروزی و مـــوفقیـت الهـــی . (۱۲)

" و الســــلام علی من اتبع الهــدی"

ـ آنها همگی خواستار شده بودند که " جهاد دانشگاهی باید منحل شود .... این نهاد انتصابی، عامل تلاشی نیروها و تخریب امکانات دانشگاهی، مجری اصل تفتیش عقاید و تصفیه عقیدتی و سد راه بازگشائی دانشگاهها است."

راستی اینان که " بقول امام از وقتی که رضا خان بر سرکار آمد، هر چیز که برای اسلام مفیدتر بود حمله به آن بیشتر میشد، با شعر و نثر و .... هر چه داشتند بآن حمله میکردند" اینقدر به ستاد و جهاد تاختند آنهم همین امسال، متأسفانه هنوز در دانشگاهها هستند. " غیر از معدود کمی از دانشگاه صنعتی اخراج گشته‌اند". برادران بدانید که اینها در دانشگاهها گوش بزنگ و مترصدند، و اکنون که بدلایل زیادی در سوراخ موش خزیده‌اند، منتظر فرصتند. باید در جهت برنامه ریزی صحیح جهت جلوگیری از توطئه های اجتماعی بعدی اقدام نمود، شوراهای جهاد دانشگاهی که از این پس زیر نظر ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی فعالیت خواهند نمود باید کاملا" مخالف خوانی ها و عدم همکاریها را در نظر گرفته و ثبت نموده و در وقت لازم بدانها رسیدگی نمایند. برادران ستاد اجرایی بدانند که این جریانهای بیکار و یا کم کار امروز فعال و ضد انقلاب دیروز بطور عمده با جمهوری اسلامی مخالفند تا چه رسد به انقلاب فرهنگی اسلامی و مجریان آن. تا حال جهاد دانشگاهی تضاد عمده آنان بود و کلیه آنها در سالگرد انقلاب فرهنگی در اعلامیه ها و میتینگ هایشان انحلال آنرا خواستار بودند و امروز مسلما" با ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی به مقاومت خواهند پرداخت، مقاومت آنان در حال حاضر بسبب عدم جرأت، کم کاری و بدکاری خواهد بود.

ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی میبایست این مسائل را با دقت توسط شوراهای پذیرش که در دانشگاهها زیر نظر شوراهای جهاد دانشگاهی هر دانشگاه تشکیل میشود، زیر نظر گرفته و پرونده یکساله فعالیت کلیه دانشگاهیان را که زمینه برای فعالیت آنها آماده بود و درگیری با مسائل آموزشی نیز نداشته‌اند بررسی نماید. و انقلابی را از ضد انقلاب باز شناسد.

در حال که قرار است با اجرای طرح ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی و گسترش فعالیت جهاد، وزارت علوم نیز متحول شود، باید با دقت ابعاد این تحول در نظر گرفته شود. واحد هایی که در وزارت علوم بی ثمر بوده منحل و برنامه های لازم با رهبری صحیح جایگزین گردد. از تجربه های مکرر دست و پا گیر شدن در نظام اداری و اجرایی که در نهایت اجرای هر تحولی را غیر ممکن میسازد احتراز شود. لازم است برخورد با مسائل و مشکلات وزارتخانه با شناخت کامل انجام پذیرد تا از بروز مشکلات مضاعف جلوگیری شود.

میگشت اگر چه لفظ انقلاب فرهنگی پس از ستاد اجرایی لفظ کاملتری را در رابطه با مسائل انقلاب فرهنگی در بر میگیرد ولی ماهیت و حالت جهادی در این مسیر انقلابی همیشه باید محفوظ بماند .

برادران و خواهران بهوش باشید که حالت جهادی و رفتار جهادی را در مسیر انقلاب فرهنگی فراموش ننمائید و دانشگاهی انقلابی و جهادی تأسیس نمائید . و در صورت لزوم این اسم را حفظ نمائید .

در ضمن به برادران ستاد اجرائی انقلاب فرهنگی توصیه میشود ،از آنجا که بودن نام جهاد بر روی تشکیلات خود میتواند محرکی برای همکاران آن باشد نام جهاد را از روی این تشکیلات حذف ننمایند .

ج :برادران و خواهران دانشگاهی ،شما در دورانی زندگی میکنید که ملت با تمام توا و با وجود تمام مشکلات و مصائب جنگ و محاصره اقتصادی و .... به مبارزه ،خود ادامه داده و دشمن جبهه داخلی و ستون پنجم دشمن را نیز سرکوب نموده است. این آرامشی را که فعلاً" در دانشگاهها ملاحظه می‌نمائید ،همه به سبب خونبهای شهیدان بسیار بزرگی همچون بهشتی ها و رجائی ها و باهنرها و ...... و ازجان گذشتگی پاسداران و مردم دلیر ایجاد گشته است و علاوه بر اینها " ضد انقلابهای دانشگاهی ،بسبب از دست دادن پایگاههای داخلیشان و فراری شدن ایادی سر سپرده‌ای همچون بنی صدر و رجوی و از بین رفتن تشکل و سازمان گروههای ضد انقلاب داخلی ،توان اظهار نظر و خود نمایی را از دست داده و فعلاً" خفقان گرفته‌اند .

برای نمونه :در اعلامیه های کانون مستقل دموکراتیک دانشگاهی ،همچون کانون های دانشگاههای صنعتی ــ ملی ــ پلی تکنیک ــ مدرسه عالی بابلسر ــ دانشگاه شیراز ــ دانشگاههای اصفهان ــ دانشگاه تبریز و ....."
اول این سال نوشتند که :آنها از رشد و آگاهی توده ها وحشت دارند ،آزادیها را به بند ،دانشگاهها را به تعطیلی و مبارزات ضد امپریالیستی توده را به انحراف کشیده‌اند .... و...

و در اعلامیه استادان متعهد !!؟ دانشگاهها و مدارس عالی بمناسبت سالگرد انقلاب فرهنگی در فروردین امسال نوشتند که :

" حاصل آن آشوب ها و خونریزیها و آن همه ادعاهای مربوط به انقلاب اساسی در دانشگاهها ایجاد ستاد انقلاب فرهنگی و نیز جهاد دانشگاهی بود ..."

ــ " نفی نظام آموزش و پی ریزی سیستم نوین آموزشی بهیچ وجه در توان اقشار و نیروهایی با تفکرات و تمایلات فئودالی قبل از سرمایه‌داری نمیباشد . و جهاد دانشگاهی و ستاد انقلاب فرهنگی عاجزتر از آن هستند که بار سنگین تغییر بنیادی نظام آموزشی و بازگشائی مجدد دانشگاه را بدوش کشند ."

۶۰/۱/۲۳

را سریعتر خواهد نمود و انشاء الله تحولی سریع در وزارت علوم و دانشگاهها ایجاد مینماید ولی لازم است تذکراتی چند داده شود :

الف: به اعتقاد ما شورای ستاد انقلاب فرهنگی بمثابه هدایت‌کننده و مبین مواضعیکه دانشگاه و فرهنگیان مسلمان باید اتخاذ نمایند و هم بعنوان پیگیر و ناظر در حسن اجرای این مواضع باید در برخورد با ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی بعنوان یک جزء از انقلاب فرهنگی که مجری آنست ، همیشه با هدایت و اتخاذ مواضع صحیح ، خط مشی مداوم آنرا مشخص نماید ، در این مهم وزیر علوم و نماینده حوزه علمیه نیز نقشی بسزا خواهند داشت. شروع کار اگر چه مهم است ولی خوب به پایان رساندن کار مهمتر است و مشکلتر.

امید است که در مورد " ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی" تجربه گذشته جهاد تکرار نشود و ارتباط ستاد انقلاب فرهنگی با این ستاد اجرایی است که در صورت عدم شرکت صحیح و مداوم ستاد انقلاب فرهنگی در این شورا مسئله را ساده نگرفته و مسئولین را از عواقب کار آگاه نمایند .

ب: حروف جیم و هـ و الف و دال هر کدام بنوبه خود بی معنی هستند و میتوانند در هر کلمه‌ای جای بگیرند و بهر صورتی بهم بچسبند ولی وقتی قرار بگیرند کلمه جهاد را تشکیل میدهند که باشنیدن این حرف روحی نیز بآن اضافه خواهد شد ، این معنی باطنی آن حاکی از اهمیت ویژه‌ای است که در قاموس مکتب، به آن داده شده ، و بدین جهت در میان ملت مسلمان این کلمه دارای شأن و مقام خاصی است. جهاد یکی از روشهای جایگزینی نظام توحیدی بجای نظام شرک است. انسان مؤمن برای نجات جامعه خود ، این راه را بر می‌گزیند . جهاد به معنی و مفهوم مکتبی و قرآنی آن بمعنی تلاش برای بسط ارزشهای اسلامی و انسانی و همچنین جلوگیری از تجاوز به ارزشهای اسلامی جامعه است. جهاد یکی از ملزومات باجرا درآوردن حکومت اسلامی و جامعه اسلامی و برای تثبیت ارزشهای اسلامی و اصول اعتقادی و اجتماعی و اخلاقی اسلام است و با تمام ضد ارزشهای انسانی که با رشد و تکامل جامعه بشری مغایرت دارد به مقابله بر میخیزد . جهاد کوششی است برای حق و تلاش پی‌گیری است برای خدا ، و فی سبیل الله ، و این جهاد در شکل های متفاوت انجام می‌پذیرد . راهیابی فرهنگ انقلاب در دانشگاه انقلاب و وزارتخانه انقلابی را باید بروشی که از متن مکتب – پیشنهاد میگردد " جهادی" تعقیب شود .

این مطالب بدانجهت عرضه شد ، که هشداری باشد برای برادرانی که در مسیر انقلاب فرهنگی فعالیت می‌نمایند و مخصوصا" برادران و خواهران جهاد دانشگاهی . چرا که همیشه شعارها نقش تعیین کننده در راهیابی بسوی هدفها را دارند و مسیر را مشخص می‌نمایند . این کلمه جهت نمییابد فعلا" از جهاد دانشگاهی جدا

توضیحات لازم بر طرح :

در این طرح شورای مرکزی ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی جانشین شورای عالی جهاد دانشگاهی میگردد و کلیه اختیارات شورایعالی جهاد دانشگاهی و برخی دیگر از اختیارات ستاد و قسمتی از اختیارات وزیر فرهنگ و آموزش عالی در اختیار شورای مرکزی ستاد اجرائی قرار میگیرد ، این ستاد که مرکب از وزیر و معاون ایشان و یک نفر از ستاد انقلاب فرهنگی و یک نفر از حوزه علمیه و عده ای دیگر از دانشجویان و استادان - میباشد ، خواهد توانست فعالیتهای جهاد دانشگاهی را جامعیت بیشتری داده و عمل را در محدوده بیشتری گسترده نمایند ، و زمینه را نیز برای نوگشایی دانشگاه با تصویب شدن طرحهای آموزشی تهیه شده از طرف ستاد انقلاب فرهنگی و باز گشایی دانشگاه برای دانشجویانی که از تحصیل آنها باقی مانده آماده نمایند .

طبق این طرح ، تشکیلات دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی به تشکیلات ستاد اجرائی انقلاب فرهنگی انتقال یافته و برای واحد و برنامه های جدید مطابق چارت پیش بینی شده از طرف ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی تصمیم گرفته خواهد شد . تشکیلات درون دانشگاهی این ستاد بهمان اسم جهاد دانشگاهی فعالیت کرده و شورای آن همانند شورای پیش بینی شده در طرح قبلی از هفت نفر تشکیل شده و افراد شورا از طرف شورای اجرایی انقلاب فرهنگی حکم داده خواهند شد . و وظایف شوراهای جهاد دانشگاهی در دانشگاهها علاوه بر وظایف تعیین شده در جهاد دانشگاهی ، مسئولیت بازگشایی دانشگاهها و نو گشایی رشته ها " مثلا" پزشکی و تربیت معلم و ... " و پیاده نمودن برنامه باز سازی و برنامه های دیگر انقلاب فرهنگی خواهد بود . دبیر شورا که از میان افراد شورا انتخاب میشود رئیس دانشگاه نیز خواهد بود ؟ و وزیر نیز حکم دیگری بعنوان رئیس دانشگاه بوی خواهد داد ؟ دبیر شوا مسئول اجرای مصوبات شورا و ابلاغ آن به واحد های مربوطه بوده و علاوه بر آن وظایفی که شورا بر عهده وی خواهد گذارد ، مسئولیتهای دیگری را که فعلا" نمیتوان تا تدوین آئین نامه ها و مصوبات لازم به شورای اجرایی محول نمود ، مانند امور اداری و مالی دانشگاه و .... به او سپرده میشود .

تشکیلات ستاد اجرایی انقلاب فرهنگی در حال بررسی و تصویب است که پس از تصویب نهایی انشاء الله عرضه خواهد شد .

با توجه باینکه این حرکت برداشتن قدم مهمی را بسوی یکنواختی و هماهنگی بیشتر نیروهای مؤمن به انقلاب و انقلاب فرهنگی ممکن خواهد نمود ، اجرای امور انقلاب فرهنگی را سهل تر نموده و انجام اصلاحات

وظـــایف و اختیـــــارات شــــورا :

۱) این شورا تنها نماینده ستاد انقلاب فرهنگی و وزارت فرهنگ و آموزش عالی و مرجع تصمیم گیری در دانشگاه در رابطه با وظایف و اختیارات محوله از طرف شورای مرکزی خواهد بود .

۲) این شورا در مقابل ستاد امور اجرائی انقلاب فرهنگی با توجه به وظایف و اختیارات محوله مسئول میباشد .

۳) کلیه امور اجرائی و ارتباطی ستاد انقلاب فرهنگی و کمیته ها و بخشهای وابسته بآن از طریق این شورا در هر دانشگاه انجام میگیرد . (از قبیل تأمین و گزینش نیرو و اطلاعات لازم برای کمیته های ستاد انقلاب فرهنگی ، ایجاد ارتباط بین نیروهای درون دانشگاهی و کمیته های برنامه ریزی) .

۴) نظارت و کنترل فعالیتهای واحدهای درون دانشگاهی و هدایت آنها در جهت اهداف انقلاب فرهنگـــی در چارچوب وظایف محوله به شورا .

۵) تشکیل شوراها ، گروهها و کمیته های لازم برای حسن اجرای امور محوله به شورا .

۶) سرپرستان دانشکده ها ، گروهها و کمیته های تخصصی و دیگر مسئولین دانشگاهی توسط شورا تعیین و با حکم رئیس دانشگاه (دبیر شورا) منصوب میگردند .

۷) بکارگیری و بسیج نیروهای دانشگاهی در جهت اهداف انقلاب فرهنگی و امور جـــاری دانشگاه .

۸) تأئید گواهی انجام کار اعضای هیئت علمی و کارمندان و دانشجویان .

۹) تلاش در جهت مردمی کردن دانشگاه و ارائه خدمت مستمر و گسترده به جامعه .

تبصره ۱ـــ رئیس دانشگاه مسئول اجرای مصوبات و ابلاغ به واحدهای مربوطه خواهد بود .

تبصره ۲ـــ اختیارات و مسئولیتهای زیر مستقیماً بر عهده رئیس دانشگاه خواهد بود .

۱) نظارت و اجرای پروژه های عمرانی دانشگاه (طبق ضوابط سازمان برنامه و بودجه) .

۲) امور مالی و اداری دانشگاه از قبیل تعهدات مربوط به خریدها ، ترفیعات کادر اداری و غیره به استثنـــای موارد مذکور در بندهای یک تا هفت اختیارات شورا (تا زمان تعیین ، تصویب و ابلاغ قوانین و مقررات جدید)

۳) دستور پرداخت کلیـــــه تعهدات مالی دانشگاه .

۴) دستور نقل و انتقال وسایل و تجهیزات دانشگاه .

این مقررات به تصویب وزیر فرهنگ و آموزش عالی و ۳ تن از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی رسیده است.

وزیر فرهنگ و آموزش عالی دبیر شورا بوده و کلیه مصوبات اجرائی ستاد انقلاب فرهنگی (شورای مرکزی، کمیته تألیف و ترجمه، کمیته های برنامه ریزی و غیره) توسط دبیر شورا به دانشگاهها و مؤسسات زیربط ابلاغ خواهد شد.

با تشکیل "ستاد" فوق کلیه امور جهاد دانشگاهی و تشکیلات آن به ستاد امور اجرائی انقلاب فرهنگی انتقال خواهد یافت.

تشکیلات درون دانشگاهها :

در اجرای بند ۷ این مصوبه در هر دانشگاه شورائی بنام" شورای مدیریت جهاد دانشگاهی" تحت نظر ستاد امور اجرائی انقلاب فرهنگی با ضوابط زیر تشکیل میگردد.

ترکیب شورا :

۱) سه نفر از اعضاء هیئت علمی بعنوان رئیس دانشگاه و دبیر شورا به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی.

۲) سه نفر از اعضای متعهد و مسلمان هیئت علمی.

۳) دو نفر از دانشجویان متعهد و مسلمان.

۴) یک نفر از کارمندان متعهد و مسلمان.

تبصره ۱ ــ اعضای بندهای ۲، ۳، ۴، توسط شورای مرکزی" ستاد" تعیین میگردند. بدیهی است این اعضاء بگونه‌ای انتخاب میشوند که انسجام و هماهنگی در شورا ملحوظ گردد.

تبصره ۲ــ احکام عضویت اعضاء شورا، توسط شورای مرکزی "ستاد" صادر میگردد.

تبصره ۳ــ اختیارات و وظایف اعضای شورا مطابق مقررات کشوری توسط شورای مرکزی تعیین خواهد گردید.

تبصره ۴ــ کلیه اعضای شورا در قبال تصمیمات متخذه در چارچوب اختیارات خود مسئول خواهند بود.

تبصره ۵ــ معاونین دانشگاه از اعضای هیئت علمی این شورا خواهند بود.

تبصره ۶ــ در حالتهای استثنائی بلحاظ موقعیت دانشگاه شورای مرکزی میتواند تعداد افراد شورا.

ترکیب شورای مرکزی ستاد :

وزیر فرهنگ و آموزش عالی

معاون پژوهشی وزارت فرهنگ و آموزش عالی

یک نماینده از حوزه علمیه قم بمعرفی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم

یک نفر از اعضای ستاد انقلاب فرهنگی (ویا نماینده ستاد انقلاب فرهنگی)

پنج نفر از دانشگاهیان ،مسلمان و متعهد به انقلاب اسلامی و فعال در کمیته های برنامه ریزی و جهاد دانشگاهی به انتخاب ستاد انقلاب فرهنگی (سه نفر عضو هیئت علمی و دو نفر دانشجو) .

تبصره ۱ ــ احکام اعضای " ستاد " توسط وزیر فرهنگ و آموزش عالی صادر خواهد شد .

وظایف و اختیارات :

۱ــ بررسی و فراهم نمودن زمینه های اجرائی مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی در ارتباط با دانشگاهها .

۲ــ ایجاد تشکیلات مناسب برای انجام امور داخلی" ستاد " و تعیین ضوابط و آئینامه های لازم .

۳ــ بررسی نهائی مصوبات شورای هماهنگی انتقال جهت اجرای برنامه های دوره انتقال دانشجویان فعلی .

۴ــ تعیین سیاست صحیح بمنظور ایجاد ارتباط اصولی بین برنامه ریزی و اجرا .

۵ــ فراهم نمودن امکانات لازم بمنظور اجرای مصوبات ستاد انقلاب فرهنگی در زمینه های ادغام ،انحلال ، و یا تأسیس واحد های آموزش عالی .

۶ــ اختیارات و مسئولیت های واگذار شده از طرف ستاد انقلاب فرهنگی به جهاد دانشگاهی به " ستاد امور اجرایی انقلاب فرهنگی" تفویض میگردد .

۷ــ ایجاد تشکیلات مناسب برای مدیریت دوران انتقال دانشگاهها و تعیین ضوابط و آئینامه های مربوط و نظارت بر اجرای آنها بشرحی که خواهد آمد .

۸ــ اجرای برنامه های بازسازی آموزشی ،فرهنگی کادر دانشگاهی .

تصمیم گیری در مورد هزینه هائی که در گذشته توسط جهاد دانشگاهی از محل اعتبارات ستاد انقلاب فرهنگی تأمین میشده است به این ستاد واگذار میشود .

• مصوبات " ستاد " در عین حال که دارای محتوی جهاد میباشد نمی‌بایستی مغایرتی با قوانین و مقرارات مملکتی داشته باشد .

بسم الله الرحمن الرحیم

با تدوین تدریجی نتایج کار کمیته های برنامه ریزی ستاد انقلاب فرهنگی ،ضرورت وجود واحد های مجری و پیگیر بیش از پیش آشکار گردید . از سوی دیگر انجام امور مربوط به طرح انتقال دانشجویان نظام پیشین دانشگاهی و بازگشائی دانشگاهها جز از طریق ایجاد زمینه های اجرائی و عملی آن میسر نبود .

از اینرو بمنظور رفع نیازهای عاجل و همچنین تهیه مقدمات لازم برای تحقق اهداف انقلاب فرهنگی در دانشگاهها ،طرح تشکیل واحدی نوین با وظایف و اختیارات جدید مورد بررسی قرار گرفت.

این طرح در وهله نخست میبایست بر اساس تجارب چندین ماه کار اجرائی واحد های تابعه ستاد انقلاب فرهنگی و مدیریت دانشگاهها آماده میگردید و از طرفی نا هماهنگی های موجود بین عوامل زیربط که تا حدودی زیاد معلول تداخل وظایف وعدم تفکیک اختیارات ومسئولیتهایی میباشد باید بگونه‌ای منطقی و روشن حل شده و سرانجام مدیریت و نظارت پیگیری درامور دانشگاهها بصورتی متمرکز اعمال میگردید .

علاوه بر نکات فوق تجربیات و دستاورد های یکساله جهاد دانشگاهی میبایست بطور جدی ،ارزیابی شده و در بخشیدن روحیه ،و محتوای جهادی ،به کل نظام مدیریت دانشگاهها مورد استفاده قرار میگرفت،تا دانشگاهها بطور عینی و عملی در خدمت انقلاب اسلامی قرار گیرد .

امید آنکه با توفیقات الهی و به همت همه خواهران و برادران دردآشنای متعهد ،اجرای صحیح این طرح گامی در راستای حل مشکلات انقلاب فرهنگی و نویدی بر ایجاد دانشگاههای اسلامی باشد تا از این رهگذر گوشه‌ای از رسالت سنگین و دشوار دانشگاهیان در قبال خون شهیدان انقلاب و امت شهید پرور ایران به انجام رسد .

من ا . . . التوفیق و علیه التکلان

در این برنامه که همکاری ویکنواختی جهاد باوزارت علوم مطرح بود ،باید بگونه‌ای انجام میگرفت ،که ارزشهای بوجود آمده درجهاد به درون وزارت علوم راه یابد وجایگزین ارزشهای منفی نظام قبل شود . درضمن باتدوین برنامه های جدید سعی درجایگزین ارزشهای انقلاب به جای ارزشهای غلط شود . وعلاوه براینهابابکارگیری نیروهای متعهد وجهادی درنظام جدید ،امکان تحول نیروهای موجود درورزارتخانه به عمل آید . ودانشگاه انقلاب آنگونه ساخته‌شود که ازاسمش بتوان به ماهیت وچهره درونش پی برد .

به هرحال این طرح درتاریخ ۵۹/۱۱/۱۳ توسط شورای بررسی مسائل جهاددانشگاهی تهیه شد .شورائی که اداره دانشگاههارا دراین طرح بعهده داشت ازسه نفربه هفت افزایش یافت ،آنهم بصورتی که رئیس دانشگاه درداخل این شورابوده وتصمیمات شورارانیزاجرامینمود . طرح پس ازتصویب ستاد درتاریخ فوق ،مورد تصویب وزیرعلوم قرارنگرفت . ومتأسفانه حدود شش ماه ،بسبب عدم موافقت وزیرمتوقف شد .

بسبب طولانی شدن بحث ازآوردن طرح خودداری میشود . این طرح که‌پس ازانتخاب وزیرجدید دوباره مطرح شد بااصلاحات چندی بصورت زیر درآمد :

می‌بخشد و گامی نو و تحولی چشمگیر در مسیر انقلاب فرهنگی ایجاد نماید، و وزارت علوم را از یک حالت مرده بیک حالت متحرک و فعال و متناسب با انقلاب در آورد.

بدان علت که سیستم دولتی وزارتخانه با شریانها و ارتباطهای مشخصی با دیگر وزارتخانه ها و کل مملکت دارد، تحول باید بقدری حساب شده و دقیق صورت گیرد که در این میان مهمترین خسارت را با بیشترین بازدهی بعمل آورد.

اگر یک مرتبه بخواهد وزارت علوم با همه قوانین موضوعه داخلی و ارتباطی خارجی نفی شود، مسلماً" تا جایگزینی سیستم جدید، هرج و مرج و خسارتی ایجاد خواهد شد که حل آن بزودی امکان پذیر نخواهد بود. و مسلماً" فرصت طلبان بدلیل آگاهی بر نظام قبل، آنچه از دستشان برآید از ضربه زدن کوتاهی نخواهند کرد. مثال مشخص اینکه، در طول دوسال و اندی پس ازانقلاب تا شروع انقلاب فرهنگی که دانشگاهها در رابطه با وزیر، اداره میگشت. بعلت نبودن برنامه و همچنین مهره های مطمئن در تشکیلات، تحول امکان پذیر نبود. و وقتیکه ستاد انقلاب فرهنگی اختیار برنامه ریزی را برای نظام دانشگاهی بعهده گرفت، و نماینده خود جهاد دانشگاهی را مسئول اجرای برنامه های انقلابی و فرهنگی و آموزشی در دانشگاهها نمود، سریعاً" نظام چهره جدیدی بخود گرفت. میتوان با جرأت اظهار نمود که تنها در زمینه تحقیقاتی فعالیتی که در این یکساله جهاد دانشگاهی انجام داده، در مقایسه با مدت پنجاه ساله فعالیت دانشگاهها بمراتب چشمگیرتر بوده، و در اداره دانشگاهها و حذف عناصر ناباب و بکارگیری افراد مؤمن به انقلاب و بردن فرهنگ انقلاب به دانشگاه فعالیت قابل توجهی داشته است. جهاد دانشگاهی با استفاده از افراد متخصص و مکتبی با برنامه های تدوین شده در هر مرحله که با شور و شوق کامل بمرحله اجرا در میآید، توانست با ضد انقلاب درون دانشگاهی جو سازیها یش مقابله نماید بعلت ایمان افراد به کاری که انجام میدهند هر فرد این نظام در صدد رشد و تحول آن قدم بر میدارند.

و این طرز عمل در وزارت علوم ممکن نبود. با توجه به این مسائل، چون جهاد دانشگاهی از نحوه اداره دانشگاه تجربه آموخته بود، طرحی را برای تحول وزارت علوم تهیه دید که در این طرح بازوی قدرتمندی به کمک وزیر آمده، و در کنار وزیر علاوه بر تحول وزارتخانه مسائل و مشکلات اداری و اجرائی دانشگاه را جهت پیاده شدن طرحهای انقلاب فرهنگی بررسی نموده و راه حل می‌جست.

اشکالاتی بیمورد و غیر منطقی نتوانست به مرحله اجرا در آید و بدون هیچگونه تغییری در این مدت روی دست برنامه ریزان آن ماند. ولی پس از تشکیل ستاد انقلاب فرهنگی، طرح جهاد دانشگاهی بعلت همفکری و هم جهتی با ستاد، تصویب و بمرحله اجرا در آمد.

و همچنین در برنامه تدوین شده جهاد که هدف آن محو فرهنگ طاغوتی حاکم بر دانشگاهها و نابودی نظام غیر اسلامی دانشگاهی و بنیان گذاری فرهنگ اسلامی در دانشگاهها بود، بعلت عدم همفکری با برخی از استادان و مسئولان، با عدم همکاری آنها مواجه میشد.

از نظر افراد جهاد شکل گیری ارزشها و آرمانهای اسلامی در دانشگاه، از خود کفائی و عدم وابستگی به شرق و غرب گرفته تا مبارزه با فرهنگ فاسد شرک و نفاق و نیز بازیابی شرف اسلامی و هویت انسانی در دانشگاه تنها بروشی جهاد گونه ممکن خواهد بود. و این راهیابی فرهنگ اسلامی را جهاد دانشگاهی باروش "جهادی" تعقیب مینمود، چیزی که وزارت علوم با آن تشکیلات اداری عریض و طویل، بدلیل نحوه اداره و نظام آن و همچنین نحوه تفکر و عملکرد افراد آن نظام، از اجرای آن عاجز است، مگر با تحولی چشمگیر در کلیه سطوح آن. و وزارت علوم با برنامه ریزی متناسب و بکار گیری افرادی مؤمن و معتقد به حرکت انقلاب فرهنگی با تلاش پیگیر و مستمر و نه بصورت استفاده از بوروکراسی حاکم بر ادارات، بلکه جهاد گونه، خواهد توانست حرکت انقلاب فرهنگی را دنبال نموده و دانشگاه انقلاب را همگون با نظام جمهوری اسلامی ایجاد نماید.

این مهم را جهاد دانشگاهی در زمان وزارت وزیر قبل، با یکسال تجربه و دستاورد خود بانجام رسانده، که با برنامه ریزی نظام جهاد گونه برای وزارت علوم و همچنین اداره دانشگاهها و نحوه مدیریت آنها بگونه‌ای که این رو نهاد "جهاد و وزارت علوم" که بصورتی دوگانه و با دو سیستم متفاوت اداره دانشگاه رابعهده داشتند، میتوانستند با این برنامه تا حدی همگون در یک جهت قدم بردارند. متأسفانه این طرح نیز سرنوشت طرح جهاد دانشگاهی در بدو تشکیل را پیدا کرد و علیرغم تصویب این طرح توسط ستاد انقلاب فرهنگی، توسط وزیر علوم مورد موافقت قرار نگرفت و رد شد.

خوشبختانه با آمدن وزیر علوم جدید آقای نجفی طرح آماده شده توسط جهاد دانشگاهی شکل جدیدی بخود گرفت. وزیر علوم که خود نیز در شورای عالی جهاد دانشگاهی فعالیت مینمود و در تهیه این طرح نقش بسزائی داشت، میتوانست خواسته دیرینه جهاد دانشگاهی را به بهترین نحو به اجرا در آورده و به عملکردهای دوگانه و حتی چند گانه و خسته کننده در مسیر انقلاب فرهنگی، با تکمیل و تدوین و اجرای صحیح این طرح پایان

بسم ا... الرحمن الرحیم

رشد و تکامل جهاد دانشگاهی "که مجری برنامه انقلاب فرهنگی در دانشگاهها و مرکز برنامه ریزی تحقیقاتی دانشگاهی و همچنین در کل، اداره کننده دانشگاهها در مدت تعطیلی بوده" بسبب کسب تجربه های فراوان امکان گسترش نظام جهاد را در سطح کل نظام آموزش عالی مملکت میدهد، و از طرفی برنامه و روش وزارت علوم که بصورت سیستمی دست و پا گیر برای بسط نظام جهادی رخ مینمود، جلوگیر قسمتی از فعالیت ها میگشت. نحوه مدیریت نظام قدیم یا نحوه مدیریت جهاد تباین اساسی داشت و برخورد های ناگوار، اما منتظره، که ناشی از دو سیستم عملکرد متفاوت بود پیش میآمد. اگر چه در بسیاری موارد همفکری وجود داشت، ولی نظام مدیریت وزارتی که در چهار چوب قوانین و مقرارت اداری خشک و بیروح و موافق با نظام گذشته شکل گرفته، تربیت یافتگانی که بجز آن قوانین و مقرارت و همچنین پست و مقام و ترفیع چیزی را باور نداشتند، دارا بود. و عملاً" با نظام جهادی که مقرارت و برنامه‌اش را در چهار چوب انقلابی و اسلامی وضع نموده و میپذیرفت، درگیر میشد. در اوان شروع کار جهاد نقایص چشمگیری در این نظام دیده میشد که البته با برنامه ریزی های مداوم و لازم جبران میگشت نکته مهم اینکه در برخورد دو نظام جهاد و وزارت علوم نیروهای همفکر که در نظامهای متفاوت عملکرد های خلاف هم انجام میدادند و گاهی بخاطر روشن نبودن علت تخالف، نتایج ناگواری ببار آورده، و اشتباه در روش، اشتباه در طرز تفکر نامیده شده و جدایی دو نیروی هم فکر را بدنبال داشت. این چیزی بود که بارها در عملکرد های انقلابی پس از انقلاب مشاهده شده و درجهاد نیز مواردی اتفاق افتاده است در تشکیل و شروع بکار جهاد، در برنامه ریزی و رشد جهاد و ... این نه تنها در سطح مدیریت یک دانشگاه بلکه در سطح مدیریت نظام آموزش عالی نیز جلوه مینمود برای مثال: شما را به مقاله تکوین و تکامل جهاد دانشگاهی مجله شماره ۲ دانشگاه انقلاب صفحه ۵۳ ارجاع میدهیم، که نشان میدهد طرح جهاد دانشگاهی که جهت حفظ و نگهداری ارزشهای انقلاب اسلامی و جلوگیری از تجاوز به آن، و اداره دانشگاه، پس از تعطیلی، تهیه شده بود و مدت قریب به سه ماه آماده پیاده شدن بود بعلت

۳- گــــــزینــــش دانشجــــو :

الف : گزینش دانشجو در دانشگاههای فنی و مهندسی بر اساس ضوابط و شرایطی که قبلاً" برای هـــر رشته با مجموعه درسی تعیین شده و باطلاع داوطلبان رسانده‌اند و همچنین بر اساس نتایج - آزمایشهای انجام شده از طریق آزمون که در کارنامه های داوطلبان است صورت میگیرد .

ب : گزینش بطور متمرکز و حداکثر دوبار در سال انجام میگیرد .

ج : درصدی از ظرفیت پذیرش هر یک از دانشگاههای فنی و مهندسی بصورت آزاد و در اختیار کلیـــه داوطلبان کشور قرار میگیرد .

د : هر دانشجو برای گذراندن یک مجموعه خاص در دانشگاه پذیرفته میشود . تحصیل همزمان در بیـــش از یک مجموعه امکان پذیر نخواهد بود .

بمنظور گشودن درب دانشگاهها بروی کلیه پویندگان علم و دانش، دانشگاهها دوره های کوتاه مدت آموزشـــی برای کسانیکه صرفاً" طالب فراگیری بیشتر بدون کسب مدرک هستند را ارائه میدهد . بمنظور تعمیم برخورداری از امکانات آموزشی دانشگاه تسهیلاتی در شرایط پذیرش این دوره ها خواهد داشت.

از طرف دیگر حذف شرط داشتن دیپلم دبیرستانی در شرایط پذیرش دانشگاه موجب میشود که جوانـــان آزادانه به کسب حرف پرداخته و هرگاه تمایل به ورود به دانشگاه داشتند پس از آمادگی در آزمون و گزینـــش دانشگاهها شرکت نمایند و امکان ادامه تحصیل برای آنها محفوظ بماند . (۱)

ب: دوره اجتهاد : در این دوره به تحقیق در حوالی مرزهای علم مهندسی پرداخته میشود . به مولا" کسانی میتوانند بدوره اجتهاد راه یابند که دوره تحقیقاتی را با موفقیت در سطح عالی بپایان رسانده باشند .

ج : دوره تحقیقاتی : این دوره معمولا" پس از اتمام دوره آموزشی شروع میشود تنوع رشته ها در این دوره کمتر از دوره آموزشی بوده و فعالیت تحقیقاتی در این دوره اهمیت فراوانی دارد .

پذیرش دانشجو :

۱ـ اصول و اهداف :

الف : فراهم آوردن امکانات دانشگاهی عادلانه برای همه افراد جامعه

ب : قطع وابستگی مطلق آموزشهای دانشگاهی از آموزشهای دبیرستانی و هدایت جوانان و افراد مستعد به آموزش و کارهای فنی و حرفه‌ای مورد نیاز جامعه و جلوگیری از سوق دادن دانش‌آموزان به دوره های نظری صرفا" برای پیوستن به صف کنکور و ورود به آموزش دانشگاهی .

ج : هدایت جوانان مستعد هر منطقه به ادامه تحصیل در مراکز آموزشی دانشگاهی همان منطقه و تخصیص سهمیه پذیرش داوطلبان مناطق فاقد امکانات دانشگاهی .

د : رفع نابرابری و ایجاد عدالت در سنجش معلومات و استعداد داوطلبان .

۲ـ آزمون :

الف : آزمون بمنظور شناسائی استعدادها و معلومات داوطلبان در مواد مختلف درسی انجام میپذیرد .

ب : آزمایشها بصورت متمرکز و به دفعات کافی در هر سال توسط سازمان سنجش آموزش کشور و با همکاری دانشگاهها و ارگانهای دیگر کشور بطور سراسری یا منطقه‌ای برگزار میشود .

ج : آزمون باید طوری بعمل آید که به یک ارزشیابی صحیح و جامع بیانجامد لذا هر جلسه امتحان برای آزمایش داوطلبان در یک موضوع و یا یک ماده درسی برگزار میگردد . در آینده بتدریج امتحان نهائی دبیرستانهای فنی جایگزین این آزمون خواهد گردید .

د : نتیجه هر آزمایش بصورت کارنامه‌ای مستقل در اختیار داوطلبان گذارده میشود . مدت اعتبار آزمایشات محدود بوده و دفعات شرکت مجدد داوطلبان در آزمایشها دارای محدودیتهایی خواهد بود .

* دانشگاههای فنی و مهندسی :

کلیه تحصیلات عالیه فنی و مهندسی در دانشگاه فنی و مهندسی صورت میگیرد . مراکزی که در گذشته تحت عناوین مختلف مانند دانشکده های فنی ، مدارس عالی ، انستیتوهای تکنولوژی و امثالهم به تعلیمات فنی و مهندسی میپرداختند از این پس جزء دانشگاه فنی و مهندسی بحساب خواهند آمد .

گرچه ممکن است بعضی از دانش آموزان پس از اتمام دبیرستان فنی شرایط لازم برای ورود به دانشگاه فنی کار و یا کارآموزی خواهند پرداخت . جزئیات برنامه کار یا کار آموزی توسط کمیته های تخصصی برنامه ریزی تعیین شده و حتی الامکان سعی خواهد شد که برای رشته های مختلف برنامه های مشابهی تنظیم شود ، — معهذا باید توجه داشت که گذراندن دوره دبیرستان فنی از لوازم ضروری ورود به دانشگاه فنی و مهندسی نیست ممکن است افرادی بتوانند در صورت احراز شرایط لازم بدون گذراندن دوره دبیرستان فنی وراد — دانشگاه فنی و مهندسی شده به ادامه تحصیل رشته خاصی بپردازند .

مقاطع تحصیلی رشته فنی و مهندسی در دانشگاهها :

تحصیلات عالیه در دانشگاههای فنی و مهندسی بطور کلی به سه دوره آموزشی تحقیقاتی و اجتهاد تقسیم میشوند :

الف : دوره آموزشی ، در این دوره مجموعه هائی از دروس نظری آزمایشگاهی عملی و یا ترکیبی از آنها به دانشجویان آموزش داده میشود که در مجموع طیف وسیعی از تحقیقهای صنعتی مورد نیاز جامعه را تأمین خواهد نمود . لازم بتذکر است که تخصصهایی که در دانشگاههای فنی و مهندسی آموزش داده میشوند بمراتب متنوع تر ، عمیقتر و در سطح عالی تری از دبیرستانهای فنی میباشد .

تنوع رشته در این دوره بگونه ایست که کلیه نیازهای کوتاه مدت وبلند مدت جامعه را از نظر نیروی انسانی تحصیل کرده در دانشگاههای فنی و مهندسی برآورده سازد . طول دوره تحصیلی هر مجموعه به کمیت و کیفیت مطالب درسی آن بستگی داشته توسط کمیته های تخصصی تعیین میشود . هر دانشجو برای گذراندن یک مجموعه خاص در دانشگاه پذیرفته شده و تحصیل همزمان بیش از یک مجموعه امکان پذیر نخواهد بود .

اصـــول نظام آمـوزشی و فنـی و مهندسـی :

با توجه به ارتباط مقاطع مختلف آموزشی ،تهیه طرحی در مورد نظام آموزشی دبیرستانهای ضروری تشخیص داده شد لذا قبل از ارائه اصول نظام آموزشی دانشگاهی اصول طرح پیشنهادی نظام آموزشی دبیرستانهای فنـی به اختصار آورده میشود . جزئیـات اجرائـی طرح نظام آموزشی دبیرستانهای فنی توسط واحدهـای زیـر بـط تـدویـن خواهـد شـد .

* دبیرســتانهـای فنـی :

کسانیکه تحصیلات دوره عمومی را بپایان میرسانند میتوانند یکی از دو راه زیر را انتخاب نمایند .

۱ــ ورود به بازار کار ۲ــ ادامه تحصیل

(توضیح آنکه دوره عمومی دوره‌ای هشت ساله با برنامه‌ای مشابه در سراسر کشور میباشد . شروع این دوره معولا" از هفت سالگی خواهد بود و طی این دوره برای همه افراد ضروری است)

کسانیکه پس از گذراندن دوره عمومی مایلند وارد بازار کار شوند ممکن است مستقیما" یا پس از طی یک دوره کارآموزی که برای این منظور در نظر گرفته میشود وارد کار شوند . کسانیکه مایل به ادامه تحصیل باشند میتواننـد در دبیرستانهای مختلف نظیر دبیرستانهای کشاورزی ،فنی و . . . . ادامه تحصیل دهند .

دبیرستانهای فنی که برای آموزش حرف مختلف تأسیس و برنامه ریزی میشوند شامل دوره دوساله میباشـند : دوره دوساله اول : در این دوره تمام دانش‌آموزان رشته فنی علاوه بر دروس نظری که قسمت عمده تعلیمـات آنها را شامل میشود با حرف و مشاغل مختلف نیز آشنائی مختصری پیدا میکنند . دانش‌آموزان پس از طی این دوره جهت تکمیل اطلاعات و معلومات در رشته مورد نظر خود به دوره دوم دبیرستان فنی وارد میشوند .

دوره دوساله دوم : در این دوره رشته های مختلف فنی آموزش داده میشود . به این معنی که درکنـار دروس نظری لازم برای این دوره دانش‌آموز در مراکز تولیدی ، خدماتی و یا دبیرستان و مراکز آموزشی، آموزش عملی لازم را نیز با برنامه مشخص میگذراند . بطوریکه توانایی شروع بکار در زمینه ها همان رشته را داشته باشـد . بنابراین دانش‌آموز پس از پایان تحصیلات دوره دبیرستان حداقل دارای یک کار آیی خواهد بود .

دقیقاً" دارای تفکرات غربی و شرقی هستند .

سنگر بزرگ استعمار در کشور ما سنگر علوم انسانی است اگر بتوانیم این سنگر را تسخیر کنیم در انقلاب فرهنگی پیروز بوده‌ایم اگر اسلام این سنگر را تسخیر نکرد دوباره آنچه راکه بدست آورده‌ایم از دست خواهیم داد . (۱۰)

* با این امید که برادران و خواهران کمیته تخصصی علوم انسانی در این مهم موفق باشند . انشاءالله

باشند ، دانشجویان در امر تولید فعال میشوند از این گذشته در نظام قبلی کشاورزی فقط در دو سطح مطرح بود یکی کشاورزان ساده که هیچ اطلاعات علمی از این مسئله بوسیله آموزش کلاسیک نداشتند و فقط بر اساس تجربه کار آیی بدست آورده بودند و دیگری لیسانسه های رشته کشاورزی که بر عکس فقط در کلاسها دوره می‌دیدند و بعد از فارغ التحصیل شدن متأسفانه جذب کار اداری میشوند و این البته جزئی از طرح نابودی کشاورزی ایران بود . ولی با اجرای طرح جدید کشور از لحاظ داشتن نیروی کارآزموده در سطوح مختلف بهره‌مند خواهد شد یعنی از اولین دوره دبیرستانی تا دوره عالی علوم کشاورزی ، ۵ دوره وجود دارد که دانشجویان پس از فارغ التحصیل شدن از هر کدام این دوره ها قادر خواهند بود در نظام تولیدی فعال باشند با این امید که این طرح بتواند جوابگوی نیازهای اقتصادی ایران بوده و ما را از اقتصاد تک پایه‌ای متکی به نفت نجات دهد . (۹)

* کمیته تخصصی علوم انسانی :

کمیته علوم انسانی متأسفانه هیچ طرحی برای تغییر نظام فعلی و جایگزین نمودن نظام اسلامی در دانشکده های مربوطه ارائه نداده است . البته این مسئله نه بدلیل کم کاری و یا اهمال در این امر میباشد بلکه به واسطه اهمیت زائد الوصف کار علوم انسانی است . چرا که در یک نظام اسلامی باید انسان را در درجه های والای مکتبی خود تعریف کرد و طرحی را ارائه داد که فارغ التحصیلان این دانشکده عالم و آگاه دقیق به این ارزش ها باشند و نه فقط عالم بلکه عامل به آنها ، و اگر شخصی با جو فعلی دانشکده های علوم انسانی آشنا باشد دقیقاً" میداند که چقدر با این ارزشها بیگانه و حتی مخالف است . تنها مسئله‌ای که در دانشکده های علوم انسانی مطرح نیست تربیت انسان است . این دانشکده ها بدلیل اینکه مباحث اصلی دروس آنها مربوط به مسائل اقتصادی ، سیاسی و ایدئولوژی میباشد محل بسیار مناسبی برای تربیت مغزهای متفکر و طراحان نظامهای استعماری و بلکه استحماری و این تاخت و تاز افکار و برنامه های مارکسیستی و یا کاپیتالیستی است . استادان مربوطه بجز معدودی که تعهد خود را حفظ کرده‌اند . بقیه مواد درسی را به ترویج ایدئولوژی های کفر آمیز غربی و یا شرقی اختصاص میدهند ، البته منظور ما این نیست که مبانی ویژه کاریهای مارکسیسم و یا کاپیتالیسم تدریس نشود چرا که با تدریس آنها به شکل صحیح اشکالات آنها بهتر مشخص میشود ولی متأسفانه چون دانشگاه روبروشدن افکار را نمیداند و کلاسهای درس به جای تحلیل و موشکافی مسائل فقط به القای مطالب می‌پردازد در انتها دانشجویان فارغ التحصیل شده این دانشکده

ج : آموزشکده کشاورزی :

تربیت مباشر و یا مروج کشاورزی با عنوان شغلی کاردان از اهداف آموزشکده های کشاورزی است. فراگیران طی یک دوره دو ساله در یکی از رشته های امور زراعی ، امور دامی ، منابع طبیعی و حرفه و صنایع روستائی مهارتهای لازم را بنحوی فرا میگیرند که بتوانند عملیات مربوطه را اداره ، ترویج و ارشاد بنمایند . شرایط گزینش دانشجو ، دارا بودن گواهینامه تحصیلی دبیرستان کشاورزی و موفقیت در امتحان ورودی .

البته فارغ التحصیلان دبیرستانهای غیر کشاورزی نیز ممکن است به آموزشکده کشاورزی راه یابند که شرایط و ضوابط آن طی آیین نامه جداگانهای اعلام خواهد شد .

د : دانشکده کشاورزی ، دامپزشکی و منابع طبیعی :

هدف : تربیت مدیر ، مربی آموزشی ، طراح برنامه های کشاورزی منطقهای در یکی از رشته های علوم زراعی ، علوم دامی و حرف و صنایع کشاورزی با عنوان شغلی کارشناس میباشد .

شرایط گزینش دانشجو : دارا بودن گواهینامه تحصیلی آموزشکده کشاورزی ، انجام حداقل دو سال کار عملی پس از اتمام دوره آموزشکده با شرایطی که آئین نامه مربوطه مشخص خواهد کرد ، موفقیت در امتحان ورودی .

۵ــ دوره علوم کشاورزی ایران :

هدف این دوره تربیت متخصص ، محقق ، مدرس و برنامه ریز در رشته های مختلف کشاورزی ، منابع طبیعی و دامپزشکی فارغ التحصیلان دوره های آموزشی دانشگاه علوم کشاورزی با عنوان متخصص و سپس مجتهد در رشته های مربوطه شناخته خواهد شد .

شرایط گزینش : دارا بودن پایان نامه تحصیلی دانشکده های کشاورزی ، منابع طبیعی و یا دامپزشکی ، اتمام حداقل دو سال کار پس از دوره دانشکده در مراکز آموزشی ، تحقیقاتی و اجرائی با نظارت هیأت آموزشی دانشگاه ، موفقیت در امتحان ورودی .

پی آمدهای طرح آموزشی کشاورزی :

در نظام قبلی کشاورزی که در جهت از بین بردن کشاورزی بعنوان یک عامل تولیدی در نظام اقتصادی ایران طراحی شده بود آموزش کشاورزی و دانشکده های این رشته هیچ کدام نقشی در تولید نداشتند ولی با توجه باین طرح که تنها کسانی میتوانند در دانشکده ها ثبت نام کنند که حداقل ۲ سال سابقه تجربی داشته

* خلاصه شرح مقاطع تحصیلی آموزش کشاورزی :

۱ـ دوره اول دبیرستان کشاورزی برای تربیت کارگر ماهر بعنوان عامل فعالیتهای زراعی و دامی بمدت دو سال .

۲ـ دوره دوم دبیرستان کشاورزی برای تربیت کار آموخته کشاورزی بعنوان عامل در واحد های زراعی و دامی بمدت دو سال .

۳ـ آموزشکده کشاورزی (فوق دیپلم) برای تربیت کاروان بعنوان مباشر و یا مروج کشاورزی و منابع طبیعی بمدت دو سال .

۴ـ دانشکده (کشاورزی ، دامپزشکی و منابع طبیعی) برای تربیت کارشناس بعنوان مدیر ، مربی و طراح رشته های مربوطه .

۵ـ دوره عالی علوم کشاورزی ایران برای تربیت ، تخصص ، محقق ، مدرس و برنامه ریز در رشته ها مربوطه .

الف : دوره اول دبیرستان کشاورزی :

هدف ، تربیت کارگر ماهر در حرفه عمومی و عملیات کشاورزی است . برای وارد شدن باین گونه دبیرستانها داشتن گواهی اتمام دوره راهنمائی تحصیلی ، آمادگی جسمی برای انجام عملیات کشاورزی ، روستازاده بودن و یا علاقمندی به کار و زندگی در روستا و موفقیت در آزمایش ورودی لازم است . فارغ التحصیلان این دوره آموزشی با عنوان کارگر ماهر میتوانند وارد بازار کار شوند .

ب : دوره دوم دبیرستان کشاورزی :

هدف ، تربیت عاملین در واحد های زراعی و دامی با عنوان شغلی ، کارآموخته کشاورزی میباشد . شرایط گزینش در این دوره فارغ التحصیل شدن از دوره اول ، البته دانش آموزان غیر از رشته کشاورزی نیز میتوانند به دوره دوم وارد شوند که ضوابط آن بعداً" مشخص میشود . فارغ التحصیلان این دوره قادرند فعالیتهای زیر را انجام دهند :

اقدام به عملیات کاشت ، داشت و برداشت و بازاریابی محصولات کشاورزی ، نگهداری و استفاده از ماشینهای کشاورزی ، نگهداری ، تغذیه و تولید دام و طیور ، حفاظت و بهره برداری از منابع طبیعی قابل تجدید .

۹ــ وجود آموزش و کیفیت درمان بهتر و در نتیجه ایجاد جاذبه در شهرستانها باعث جذب نیروی متمرکز در مراکز استانها و پایتخت میشود . همچنین گزینش و آموزش منطقه‌ای باعث میشود که فارغ التحصیلانی که در نزد یکترین محل به موطنشان تحصیل کرده‌اند رغبت بیشتری باشتغال و زندگی در آنجا داشته باشند با توجه به دلایل فوق توزیع عادلانه نیز بطور طبیعی انجام خواهد گرفت.

۱۰ــ متأسفانه تحقیق و پژوهش در دانشکده های پزشکی در نظام گذشته بدون در نظر گرفتن نیاز جامعه آنهم بطور ناقص انجام میگرفت باین معنی که در مراکز بعضی از استانها بدون توجه به مسائل و مشکلات موجود در شهرهای کوچک و روستاها طرحهای پژوهشی برای این مناطق تنظیم میشد در حالیکه در طرح پیشنهادی بعلت وجود سیستم ارتباطی دانشجو و استاد که تا سطح روستا ادامه دارد ،پژوهش و تحقیق حالت پویایی زبومی بخود گرفته و فقط در حد نظریه های غیر قابل عمل باقی نمیماند . البته بودجه تحقیقاتی مستقل جهت پژوهشهای تخصصی و پایه‌ای منظور میشود .

۱۱ــ از دوباره کاری در امر درمان و بهداشت و تحقیق جلوگیری شده و لذا در بودجه مصرفی صرفه جویی خواهد شد .

۱۲ــ با همراهی آموزش،بهداشت و درمان سطح خدمات درمانی دولتی بالا خواهد رفت. لذا بیماران رغبت بیشتری به آن نشان خواهند داد . این امر موجب بروز رقابت با طب خصوصی شده و از قیمتهای سرسام آور خدمات درمانی خصوصی خواهد کاست.با اجرای این طرح که نظام طبی کشور بصورت منطقه‌ای و شبکه‌ای عهده‌دار آموزش و خدمات پزشکی میشود نیازهای بهداشتی و درمانی حل خواهد شد . بتدریج در طول چند سال در کلیه استانها بر پا میشود و وظایف نظام های دوگانه کنونی یعنی وزارت بهداری و موءسسات آموزشی را بعهده میگیرد . (۸)

۶ــ در این نظام دانشجویان و کلیه پزشکان بطور تمام وقت به امر آموزش پزشکی و درمان اشتغال خواهند داشت برای پزشکان رفاه و امکانات کافی تأمین میگردد و درآمد آنها در سطح درآمد پزشکان خصوصی (که حتما" تعطیل خواهد شد) قرار خواهد گرفت.

اجرای این طرح مزایای زیادی را در بر خواهد داشت که از آنها جمله است:

۱ــ حضور دائم دانشجو در اقصی نقاط کشور و آموزش توأم با خدمت امکان ندارد مگر اینکه مدیریت بیمارستانها و درمانگاههای موجود تحت یک پوشش (از جهات آموزش و خدمات) درآید تا از اصطکاک این دو جلوگیری شود.

۲ــ حضور دانشجویان در روستاها در بالا بردن سطح آگاهی عمومی روستائیان و بیدار کردن نیازهای خفته آنها بخصوص از نظر پزشکی و بهداشتی بسیار موثر خواهد بود.

۳ــ وجود دانشجویان متعهد و مسئول در سطح روستاها و مشارکت آنها در امور بهداشتی مانند واکسیناسیون و غیره موجب تعالی کیفیت خدمات بهداشتی میشود.

۴ــ بدلیل حضور دانشجویان در مراکز درمانی و بحث و تبادل نظر آنها با پزشک مسئول باعث بالا رفتن کیفیت خدمات درمانی میگردد.

۵ــ با اجرای این طرح دانشگاهها امکانات موجود را در بهداری و درمانگاهها برای آموزش و خدمت دانشجویان بکار میگیرند.

۶ــ در حال حاضر امکانات بسیاری در دانشگاهها و یا بیمارستانها وجود دارد که یا فقط در جهت آموزش و یا فقط در جهت خدمات بهداری از آنها استفاده میشود با اجرای این طرح میتوان هر دو استفاده را از وسایل پزشکی برد.

۷ــ در نظام جدید از پزشکان وزارت بهداری گروهی که قابلیت آموزش دادن را دارند بکار گرفته میشوند و بقیه نیز بعلت حضور دانشجویان و شرکت در امر تعلیم و تعلم از حالت رکود تدریجی خارج شده و فعال میگردند.

۸ــ با توجه به تمام وقت شدن اساتید دانشگاهها و خدمت آنها در سیستم شبکه‌ای از وجود شان در ارائه خدمات درمانی در سطح وسیعتر و برای عامه مردم بهره گرفته میشود.

۶ــ دانشجویان پس از فارغ التحصیل شدن مبادرت به تأسیس مطب خصوصی کرده و از فعالیت در بهداریها و کلینیکهای دولتی سر باز میزنند و این خود نیز بعلت اختلاف زیاد درآمد بین مطبهای خصوصی و بخشهای دولتی است.

* طرح کلی گروه پزشکی :

۱ــ آموزش پزشکی و خدمات بهداشتی در هر استان بصورت شبکه‌ای عرضه خواهد شد و هر شبکه مسئولیت امور آموزش و برنامه ریزی خدمات بهداشتی و درمانی را در آن استان بعهده خواهد داشت.

۲ــ سازمان مرکزی وزارت جدید فقط میان شبکه ها هماهنگی ایجاد میکند و نظارت بر برنامه ریزی و ارزشیابی و نظارت بر نحوه اجرای برنامه ها را خواهد داشت.

۳ــ ارائه استاندارد های آموزشی و ایجاد هماهنگی بین رشته های مختلف آموزش عالی کماکان بعهده وزارت علوم خواهد بود .

۴ــ ارائه خدمات بهداشتی و درمانی از روستاها آغاز میشود . لازم بتذکر است که ۷۲٪ بیماریهای روستائیان در شش بیماری (اسهال ، استفراغ ، سرماخوردگی ، دل درد و درد اعضاء ، عوارض پوستی و چشم درد خلاصه میشود و یک نفر با سواد که از ساکنین روستا باشد با گذراندن یک دوره چندین ماهه آموزشهای اولیه و درمانی همانند یک بهورز در خانه های بهداشت قادر به پیشگیری و درمان اولیه بیشتر بیماریهای ساده خواهد بود ، بیماران وخیم تر به درمانگاه بخش که دارای وسایل نسبتا" مجهز است اعزام میگردند که در صورت لزوم میتوان آنها را به بیمارستانهای شهرستان اعزام نمود .

۵ــ دانشجویان سالهای اول و دوم پزشکی پس از آموختن درس مربوط به بهداشت تغذیه و کمک های اولیه در مرکز استان ، بمدت ۴ ماه در هر سال در روستاها و بخشها با احتیاجات و مشکلات اولیه مردم آشنا شده و مشغول ارائه خدمات و کسب تجربیات میشوند برنامه آموزشی دانشجویان سالهای سوم و چهارم پزشکی شامل فیزیو پاتولوژی ، بیماریها و ارائه خدمات ۴ ماهه در درمانگاههای بخش و شهرها میباشد . در دو سال آخر (۵و۶) رشته پزشکی دانشجویان در بیمارستانهای شهرها و مراکز استان در حین آموزش و تجربه به خدمت مشغول خواهند بود .

اهداف واحد ترجمه، تألیف و تصحیح کتب دانشگاهی :

این واحد با دو برنامه کوتاه مدت و طویل المدت طرحهای خود را به اجرا میگذارد برنامه کوتاه مدت این واحد عبارت است از تشکیل گروههای تخصصی در رشته های مختلف دانشگاهی (۲۹ رشته) مرکب از اساتید مجرب و متعهد . این گروهها انتخاب کتابهای مناسب رشته خود را با رعایت طرحها و برنامه ریزیهای دانشگاههای آتی و نیازهای کشور با توجه به پیشنهادهای اساتید دانشگاهها بعهده خواهند گرفت. در زمینه انتخاب کتابها همکاری و ارتباط مستقیم با واحد برنامه ریزی آموزشی ستاد انقلاب فرهنگی برقرار است.

اهداف دراز مدت عبارت است از برآورد ن کلیه نیازهای دانشگاهها در زمینه کتابهای آموزشی و تأسیس یک مرکز انتشارات دانشگاهی که فعالیت های کلیه مؤسسات انتشارات علمی دانشگاههای کشوررا هماهنگ کرده و کار آنها را از مرحله انتخاب تا چاپ و نشر کتاب را زیر نظر خواهد گرفت.

در رابطه با اهداف کوتاه مدت تاکنون ۲۱ گروه از رشته های مختلف تشکیل شده و تعدادی کتاب نیز بمنظور تألیف و تصحیح بر عهده گرفته است. (۷)

طرح پیشنهادی گروه پزشکی (وابسته به قسمت آموزش عالی) :

در جریان تهیه طرح پیشنهادی گروه پزشکی در ابتدا باید عیوب آموزش پزشکی را بررسی کرد که پس از بررسی این عیوب دیده شد :

۱ـ دانشجویان بدلیل محصور شدن در دانشکده ها و بیمارستانهای تخصصی از مردم دور میشوند وبدون توجه به بیماریهای شایع و خاص منطقه بیماریها بررسی میگردید که نمونه آنها در ایران نادر بود و این باعث اتلاف وقت و دور شدن دانشجویان از فعالیتهای ملموس جامعه نیشد .و این ایجاد اشکالاتی زیادی در رابطه با ورود این گونه دانشجویان در جامعه مینمود .

۲ـ بدلیل اینکه دانشکده های پزشکی عمدتا" در شهرهای بزرگ هستند آنها با محیط بومی روستاها غریبه میشوند و میلی به بازگشت به آنجا ندارند .

۳ـ میل شدید به تخصص گرایی در موقعیتیکه وجود پزشکان عمومی در جامعه بسیار ضروری تر است.

۴ـ کم بودن تماس استادان با دانشجویان بعلت شاغل بودن آنها در مطبها و بیمارستانهای خصوصی .

۵ـ دورشدن طبیب از محیط علمی و آموزشی که این باعث رکود علمی اطبامیشود .

واحـــد تزکیـــه :

اهداف این واحد خلاصه میشود از پاکسازی وبازسازی دانشگاهها و لی با توجه به پایان یافتن لایحه قانونی پاکسازی مصوبه شورای انقلاب ،پاکسازی در دانشگاه منوط به قانونی شدن لایحه بعدی از ســـوی مجلس شورای اسلامی است.

واحد برنامه ریـزی آمـوزشـی :

این واحد در ۵ گروه فعال خلاصه میشود :گروه پزشکی ،علوم پایه ،کشاورزی ،فنی و مهندسی و گروه علوم انسانی. و هدف کلی آن تهیه و تدوین برنامه آموزشی در رشته های مختلف دانشگاههای اسلامی آتی است. هرکدام از این گروههای چهارگانه طرحی جهت برنامه آموزشی تخصصی خود ارائه میدهد که با ارســـال آن به دانشگاههای مربوط به رشته و اعلام آن در رسانه های گروهی به نظر خواهی گذارده خواهد شد وبالاخره بوسیله مجلس بررسی و تصویب میشود لازم بتذکر است که تاکنون گروههای پزشکی ،کشاورزی ،وفنی مهندسی طرح خود را به نظر خواهی عمومی گذاشته‌اند.

اهــــــداف جهـــاد دانشگاهـــــی :

۱ــ ایجاد ارتباط رویاروی بین دانشگاه و مردم در جهت درک عینی کمبود ها و کاستی های جامعه و آشنائی مردم با نیروها و امکانات دانشگاه و به کارگیری این امکانات.

۲ــ آشنائی کادر متخصص دانشگاهی با معیارهای اسلامی بعنوان خاستگاه فرهنگی است و ضامن تحقـــق آرمانهــــای بشریت.

۳ــ تأمین کادرهای تحقیقاتی و علمی نهادهای انقلابی با استفاده از امکانات دانشگاه.

۴ــ همکاری با ستاد در جهت تنظیم و ایجاد طرح آموزشی جدید وکنترل در اجرا و جلوگیری از انحراف آن در عمـــــل.

۵ــ هماهنگی با دیگر نیروهای دانشگاهی در جهت جلوگیری از اتلاف وقت و انرژی. (۶)

آمــــــوزش عالـــــــی :

بخش آموزش عالی یکی از سه بخش مهم ستاد است و خود تشکیل میشود از گروههای (بافت آموزشـــی دانشگاهها) (مدیریت و سازماندهی دانشگاهها) (تزکیه) (برنامه ریزی آموزشی) (ترجمه و تألیف و تصحیح کتب آموزشی و مسئولیت کلی آن تجدید نظام آموزش عالی کشور است.

بنابراین کمبودها و مسئله شورا با ستاد انقلاب فرهنگی در میان گذاشته شد . و ستاد در جهت تقویت مدیریت جهاد دانشگاهی تصمیم گرفت تا تشکیل شورای جدیدی دهد . در هر حال چه شورای مرکزی و چه شوراهای ۵ نفره دانشگاهها تغییر نمود و شوراهای هفت نفره‌ای با توجه به نیازها و کارآیی جهاد دانشگاهی تشکیل شد . و عملا" شوراهای اولیه منحل و یا ترمیم شد . شکل کلی شوراهای جدید عبارتند از : چهار استاد ، ۲ دانشجو و یک کارمند . کارها باین ترتیب در شورا تقسیم شده است : کارهای تخصصی طرح و برنامه بعهده دو نفر از اساتید یک نفر دیگر از اساتید بعنوان رئیس دانشگاه و مدیر شورا و هماهنگ کننده آن و یکی از استادان بعنوان مسئول امور مالی و اداری جهاد دانشگاهی ، دو نفر دانشجو مسئول فرهنگی جهاد و کارمند عضو شورا و نیز بعنوان برنامه ریز و پیگیر مسائل مادی و اداری جهاد دانشگاهی قرار گرفتند . این تغییرات صرفا" در جهت تقویت مدیریت جهاد های دانشگاهی و پیشرفت بسوی مدیریت مطلوب دانشگاهی آینده بود ولی باز هم با توجه به تغییرات فوق مسئله امور مالی و اداری که هنوز بر همان روال سابق است دست و پای جهاد را در عمل محدود میکند . (۵)

مسـئولیت های سـتاد انقـلاب فرهنگـی :

امام در پیامشان مسئولیت ها را چنین عنوان میکنند :به این ستاد مسئولیت داده میشود که از افـراد صاحب نظر و قشرهای تحصیل کرده متعهد و موءمن به جمهوری اسلامی دعوت نمایند تا شوراهایی تشکیل دهند و برنامه ریزی رشته های مختلف و خط مشی فرهنگی آینده دانشگاهها بر اساس فرهنگ اسلامـی و انتخاب و آماده نمودن اساتید شایسته متعهد و آگاه دیگر امور مربوط به انقلاب آموزشی اسلامـی اقدام نمایند ،در این پیام تغییرات نظام آموزشی به دانشگاهها محدود نمیشود و پاکسازی دبیرستانهـا و دیگر مراکز آموزشی از فرهنگ استعماری به عهده ستاد گذارده میشود . (۳)

و بر اساس همین مسئولیتها ستاد شروع بکار میکند ،لایحه قانونی راجع به تحقق اهداف ستاد از جانب رئیس جمهور و رئیس شورای انقلاب (بنی صدر) تصویب میشود که دارای سه بند است و در آن به دانشگاهها ابلاغ میشود که نیروهای خود را در اختیار ستاد قرار دهند و حقوق آنها نیز کماکان از محل اعتبـارات دانشگاهها پرداخت شود و اعتباری بمبلغ ۵۰۰ میلیون تومان برای طرحها در اختیار ستاد قرار میگیرد . پس از قانونی شدن و تعیین چهار چوب فعالیتهای ستاد انقلاب فرهنگی جهاد دانشگاهی به سرپرسـتی شورای عالی جهاد دانشگاهی که تشکیل میشوند از براد رفارسی به نمایندگی از سوی ستاد و رحیم زاده (استاد) تهزانی (استاد) ،آخوندی (دانشجو) و سعید کلانترنیا (نماینده جهاد سازندگی) از جانـب ستاد انقلاب فرهنگی در تاریخ ۵۹/۵/۱۶ تشکیل میشود . و محدوده فعالیتهای آن به شناسائی و استفاده از نیروهای آزاد شده و بررسی جذب آنها در نهادها و وزارت خانه ها ،استفاده از امکانات و تجهیزات ـ دانشگاهی و استفاده از اعتبار ۵۰۰ میلیون تومانی مقرر شده مشخص میشود . با تشکیل جهاد دانشگاهی ، آموزش عالی و جهاد دانشگاهی و یک دفتر هماهنگی مشغول به فعالیت شد . (۴)

۱) شورای عالی جهاد دانشگاهی در هر یک از دانشگاهها شوراهایی تشکیل داد که مرکب بودند از یک استاد ،یک دانشجو ،یک کارمند ،یک نماینده از جهاد سازندگی و رئیس دانشگاه. پس از تشکیل شوراهای فوق همزمان با گسترش فعالیتهای جهاد به نظر میرسید که شورای مرکزی و شوراهای دانشگاهها هم از نظر تعداد و هم از نظر شکل آن کارآیی لازم را نمیتوانند داشته باشند و پس از مدتی که جهاد دانشگاهـی بسوی تشکیلات وسیع تری پیش میرفت این کمبود بیشتر احساس میشد .

رفـــع اشکال چهارم باز هم بایستی این نیروها را در محلهایی که نیاز به آنها وجود داشت بکار گرفت که در این راه جهاد و سپاه میتوانند بهترین نقش را داشته باشند .

بدنبال تعطیلـــی دانشـــگاه باز هـــم همچـــون گذشـــته این امام است که راه می‌نمایانـــد و ســـتاد انقـــلاب فرهنگـــی را بـــا داشـــتن ۸ عضـــو در تاریخ ۲۲ خرداد سال ۵۹ معرفـــی میکند . در صدر این ستاد برادران : املشـــی ، ســـروش ، شریعتمداری ، آل احمد ، فارسی ، حبیبی و بـــرادر شهیدمـــان باهنـــر قرار گرفتند .



این همه با علل بسیاری دیگر که در زیر مجموعه های این مجموعه اصلی قرار میگیرند دست بدست هم دادند و اسباب اصلی‌را برای انگیزه تغییری بنیادی در سطوح مختلف بخشهای آموزشی کشور ایجاد گردند . و بدنبال پیام نور آفرین نوروزی امام این انگیزه در دانشجویان مسلمان و معتقد به خط امام ایجاد شد تا چاره‌ای بجویند . در این چاره جوئی سه راه وجود داشت :

۱- نظام آموزشی فعلی باقی میماند و درکنار آن طرحی برای تغییرات اساسی تدوین میشود و با آماده شدن آن دانشگاهها بر اساس آن عمل بکنند .

۲- درکنار دانشگاههای فعلی ، دانشگاههایی بر اساس فرهنگ انقلاب تشکیل داد و در آنها وضوابط جدید را حاکم کرد و بتدریج آنرا در سایر دانشگاهها گسترش داد .

۳- نظام فعلی را متوقف کرد و تا آماده شدن طرحی نو برای انقلابی کردن نظام آموزشی تعطیلی را ادامه داد . که با بررسی های مختلف راه سوم ، بهترین راه چاره تشخیص داده شد "۱" با به اجرا درآمدن آن و جریان تعطیل شدن دانشگاه و مقاومت گروههایی که از این برنامه متضرر میشدند پیش آمد و با تصمیم شورای انقلاب ۵۹/۲/۱ آخرین روز مهلت برای خارج شدن گروههای سیاسی از دانشگاهها تعیین شد که در اکثر قریب به اتفاق دانشگاهها این جریان با درگیری های نسبتا" شدید پایان یافت. ولی با این وجود اشکالات طرح ۳ به همین جا خاتمه پیدا نکرده ، اولین مشکل عکس العملی بود که از جانب بعضی از اقشار حکومت و دولت ابراز میشد و این حرکت را یک حرکت خودکامه و بدون رعایت مسیرهای تعیین شده تلقی میکردند در حالی که اگر قرار بود این حرکت باز هم از کانالهای اداری عبور کند خود مسخ میشد چرا که برای براندازی نظامی نمیتوان از همان نظام کمک کرد چرا که ابزار و آلات همه فاسد هستند . دومین مشکل هدر رفتن نیروهایی بود که تاکنون در دانشگاه فعال بودند و با تعطیلی دانشگاه هرز میرفتند ، اشکال سوم در رابطه بودن ارگانیک برخی از نهاد های اجتماعی ، با بسیاری از دانشگاهها نظیر رشته های پزشکی و کامپیوتر ، اشکال چهارم دانش آموزانی که دیپلم گرفته‌اند و یا خواهند گرفت و با تعطیلی دانشگاه آنها نیز بر نیروهای بیکار جامعه اضافه خواهند شد" (۲) .

ولی رفع اشکالات با وجود سختی راه باز هم میسر بود ، برای بکار گیری نیروهای آزاد شده از دانشگاه دفتر تحکیم وحدت شروع به جذب نیروهای آزاد شده و ادغام آنها در نهاد های انقلابی نمود ، برای

بسمه تعالی

*** بررسی خط سیر انقلاب فرهنگی :**

بدنبال سقوط شاه رژیم وابسته دیکتاتوری ۲۵۰۰ ساله، جایگزین شدن رژیم جمهوری اسلامی، بعد از تعطیلی تقریبا" یک ترم در دانشگاهها، با پیروزی انقلاب دانشگاه دوباره باز شد، و با توجه به شرایط آزادی بعد از انقلاب دانشگاه بعنوان محلی صرفا" برای فعالیتهای سیاسی گروهها شروع بکار کرد، خبری از درس خواندن و آموختن فنون و بکارگیری آن در جهت استقلال فرهنگی و اقتصادی نبود، هر چند که اگر در آن شرایط دانشگاهی درسی هم خوانده میشد همچون نتیجه‌ای را بدنبال نمی‌آورد.

در شرایط دوران انقلاب شاید بتوان گفت که دانشگاه سمبولی از مبارزه بود، و دانشجویان همگام با برادران روحانی در صفوف مبارزه علیه رژیم در کنار هم گام بر میداشتند، ولی با شروع کار دانشگاهها، دانشجویان دوباره از جامعه جدا شدند و بدلیل جوّی که یادگار رژیم گذشته در دانشگاه بود، دانشگاه در خود فرو رفت و از مردم و انقلاب عقب ماند. گروههای ضد انقلاب دانشگاه را محل تاخت و تاز خود ساختند و دانشجویان مسلمان میدیدند که اگر در این معرکه بمانند در آن حل خواهند شد و اگر بیرون روند میدان برای گروههای ضد انقلاب باز خواهد ماند. پس چه باید کرد؟ باید میدان و معرکه را تغییر داد، باید آنجا را هماهنگ با انقلاب کرد ولی با خصوصیاتی که دانشگاه در آن شرایط داشت این امر غیر ممکن بود، دانشگاهی که هنوز بر پایه همان ضوابط دوران شاه با همان درسهائیکه یا دیکته شده از غرب بود و یا از شرق، با استادانی که جز معدودی از آنها غرب و شرق را الگوی خود قرار میدهند، با خصلتهائیکه دانشجویان را فقط در جهت حفظ یک سری محفوظات تربیت میکند، دانشجوئیکه وقتی فارغ التحصیل میشود نمیداند بیماریهای جامعه‌اش را چگونه باید بر طرف کند و یا برای حل آنها مارکسیسم را پیشنهاد میکند یا کاپیتالیسم را، و حرفش با مردم بیگانه است و بر اساس محیطی پرورش یافته که فقط بنشینند پشت میز و پول بگیرد تا دستگاه غول پیکر بروکراسی یادگاری از شاه بچرخاند، با این خصلتهائی از انقلاب بویی نبرده چگونه میتوان جوابگوی مردمی بود که ۶۰ هزار شهید داده است چگونه میتوان پول بیت المال را مصرف کرد و بهمان راهی رفت که جاده آن را نظام شاهنشاهی کشیده است.

کمیته علوم پایه



گذری بر وظائف و کارکرد ستاد انقلاب فرهنگی و جهاد دانشگاهی

کمیته فرهنگی جهاد دانشگاهی اهواز

